



جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیستم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰

- ۱. تحلیل اثرات مگامال‌ها بر پایداری جوامع محلی (مطالعه موردی: شهرهای شهرستان عباس آباد) قرزانه ساسان‌پور، علی محمد، محمد سلیمانی مهرنجانی، زهرا دلقان آذری
- ۳۵. تحلیل موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زنجان) حمدالله سجاسی قیداری، احمد رومیانی، نسرین جعفری
- ۷۱. سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌قرا در شهر سبزوار سعید حسین آبادی، ابراهیم اکبری
- ۱۰۱. مقایسه تطبیقی میزان درآمدزایی تولید گیاهان دارویی نسبت به سایر تولیدات زراعی در روستاهای شهرستان کلات منصوره علیپور خشت، حمید جعفری، کتابون علیزاده
- ۱۱۹. کاربرد دمای احساسی مبتنی بر تئوری نسبت ظلالی در ارزیابی شرایط آسایش انسانی کلان‌شهرهای ایران محمد یاقعیده، فاطمه میوانه
- ۱۶۵. رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان (مطالعه موردی: دهستان مشایخ شهرستان ممسنی) رعنا شیخ بیگلر، ابراهیم رستگار، آرزو سپهر روشن
- ۱۹۷. ظرفیت‌های بازاریابی بافت‌های ناکارآمد شهری با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی (مورد مطالعه: شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد) اسماعیل علی اکبری، سیدمهدی موسی کاظمی محمدی، مصطفی طالشی، محمدمهدی مروج الشریعه
- ۲۳۷. نقش توسعه گردشگری در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستای زیارت، شهرستان گرگان) نهیمه رضایی، علیرضا خواجه شاهکوهی، بهمن صحنه
- ۲۵۷. بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت و بازاریابی سبز در جهت توسعه صنعت گردشگری (مورد مطالعه: استان اردبیل) مسلم سلیمان‌پور، رضا نوروزی اجیرلو
- ۲۸۱. مدل‌سازی آماری رابطه بین شیب قرار رسوبات و شیب دامنه نیکاه (مطالعه موردی: نیکاهای کویر ابراهیم‌آباد سرجان) صادق کریمی، محسن پورخسروانی

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیستم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمد رحیم رهنما

سرمدیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمدعلی احمدیان - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکترای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)
سیدرضا حسین‌زاده - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
کریم حسین‌زاده دلیر - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمدجعفر زمردیان - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
حمید شایان - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)
حسن کامران - دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)
سیدحسن مطیعی لنگرودی - استاد دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای روستایی)
سعدالله ولایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین‌شناسی)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان ویراستار ادبی متن مقالات: دکتر سیده مریم فضائی

مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱۱)

بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)

نشانی اینترنتی: <http://jgrd.um.ac.ir/> E-mail: JRD@Ferdowsi.um.ac.ir

شماره‌ی پروانه: ۱۳۴/۲۷ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸۶/۱۲/۱ رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به "نشریه" علمی "تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه‌اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<https://jgrd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲. مقاله ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیئت تحریریه مجله، انتظار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال ننمایند.

۳. مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 با نرم افزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چپ ۴ سانتی متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴. حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مورد نیاز برای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۶۰ حرف بیشتر شود و با قلم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶. مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم B لوتوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman 9 باید در زیر عنوان مقاله به صورت وسط چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 12، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹. اشکال و نمودارهای مقاله حتماً اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، B لوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره گذاری می شوند. شکل ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند الزامی است.

۱۱. معادل انگلیسی واژه های مهم در داخل متن با شماره گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱-۱۲. **صفحه عنوان:** در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (گان) درجه علمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۲-۱۲. **چکیده:** شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، تکنیک به کار رفته، یافته ها و نتیجه گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۳-۱۲. **مقدمه:** که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۴-۱۲. **مواد و روش ها:** که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال ها و فرضیه ها، معرفی متغیرها و شاخص ها کاربرد روش ها و تکنیک ها می باشد.

۵-۱۲. **مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری:** که در برگیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۶-۱۲. **یافته ها:** ارائه نتایج دقیق یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۷-۱۲. **بحث و نتیجه گیری:** متضمن آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارائه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهاد های احتمالی.

۸-۱۲. **تشکر و قدردانی:** قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکرافراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳. **نحوه ارجاعات:** منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱-۱۳. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می باشد اما برای ارجاعاتی که

بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول آمده و از واژه همکاران به جای سایر نویسندگان استفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتین نیز (Gilbert et al, 1994:76)

۱۳-۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:

نمونه فارسی:

۱. نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان کتاب (به صورت ایتالیک باشد)؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوه درج در فهرست منابع و مآخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

مثال برای کتاب: توسلی، محمود (۱۳۸۶)؛ اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ نام نشریه (به صورت ایتالیک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم (۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی (مطالعه موردی: مکانیابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۸.

۱۴. نقل قول ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه گذاری های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵. مقالات برگرفته از رساله و پایان نامه دانشجویان با نام دانشجو، استاد راهنما و مشاوران و با مسئولیت استاد راهنما انتشار می یابد.

۱۶. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

۱۷. شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه های نوآوری در حوزه نظریه و روش شناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده ای پیشنهاد می کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان (شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بدون چکیده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده

۱۲-۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی موکول خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجله جغرافیا و توسعه

ناحیه‌ای - کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۰۶۷۳۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر مژگان انتظاری نجف آبادی (دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه اصفهان)
دکتر خدیجه بوزرجمهری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه دامغان)
دکتر داود جمینی (استادیار گروه ژئومورفولوژی دانشگاه کردستان)
دکتر مهدی جوانشیری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی چراغی (استادیار برنامه ریزی روستایی دانشگاه زنجان)
دکتر محسن حمیدیان پور (دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان)
دکتر امین دهقانی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه جیرفت)
دکتر رضا دوستان (استادیار اقلیم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمد رحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر سمیه سادات شاه زیدی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه گیلان)
دکتر عیسی شیبانی امین (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر یزدان شیرمحمدی (دانشیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر طاهره صادق‌قلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی طالشی (استاد گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر علی اکبر عنابستانی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر علی گلی (دانشیار گروه جامعه شناسی و برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز)
دکتر مجید گودرزی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهیدچمران اهواز)
دکتر جعفر معصوم پور سماکوش (دانشیار اقلیم شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر مهدی مودودی ارخودی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بزرگمهر قائنات)
دکتر محمد یاپنگ غراوی (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز)
دکتر مجید یاسوری (استاد گروه جغرافیا دانشگاه گیلان)



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2023.69315.1024>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

تحلیل اثرات مگامال‌ها بر پایداری جوامع محلی (مطالعه موردی: شهرهای شهرستان عباس‌آباد)

فرزانه ساسان‌پور (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

sasanpour@khu.ac.ir

علی موحد (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

movahed@khu.ac.ir

محمد سلیمانی مهرنجانی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

m_soleimani_mehr@khu.ac.ir

زهرا دلفان آذری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

zahra.delfan2020@gmail.com

صص ۳۳ - ۱

چکیده

امروزه یکی از وجوه توسعه‌یافتگی شهرها، احداث مراکز تجاری بزرگ‌مقیاس با عنوان مال‌ها و مگامال‌هاست. در شهرستان عباس‌آباد، از شهرستان‌های ساحلی شمال کشور به دلیل رونق گردشگری، ۱۸ مرکز تجاری بزرگ‌مقیاس احداث شده است که به نظر می‌رسد آثار گوناگونی بر ابعاد پایداری (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) شهرهای این شهرستان گذاشته است؛ بنابراین هدف اصلی این تحقیق، تحلیل اثرات مگامال‌ها در شهرستان عباس‌آباد از دیدگاه کارشناسان و مردم است که به طور ملموس با این تأثیرات مواجه شده‌اند. روش تحقیق از نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شد و جامعه آماری شهرهای شهرستان است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر نمونه آماری تخمین زده شد و با روش تصادفی طبقه‌بندی شده، پرسشنامه از شهرهای شهرستان به نسبت جمعیتشان برداشت شده

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

است. با پرسشنامه تعیین ارجحیت، وزن نهایی معیارها به وسیله ۹ کارشناس و با روش مقایسه زوجی تعیین شد و با مدل ویکور فازی، شهرهای شهرستان از نظر پایداری تحلیل شدند. نتایج درخصوص معیارهای ۷۸ گانه تحقیق نشان داد، معیارهای درآمد، قیمت زمین و مسکن، اجاره بها و قیمت کالا و خدمات مهم‌ترین معیارهای سنجش پایداری هستند و اینکه شهرهای عباس‌آباد، کلارآباد و سلمان‌شهر به ترتیب با مقادیر ویکور ۰/۴۴۴، ۰/۴۵۰ و ۰/۵۳۳، رتبه‌های اول تا سوم پایداری (ناشی از ایجاد مراکز تجاری) را کسب کرده‌اند. همچنین میانگین پایداری کل شهرستان در حد متوسط با مقدار ویکور ۰/۴۷۵ ارزیابی شد که نشان می‌دهد مگامال‌ها بر پایداری شهرستان اثر گذاشته‌اند و میزان آن را در مقایسه با قبل از احداث مگامال‌ها کمتر کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: پایداری، مگامال‌ها، شهرستان عباس‌آباد، مدل ویکور فازی.

۱. مقدمه

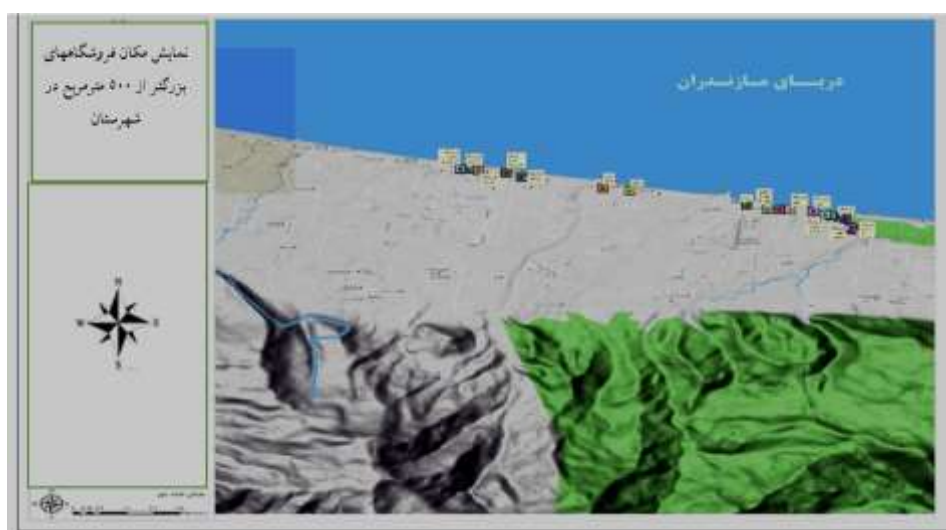
کاربری‌های تجاری بخشی از اراضی شهرها هستند که به شکل‌های گوناگون و در اندازه‌های متفاوت ظاهر می‌شوند و با توجه به شرایط مکانی و زمانی مختلف، تأثیرات گوناگونی بر پیرامون خود (سرور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۲). یکی از جدیدترین مراکز تجاری، مگامال‌ها هستند. مهم‌ترین ویژگی این مراکز، خدمات‌دهی گسترده به عنوان فضاهای اجتماعی نوین است که به عنوان مکان‌هایی برای گذران اوقات فراغت نیز محسوب می‌شوند (دهقان، ۱۳۹۵، ص. ۹۵). مگامال‌ها مکان‌هایی شگفت‌انگیز با مغازه‌هایی جذاب و طیف گسترده‌ای از مردم هستند که آخر هفته‌هایشان را در آن‌ها می‌گذرانند و تفریح و خرید می‌کنند (ابراهیم، ۲۰۱۸، ص. ۳۱۳۱).

اوج‌گیری ساخت‌وساز مراکز خرید پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا و اروپا با رشد اقتصادی، رشد جمعیتی و توسعه کلان شهرها همراه بود (مسجدی و نژادی، ۱۳۹۳، ص. ۹۸). توسعه مجتمع‌های تجاری، اولین بار در آمریکا در سال ۱۹۵۰ آغاز شد. پس از آن در غرب،

تعداد مجتمع‌های تجاری که خدماتی نظیر خدمات تفریحی و معاملاتی ارائه می‌کردند، افزایش یافت. (بخشی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲). در ایران نیز ساخت پاساژها و فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای از عصر پهلوی آغاز شد (آهور و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۴). در قرن بیستم با افزایش روزافزون جمعیت شهری و اتومبیل و حومه‌نشینی، برای آسودگی مردم و مشتریان (و کسب سود بیشتر)، شرکت‌های ساختمانی و تجاری به ایجاد ساختمان‌های جدید و مراکز خرید در حومه‌های شهری اقدام کردند. قبلاً در ایران فقط فضاهای تجاری محدود و کوچکی ساخته می‌شد که به آن‌ها پاساژ گفته می‌شد، اما در ادامه با رشد مبادلات تجاری و نیاز فعالان اقتصادی به فضای اداری، ساخت مراکز تجاری و اداری آغاز شد و بعد از آن کم‌کم کاربری‌های دیگری مثل رستوران، شهر بازی، سینما و... نیز به این مراکز اضافه شد و نام آن‌ها به مجتمع‌های تجاری-تفریحی تغییر یافت. امروزه در دوره ساخت مال‌ها و مگا مال‌ها هستیم (بخشی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲).

ساخت «مال» در خیلی از کشورها از جمله همسایه جنوبی ایران یعنی امارات بیش از یک دهه قدمت دارد، اما در تهران سونامی این مدل ساخت‌وساز از اواخر دهه ۱۳۸۰ آغاز شد. از آنجاکه ساخت چنین «غول‌مغازه‌هایی» در تهران و سایر شهرهای بزرگ به موج عظیم و سونامی تبدیل شده است، ضروری است که به پیامدها و تأثیرات آن بر زندگی و اجتماعات محلی پرداخته شود (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵، ص. ۹). پس از تهران و شهرهای بزرگ، موج ساخت این مراکز به شهرهای کوچک نظیر شهرهای ساحلی شمال کشور نیز رسیده است. شهرستان عباس‌آباد به‌عنوان یکی از شهرستان‌های ساحلی کشور دارای سه شهر عباس‌آباد، سلمان‌شهر و کلارآباد است که به‌دلیل گسترش و رونق گردشگری مناطق شمالی کشور طی سال‌های اخیر توسعه فراوانی یافته است. از مهم‌ترین جنبه‌های توسعه این منطقه می‌توان به احداث مراکز تجاری بزرگ در این شهرستان اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که ۱۸ مرکز تجاری بزرگ در شهرستان احداث شده است که (به‌ترتیب از غرب به شرق) شامل فروشگاه‌های بزرگ افق کوروش، استانبول و سروش، مجتمع تجاری الماس خاورمیانه، بازرچه ترکمن، ایران ترک و ریباک، سارینا، پانورما، آدیداس، پین، تونل، مالا، ال‌سی‌وایکیکی، دی فاکتو، لایکو و جین وست می‌شود و با فاصله‌ای اندک از همدیگر قرار دارند. مهم‌ترین آن‌ها مگامال‌های پانورما

و قوالماس خاورمیانه هستند که به نظر می‌رسد آثار مثبت و منفی گوناگونی بر ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع محلی گذاشته‌اند که باید بررسی شود و زمینه مناسب در جهت تقویت آثار مثبت و کاهش تأثیرات منفی آن صورت گیرد. در همین راستا، هدف اصلی این تحقیق بررسی وضعیت (رتبه‌بندی) پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد ناشی از ایجاد مگامال‌ها بود.



شکل ۱. پراکنش فروشگاههای بیشتر از ۵۰۰ مترمربع در امتداد شهرها

مأخذ: گردآوری پژوهشگر از اطلاعات مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۹

۲. پیشینه تحقیق

احداث مراکز یا مجتمع‌های تجاری و مگامال‌ها در سال‌های اخیر مدنظر قرار گرفته است، اما مطالعاتی که به پایداری جوامع محلی ناشی از اثرات ایجاد کاربری‌هایی از این دست پرداخته باشند، کمتر مشاهده می‌شود؛ با وجود این، سعی شده است تا مطالعات نزدیک به موضوع تحقیق ارائه شود؛ به گونه‌ای که رفیعیان و پهلوان (۱۳۹۴) تأثیرات ابرپروژه الماس شرق مشهد از نظر مردم را که به‌طور ذهنی و عینی و ملموس با تأثیرات ابرپروژه مواجه شده‌اند، بررسی کردند. آن‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات سه محله در پیرامون ابرپروژه الماس

شرق، حجم نمونه ۲۷۶ نفر را انتخاب کرده و برای تعیین اهمیت تأثیرات از روش تصمیم‌گیری چند معیاره الکره استفاده کردند. نتایج نشان داد، از نظر مردم مهم‌ترین تأثیر این پروژه‌ها به ترتیب شامل ۱. محرک رشد و توسعه و ساخت‌وساز در محلات پیرامون، ۲. دسترسی به خدمات، ۳. امنیت، عدالت اجتماعی، اقتصاد مکان و شرایط محیط‌زیست، ۴. مشارکت اجتماعی، حس تعلق، شبکه حمل و نقلی و اقتصاد خانوار می‌شود. سرور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود پویایی مجتمع تجاری لاله پارک شهر تبریز را براساس مؤلفه‌هایی همچون فرم مناسب و انعطاف‌پذیری، کاربری‌های مختلط، سرزندگی، تناسب بصری و حس تعلق، نفوذپذیری، ایمنی، امنیت و زمانمند بودن ارزیابی کردند. متخصصان و بازدید کنندگان مجتمع تجاری لاله پارک جامعه آماری پژوهش آن‌ها را تشکیل دهند و داده‌ها با استفاده از آزمون آماری خی دو در نرم افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر این است که بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان نگاه مثبت به مطلوبیت این مرکز تجاری داشتند و این مجتمع در پویایی فضاهای شهری مناطق همجوار تأثیرگذار است. سیاری و نصیری‌مقدم (۱۳۹۶) ویژگی‌های مجتمع تجاری‌های نوین شهری در جذب مشتری و گردشگر را با هدف بهبود وضع مراکز تجاری از لحاظ عملکردی و ساختاری بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مراکز تجاری با معیارهای مناسب از لحاظ مدیریت، عملکرد و ساختار بیشترین اثر گذاری را بر جذب مشتری و گردشگر دارد. همچنین مراکز تجاری که از لحاظ نزدیکی به محل‌های قدیمی و پر رفت و آمد و جذاب برای گردشگر باشند، با قابلیت دسترسی راحت از لحاظ حمل و نقل عمومی بیشترین تأثیر را بر جذب افراد دارند. ستوده و زارع (۱۳۹۷) در بررسی تأثیرات کالبدی احداث مجتمع‌های تجاری بر کاربری‌های شهری (نمونه موردی: شیراز مجتمع تجاری زیتون)، در روشی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیدند که کاهش تأمین آسایش لازم برای سکونت و افزایش حجم ترافیک از اثرات کالبدی احداث مجتمع‌های تجاری است. لیگتلم^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی درباره تأثیر توسعه مرکز خرید بر خرده‌فروشان شهرهای کوچک به این نتیجه دست یافت که ترازنامه خالص درمورد تأثیر توسعه مراکز خرید بر خرده‌فروشان شهرهای کوچک، به‌وضوح حاکی از کاهش سهم بازار فروشندگان

خرده‌فروشی شهری و تغییر در مدل کسب‌وکار کوچک است. هفنز و تاواردزیک^۱ (۲۰۱۵) به تأثیر مراکز خرید در مناطق روستایی و شهرهای کوچک واقع در منطقه بیرونی شهر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مراکز خرید باعث توسعه حومه مناطق روستایی اطراف شهر، تحولات ساختاری در شهرها می‌شود. مک‌گروی^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «اثرات اقتصادی و شغلی مراکز خرید و فروش بر توسعه محلی در شهرهای منطقه‌ای و پیراشهری استرالیا» با استفاده از داده‌های قبل و بعد از افتتاح مراکز عمده تجاری در سه منطقه استرالیا برای بیش از بیست سال به این نتیجه رسید که فعالیت اقتصادی در کوتاه‌مدت به دنبال افتتاح یک مرکز خرید بزرگ افزایش یافته، اما در طولانی‌مدت (بیست ساله) میزان فعالیت اقتصادی و اشتغال، کاهش یافته است. شانموگان^۳ (۲۰۱۶) پژوهشی به‌منظور بررسی تأثیر مراکز خرید مگا در بخش تجارت خرده‌فروشی کوچک در شهر کویمباتور انجام داد. یافته‌ها نشان داد، مراکز خرید مگا در بخش تجارت خرده‌فروشی کوچک تا حدودی در رشد و پیشرفت تجارت آن‌ها تأثیر منفی دارد. پادیللا^۴ و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر مراکز خرید خارج از شهر بر خرده‌فروشان مرکز شهر و اشتغال در منطقه موریسیا را با یک مدل اقتصادسنجی بررسی کردند. نتایج نشان داد، مراکز خرید خارج از شهر تأثیر منفی بر فعالیت خرده‌فروشی داشته است.

با توجه به پیشینه تحقیقات مذکور، می‌توان به این نتیجه رسید که به غیر از پژوهش رفیعان و پهلوان (۱۳۹۴) که دید یکپارچه و سیستمی داشته (بررسی ابعاد چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی)، در بقیه تحقیقات دید سیستمی مطرح نبوده است. تفاوت اصلی این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها، بررسی تمامی جوانب و ابعاد ایجاد مراکز خرید و مال-ها بر جوامع محلی از دید کارشناسان و مردم است (ابعاد چهارگانه به‌علاوه بعد نهادی-سازمانی) و اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه رتبه‌بندی مناطق از نظر اثرات مراکز تجاری صورت نگرفته است؛ بنابراین مطالعه حاضر با در نظر گرفتن تمام کاستی‌ها و قوت‌های موجود در پیشینه‌ها، سعی داشته است تا از تجارب موجود بهره گیرد و با استفاده از معیارهای

1. Heffner & Twardzik

2. McGreevy

3. Shanmugan

4. Padilla

استاندارد و معین به دنبال رتبه‌بندی پایداری جوامع محلی ناشی از اثرات ایجاد کاربری‌های تجاری بزرگ مقیاس و مدرن بوده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق از نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. از آنجاکه هر شهری و سکونتگاهی به مرور زمان دستخوش تغییر خواهد شد و عوامل گوناگونی در این تغییرات که ممکن است باعث رشد و پایداری یا ناپایداری شهر شوند دخیل‌اند، نمی‌توان شرایط امروزی شهرستان را فقط از ناشی از حضور مگامال‌ها در شهر دانست؛ بنابراین در این تحقیق ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر پایداری جوامع محلی ناشی از ایجاد مراکز تجاری شناسایی شد و سپس پرسشنامه‌هایی طراحی شد که توسط کارشناسان، مردم و کسبه‌ای که به‌صورت عینی و ذهنی با تأثیرات ناشی از مگامال‌ها بر تغییرات شهر مواجه بودند، پاسخ داده شده است. از طرف دیگر، به‌علت نبود آمار و داده‌های کتابخانه‌ای مناسب برای سنجیدن ابعاد مختلف ازجمله میزان امنیت، سرزندگی، تغییر در سرمایه‌گذاری اقتصادی، تغییر در توسعه گردشگری، سرمایه اجتماعی و...، از روش پرسشنامه و تحقیقات میدانی استفاده شد؛ چراکه در این روش تغییرات شهر با توجه به حضور مگامال‌ها پاسخ داده می‌شود. روایی پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل محتوایی (CVR) و براساس نظر اساتید دانشگاهی تأیید شد و اینکه پایایی آن به‌صورت پیش‌آزمون از ۲۰ نفر و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در محیط نرم‌افزار SPSS معادل با ۷۸/۹ به دست آمد که نشانگر پایایی مناسب پرسشنامه است.

در مرحله بعد، به جمع‌آوری داده‌های آماری تحقیق از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته اقدام شد. جامعه آماری تحقیق شهرستان عباس‌آباد (معادل ۵۲۸۳۲ نفر) بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۶ نفر به‌عنوان نمونه آماری تحقیق تخمین زده شد. سپس با استفاده از روش تصادفی طبقه‌بندی‌شده این تعداد حجم نمونه با توجه به نسبت جمعیت سه شهر مورد مطالعه تقسیم شد که سهم شهر عباس‌آباد ۱۸۶ نفر، سلمان‌شهر ۱۲۰ نفر و کلارآباد ۸۰ نفر بود. با توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ساکنان محلی، کسبه و کارشناسان، تعداد به‌دست‌آمده برای

هر شهر به نسبت ۶۰ درصد، ۳۰ درصد و ۱۰ درصد در نظر گرفت. منظور از کارشناسان، افراد رده‌بالای شهر (مسئولان شهرداری، فرمانداری و مسکن و شهرسازی و اساتید دانشگاهی) هستند که تخصص‌های عمران، جغرافیا، مدیریت بحران، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، اقتصاد، شهرسازی، طراحی و معماری داشتند و به روش گلوله‌برفی برای پاسخ به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. همچنین با استفاده از پرسشنامه تعیین ارجحیت، وزن نهایی معیارها توسط پنج کارشناس و در قالب روش مقایسه زوجی تعیین شد. سپس داده‌های به‌دست‌آمده در محیط اکسل وارد شد و با استفاده از ویکور^۱ فاززی، شهرهای عباس‌آباد، سلمان‌شهر و کلارآباد ارزیابی و رتبه‌بندی شدند.

برای اولین بار، ونگ در سال ۲۰۰۵ روش ویکور فاززی را معرفی کرد. این روش فرایندی نظام‌مند و منطقی به‌منظور دستیابی به بهترین راه‌حل است که برای حل مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره فاززی استفاده می‌شود. این روش دارای هفت مرحله اساسی که در ادامه ارائه شده است.

مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم

ماتریس تصمیم با توجه به ارزیابی همه گزینه‌ها برای معیارهای مختلف ماتریس تصمیم به‌صورت زیر تشکیل می‌شود:

$$\vec{D} = \begin{matrix} & \begin{matrix} C_1 & C_2 & \dots & C_n \end{matrix} \\ \begin{matrix} A_1 \\ A_2 \\ \vdots \\ A_m \end{matrix} & \begin{pmatrix} \vec{x}_{11} & \vec{x}_{12} & \dots & \vec{x}_{1n} \\ \vec{x}_{21} & \vec{x}_{22} & \dots & \vec{x}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \vec{x}_{m1} & \vec{x}_{m2} & \dots & \vec{x}_{mn} \end{pmatrix} \end{matrix}$$

در این ماتریس، A_i نشان‌دهنده گزینه i ام، C_j نشان‌دهنده معیار j ام و X_{ij} نشان‌دهنده ارزش گزینه A_i با توجه به معیار A_i است. در این روش مقادیر X_{ij} به‌صورت اعداد فاززی مثلثی است.

جدول ۱. متغیرهای زبانی و اعداد فازی مثلثی معادل آن‌ها

مأخذ: چیتا، ۲۰۱۰

اعداد فازی مثلثی	متغیر زبانی
(۰ ۱)	خیلی ضعیف (خیلی کم)
(۱ ۳)	ضعیف (کم)
(۳ ۵ ۷)	تاحدودی (متوسط)
(۵ ۷)	خوب (زیاد)
(۷ ۹)	خیلی خوب (خیلی زیاد)

در بسیاری از موارد از نظرات چندین تصمیم‌گیرنده در فرایند تصمیم‌گیری استفاده می‌شود؛ از این‌رو لازم است نظرات افراد مختلف با یکدیگر تلفیق شود و ماتریس نهایی تصمیم‌گیری فازی شکل گیرد. به‌منظور تلفیق نظرات افراد از روش میانگین فازی (طبق رابطه بالا) استفاده می‌شود. ماتریس نهایی تلفیق‌شده نظرات افراد، مبنای محاسبات در مراحل بعدی است.

مرحله دوم: تعیین بردار وزن معیارها

در این مرحله با توجه به ضریب اهمیت معیارهای مختلف در تصمیم‌گیری، با استفاده از روش‌هایی مانند آنتروپی، مقایسه زوجی و... بردار وزن تعریف می‌شود. در این مرحله، وزن‌های (w_j) اختصاص‌یافته به هر معیار تعیین می‌شود. مجموع وزن‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که $0 \leq w_j \leq 1$ و $\sum_j w_j = 1$ به دست آید. با توجه به ضریب اهمیت معیارهای مختلف در تصمیم‌گیری، برداری به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$w = \{w_1, w_2, \dots, w_n\}$$

مرحله سوم: بعد بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم (استانداردسازی)

پس از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری فازی، با توجه به اینکه معیارهای مؤثر بر تصمیم می‌توانند دارای مقیاس‌های متفاوت باشند، لازم است عملیات بی‌مقیاس کردن در ماتریس تصمیم-

گیری فازی انجام گیرد. با توجه به اینکه در روش ویکور از روش بی‌مقیاس‌سازی اقلیدسی استفاده می‌شود، در روش ویکور فازی نیز روش بی‌مقیاس‌سازی اقلیدسی به کار می‌رود.

$$\tilde{f}_{ij} = \left(\frac{\tilde{x}_{ij}^l}{\sqrt{\sum_{i=1}^m \tilde{x}_{ij}^{u\gamma}}}, \frac{\tilde{x}_{ij}^m}{\sqrt{\sum_{i=1}^m \tilde{x}_{ij}^{m\gamma}}}, \frac{\tilde{x}_{ij}^u}{\sqrt{\sum_{i=1}^m \tilde{x}_{ij}^{l\gamma}}} \right)$$

مرحله چهارم: بهترین مقدار و بدترین مقدار (ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی) هر معیار مطابق با ماتریس استاندارد شده **D** محاسبه می‌شود.

راه‌حل ایده‌آل مثبت $f^+ = \{f_1^+, f_2^+, f_3^+, \dots, f_n^+\}$ و راه‌حل ایده‌آل منفی $f^- = \{f_1^-, f_2^-, f_3^-, \dots, f_n^-\}$ است. در این مرحله لازم است تا راه‌حل‌ها مشخص شوند. از بین مقادیر بی‌مقیاس‌شده هر معیار، مقادیر ایده‌آل مثبت و منفی هر معیار مشخص می‌شود. در صورتی که شاخص از نوع مثبت باشد:

$$\tilde{f}_j^+ = \left(\max(\tilde{f}_{ij}^l), \max(\tilde{f}_{ij}^m), \max(\tilde{f}_{ij}^u) \right)$$

$$\tilde{f}_j^- = \left(\min(\tilde{f}_{ij}^l), \min(\tilde{f}_{ij}^m), \min(\tilde{f}_{ij}^u) \right)$$

و در صورتی که از نوع منفی باشد:

$$\tilde{f}_j^+ = \left(\min(\tilde{f}_{ij}^l), \min(\tilde{f}_{ij}^m), \min(\tilde{f}_{ij}^u) \right)$$

$$\tilde{f}_j^- = \left(\max(\tilde{f}_{ij}^l), \max(\tilde{f}_{ij}^m), \max(\tilde{f}_{ij}^u) \right)$$

مرحله پنجم: محاسبه مقدار ایده‌آل مثبت یا سودمندی (Si) و مقدار ایده‌آل منفی یا تأسف (Ri)

مقادیر Ri ، Si با استفاده از روابط بالا محاسبه می‌شوند. به‌منظور محاسبه مقدار S یک گزینه، فاصله آن گزینه تا ایده‌آل مثبت در هر معیار $D(fj^+, fj^-)$ بخش بر مقدار فاصله ایده‌آل مثبت تا منفی هر معیار شده و در میزان اهمیت آن معیار W یا وزن ضرب می‌شود.

مجموع این نسبت در معیارهای مختلف بیانگر Si برای یک گزینه است. بدیهی است، هرچه فاصله یک گزینه در معیارهای مختلف از ایده‌آل مثبت کمتر باشد، عدد حاصل کمتر خواهد شد؛ بنابراین مقدار Si های محاسبه شده هرچه کمتر باشد، گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌ها در رتبه بالاتری قرار خواهد گرفت.

در روش ویکور فازی علاوه بر Si مقدار Ri نیز محاسبه می‌شود. برای محاسبه مقدار Ri به جای مجموع نسبت ایجاد شده در محاسبه Si ، حداکثر این نسبت مبنا قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر یک گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌ها حداقل در یک شاخص فاصله بیشتری تا ایده‌آل مثبت داشته باشد، آن گزینه در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد.

$$S_i = \sum_{j=1}^n W_j \frac{D(f_j^+, m_{ij})}{D(f_j^+, f_j^-)}$$

$$R_i = \max_j \left[W_j \frac{D(f_j^+, m_{ij})}{D(f_j^+, f_j^-)} \right]$$

در این گام فاصله بین دو عدد فازی (a_1, a_2, a_3) و (b_1, b_1, b_1) با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$D(\tilde{a}, \tilde{b}) = \frac{\sqrt{3}}{3} \sqrt{(a_1 - b_1)^2 + (a_2 - b_2)^2 + (a_3 - b_3)^2}$$

مرحله ششم: محاسبه شاخص ویکور (مقدار Q)

$$Q_i = v \frac{(S_i - S^-)}{(S^+ - S^-)} + (1-v) \frac{(R_i - R^-)}{(R^+ - R^-)}$$

در رابطه بالا، Q_i به عنوان مقدار شاخص ویکور برای گزینه i ام $S^+ = \max_i S_i$ ، $S^- = \min_i S_i$ ، $R^+ = \max_i R_i$ ، $R^- = \min_i R_i$ است و $v \in [0,1]$ است که معمولاً برابر با ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود.

محل هفتم: مرتب کردن گزینه‌ها براساس مقادیر R,S,Q

در این مرحله با توجه به مقادیر R,S,Q گزینه‌ها در سه گروه از کوچک‌تر به بزرگ‌تر مرتب می‌شوند. در نهایت، گزینه‌ای به‌عنوان گزینه برتر انتخاب می‌شود که در گروه Q گزینه برتر شناخته شود (در این روش بهترین گزینه، گزینه‌ای است که کمترین میزان Q را داشته باشد).

۴. مبانی نظری تحقیق

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع، اثرات کاربری زمین بر بستر سکونتگاه‌هاست؛ چراکه بررسی اثرات و پیامدها کاربری اراضی می‌تواند در جهت رسیدن به اهداف پایداری مفید واقع شود (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۲). کاربری تجاری یکی از کاربری‌های مهم شهری است که فعالیت‌های دیگر شهر را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در همین زمینه، مراکز تجاری بزرگ‌مقیاس یا مگامال‌ها از جدیدترین کاربری‌های تجاری هستند. مگامال به مراکز خیلی بزرگ سرپوشیده گفته می‌شود که سه یا چهار بار بزرگ‌تر از یک مرکز خرید منطقه‌ای معمولی است. این مراکز اغلب شامل رستوران، زمین بازی، سینما، و استخر و کاربردهای تفریحی دیگر نیز می‌شود (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۷).

پایداری در تمام مراحل انسانی نیاز است که شامل استفاده از منابع طبیعی، توسعه فناوری-ها و پیشرفت شهرها و مناطق است؛ بااین‌حال، مفهوم پایداری بسیار پیچیده است و گسترش یا استقرار موفق فرایندهای پایدار می‌تواند به‌شدت دشوار باشد. درواقع، هدف پایداری توسعه، اداره کردن یک سیستم پیچیده از افراد و اشخاص است که توسط شهروندان و جامعه از یک طرف و محیط‌زیست و منابع طبیعی از طرف دیگر، ارائه شده است و از طریق روابط پیچیده و تعارض‌ها به هم متصل هستند؛ بنابراین یک فرایند یا یک تغییر و تحول که مزایایی را برای گروهی از مردم فراهم می‌کند، می‌تواند به محیط یا گروه دیگری از افراد، دور یا نزدیک، در فضا و زمان، به‌وسیله تعامل با محیط‌زیست و منابع طبیعی آسیب برساند (گاندرسون و هولینگ^۱، ۲۰۰۲، ص. ۳۷). با توجه به این ملاحظه‌ها، پایداری شهر (به‌عنوان

1. Gunderson & Holling

یک سکونتگاه در حال تغییر سریع) باید با تجزیه و تحلیل و مدیریت تأثیرهای تحولات ساخت محیط، از نظر تأثیرهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی دنبال شود؛ به عبارت دیگر، پایداری شهری یا جوامع محلی باید ارائه تعادل بین خرسندی از لحظه‌های مختلف اقتصادی و زیست‌محیطی و الزامات اجتماعی، حرکت با «ذی‌نفعان محلی» مختلف باشد که اغلب در حال کشمکش با یکدیگرند؛ در نتیجه زمانی تغییر و تحول یک جامعه محلی پایدار است که این ویژگی‌ها را داشته باشد: عادلانه باشد: الزامات اجتماعی و اقتصادی را رفع کند، امکان‌پذیر باشد: الزامات اقتصادی و زیست‌محیطی را برطرف کند و قابل‌تحمل باشد: الزامات زیست‌محیطی و اجتماعی را رفع کند. برای تغییر و تحول کلی جامعه محلی، ارزیابی رضایت از این الزامات، ارزیابی از پایداری را فراهم می‌کند (گاسپارینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲). در حالت کلی و به‌صورت معمول دیگر مباحث، پایداری نیز دارای چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی با شاخص‌های خاص خودشان هستند. یکی از عوامل اصلی پایداری، اجتماع است که اصلی‌ترین عنصر آن، انسان است؛ از این‌رو موضوعات مطرح‌شده در نظریه توسعه پایدار، آراء، باورها و همه موضوعات مربوط به او (انسان)، جایگاه ویژه‌ای خواهند یافت. مسلم است که فرهنگ به‌عنوان فضای عمل او که از فضای فکری انسان یعنی جهان‌بینی‌اش منتج می‌شود، از اهمیتی بنیادین و اصلی برخوردار خواهد بود. درواقع، جهان‌بینی از طریق یک حلقه واسطه (فرهنگ) هدایت عمومی توسعه پایدار را عهده‌دار است (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۶). روند حاضر در هر جامعه‌ای نتیجه و محصول فعالیت مکانیسم‌های متفاوتی است. آنچه امروزه به‌عنوان پایداری یا ناپایداری در جوامع دیده می‌شود، محصول خواست و اراده ساختارهای مختلف قدرت، از جمله اقتصاد و فرهنگ در جامعه به شمار می‌رود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر عوامل اجتماعی در برقراری پایداری خیلی مهم و مؤثر است (تیموری و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۰). پایداری اجتماعی ذیل مفاهیم وسیع‌تر برابری اجتماعی، توزیع خوب و مناسب منابع و اجتناب از کارهای محرومیت‌زا، اجازه دسترسی ساکنان به مشارکت فعال و کامل در جامعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین پایداری جامعه قرار می‌گیرد (دمپسی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۹۳). از ارکان تعریف

1. Dempsey

پایداری اجتماعی، بسترسازی برای ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در راستای تأمین اهداف توسعه پایدار و نیز اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه، با تأکید بر رفاه مردم بومی و همچنین تأکید بر نقش حیاتی آن‌ها در مدیریت محیطی و توسعه است (موفت^۱، ۲۰۰۱، ص. ۳۵). پایداری نظام اجتماعی به معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه منابع انسانی و درنهایت خودتوانی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها، مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و همچنین مدیریت حفظ ارزش‌هاست (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۲). در تعریفی دیگر، پایداری اجتماعی به‌عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است که دارای چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت است. در این تعریف، بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیط و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی است (گتزر^۲، ۲۰۰۴، ص. ۲).

یکی دیگر از ابعاد پایداری، پایداری اقتصادی است که بر حفظ یا ارتقای شرایط اقتصادی تأکید دارد. معیارهای اقتصادی ارتباط محکمی با فرایند شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی دارند. پایداری اقتصادی مبتنی بر ترکیبی از مؤلفه‌های اقتصادی مانند بودجه مدیریت شهری، میزان رشد تورم، تعداد پروژه‌های عمرانی، اشتغال رسمی و غیررسمی و بیکاری است (ساسان‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷۸؛ کاظمی، ۱۳۷۹، ص. ۷۳). پایداری اقتصادی به معنای ماندگاری اقتصادی است و خود برای پایداری تولید، افزایش بهره‌وری، متنوع‌سازی آن، درآمد مناسب و کافی برای زندگی است (علوی‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۸).

شهر یا یک جامعه محلی به‌عنوان یک واحد اکولوژی، رابطه دقیق میان انسان و محیط را در خود نهفته دارد. حفظ منابع پایه در سطوحی که توانایی نسل آینده را در برآورده کردن نیازهای‌شان سلب نکند و حفظ یا ارتقا ظرفیت ندهد، از شاخص‌های زیست محیطی است. این شاخص از پایداری جوامع از طریق کاهش مصارف منابع و انرژی، کاهش حجم ضایعات کاهش آلودگی و... تقویت می‌شود (ایتپایس، ۱۳۷۵، ص. ۹). هرگونه فعالیتی برای ارتقای

1. Moffat

2. GTZ

کیفیت زندگی و توسعه انسانی در محیط تحقق می‌یابد؛ بنابراین وضعیت محیط‌زیست و منابع از نظر پایداری و ناپایداری، بر فرایند توسعه تأثیرگذار خواهد بود (بریمانی و اصغری - لقمجانی، ۱۳۸۹ ص. ۱۲۷). در پایداری زیست‌محیطی، تحول و تطوری مدنظر است که نه تنها ثبات و پایداری جامعه را بر هم نزند، بلکه به رشد و اعتلای پایدار آن نیز کمک کند. در برنامه‌ریزی برای تحقق توسعه پایدار، ضمن به‌کارگیری منابع موجود در فرایند تحول و تطوری آن جامعه، باید بقای منابع و جامعه مدنظر باشد (مطوف، ۱۳۷۹، ص. ۸). پایداری ریشه خود را در میان پایداری اکولوژیک داشته است. این نظریه به این نکته تأکید دارد که طبیعت، محدودیت‌ها و فرصت‌های معین به زندگی انسان می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸، ص. ۴۰)؛ در نتیجه پایداری توسعه‌ای را می‌پذیرد که ضمن بهترین استفاده از منابع، هیچ‌گونه صدمه‌ای به آن نزند (سرگلزایی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷). و اینکه مفهوم پایداری کالبدی در چارچوب مبحث پایداری جوامع محلی، بیانگر تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک در ارتباط با ساختارهای کالبدی-فضایی است؛ به‌طوری‌که متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی-زمانی شود؛ پس می‌توان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی ساختار کالبدی این شهرها دانست. تغییر و تحول در محیط‌های شهری امری اجتناب‌ناپذیر است و عوامل و نیروهای متعددی شامل نیروهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی، فناوری و زیست‌محیطی در فرایند و شدت و ضعف این تحولات اثرگذار هستند. این عوامل (طبیعی یا مصنوعی، فردی یا اجتماعی، برنامه‌ریزی‌شده یا برنامه‌ریزی‌نشده)، شکل، اندازه و ساختار کالبدی شهرها را دگرگون می‌کنند. پایداری کالبدی به دنبال ارتقای کیفیت فیزیکی سکونتگاه‌های انسانی و محیط‌های زندگی و کار تمام مردم به‌ویژه قشرهای ضعیف مردم، در مسیر رسیدن به پایداری است. این دیدگاه بر حفاظت، نوسازی و نگهداری از ساختمان‌ها و کالبد شهرها، بناهای تاریخی، فضاهای باز، مناظر، حمل‌ونقل پایدار، انرژی پایدار، الگوهای زیستی و فرم کالبدی شهر تأکید می‌کند (عزیزی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵). در ابعاد کالبدی و شاخص‌های کیفیت زندگی می‌توان به شاخص‌های دسترسی به خدمات و تجهیزات، دسترسی به محل کار، کیفیت مسکن، تحول در سیستم‌های حمل‌ونقل و اثر آن بر بافت شبکه-

های ارتباطی، شکل معابر، تحقق اندیشه‌های طراحی شهری، روش‌های مختلف ساخت‌وساز، اعمال مقررات شهرسازی اشاره کرد (نوریان و عبدالحی، ۱۳۸۵، ص. ۲۷).

جدول ۲. ابعاد و معیارهای مورد مطالعه تحقیق

مأخذ: مطالعات کتابخانه‌ای تحقیق، ۱۳۹۹

ابعاد	معیارها/ گویه‌ها
اقتصادی	میزان تغییر در درآمد افراد بومی بعد از ایجاد مگامال‌ها، میزان تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده، میزان تغییر اجاره‌بهای محدوده، میزان تغییر قیمت کالاها در محدوده، میزان تغییر در تعداد تولیدی‌ها و نمایندگی‌های محدوده، میزان تغییر در اشتغالی‌زایی محدوده، میزان تغییر در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی محدوده، میزان تغییر در توسعه گردشگری محدوده و میزان تغییر در دادوستادهای خرده‌فروشی‌های محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها.
اجتماعی	میزان تغییر در امنیت محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها، میزان تغییر در تراکم جمعیتی محدوده، میزان تغییر در مهاجرت‌فرستی، میزان تمایل به شهرنشینی محدوده، میزان تغییر روحیه زندگی مردم بومی محدوده، میزان وقوع جرم و ناهنجاری در محدوده، میزان وقوع تصادفات در محدوده، میزان مشارکت مردم بومی محدوده، میزان تحرک و پیاده‌روی مردم بومی محدوده، میزان تغییرات مربوط به سرمایه اجتماعی مردم بومی محدوده، میزان امید به آینده در بین مردم بومی محدوده، میزان تغییرات مربوط به هویت در بین مردم بومی محدوده، میزان تغییرات مربوط به سرزندگی مردم بومی محدوده، میزان تغییرات مربوط به پویایی مردم بومی محدوده، میزان حس تعلق مردم بومی محدوده، میزان تعاملات اجتماعی مردم بومی محدوده، میزان تغییرات فرهنگی مردم بومی محدوده، میزان تغییر الگوی مصرف (مصرف‌گرایی) مردم بومی محدوده، میزان خاطره‌انگیزی (انتقال خاطرات جمعی) مردم بومی محدوده، میزان اعتماد بین مردم بومی محدوده، میزان کیفیت زندگی مردم بومی محدوده، میزان سلامت روحی و روانی مردم بومی محدوده، میزان آگاهی و دانش مردم بومی محدوده، میزان رقابت مردم بومی محدوده، میزان قدرت انتخاب مردم بومی محدوده، میزان نشاط مردم بومی محدوده، میزان آسایش مردم بومی محدوده و میزان اعتماد به نفس مردم بومی محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها.
کالبدی	میزان تغییر کاربری اراضی محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها، میزان ترافیک محدوده، میزان ارتباطات منطقه‌ای و محلی محدوده، میزان تردد (رفت و آمد) محلی‌ها، میزان تمرکزگرایی محدوده، میزان تغییر چشم‌انداز (زیبایی) محدوده، میزان سازگاری بین کاربری‌های محدوده، میزان ساخت‌وسازهای محدوده، میزان تغییرات در سرانه فضای سبز محدوده، میزان تغییرات در سرانه کاربری‌های تجاری محدوده، میزان تغییرات در سرانه معابر عمومی محدوده، میزان توسعه خدمات رفاهی-اقامتی محدوده، میزان بهبود کیفیت مبلمان شهری محدوده، میزان توسعه کیفی (کیفیت) زیرساخت‌ها و خدمات محدوده، میزان دسترسی به پارکینگ محدوده، میزان دسترسی به مراکز درمانی محدوده، میزان دسترسی به مراکز انتظامی محدوده، میزان

ابعاد	معیارها/ گویه ها
	دسترسی به مراکز آموزشی محدوده و میزان دسترسی به مراکز آتش نشانی محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها.
زیست محیطی	میزان آلودگی هوای محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها، میزان آلودگی صوتی محدوده، میزان آلودگی خاک محدوده، میزان آلودگی آب محدوده، میزان آلودگی بصری محدوده، میزان تخریب پوشش گیاهی محدوده، میزان فرسایش خاک محدوده، میزان مصرف انرژی در محدوده، میزان تولید زباله محدوده و میزان بهبود بهداشت محیط محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها.
نهادی- مدیریتی	میزان پاسخ‌گویی مسئولان محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها، میزان توسعه متوازن و هماهنگی محدوده، میزان برنامه‌محوری مسئولان محدوده، میزان عدالت‌محوری مسئولان محدوده، میزان مدیریت یکپارچه محدوده، میزان توجه به ظرفیت‌پذیری محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها (تاب و تحمل محدوده از ساخت‌وساز، معابر و حمل‌ونقل، گردشگر)، میزان مشارکت دادن مردم در برنامه‌ها و... (مشارکت‌پذیری مسئولان) محدوده، میزان شفافیت مسئولان محدوده (شفافیت مالی، برنامه و...)، میزان همه‌شمولی و قانون‌مداری مسئولان محدوده، میزان مسئولیت‌پذیری مسئولان محدوده، میزان کارایی و اثربخشی مسئولان محدوده و میزان توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم محدوده بعد از ایجاد مگامال‌ها.

۵. یافته‌های تحقیق

شهرستان عباس‌آباد یکی از شهرستان‌های استان مازندران است که با مساحت ۳۱۱ کیلومتر مربع و جمعیت ۵۲۸۳۲ نفر (مطابق با آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۵) در غرب استان مازندران شامل شهرهای کلارآباد (با مساحت ۶۰۵ هکتار و جمعیت ۶۲۶۷ نفر)، سلمان‌شهر (با مساحت ۷۶۰ هکتار و جمعیت ۹۶۵۶ نفر) و عباس‌آباد (با مساحت ۱۲۷۳ هکتار و جمعیت ۱۳۴۸۲ نفر) است. حدود جغرافیایی این شهرستان از شمال به دریای مازندران با ۲۲ کیلومتر طول، از جنوب به ارتفاعات مکارود و گردکوه و خشک‌دره، از شرق به رودخانه نمک آبرود که شهرستان را از شهرستان چالوس جدا می‌کند و از غرب به جنگل-های خشکداران نشتارود که شهرستان عباس‌آباد را از شهرستان تنکابن جدا می‌کند، محدود است (سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۷). شکل ۱، جایگاه شهرستان عباس‌آباد را در سلسله‌مراتب تقسیمات کشوری نشان می‌دهد.

درباره تغییراتی که در ده سال اخیر در این شهرستان روی داده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. براساس سرشماری در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان عباس‌آباد معادل ۵۲۸۳۲ نفر

بود؛ درحالی‌که جمعیت در دوره قبل ۴۷۵۹۱ نفر بود. جدول ۳، متوسط رشد سالانه جمعیت شهرستان عباس‌آباد را در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد. همچنین بعد خانوار (متوسط تعداد افراد در هر خانوار) در سال ۱۳۸۵ برای شهرستان حدود ۳/۶ بود که این مقدار در سال ۱۳۹۹ به ۳/۰۴ کاهش یافت که می‌تواند ناشی از مهاجرت با باروری یا مرگ و میر باشد.

جدول ۳. متوسط رشد سالانه جمعیت استان و شهرستان عباس‌آباد طی دوره‌های ده‌ساله

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵-۱۳۹۵

دوره		۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵	۱۳۹۵-۱۳۸۵
استان مازندران	کل	۳/۶	۱/۳	۱/۱	۱/۲
	شهری	۵/۷	۳/۰	۲/۸	۱/۹
	روستایی	۲/۴	۰/۲	-۰/۶	۰/۴۶
شهرستان عباس‌آباد	کل	۴/۷۹	۱/۳۸	۱/۲۷	۱/۴
	شهری	۱۴/۸	۰/۶۹	۱/۵۳	۱/۰۸
	روستایی	-۱/۷	۲/۳۴	۰/۹۲	۱/۹۵

بررسی جمعیت شاغل شهرستان نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۸ جمعیت شاغل شهرستان عباس‌آباد ۱۵۶۰۲ نفر بوده است که ۱۳۸۸۲ نفر از آن‌ها مرد و ۱۷۲۰ نفر از آن‌ها زن بودند؛ درحالی‌که این مقدار در سال ۱۳۹۰، ۱۱۳۲۶ نفر بوده است.

با افزایش ساخت‌وسازها، شهر با تغییر کاربری‌ها در ده سال اخیر مواجه شده است. مساحت پروانه‌های صادرشده برای ساختمان در سال ۱۳۹۸ برای شهرهای سلمان‌شهر، عباس‌آباد و کلارآباد به ترتیب ۱۶، ۹ و ۶۳ هزار مترمربع در سال ۱۳۹۰ بوده است که این مقدار در سال ۱۳۹۸ به ۱۱ و ۶ و ۱۴۶ هزار مترمربع رسیده است که در شهرهای سلمان‌شهر و کلارآباد افزایش داشته و در شهر عباس‌آباد نزولی بوده است. به علاوه، اراضی مسکونی در شهر کلارآباد با ۱۳۲,۴۲ هکتار مساحت معادل ۲۲,۲ درصد از محدوده مصوب، اراضی مسکونی در شهر سلمان‌شهر با ۳۶۹,۸۲ هکتار مساحت معادل ۴۸,۶۶ درصد و اراضی مسکونی در شهر عباس‌آباد با ۲۸۰ هکتار مساحت معادل ۲۲ درصد از محدوده مصوب است که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش چشمگیری داشته است.

همچنین کاربری تجاری در شهر کلارآباد با اختصاص ۷,۱۴ هکتار مساحت، سطحی معادل ۱.۱ درصد از محدوده، در شهر سلمان‌شهر با اختصاص ۱۴,۶۲ هکتار مساحت، سطحی معادل ۱.۹۲ درصد و در شهر عباس‌آباد با اختصاص ۱۰,۳۹ هکتار مساحت، سطحی معادل ۰,۸ درصد از کل فضاهای شهر را دارد. سرانه استاندارد برای این کاربری دو مترمربع است که نشان می‌دهد سرانه کاربری تجاری در این شهرستان بسیار بیشتر از حد استاندارد است. سایر خدمات رفاه عمومی که شامل اراضی درمانی، فرهنگی، مذهبی، پارک و فضای سبز، ورزشی، اداری-انتظامی و تفریحی-گردشگری است، در شهر کلارآباد از سطحی برابر با ۱۴,۹۲ هکتار معادل ۲,۴ درصد، در شهر سلمان‌شهر از سطحی برابر با ۵۰,۹۳ هکتار معادل ۶,۷ درصد محدوده مصوب و در شهر عباس‌آباد از سطحی برابر با ۲۰/۴۹ هکتار معادل ۱/۶ درصد از کل فضاهای شهر برخوردار است.

در زمینه تولید زباله و تخریب فضای سبز، براساس اطلاعات در دسترس در سال ۱۳۹۹، میزان فضای سبز در شهر سلمان‌شهر حدود ۱۱ هکتار، در شهر عباس‌آباد ۶/۹ هکتار و در شهر کلارآباد ۱۴/۸ هکتار است که با توجه به هجوم جمعیت و مهاجرپذیری این شهرها، شهرهای مذکور در سال ۱۳۸۵ دارای وسعت فضای سبز بیشتری به‌خصوص در شهر کلارآباد بودند که می‌تواند یکی از عوامل تخریب را مال‌های با برند ملی دانست که به جذب جمعیت بیشتر منجر شده است. همچنین میزان تولید زباله در سال ۱۳۸۵ در شهر سلمان‌شهر ۲۵ تن در روز، شهر کلارآباد ۱۴ تن در روز و در شهر عباس‌آباد ۱۵ تن در روز بوده است که با توجه به رشد جمعیت دائم و فصلی این شهرها، میزان تولید زباله در سال ۱۳۹۹ در شهر سلمان‌شهر ۷۰ تن در روز، در شهر کلارآباد ۳۵ تن در روز و در شهر عباس‌آباد به ۲۰ تن در روز رسیده است که در فصول گردشگرپذیر میزان تولید چندین برابر خواهد بود (شهرداری‌های عباس‌آباد، سلمان‌شهر و کلارآباد، ۱۳۹۹).

بررسی قیمت اراضی شهر به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت و تحلیل مسائل شهری مطرح است، اما به دلیل تأثیرپذیری آن از عوامل مختلف اصولاً یکی از پیچیده‌ترین ابزارها محسوب می‌شود. این اثرپذیری از عوامل مختلفی همچون شرایط و موقعیت جغرافیایی فرهنگی، تأسیسات و تسهیلات شهری و شکل کالبدی آن نشئت می‌گیرد؛ بنابراین تعیین قیمت دقیق در

سطح شهر که بیان‌کننده قیمت واقعی آن باشد، امری دشوار و شاید غیرممکن است و در تعیین ارزش و بهای آن‌ها توجه به عوامل مؤثری چون مالکان زمین و ساختمان، سازندگان مسکن، دلالان و واسطه‌ها (بنگاه‌های معاملات املاک)، نهادهای دولتی، مؤسسات مالی و... اجتناب‌ناپذیر است.

قیمت روز زمین در نقاط مختلف شهرستان عباس‌آباد متفاوت و متغیر است. به‌طور کلی، بررسی قیمت اراضی شهرستان عباس‌آباد نشان می‌دهد، بیشترین قیمت‌ها به مراکز تجاری و زمین‌های مسکونی واقع در شهرک‌های خصوصی و تازه‌احداث، خیابان‌های اصلی و زمین‌های همجوار با محور ساحلی مربوط است. شایان ذکر است که در همه موارد، قیمت اراضی واقع در خیابان‌های اصلی در مقایسه با اراضی واقع در عمق در سطح بالاتری قرار دارد. طی ده سال اخیر، قیمت زمین با قیمت به‌شدت افزایشی روبه‌رو بوده است که البته این رشد در شهر سلمان‌شهر با افزایش به‌مراتب بیشتری همراه بوده است و پس از شهر کلارآباد نرخ رشد بسیار زیادی داشته و عباس‌آباد در رتبه آخر قرار گرفته است. عباس‌آباد در مقایسه با دو شهر دیگر افزایش قیمت کمی داشته، ولی مقدار این رشد بسیار زیاد بوده است. یکی از دلایل این رشد زیاد در شهرهای سلمان‌شهر و کلارآباد می‌تواند حضور مگامال‌های قو الماس خاورمیانه و پانوراما باشد.

درباره موارد ذکرشده، طی چند سال اخیر تغییرات وجود داشته است، ولی به نظر می‌رسد که این تغییرات با توجه به عوامل گوناگونی حاصل شده است که مگامال‌ها یکی از آن عوامل اند؛ بنابراین تدوین پرسشنامه و نظرسنجی از کارشناسان ذی‌ربط درباره شاخص‌هایی که از مطالعات کتابخانه‌ای حاصل شده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد.

معرفی مگامال‌های شهرستان - مجتمع قو الماس خاورمیانه: طرح احداث مجتمع قو الماس خاورمیانه در سال ۱۳۸۷ در زمینی به وسعت ۴۳ هزار و ۲۶۳ مترمربع و با زیر بنای مفید ۱۷۳ هزار مترمربع در شهر سلمان‌شهر اجرا شد. مجتمع قو الماس خاورمیانه پروژه‌ای منحصر به فرد در سطح کشور، منطقه و خاورمیانه است که همه اهداف تجاری، مسکونی، اقامتی، گردشگری، فرهنگی، ورزشی و تفریحی گردشگران داخلی و خارجی را محقق کرده است و در نوع خود از طراحی منحصر به فرد و بی نظیری برخوردار است. این مجتمع شامل

سه برج است که دو برج آن کاربری مسکونی و تجاری دارند و برج سوم هتل مجلل ۳۸ طبقه است. در فضای بین برج‌های مسکونی و هتل، مجتمع ورزشی در نظر گرفته شده است. این مجموعه در سه طبقه با ورودی مجزا از بخش مسکونی با متراژهای متفاوت، در مجموع به تعداد ۴۸۶ واحد تجاری است و شامل شهربازی، رستوران، و سائیز کاربردهای تفریحی است. پانوراما: مرکز تجاری پانوراما به متراژ ۳۴۰۰۰ مترمربع است که شامل ۱۸۰۰۰ مترمربع بنای مفید و ۱۶۰۰۰ مترمربع مشاعات در شش طبقه (دو طبقه پارکینگ با گنجایش بیش از ۲۵۰ عدد اتومبیل و چهار طبقه تجاری) در شهر کلارآباد می‌شود. طبقات تجاری شامل ۷۸ باب مغازه لوکس با متراژهای متنوع از ۲۵ تا ۳۰۰ مترمربع با طراحی داخلی و خارجی متفاوت شامل ۳۷ باب مغازه در طبقه همکف، ۳۵ باب مغازه در طبقه اول به همراه ۷۵۰۰ مترمربع هایپر مارکت در طبقه دوم و پنج رستوران مجزا در طبقه سوم متصل به باغچه ژاپنی به متراژ ۲۵۰۰ مترمربع با منظره خیره‌کننده است.

در این تحقیق وضعیت پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد ناشی از ایجاد مراکز تجاری بزرگ مقیاس (مگامال) با ۷۸ معیار در پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و نهادی سنجش شده است. در این زمینه از ساکنان محلی، کسبه و کارشناسان شهرهای عباس‌آباد، سلمان‌شهر و کلارآباد خواسته شد تا نظرات خود را درباره وضعیت پایداری شهرهای مذکور بعد از ایجاد مراکز تجاری بزرگ مقیاس در پرسشنامه طراحی‌شده با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای با پاسخ‌های خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) بیان کنند (پاسخ‌های کلامی یا اعداد کلامی). در این باره و با توجه به اعداد فازی مثلی که در روش ویکور فازی یکی از اصول پایه‌ای است، پاسخ‌های جامعه آماری به سه سطح حد بالا (U)، حد متوسط (M) و حد پایین (L) فازی‌سازی شد (جدول ۴)؛ برای مثال، در شهر عباس‌آباد و درخصوص معیار افزایش درآمد ناشی از ایجاد مگامال‌ها، کمترین نمره گزینه خیلی کم (۱) بود و بیشترین نمره گزینه زیاد (۴) بود که به ترتیب امتیاز حد پایین ۲، حد بالا ۶ و حد متوسط ۴ شد. گفتنی است، به‌علت زیاد بودن تعداد معیارها (۷۸ معیار) تنها تعدادی از آن‌ها ارائه شده است (جدول ۴).

جدول ۴. ماتریس تصمیم‌گیری (فازی‌سازی شده) وضعیت پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

گزینه / معیار	معیار ۱			معیار ۲			معیار ۳ الی ۷۶			معیار ۷۸		
	تغییر درآمد ناشی از ایجاد مراکز تجاری			تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده ناشی از ایجاد مراکز تجاری			...			توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم		
	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)
عباس‌آباد	۶	۴	۲	۶	۴	۲	-	-	-	۴	۳	۲
سلمان‌شهر	۶	۵	۴	۷	۶	۵	-	-	-	۳	۲	۱
کلارآباد	۴	۳	۲	۶	۵	۴	-	-	-	۵	۴	۳

مرحله بعدی، مرحله ماتریس وزین است که برای تشکیل آن لازم است وزن تک‌تک معیارهای تحقیق به دست آمده باشد. در همین زمینه از روش مقایسه زوجی برای تعیین وزن معیارها استفاده شد که نتایج نشان داد با ارزش‌ترین معیار، درآمد است (۰/۰۲۹) و کم‌ارزش‌ترین معیار نیز آگاهی و دانش مردم است (۰/۰۰۵).

جدول ۵. وزن معیارها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

معیارها	درآمد	قیمت زمین و مسکن	اجاره‌بها	قیمت کالا و خدمات	...	آگاهی و دانش مردم	...	اجماع‌سازی
وزن	۰/۰۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۷	-	۰/۰۰۵	-	۰/۰۱۱

بعد از مشخص شدن وزن هریک از معیارها، وزن معیار هر معیار بر اعداد فازی‌سازی شده ضرب می‌شود تا ماتریس وزین شکل گیرد (جدول ۶).

جدول ۶. ماتریس وزین

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

گزینه / معیار	معیار ۱			معیار ۲			معیارهای ۳ تا ۷۶			معیار ۷۸		
	تغییر درآمد ناشی از ایجاد مراکز تجاری			تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده ناشی از ایجاد مراکز تجاری			...			توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم		
	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)
عباس‌آباد	۰/۱۷۴	۰/۱۱۶	۰/۰۵۸	۰/۰۴۲	۰/۰۸۴	۰/۱۲۶	-	-	-	۰/۰۴۴	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲
سلمان‌شهر	۰/۱۷۴	۰/۱۴۵	۰/۱۱۶	۰/۱۰۵	۰/۱۲۶	۰/۱۴۷	-	-	-	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	۰/۰۱۱
کلارآباد	۰/۱۱۶	۰/۰۸۷	۰/۰۵۸	۰/۰۸۴	۰/۱۰۵	۰/۱۲۶	-	-	-	۰/۰۴۴	۰/۰۳۳	۰/۰۵۵

بعد از تشکیل ماتریس وزین، نوبت به ماتریس نرمالیزه می‌رسد. در این باره، ابتدا هر معیار به توان دو می‌رسد، سپس مجموع هر معیار (ردیف) محاسبه می‌شود و در آخر هم جذر مجموع به دست می‌آید. با تقسیم کردن وزن هر معیار بر جذر مجموع، ماتریس نرمالیزه شکل می‌گیرد (جدول ۷).

جدول ۷. ماتریس نرمالیزه و ایده‌آل مثبت و منفی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

گزینه / معیار	معیار ۱			معیار ۲			معیارهای ۳ تا ۷۶			معیار ۷۸		
	تغییر درآمد ناشی از ایجاد مراکز تجاری			تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده ناشی از ایجاد مراکز تجاری			...			توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم		
	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)	(U)	(M)	(L)
عباس‌آباد	۰/۲۱۳	۰/۰۶۵	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۳۸	۰/۱۱۲	-	-	-	۰/۰۲۴	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱
سلمان‌شهر	۰/۲۱۳	۰/۱۰۲	۰/۰۴۹	۰/۰۴۷	۰/۰۸۶	۰/۱۵۳	-	-	-	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲
کلارآباد	۰/۰۹۴	۰/۰۳۶	۰/۰۱۲	۰/۰۳۰	۰/۰۵۹	۰/۱۲۲	-	-	-	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۶
f_i^+	۰/۲۱	۰/۱۰۲	۰/۰۴۹	۰/۰۰۷	۰/۰۳۸	۰/۱۱۲	-	-	-	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۶
f_i^-	۰/۰۹۴	۰/۰۳۶	۰/۰۱۲	۰/۰۴۷	۰/۰۸۶	۰/۱۵۳	-	-	-	۰/۰۱۴	۰۰۸	۰۰۲

مرحله بعد، بیشترین ارزش f_i^+ و کمترین ارزش f_i^- توابع از ماتریس تصمیم‌گیری استخراج می‌شود. در این مرحله، معیارها هم‌جهت می‌شوند. از آنجاکه اگر برخی از معیارها روند افزایشی داشته باشند برای سازمان سود است، اما برخی از معیارها هستند که روند افزایش آن‌ها برای سازمان ضرر محسوب می‌شود؛ برای مثال، در این تحقیق افزایش درآمد برای پایداری، سود است، اما افزایش قیمت زمین ضرر محسوب می‌شود؛ از همین رو بیشترین ارزش برای معیار درآمد در سطوح حد پایین، متوسط و بالا، به ترتیب $0/049$ ، $0/102$ و $0/213$ و کمترین ارزش آن‌ها $0/012$ ، $0/036$ و $0/094$ است؛ حال اینکه برای معیار قیمت زمین و مسکن که یک معیار منفی در پایداری جوامع است، برای هم‌جهت کردن، ارقام بیشترین ارزش با ارقام کمترین ارزش جابه‌جا می‌شود؛ به گونه‌ای که $0/007$ ، $0/038$ و $0/112$ بیشترین ارزش‌ها و $0/047$ ، $0/086$ و $0/152$ کمترین ارزش‌های این معیار محسوب می‌شوند.

در مرحله بعد، ضرایب معیارها از سه سطح به یک سطح تجمیع می‌شود. در این مرحله که دی‌فازی یا فازی‌زدایی نام دارد، حد پایین با حد متوسط (به توان دو) و حد بالا به هم جمع شده و بر ۴ تقسیم می‌شوند ($D = L + M^2 + U$).

جدول ۸. ماتریس دی‌فازی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

معیار ۱	معیار ۲	معیارهای ۳ تا ۷۶	معیار ۷۸
معیار/گزینه	تغییر درآمد ناشی از ایجاد مراکز تجاری	تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده ناشی از ایجاد مراکز تجاری	توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم
عباس‌آباد	۰/۰۸۱	۰/۰۴۵	—
سلمان‌شهر	۰/۱۱۲	۰/۰۹۰	—
کلارآباد	۰/۰۴۲	۰/۰۶۳	—
f_i^+	۰/۱۱۲	۰/۰۴۵	—
f_i^-	۰/۰۴۲	۰/۰۹۰	—

در مرحله بعد، فاصله هر گزینه (شهر) از راه‌حل ایده‌آل مثبت محاسبه شده و سپس تجمیع آن‌ها براساس فرمول‌های زیر محاسبه می‌شود؛ به عبارت دیگر، در این مرحله پس از محاسبه ماتریس نرمالیزه شده و ماتریس وزن‌دار و استخراج بیشترین و کمترین ارزش برای هر بعد، به منظور محاسبه شاخص ویکور که براساس آن به رتبه‌بندی شهرها پرداخته می‌شود، ارزش S_i (شاخص مطلوبیت) و R_i (شاخص نارضایتی) محاسبه می‌شود (جدول ۹).

جدول ۹. ماتریس شاخص مطلوبیت (یا سودمندی) S_j و شاخص نارضایتی (یا تاسف) R_j

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

معیار/گزینه	معیار ۱		معیار ۲		معیارهای ۳ تا ۷۶		معیار ۷۸	
	تغییر درآمد ناشی از ایجاد مراکز تجاری		تغییر قیمت زمین و مسکن محدوده ناشی از ایجاد مراکز تجاری		...		توجه مسئولان به اجماع‌سازی و توافق در منافع عمومی مردم	
	S_i	R_i	S_i	R_i	S_i	R_i	S_i	R_i
عباس‌آباد	۰/۰۱۲	۰/۹۸۳	۰/۰۲۱	۰/۹۷۹	-	-	۰/۰۰۶	۰/۹۹۵
سلمان‌شهر	۰	۰/۹۷۱	۰/۰۰۸	۱	-	-	۰/۰۰۱	۱
کلارآباد	۰/۰۲۶	۱	۰	۰/۹۸۷	-	-	۰	۰/۹۸۹

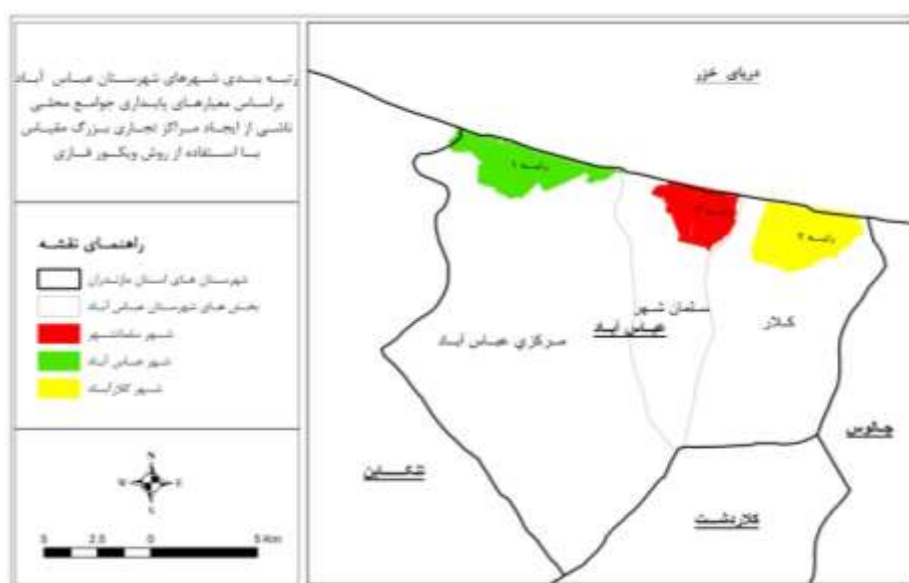
در آخرین مرحله از مدل شاخص ویکور فازی، Q که همان امتیاز نهایی هر گزینه است، محاسبه می‌شود. مقدار Q بیانگر رتبه نهایی هر شهر از مجموع ۷۸ معیار بررسی شده است. شایان ذکر است، این مقدار بین عدد صفر تا یک تعیین می‌شود. هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده مطلوبیت پایداری و هرچه به یک نزدیک‌تر نشانگر ضعف پایداری است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. محاسبه مقدار S_j, R_j ، و Q_j و رتبه‌بندی نهایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

رتبه نهایی	S_j	R_j	Q_j	رتبه نهایی
عباس‌آباد	۰/۵۱۰۴	۰/۶۹۶۲	۰/۴۴۴	۱
سلمان‌شهر	۰/۴۱۵۵	۰/۶۹۵۲	۰/۵۳۳	۳
کلارآباد	۰/۴۸۸۶	۰/۶۹۵۹	۰/۴۵۰	۲

رتبه‌بندی شهرهای شهرستان عباس‌آباد براساس معیارهای مؤثر بر جوامع محلی (مبتنی بر ایجاد مراکز تجاری) با توجه به ارزش Q نشان می‌دهد، به‌ترتیب شهرهای عباس‌آباد، کلارآباد و سلمان‌شهر در پایداری رتبه‌های اول تا سوم را کسب کرده‌اند. همچنین میانگین Q محاسبه‌شده برای شهرهای شهرستان عباس‌آباد برابر با $0/475$ به دست آمد که نشان می‌دهد پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد حد متوسط قرار دارد.



شکل ۲. نقشه رتبه‌بندی پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد، ناشی از ایجاد مگامال‌ها

مأخذ: گودآوری پژوهشگ از اطلاعات مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۹

از نظر اثرگذاری ابعاد پایداری شهرها، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی، شهر عباس‌آباد در رتبه اول، شهر کلارآباد در رتبه دوم و شهر سلمان‌شهر در رتبه سوم قرار دارد و تنها در بعد نهادی است که جایگاه سلمان‌شهر و کلارآباد جابه‌جا شده است؛ یعنی شهر عباس‌آباد در رتبه اول، شهر سلمان‌شهر در رتبه دوم و شهر کلارآباد در رتبه سوم قرار گرفته است. درواقع، با توجه به نظر کارشناسان، عباس‌آباد طی ۱۰ سال گذشته وضعیت بهتری از لحاظ معیارهای پایداری داشته است که تحت‌تأثیر این پروژه‌های بزرگ در شهر

ایجاد می‌شوند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند نبود مگامال در این شهر باشد. شهری مانند سلمان‌شهر که مساحت زیادی از شهر را این کاربری نوین به خود اختصاص داده است، از ابعاد مختلف همچون از بین رفتن مشاغل بومی، افزایش قیمت زمین، هویت و... تحت تأثیر این مگامال‌ها بوده‌اند.

جدول ۱۱. اثرگذاری ابعاد پایداری بر شهرهای شهرستان عباس‌آباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

شهر	بعد اقتصادی		بعد اجتماعی		بعد کالبدی		بعد زیست‌محیطی		بعد نهادی	
	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
عباس‌آباد	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
سلمان‌شهر	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۲	۰/۶۰
کلارآباد	۲	۰/۳۴	۲	۰/۲۶	۲	۰/۳۷	۲	۰/۳۲	۳	۱

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق وضعیت پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد ناشی از ایجاد مراکز تجاری بزرگ مقیاس (مگامال) در ۷۸ معیار و پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و نهادی با استفاده از نظرات ساکنان محلی، کسبه و کارشناسان شهرهای عباس‌آباد، سلمان‌شهر و کلارآباد ارزیابی شده است.

نتایج تحقیق درباره رتبه‌بندی شهرهای شهرستان عباس‌آباد براساس معیارهای پایداری جوامع محلی (مبتنی بر ایجاد مراکز تجاری) نشان داد، شهرهای عباس‌آباد، کلارآباد و سلمان‌شهر، رتبه‌های اول تا سوم پایداری را بعد از ایجاد مگامال‌ها کسب کردند و اینکه میانگین پایداری شهرستان عباس‌آباد در حد متوسط ارزیابی شده است؛ یعنی ایجاد ۱۸ فروشگاه بزرگ‌تر از ۵۰۰ مترمربع در شهرستان عباس‌آباد، اثرگذاری در حد متوسط بر پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد داشته است (یعنی میزان پایداری آن را در مقایسه با قبل از احداث مگامال‌ها کم کرده است). در برخی از ابعاد و شاخص‌ها، اثرگذاری برای پایداری شهرها زیاد بوده (تأثیر مثبت یا منفی) و در برخی شاخص‌ها و ابعاد اثرگذاری کم بوده است؛ به گونه‌ای که شهر سلمان‌شهر در تمامی ابعاد پایداری در شرایط نامساعدی قرار گرفته است و درواقع، بین

سه شهر بررسی شده در رتبه آخر است (به غیر از بعد نهادی که رتبه دوم را دارد). این امر می‌تواند ناشی از مگامال قوالماس خاورمیانه باشد که فضایی برای گردش، خرید، تبادل فرهنگی، بزهکاری، سرقت و... ایجاد کرده است. از نظر شاخص‌های بعد اقتصادی، ایجاد مگامال‌ها باعث افزایش نسبی درآمد، افزایش نسبتاً زیاد قیمت زمین و املاک، افزایش زیاد اشتغال زایی و توسعه نسبی گردشگری شده‌اند؛ به‌طوری‌که مگامال موجود در این شهر باعث جذب گردشگر و به تبع آن، افزایش درآمد شده است و اشتغال‌زایی درون و اطراف مگامال را به همراه داشته است؛ به‌گونه‌ای که بعضی از صنوف خاص از جمله پوشاک و بهداشتی و آرایشی که از مشاغل قدیمی شهر بوده‌اند، به دلیل کاهش فروش، مغازه‌های قدیمی خود را تعطیل کرده‌اند و به فروشگاه‌های درون این مجتمع تجاری نقل مکان کرده‌اند. همچنین صنوفی از جمله رستوران‌ها و کافه‌ها با فضای باز اطراف این مجتمع دایر شده‌اند که مشتریان از هیاهوی درون شهر دیدن کنند. با توجه به این موضوع، کیفیت مبلمان شهری در این شهر طی سال‌های اخیر بهتر شده و زمین‌های این شهر با افزایش بی‌سابقه‌ای همراه بوده است که به طبع، مراکز رفاهی و خدماتی اطراف این مراکز ایجاد شده است. از نظر بعد اجتماعی، این مگامال باعث کاهش زیاد امنیت، افزایش زیاد تغییرات فرهنگی، کاهش نسبی کیفیت زندگی و افزایش نسبتاً زیاد نشاط اجتماعی شده است. درواقع، قوالماس خاورمیانه فضایی برای پرسه‌زنی مجرمان و بزهکاران شهر ایجاد کرده است که ممکن است به دزدی، فروش مواد مخدر، مزاحمت برای زنان و... منجر شود. به‌علاوه به‌علت حضور گردشگران از شهرهای مختلف در این محیط نمی‌توان از تأثیرات فرهنگی مختلف بر مردم بومی از جمله نوع پوشش و نوع رفتار غافل شد که به کم‌رنگ شدن سنت‌های جامعه منجر می‌شود. به‌علت شلوغی و ازدحام در شهر به‌ویژه در ایام تعطیل که تا نیمه‌شب ادامه دارد، سرزندگی و نشاط جامعه افزایش داشته است و مکان مناسبی برای مقصد گردشگران است که به تبع آن با توسعه گردشگری و افزایش قیمت زمین همراه است، ولی آرامشی که ساکنان برای زندگی نیاز دارند، به مرور زمان در ورطه نابودی است. از نظر بعد کالبدی، این مراکز تجاری باعث تغییر زیاد کاربری‌ها، ترافیک نسبتاً زیاد، افزایش خدمات رفاهی و مبلمان شهری بوده‌اند. همان‌طور که گفته شد، ساخت‌وسازهایی برای خدمات رفاهی و خدماتی در اطراف این مراکز ایجاد شده و

ساخت‌وسازهای شهر نیز افزایش یافته است. همچنین به‌علت خطی بودن شهر، به‌ویژه در فصول عید و تابستان که تعداد گردشگران افزایش می‌یابد، ترافیک سنگینی در محدوده تجاری شهر ایجاد شده که دسترسی‌ها را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده است. از نظر زیست‌محیطی، باعث افزایش زیاد آلودگی صوتی و افزایش تولید زباله شده است. به‌علت شلوغی و ازدحام، صدای بوق اتومبیل‌ها و مردمی که در رفت‌وآمد هستند، آلودگی صوتی در شهر افزایش داشته و مقدار تولید زباله‌های شهر به مقدار زیادی افزایش پیدا کرده است و به‌علت نبود مکان مناسب برای دفن زباله‌ها در این شهر، مشکلات زیادی را به همراه داشته است. این مراکز تجاری از نظر نهادی نیز باعث توسعه متوازن، برنامه‌محوری نسبی و اثربخشی کم شده‌اند.

شهر عباس‌آباد در تمامی ابعاد پایداری بهترین جایگاه را در شهرستان داد (رتبه اول)؛ به‌گونه‌ای که از لحاظ شاخص‌های بعد اقتصادی، ایجاد مگامال‌ها باعث افزایش زیاد درآمد، افزایش زیاد قیمت زمین و املاک، افزایش نسبتاً زیاد اشتغال‌زایی، توسعه نسبی گردشگری، از بعد اجتماعی باعث کاهش نسبی امنیت، افزایش نسبی تغییرات فرهنگی و کیفیت زندگی، افزایش نسبی نشاط اجتماعی، از بعد کالبدی باعث تغییر نسبی کاربری‌ها، ترافیک نسبی، افزایش نسبی خدمات رفاهی و مبلمان شهری، از لحاظ زیست‌محیطی باعث افزایش نسبی آلودگی صوتی و از نظر نهادی باعث توسعه نسبتاً متوازن، افزایش نسبی برنامه‌محوری و اثربخشی شده است.

درنهایت اینکه شهر کلارآباد به غیر از اینکه در بعد نهادی در رتبه سوم قرار دارد، در بقیه ابعاد پایداری تحقیق جایگاه بینابین را کسب کرده است. شهرهای شهرستان از نظر رتبه‌بندی، مقادیر نزدیک به هم دارند. شکل خطی شهرها در این شهرستان به نظر می‌رسد که ظرفیت پذیرش حجم زیاد مشتریان این مراکز تجاری را ندارد و شهر عباس‌آباد که مگامالی در آن وجود ندارد، از این نظر در شرایط بهتری است. همچنین در شهر عباس‌آباد، فرهنگ و سنت‌های بومی بیشتر حفظ شده‌اند و کسب‌وکارهای محلی وضعیت بهتری در مقایسه با دو شهر دیگر دارند، ولی به‌علت نزدیکی زیاد شهرها به یکدیگر، میزان اثراتی که این فضاها بر تجارتی بر شهر دارند، بسیار به هم نزدیک است. درمجموع، این کاربری‌های تجاری تحولات

بزرگی را در شهر به جا گذاشته‌اند، ولی با اثرات منفی زیادی همراه بوده‌اند که لزوم توجه به نقش آن‌ها در شهر لازم است. درواقع برای جلوگیری از اثرات منفی مگامال‌ها در شهرهای کوچک خطی، قبل از بناکردن آن‌ها باید مطالعات کافی و برنامه‌ریزی‌های موثر انجام شود تا راهبردهای برون‌رفت از مشکلات پیش‌رو مشخص شود.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود، وضعیت پایداری شهرهای شهرستان عباس‌آباد (ناشی از ایجاد مراکز تجاری بزرگ/مگامال) از طریق شاخص‌های بعد اقتصادی (درآمد، قیمت زمین و مسکن، اجاره‌بها، قیمت کالا و خدمات) تقویت شود و اولویت تقویت نیز براساس رتبه‌های به‌دست‌آمده باشد؛ یعنی اولویت اول با سلمان‌شهر، اولویت دوم با کلارآباد و اولویت بعدی هم با عباس‌آباد باشد. گفتنی است، نباید از اهمیت سایر شاخص‌ها غافل ماند.

کتابنامه

۱. اسدیان، ع.، مدیری، ا.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۲). تدوین چارچوب طراحی شهری جهت بسط جریان حرکت مگامال به فضای شهری پیرامون (مطالعه موردی: مگامال اکباتان) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی شهری). دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ایران.
۲. ایتپاس، ز. (۱۳۷۵). نگاهی به تعاریف توسعه پایدار از دیدگاه‌های مختلف (و. جمالی، مترجم). *خبرنامه انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران*، ۲ (۳)، ۱۰-۲.
۳. ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۹۵). مقایسه بازارهای شهر اسلامی و مگامال‌ها: پیامدهای اجتماعی و فرهنگی احداث مراکز خرید مدرن غربی برای شهر اسلامی. *پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پایه پیشرفت*.
۴. آهور، ا.، جاجرمی، ک.، نظریان، ا.، و مشیری، ر. (۱۳۹۱). از بازار تا بزرگ بازار (مگامال). *فصلنامه آمایش محیط*، (۲۰)، ۱۴۵ - ۱۷۶.
۵. بخشی زاده، ع.، کردنائیج، ا.، و خداداد حسینی، ح. (۱۳۹۵). ارائه الگویی به منظور تبیین نقش موفقیت مجتمع‌های تجاری در کشور. *بررسی‌های بازرگانی*، ۷۶، ۱۰۰-۱.

۶. بریمانی، ف.، و اصغری لقمجانی، ص. (۱۳۸۹). تعیین شدت نابرابری زیست محیطی سکونتگاه-های روستایی سیستان با استفاده از مدل ارزیابی چندمعیاره. *مجله جغرافیا و توسعه*، (۱۹)، ۱۲۷-۱۴۶.
۷. تیموری، ا.، فرهودی، ر.، رهنمایی، م.، و قرخلو، م. (۱۳۹۱). ارزیابی پایداری اجتماعی با استفاده از منطق فازی (مطالعه موردی، شهر تهران). *فصلنامه انجمن جغرافیای ایران*، ۱۰ (۳۵)، ۱۹-۳۹.
۸. خیاط کلیر، ف. (۱۳۹۶). تأثیر کاربری‌های تجاری بر حمل و نقل همگانی شهری (نمونه موردی: منطقه ۵ شهر کرج). *پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری*، تهران، ۹. دهقان، ح.، پوررضا، ک.، سرا، ن.، ف. و احسان، م. (۱۳۹۵). رابطه فضاهای اقتصادی شهری و شبکه‌های اجتماعی: بررسی تأثیر میدان‌های میوه و تره بار و هابر استار بر تعاملات اجتماعی. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۶ (۱۸)، ۹۳-۱۱۴.
۱۰. رفیعیان، م.، و پهلوان، س. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی تأثیرات ایجاد ابر پروژه شهری الماس شرق مشهد از دیدگاه نواحی سکونتی پیرامون با مدل الکترون. *نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، (۹)، ۵۱-۶۳.
۱۱. ساسانیپور، ف. (۱۳۹۰). *مبانی پایداری توسعه کلان‌شهرها با تأکید بر کلان‌شهر تهران*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۲. ستوده، ح.، و زارع، س. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات کالبدی احداث مجتمع‌های تجاری بر کاربری‌های شهری (نمونه موردی: شیراز مجتمع تجاری زیتون). *ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران*، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
۱۳. سرگلزایی، ف. (۱۳۹۲). *بررسی اثرات هدفمندی سازی یارانه‌ها بر پایداری روستاهای بخش مرکزی زابل (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)*. دانشگاه زابل، ایران.
۱۴. سرور، ه.، صلاحی ساریخان بیگلو، و.، و مبارکی، ا. (۱۳۹۶). تحلیل نقش کاربری‌های تجاری در پویایی و ایجاد فضاهای جدید شهری، مطالعه موردی: مجتمع تجاری لاله پارک تبریز. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۶ (۱)، ۲۹-۴۲.

۱۵. سیاری، س.، خوشگو، س.، کاظمی، ز.، و منوچهر نصیری، م. (۱۳۹۶). بررسی ویژگیهای مجتمع تجاری‌های نوین شهری در جذب مشتری و گردشگر. *اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین در علوم و تکنولوژی*، تهران، شرکت بین‌المللی کوشا.
۱۶. سیفال‌الدینی، ف. (۱۳۸۱). *مبانی برنامه‌ریزی شهری* (چاپ اول). تهران: انتشارات آبیژ.
۱۷. علوی‌زاده، ا. (۱۳۸۶). الگوهای توسعه اقتصادی-اجتماعی با تأکید بر توسعه پایدار روستایی در ایران. *مجله اطلاعات سیاسی/اقتصادی*، (۲۴۵)، ۱۹۰-۲۰۱.
۱۸. فرجی سبکبار، ح. (۱۳۸۹). *سنجش پایداری روستایی بر مبنای مدل فرایند تحلیل شبکه (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان فسا)* (رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه تهران، ایران.
۱۹. فرزانه سادات رزنجرانی، ژ. (۱۳۹۷). *سنجش پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اردبیل)* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.
۲۰. کاظمی، م. (۱۳۷۹). توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: قم). در *مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و توسعه شهری پایدار در نواحی شهری* (صص. ۷۹-۸۶). تبریز: دانشگاه تبریز.
۲۱. کجوثی، ن.، و احمدسیماب، م. (۱۳۹۷۹). نقش فضاهای تجاری در تقویت هویت عرصه‌های عمومی در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید گلپه‌هار). *پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه‌ها*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۲۲. گاسپارینی، پ.، مانفردی، گ.، و آسپرو، د. (۱۳۹۵). *تاب‌آوری و پایداری در مقابل بلایای طبیعی* (چالشی برای شهرهای آینده) (ح. حاتمی‌نژاد و م. نصرتی‌هشی، مترجمان). تهران: انتشارات آراد کتاب.
۲۳. مجتهدزاده، غ. (۱۳۷۸). معنی و مفهوم توسعه پایدار در مناطق شهری. در *مجموعه مقالات اولین همایش توسعه پایدار نواحی شهری*. تبریز: شهرداری و دانشگاه تبریز.
۲۴. مسجدی، ن.، و نژادی، الف. (۱۳۹۳). بررسی تحولات ساخت‌وساز مراکز خرید در شهر تهران. *فصلنامه اقتصاد عمران و شهرسازی*، (۲۱)، ۹۸-۱۱۲.
۲۵. مطوف، ش. (۱۳۷۹). نقش فرهنگ، مشارکت و محیط زیست در توسعه پایدار منطقه‌ای. *فصلنامه پژوهش*، (۲)، ۱-۱۴.

۲۶. نقی‌زاده، م. (۱۳۸۷). تأملی در رابطه پایداری فرهنگی بافرهنگ پایداری. در مجموعه مقالات توسعه پایدار شهری (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

27. Azizi, M. M., (2005). Analysis to position and transformation of urban housing situation in Iran, *Fine Arts*, (23), 116-129.
28. Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism*. London: Street Wise Press.
29. Dempsey, N., Brown, C., & Bramely. G. (2012). the key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability, *Progress in Planning*, (77), 89- 41.
30. Heffner, K., & Twardzik, M. (2015). The impact of shopping centers in rural areas and small towns in the outer metropolitan zone (The example of the Silesian voivodeship). *European Countryside*, 7(2), 87-100.
31. Ibrahim, I., Bon, A. T., Nawawi, A. H., & Safian, E. E. M. (2018). Shopping centre classification scheme: A comparison of international case studies. *Proceeding of the International Conference on Industrial Engineering and Operations Management Bandung Indonesia*, 3131-3142
32. Ligthelm, A. A. (2008). the impact of shopping mall development on small township retailers. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 11(1), 37-53.
33. McGreevy, M. (2015). The economic and employment impacts of shopping mall developments on regional and periurban Australian towns. *Australasian Journal of Regional Studies*, 22(3), 225-238.
34. Moffat, I. H., & Mike, W. D. (2001). *Measuring and modeling sustainable Development*. New York and London: Parthenon publishing Grop Inc.
35. Nourian, A. (2008). Explaining sustainability criteria and indicators in the residential neighborhood. *Shahr-e Negar Two Monthly Reports*, (50), 57-70.
36. Padilla, A. O., Hermosilla, A. A., & Ozores, O. T. (2017). The impact of out-of-town shopping centres on town-centre retailers and employment: The case of the region of Murcia, *Land Use Policy*, (65), 277-286.
37. Shanmugan, J. (2016). A Study on the impact of mega shopping malls on small retail business sector. *International Journal of Advanced Research*, 4(8), 1569-1573.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.49380.0>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

تحلیل موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زنجان)

حمداالله سجاسی قیداری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده
مسئول)

ssojasi@um.ac.ir

احمد رومیانی (دکتری جغرافیا و آمایش کیفیت محیطی مناطق روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

roumiani.ah@mail.um.ac.ir

نسرین جعفری (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

jafari93@yahoo.com

صص ۶۹ - ۳۵

چکیده

در سال‌های اخیر، توجه به مشارکت زنان روستایی در مدیریت روستایی اهمیت زیادی یافته است؛ با وجود این، ورود زنان به عرصه مدیریت روستایی با کندی چشمگیری مواجه است؛ از این رو هدف این پژوهش، تحلیل موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستایی در شهرستان زنجان است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده شده توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و میدانی بهره گرفته شد. جامعه آماری این تحقیق در دو سطح مردم محلی (۲۶۷ نفر نمونه) و مدیران محلی (۲۸ نفر) در نظر گرفته شد. نتایج آزمون فریدمن نشان داد، از دیدگاه مردم محلی، موانع نهادی و سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۳/۳۲ و موانع اقتصادی-مالی با ۲/۷۲ بیشترین و کمترین رتبه را به خود اختصاص دادند. از طرف دیگر، دیدگاه مدیران محلی نشان داد، موانع نهادی و سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۳/۴۷ و موانع اطلاعاتی و ارتباطی ۲/۵۷ بیشترین و کمترین رتبه را در موانع مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستاها به خود

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

اختصاص دادند. نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد، از دیدگاه مردم محلی، عامل-های فردی و شخصیتی، محیط اجتماعی و فرهنگی، نهادی و سازمانی، اطلاعاتی و ارتباطی و اقتصادی و از دیدگاه مدیران محلی، عوامل محیط اجتماعی و فرهنگی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، اطلاعاتی و ارتباطی و اقتصادی-مالی مهم‌ترین موانع مشارکت اجرایی زنان بودند. نتایج نشان داد، موانع بسیاری در تمایل به گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستاها وجود دارد و یافته‌های تحقیق آن را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، مدیریت روستایی، مشارکت زنان، شهرستان زنجان.

۱. مقدمه

از رویکردهایی که به‌تازگی در اغلب کشورهای جهان مدنظر قرار گرفته و حتی در برخی از کشورها اجرا شده و نتایج مثبتی در همه عرصه (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجرایی، زیربنایی و ...) در راستای توسعه یک سرزمین به همراه داشته است، مدیریت روستایی است. تجربه بسیاری از کشورهای جهان در سطوح جهانی، عملیاتی-اجرایی و راهبردی، مدیریت توسعه روستایی حائز اهمیت است و توانسته است در عملکرد و کارکردهای روستایی نقش مفیدی ایفا کند (رومیانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲)؛ بنابراین وجود مدیران محلی شایسته برای برقراری امور و سازماندهی برنامه‌های توسعه روستایی با چارچوب مشخص که به بررسی و شناسایی مشکلات روستا و اتخاذ بهترین راه حل ممکن برای رفع آن‌ها بپردازد، ضروری است (فال‌سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۷۴). با توجه به نقش و اهمیت عامل نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و لزوم استفاده بهینه از این منبع تجدیدشدنی ضرورت دارد؛ به‌نحوی که هم تخصیص کاری صورت گیرد و هم روستاییان بتوانند از امکانات، توانایی‌ها و استعداد بالقوه نیروی کار بهره‌برداری کنند (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶، ص. ۲). در این میان، زنان روستایی با حضور در عرصه‌های مدیریت روستایی می‌توانند محور اصلی پیشرفت و توسعه روستایی محسوب شوند (دادورخانی و سوری، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۸).

امروزه می‌توان گفت که میان مدیریت زنان و مردان تفاوت‌هایی بنیادی وجود دارد و آداب و رسوم، ارزش‌ها، آموزش و پرورش و چشم‌داشت‌های جامعه می‌تواند این تفاوت‌ها را تشدید یا تعدیل کند؛ بنابراین تفاوت‌های میان زنان و مردان، تحت‌تأثیر شرایط فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد که بسته به شرایط، نوع تأثیر آن‌ها متفاوت است (ساعتچی، ۱۳۷۶، صص. ۳۲-۳۵)، اما باید توجه داشت که متناسب با تغییر فضاهای جغرافیایی و با پررنگ شدن سنت‌ها و باورها، موانع پیش روی زنان برای انجام فعالیت‌های بیرون از خانه و خدمات اجتماعی کمی پیچیده‌تر می‌شود و از انگیزه‌های مشارکت زنان به صورت اجباری و اختیاری در خارج از خانه می‌کاهد.

در این راستا باید اظهار کرد که با مطرح شدن نگرش توسعه پایدار در سال ۱۹۸۰ میلادی از سوی اتحادیه جهانی محیط‌زیست و تأکید بر مشارکت همه‌جانبه اقشار، طبقات و گروه‌های سنی و جنسی، اهمیت توجه به سهم زنان، به‌ویژه زنان روستایی به‌عنوان اهرم اساسی تولید و ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه جامعه دوجندان شده است (صفری شالی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸)؛ با وجود این، مطالعات اخیر نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی را بر سر راه زنان در مشارکت فراگیر به وجود آورده است (کتابی، یزدخواستی و فرخی راستایی، ۱۳۸۲، ص. ۶) که این امر در روستاها شدیدتر است؛ زیرا به نظر می‌رسد، نگرش مردان روستایی به مشارکت فراگیر زنان همراه با تحقیر و توهین و یا تبعیض جنسی زمینه را برای نوعی سردرگمی و احساس بی‌هویتی و ناامنی در آنان ایجاد کرده است (خانی و چوبچیان، ۱۳۸۹، ص. ۳).

اکنون پس از گذشت سال‌ها، نقش زنان در روستاهای ایران در حال افزایش است، اما باید توجه داشت که میزان مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستاها همچنان در سطح بسیار محدود و نپذیرفته‌شده‌ای است که نیازمند مطالعه و شناخت از موانع موجود در سر راه مشارکت زنان در فرایند مدیریت روستایی و برنامه‌ریزی برای برطرف کردن آن است؛ بر این اساس، هدف این مطالعه، بررسی علل موانع گرایش زنان به مشارکت در مدیریت اجرایی روستاهاست و برای عملیاتی‌سازی مطالعه، روستاهای شهرستان زنجان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که دارای زنان باسواد و فعال در عرصه اقتصادی است؛ براین اساس، سؤال این مطالعه عبارت است از اینکه موانع مدیریتی زنان در مناطق روستایی چه عواملی هستند؟

۲. پیشینه تحقیق

عنبری و حسونند (۱۳۸۹) در مقاله خود به این نتایج رسیدند که مشارکت سازمان‌یافته زنان قبل از هرچیز تابعی از فرهنگ سنتی روستایی یا فرهنگ پدرسالاری است؛ به‌طوری‌که با افزایش فرهنگ پدرسالاری از مشارکت زنان کاسته می‌شود و با افزایش متغیرهای تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از رسانه‌های جمعی، میل به پیشرفت و دسترسی به اماکن شهری، مشارکت سازمان‌یافته زنان در مدیریت روستایی نیز افزایش می‌یابد. مالکی و شوکتی (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که از مهم‌ترین فرصت‌هایی که با حضور زنان در عرصه مدیریت روستایی کشورمان ایجاد می‌شود، کمک به خودباوری زنان و دختران روستایی، جلب مشارکت زنان و دختران روستایی، مسئولیت‌پذیری بیشتر زنان در مقایسه با مردان، صداقت بیشتر و دوری از مسائل حاشیه‌ای، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی و توجه بیشتر به محیط‌زیست و توسعه پایدار است. روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) گزارش کردند، در کشور مشکلات فرهنگی ریشه در تفکرات کلیشه‌ای و کم‌بودن قدرت اقتصادی زنان روستایی دارد و دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که علاوه بر توجه به نقش زنان در تولید محصولات زراعی، دسترسی آنان را به منابع، اعتبارات مالی، فناوری، بازاریابی محصولات، آموزش و ترویج افزایش دهد. صادق‌لو، خوب و صاحبی (۱۳۹۹) گزارش کردند، بیشترین اثر تبعیض جنسیتی بر کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی با میانگین رتبه‌ای ۳/۵۳ است. همچنین آنها بیان کردند، اهمیت نسبی تبعیض جنسیتی در مشارکت‌پذیری زنان است. بوک و درگزن^۱ (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که اتحادیه اروپا از طریق مقررات خود برای تحویل وجوه ساختاری به تأکید بر سطوح منطقه‌ای و محلی روی آورده است و مشارکت زنان را با هدف افزایش سیاست کارآمد زنان در بخش مدیریت روستایی در نظر گرفته است. هوکثو و ایتوها^۲ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان، نقش اساسی در افزایش

1. Bock & Derkzen

2. Hoque & Itohara

مشارکت آن‌ها در فعالیت اقتصادی-اجتماعی مناطق روستایی دارند. اگر اول^۱ (۲۰۱۰) به این نتیجه دست یافت که حضور مشارکت زنان می‌تواند در حکومت مؤثر واقع شود و زمینه برای صحبت کردن در عرصه مدیریت و قدرت در جنگل‌داری افزایش دهد. سز و سالگادو^۲ (۲۰۱۴) بیان کردند، تفاوت بزرگ زنان با توجه به مردان در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و... در میان جهان روستایی است. ماروانیکا، دیوید، سیفز و اژیدو^۳ (۲۰۱۶) ذکر کردند، مشارکت اعضای جامعه از جمله زنان در پروژه‌های فعال توسعه توانسته است زمینه را برای فرایندهای تصمیم‌گیری، باز کردن فضاها برای گروه‌ها و افزایش فعالیت پایدار فراهم کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

مطالعه حاضر از روش‌های توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی مبتنی بر مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با سؤالات طیفی (لیکرت) استفاده شد. جامعه نمونه این تحقیق در دو سطح مردم محلی و همچنین مدیران محلی و شوراهای در نظر گرفته شد؛ به‌طوری‌که جمعیت مردان و زنان روستاهای مورد مطالعه بالغ بر ۳۴۶۲۸۳ نفر بود و با استفاده از فرمول کوکران و خطای ۰/۰۶، ۲۶۷ پرسشنامه به صورت تصادفی بین آن‌ها توزیع شد. همچنین جامعه آماری مدیران محلی و شوراهای ۲۸ نفر برآورده شد که چهار نفر از آن‌ها زن بودند و به صورت تمام شماری بررسی شدند. برای سنجش میزان پایایی و روایی (از ۱۸ نفر متخصص و دانشگاهی) در تدوین و تنظیم پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS استفاده شد که نشان از رضایت‌بخش بودن داده‌ها برای انجام تحقیق بود و نتایج آن به ترتیب برای مردم محلی و مدیران محلی ۰/۶۵۷ و ۰/۶۸۰ به دست آمد. در نهایت برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری و استنباطی (فریدمن، تحلیل عاملی) استفاده شد.

1. Aggarwal

2. Ces & Salgado

3. Maravanyka, David, Cephas & Asiedu

در پژوهش حاضر، سؤالات پرسشنامه تحقیق با مقیاس رتبه‌ای براساس طیف لیکرت (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) طراحی شد. با توجه به بررسی کتابخانه‌ای بر ادبیات نظری، پنج معیار و ۲۸ شاخص درباره موضوع استخراج شد (جدول ۱).

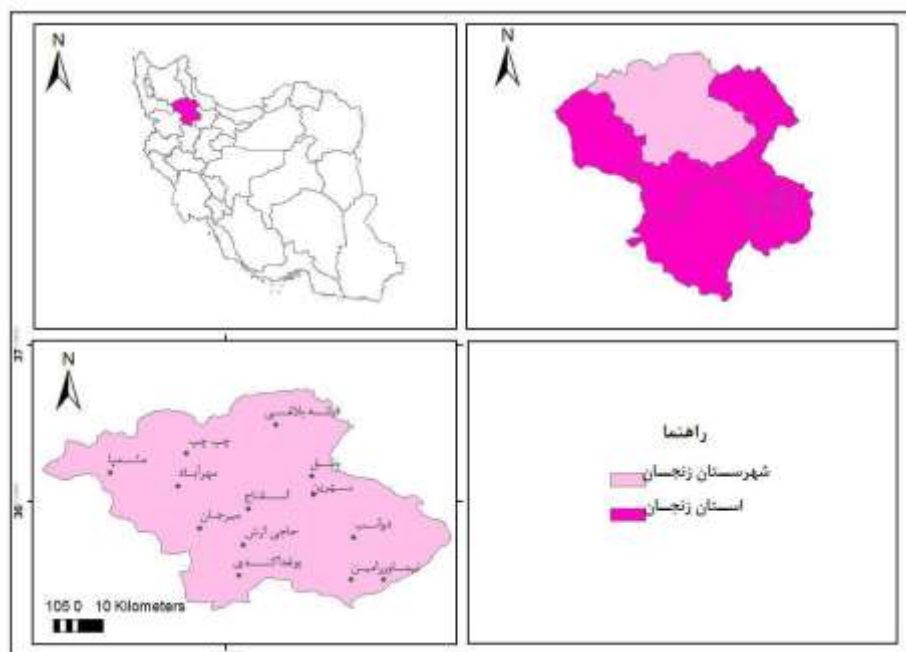
جدول ۱. موانع مؤثر بر گرایش نداشتن زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستا
 مأخذ: شادی‌طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۸؛ فاطمی صدر، ۱۳۸۰؛ کجباف و کاظمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰؛ بابایی زکلیکی، ۱۳۸۵، صص. ۶۳-۶۹

نوع مانع	شاخص‌ها
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	- تنش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی) - باورهای سنتی-مذهبی (معذوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم) - حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر) - نگرانی از نگرش منفی اجتماعی به اشتغال زنان در روستا
موانع اقتصادی-مالی	- استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده - پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان - اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان - کم بودن حقوق و مزایای زنان در مقایسه با مردان
موانع فردی و شخصیتی	- پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی زنان - علاقه‌مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی - پایین بودن اعتماد به نفس - اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن) - علاقه‌مندی به ایفای نقش‌های جنسیتی (رفتارهای زنانه) - اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی - حساس و عاطفی بودن زنان (نداشتن اقتدار مدیریتی) - ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی) - نفرت از برچسب‌ها و آسیب‌های اجتماعی (مانند اختلاس، پارتی‌بازی و...) - نداشتن دوراندیشی شغلی (آینده نگری) - ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به دلیل مسافرت، مأموریت، شرکت در جلسات)
موانع نهادی و سازمانی	- چندمسئولیتی بودن زنان (همسررداری، بچه‌داری، خانه‌داری) - نداشتن تشکلهای اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری)

نوع مانع	شاخص‌ها
	(قوی) -مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا)
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	-پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا -پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی -نداشتن تجربه‌های کاری مشابه در محیط روستا -نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات) -ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی)

۳.۳. منطقه مورد مطالعه

برای عملیاتی کردن مطالعه، ۱۳ روستا در شهرستان زنجان در نظر گرفته شد. انتخاب این روستاها از یک طرف به این دلیل بود که مدیران زنان در مقایسه با دیگر روستاهای شهرستان دارای بیشترین سهم و دارای سابقه مدیریت روستایی بیشتری بودند و از طرف دیگر، انتخاب این روستاها هم براساس جمعیت انجام شد که ۹۵ درصد بیشتر از ۵۰ خانوار بود و ۱۰۰ درصد روستاها دارای راه آسفalte بودند و امکان دسترسی بهتری وجود داشت. جامعه آماری تحقیق ۲۵۱ روستای دارای سکنه بود که ۵ درصد از روستا (۱۳ روستا) به عنوان نمونه انتخاب شدند (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

ماخذ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

۴. مبانی نظری تحقیق

اصطلاح «مشارکت» اغلب به‌عنوان تفسیری از فرهنگ تعریف شده است (جنینگز، ۲۰۰۰)؛ به‌طوری‌که استفاده گسترده از این اصطلاح در توسعه، فقط درک ابتدایی از پیچیدگی‌های مفهوم مشارکت چندبعدی در میان ذی‌نفعان را به وجود آورده است. این درک ابتدایی یعنی شعار مشارکت برابر زنان و مردان در اقتصاد توسعه اغلب استفاده می‌شود (فائو^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱۱)؛ پس تعریف مشارکت باید از محیط‌های خارجی که زنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، آگاهی داشته باشد. هرگونه ابتکار عمل برای اطمینان از مشارکت باید توسط نابرابری‌هایی اطلاع داده شود که در تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه روستایی ریشه دوانده‌اند. علاوه بر این، قبل از اینکه تعریف مشارکت زنان در توسعه رسمیت یابد، باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که حتی در مواردی که پروژه‌های توسعه از طریق فرایندهای

1. Food and agriculture Organization

مشارکتی انجام می‌شوند، نیازهای زنان همیشه در اولویت‌های پروژه‌ها به اندازه کافی برآورده نمی‌شود (تنویر و صفدر^۱، ۲۰۱۳، ص. ۲۱۱). این امر مستلزم بازنگری در مبانی مفهومی مشارکت و توانمندسازی زنان است. در همین زمینه، آگروال معتقد است که مشارکت زنان می‌تواند اسمی، منفعلانه و صرفاً تشریفات باشد، اما هنوز هم به‌عنوان مشارکت زنان در توسعه در نظر گرفته شود. برای اهداف، مشارکت اسمی/منفعل پیش‌شرط کافی برای توانمندسازی و توسعه جنسیت نیست. در بعضی موارد مشارکت مخصوص فعالیت است و به زنان آموزش داده می‌شود، وظایفی را انجام دهند که مردان تعیین کرده‌اند. در برخی موقعیت‌های دیگر، زنان فقط در اجرا مشارکت می‌کنند، نه در روند تصمیم‌گیری یا در منافع حاصل‌شده؛ یعنی صرفاً شرکت در فرایند کافی نیست و مشارکت باید ابزاری باشد که زنان را در این روند متحول و توانمند کند (اسکات‌لاد، تراواگلیونه و مارشال^۲، ۲۰۰۶، ص. ۳۳۶). همچنین کورن وال^۳ (۲۰۰۳) روش‌های مختلف مشارکت را شناسایی کرده‌اند و نحوه مفهوم‌سازی شرکت‌کنندگان را توضیح داده‌اند که عبارتند از:

۱. عملکردی: افراد باید برای شرکت در پروژه‌ها فرایندهای ثبت‌نام را انجام دهند و مخالفت خود را به حداقل برسانند. شرکت‌کنندگان به‌عنوان فرایندی از پیش تعیین‌شده دیده می‌شوند؛
۲. ابزار: با مشارکت‌های جامعه و تفویض مسئولیت‌ها، پروژه‌ها را با کارایی بیشتری اجرا کنید؛
۳. مشورتی: ذی‌نفعان باید مشارکت فعال داشته باشد و تلاش آگاهانه‌ای برای جلب نظر جامعه کنند؛
۴. تحول‌آفرین: مشارکت شهروندان برای ایجاد توانایی‌های سیاسی، آگاهی انتقادی و اعتماد به نفس است.

با تلفیق بینش‌های آگروال (۲۰۰۱) و کورن وال (۲۰۰۳)، مشارکت باید ابزاری تحول‌آفرین باشد که برای زنان و مردان به سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل

1. Tanwir & Tayyab

2. Scott Ladd, Travaglione & Verena

3. Corn Wall

شده و به توسعه کارآمدتر و بهینه روستایی تبدیل می‌شود؛ بنابراین براساس دیدگاه «مشارکت تحول‌آفرین»، تعریف مشارکت زنان در توسعه برای این تحقیق حاکی از این است که: ۱- مشارکت داوطلبانه، تأثیرگذار و تعاملی در تصمیم‌گیری مربوط به شناسایی نیازها، اولویت‌ها و استفاده از منابع برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده مشترک، ۲- مشارکت عادلانه در ایده-پردازی، اجرا و مدیریت ابتکارات در سازمان‌های تولید کننده، ۳- مشارکت عادلانه در ایجاد توانایی‌ها، آگاهی انتقادی و اعتماد به نفس و همچنین تقویت ظرفیت برای به چالش کشیدن تبعیض برای دستیابی به فرصت‌های برابر برای زنان و مردان و ۴- مشارکت عادلانه در مزایای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از مشارکت در این فعالیت‌ها برای دستیابی به پایداری و امنیت غذایی برای همه (وارجنت^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱۸؛ ارکان و هیندرگس^۲، ۲۰۱۳، ص. ۱).

در حال حاضر روستاها با چالش‌های متعددی مواجه هستند که یکی از راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها، مدیریت مناسب فضاهای روستایی است. صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقدند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی به‌منظور افزایش توانایی تصمیم‌گیری مدیریت روستایی، باید از داخل جامعه محلی شروع کرد و عوامل بیرونی می‌توانند به شکل تسهیلگری نقش ایفا کنند (کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه^۳، ۱۹۹۶). از محورهای اساسی در تحلیل مدیریت روستایی، توجه به مدیریت زنان در این جوامع است. امروزه، توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنان بر پایه برابری در همه زمینه‌ها و امور جامعه، ازجمله مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و دسترسی به قدرت برای دستیابی به برابری، توسعه و... ضرورت بنیادین دارد. زنان روستایی به‌عنوان نیمی از جمعیت روستایی نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند و رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجه بیشتر به زنان را طلب می‌کند که دوشادوش و همپای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت فعالانه دارند (آگهی، ۱۳۸۴)؛ براین اساس، از دهه هفتاد میلادی مسائل مربوط به شرکت همه‌جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به‌تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی شد و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی

1. Varjnt

2. Ercan & Hendriks

3. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها در آگاه کردن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان جامعه (که پیش از این نظرها پنهان بود) در توسعه کشورها و محل زندگی سعی داشت؛ زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (خواجه‌نوری، ۱۳۷۶). حضور زنان در مدیریت یکی از شاخص‌های است که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ به عنوان پایه‌ای برای ارزیابی پیشرفت کشورها استفاده می‌شود (ترزکینس گی و هالست^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱). درصد مشارکت زنان در مدیریت و رهبری مواضع در مقایسه با مردان، به منزله یکی از شاخص‌های اجتماعی است که نشان می‌دهد تا چه حد زنان در ورود به بازار کار با مردان برابرند. همان‌طور که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در گزارش جنسیت و توسعه پایدار به آن اشاره کرده است، عدالت جنسیتی در مدیریت و رهبری می‌تواند موقعیت اقتصادی را بهبود بخشد و عملکرد قسمت‌های مختلف و سازمان‌ها را از طریق تعدادی از فرایندهای مختلف به همراه داشته باشد؛ زیرا مدیران زن می‌توانند طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌ها را در تصمیم‌گیری شرکت‌های بزرگ ایجاد کنند و مهارت‌های برقراری ارتباط و کمک به سازمان برای انطباق با تغییر شرایط را به وجود آورند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳، ۲۰۱۲، ص. ۳۱). افزایش مشارکت زنان در مدیریت یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کمیسیون اروپا برای برابری جنسیتی است (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۰۹)؛ بنابراین مسئله مدیریت زنان توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مدیریت را به خود جلب کرده است و هریک تلاش کرده‌اند تا به گونه‌ای این مسئله را ریشه‌یابی کنند؛ به‌طوری‌که تئوری‌های اقتصادی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد، افزایش درصد مشارکت زنان در موقعیت‌های رهبری و مدیریت، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مثبتی را در سطح کلان به دنبال داشته است (ترزکینس گی و هالست^۴، ۲۰۱۱، ص. ۱)؛ بنابراین می‌توان گفت، یکی از مباحث اساسی در زمینه توسعه، میزان بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی و استعدادها

1. Organisation for Economic Co-operation and Development
2. Trzcinski & Holst
3. Organisation for Economic Co-operation and Development
4. Commission of the European Communities
5. Trzcinski & Holst

نیروی انسانی هر جامعه است. بر پایه این رویکرد و با توجه به یکی از وقایع کنونی دنیای کار، یعنی باقی ماندن زنان در سطوح شغلی پایین‌تر که از آن به‌عنوان «اثر سقف شیشه‌ای» یاد می‌شود، توجه به موقعیت زنان به‌عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه از اهمیتی ویژه برخوردار است. دیدگاه سقف شیشه‌ای مسئله‌ای به رشد حرفه‌ای مربوط است و یکی از مهم‌ترین دلایلی که درباره وجود آن بیان شده است، این است که زنان و مردان در حرفه خود با تجربی متفاوت روبه‌رو می‌شوند (کجباف و کاظمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۷) که ناشی از نگرش‌های منفی و پیش‌داوری درباره مدیریت زنان است. بسیاری از رفتارهای نابرابر درباره زنان تعدیل شده است، اما هنوز گونه‌هایی از آن دیده می‌شود؛ نمونه‌هایی مانند قائل‌شدن تبعیض غیرمستقیم برای زنان درباره شرایط کاری، انعطاف‌ناپذیری، شرایط تغییرپذیری و نیز رفتارهای تبعض‌آمیز کارکنان در استخدام، ترفیع، نظام‌های ارزیابی و فرصت‌های آموزشی، به‌ویژه برای مدیران زنی که به‌دلیل برقراری تماس با دیگران و ایجاد پیوندهای سیاسی مهم در کار خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند، فرصت‌های کمتری به آنان داده می‌شود (کجباف و کاظمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۸). همچنین دیدگاه کلیشه‌ای درمورد زنان، دسترسی به کار را برای آن‌ها محدود می‌کند. این تصور که دختران صرفاً ازدواج خواهند کرد و به بازار کار نخواهند پیوست، اغلب سبب می‌شود که دختران از سطوح آموزشی پایین‌تری برخوردار شوند و همچنین باعث می‌شود که آموزش آن‌ها هدفمند و برای کسب حرفه‌ای خاص نباشد؛ در نتیجه زنان در بسیاری از کشورها، به‌طور متوسط کمتر از مردان واجد شرایط کار هستند؛ از این‌رو فرصت‌های شغلی آن‌ها محدودتر است. همچنین این تمایل وجود دارد که زنان در صنایع خاصی متمرکز شوند که متقاضی نیروی کار، زن هستند. این تقاضا مبنی بر این فرضیه است که زنان در کارهای تکراری و جزئی‌تر مهارت بیشتری دارند و کنترل‌شدنی هستند. قبول چنین کاری از طرف زنان نیز احتمالاً به‌دلیل نبودن گزینه‌های دیگر برای آن‌هاست؛ بنابراین افکار کلیشه‌ای اغلب سبب می‌شود که زنان در مقایسه با مردان پاداش کمتری از کار دریافت کنند. ساختار دستمزدها که نرخ‌های پرداخت کمتری را برای زنان در نظر می‌گیرد، با این قضاوت ارزشی همراه است که زنان نان‌آوران اصلی نیستند و بسیاری از زنان، صرفاً منابع حمایتی برای خانواده خود محسوب می‌شوند. همچنین بسیاری از کارفرمایان اعتقاد دارند که غیبت زنان از

محیط کار، به دلیل مسئولیت آنان در خانواده، بیش از مردان است؛ اگرچه بیشتر مطالعات تجربی در این باره، اختلاف معناداری را میان غیبت مردان و زنان نشان نمی‌دهند (نورزی، ۱۳۸۰، ص. ۳۸-۳۶). رویکرد عدالت جنسیتی معتقد است، زنان امروز به اندازه مردان توانایی دارند و استفاده نکردن از این نیروی کار آماده باعث به وجود آمدن ناهنجاری در جامعه می‌شود. سرمایه انسانی با سرمایه طبیعی که در صورت بی‌توجهی و استفاده‌نشدن می‌تواند دست نخورده باقی بماند، متفاوت است. سرمایه انسانی در صورت بی‌توجهی و به‌کارگرفته‌نشدن سبب بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، بحران‌ها و به‌طور کلی ایجاد ناامنی سیاسی و اجتماعی می‌شود (سجاسی قیداری و عروجی، ۱۳۹۳، ص. ۷). نظریه‌پردازان نئوکلاسیک نابرابری‌های جنسیتی را ناشی از متغیرهای مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی و جنسیتی زنان، آموزش عمومی زنان و کم‌تر بودن سرمایه انسانی آن‌ها از مردان و وضعیت خاص اجتماعی حاکم بر جامعه و سازمان‌ها می‌دانند. نظریه‌پردازان دیدگاه جنسیتی در تبیین نابرابری‌های موجود، بر اختصاص «کار خانگی» به زنان و در نتیجه فرصت کمتر برای حضور آن‌ها در سایر عرصه‌های اجتماعی تأکید دارند. نظریه «جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی» در نظریه‌های پارسونز نیز دیده می‌شود. پارسونز در زمینه جامعه‌پذیری جنسیت بیان می‌کند که ایده تمایز نقش‌ها بین جنس‌های بیولوژیک بر پایه این واقعیت قرار دارد که تولیدمثل و پرستاری اولیه کودکان، به‌وجودآورنده تقدم قوی و محتمل از ارتباط مادر و کودک است و خود، پدیدآورنده این فرض است که مردی که از چنین کارکردهای بیولوژیک معاف است، باید در جهت دیگری تخصص پیدا کند (احمدی کهنعلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۶). رویکرد فمینیستی لیبرال، نظریه‌نوسازی رایج در توسعه را به‌مثابه روند خطی رشد اقتصادی پذیرفت و با به کار بردن این طرز فکر در مورد زنان معتقد بود که زنان جهان سوم در خارج از روند توسعه قرار گرفته‌اند. در این دیدگاه، جنبه‌های ایدئولوژیک جنسیت، فرصت‌های نابرابر بین زنان و مردان و ارزش نابرابری که بر کار مردان و زنان گذاشته می‌شود، همگی نادیده گرفته شده است. رویکرد فمینیستی - مارکسیستی، بر نقش‌های اقتصادی زنان و ساختار طبقاتی نابرابر بین‌المللی تأکید دارد. در این دیدگاه، زنان همیشه بخشی از روند توسعه بوده‌اند و دقیقاً پیوند آنان با نوسازی بود که آنان را تضعیف و ناتوان

کرد. از نظر این دیدگاه، نظام‌های سلطه مردان از یک سو، و انکار و محدود کردن دسترسی زنان به منابع اقتصادی و مشارکت سیاسی از سوی دیگر، تقسیمات جنسی کار بر زنان را تحمیل کرده است (عنبری و حسنونند، ۱۳۸۹، صص. ۳-۱۴)؛ بنابراین افزایش مشارکت زنان روستایی در تولید کشاورزی، کاهش شکاف بین مشارکت نیروی کار و میزان اشتغال مردان و زنان و حفظ برابری فرصت‌های شغلی و تقویت برنامه‌های آموزشی ویژه زنان روستایی را از اهداف تحلیل جنسیتی زنان روستایی برای بهبود شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی آن‌ها می‌دانند. گزارش‌های بانک جهانی تجارت سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینه بهبود جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان به‌ویژه در مناطق روستایی حاکی از آن است که مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبه آن‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی است (کوشکی، ایروانی و کلانتری، ۱۳۸۹، ص. ۵).

تلاش‌های متعددی برای استفاده از نیروی انسانی زنان در ایران شکل گرفته است. به‌طور رسمی، برای اولین بار در کشور زنان روستایی از طریق حضور در شوراهای روستا در مدیریت روستایی مشارکت کردند. براساس اطلاعات سازمان دهیاری‌های کشور در دوره دوم (سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰)، ۲۱۶۸۱ دهیاری دارای مجوز آغاز به کار کردند که از این بین، ۵۴۸ دهیاری (۲/۵ درصد) با مدیریت زنان اداره می‌شود (شادی‌طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۶). آمارها حاکی از این است که زنان ۱/۲ درصد از اعضای شوراهای اسلامی روستا و ۲/۵ درصد از مدیران محلی را در کشور تشکیل می‌دهند (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۸). به‌رغم موفقیت‌های بسیاری که زنان تاکنون به دست آورده‌اند، نگرش‌های منفی و پیش‌داوری درباره توانایی‌های آنان به‌عنوان مدیر و رهبر، هنوز در بسیاری از فرهنگ‌ها رواج دارد و ایران نیز از جمله آنان به شمار می‌آید (کجباف و کاظمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۵). از چالش‌های مدیریت زنان، عوامل محیطی و شرایط فرهنگی مؤثر بر حضور زنان، فرهنگ پدرسالاری (عنبری و حسنونند، ۱۳۸۹)، وضعیت تأهل، حمایت نشدن از جانب همسر، بی‌اعتمادی زنان به توانایی‌های خود، بی‌توجهی به شایستگی‌ها، فرهنگ جامعه، باور نداشتن توانمندی زنان در جامعه (احمدی کهنعلی و همکاران، ۱۳۹۲) و عوامل اجتماعی و فرهنگی است که ضرورت بررسی آن به‌صورت دقیق در محیط‌های روستایی لازم است (کجباف و

کاظمی، ۱۳۸۷). در انتهای بحث می‌توان بیان کرد که هرکدام از این نظریه‌ها در راستای استفاده از شاخص‌ها و ابعاد برای جایگاه زنان در مسائل اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی استفاده شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق به بررسی یافته‌های توصیفی و تحلیلی حاصل از پژوهش خواهیم پرداخت.

۵. ۱. یافته‌های توصیفی

از میان ۲۶۷ پرسشنامه که بین مردم محلی توزیع شد، یافته‌های توصیفی پرسشنامه نشان داد که از لحاظ ویژگی‌های سن پاسخگویان، افراد بین ۲۱-۳۰ سال با ۴۱/۱ درصد پاسخ، از لحاظ تحصیلات، گزینه دبیرستان با ۲۸ درصد، از لحاظ تأهل، گزینه متأهل با ۸۸/۷ درصد، از لحاظ شغل، گزینه کشاورزی با ۳۸/۶ درصد، از لحاظ بررسی وضعیت مسکن، گزینه مسکن شخصی با ۹۳/۱ درصد و از لحاظ تعداد خانوار، گزینه بین ۲ تا ۴ نفر با ۲۲/۳ بیشترین پاسخ-ها را به خود اختصاص دادند.

همچنین برای بررسی ویژگی‌های توصیفی ۲۸ نفر از مدیران محلی، از لحاظ ویژگی‌های سنی، گزینه ۲۱-۳۰ سال با ۴۶/۴ درصد پاسخ، از لحاظ تحصیلات، گزینه فوق‌دیپلم و بالاتر با ۸۹/۳ درصد، از لحاظ جنسیت بیشترین پاسخ را مردان با ۵۳/۶ درصد، از لحاظ شغل، گزینه سایر با ۱۰۰ درصد، از لحاظ مسکن، گزینه مسکن شخصی با ۶۷/۹ درصد و از لحاظ تعداد خانوار، گزینه بین ۲ تا ۳ نفر با ۶۰/۷ درصد بیشترین پاسخ‌ها را به خود اختصاص دادند (جدول ۲).

جدول ۲. اطلاعات توصیفی پاسخگویان مردم محلی و مدیران محلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

مردم محلی				مدیران محلی			
مشخصات پاسخ‌دهنده	بیشترین پاسخگو	تعداد	درصد	مشخصات پاسخ‌دهنده	بیشترین پاسخگو	تعداد	درصد
سن	۳۰-۲۱	۱۳۱	۴۱/۱	سن	۳۰-۲۱	۱۳	۴۶/۴
تحصیلات	دبیرستان	۸۳	۲۶	تحصیلات	فوق‌دیپلم و بالاتر	۲۵	۸۹/۳
جنس	مرد	۲۱۶	۶۷/۷	جنس	مرد	۱۵	۵۳/۶
تأهل	متأهل	۲۲۵	۸۸/۷	تأهل	متأهل	۲۳	۸۲/۱
شغل	کشاورز	۱۲۳	۳۸/۶	شغل	سایر	۲۸	۱۰۰
مسکن	شخصی	۲۴۲	۹۳/۱	مسکن	شخصی	۱۹	۶۷/۹
تعداد افراد خانوار	بین ۳ تا ۴ نفر	۱۸۸	۲۲/۳	تعداد افراد خانوار	بین ۳ تا ۴ نفر	۱۷	۶۰/۷

۲.۵. ارزیابی اثرات شاخص‌ها بر موانع گرایش زنان به مدیریت اجرایی

برای بررسی اینکه کدام شاخص بیشترین تأثیرات را بر موانع گرایش زنان به مشارکت در مدیریت اجرایی داشته است، از انحراف معیار و تحلیل واریانس استفاده شد. مشخص شد، متغیرهای مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا) با واریانس ۳/۴۹، متغیر ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی) با واریانس ۳/۳۶، متغیر نداشتن تشکلهای اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی) با واریانس ۳/۴۲، متغیر حساس و عاطفی بودن زنان (نداشتن اقتدار مدیریتی) با واریانس ۳/۶۲ و متغیر اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن) با میزان واریانس ۳/۸۶، بیشترین واریانس‌ها را در بین متغیرهای مطرح‌شده در تحقیق داشتند. از طرف دیگر، از دیدگاه مدیران محلی مشخص شد که گزینه نداشتن تجربه‌های کاری مشابه در محیط روستا با واریانس ۰/۲۹۱، متغیر حاکمیت

فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر) با واریانس ۰/۳۴۳، متغیر نداشتن تشکل‌های اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی با واریانس ۰/۴۰۶ و متغیر علاقه‌مندی به ایفای نقش‌های جنسیتی (رفتارهای زنانه) با واریانس ۰/۴۰۷، بیشترین واریانس را در بین متغیرها داشتند؛ بنابراین مقایسه بین این دو گروه نشان می‌دهد، متغیرهای گوناگونی بر سر راه موانع مشارکتی زنان در مدیریت اجرایی نقش دارند (جدول ۳).

جدول ۳. شناسایی موانع گرایش نداشتن زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستا از دیدگاه

مردم محلی و مدیران محلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

معیارها	شاخص‌ها	مردم محلی			مدیران محلی		
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	میانگین	انحراف معیار	واریانس
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	تش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی)	۱/۴۶	۱/۰۱۸	۱/۰۳۶	۲/۱۶	۰/۷۸	۰/۶۰۸
	باورهای سنتی-مذهبی (معذوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم)	۳/۸۹	۰/۷۸۵	۰/۶۱۶	۳/۵۰	۰/۸۷۵	۰/۷۶۶
	حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر)	۳/۷۵	۰/۹۶۰	۰/۹۲۱	۳/۶۰	۰/۵۸۵	۰/۳۴۳
	نگرانی از نگرش منفی اجتماعی به اشتغال زنان در روستا	۴/۰۷	۰/۹۳۷	۰/۸۷۸	۳/۶۴	۰/۷۱۶	۰/۵۱۳
موانع اقتصادی-مالی	استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده	۳/۳۹	۱/۰۵۲	۱/۱۰۷	۳/۰۵	۰/۸۳۲	۰/۶۹۲
	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان	۲/۹۳	۰/۹۷۲	۰/۹۴۵	۳/۲۰	۰/۹۴۰	۰/۸۸۴
	اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان	۳/۶۱	۰/۹۱۹	۰/۸۴۵	۳/۳۵	۰/۷۳۷	۰/۵۴۴
	کم بودن حقوق و مزایای زنان در مقایسه با مردان	۲/۶۱	۰/۹۱۹	۰/۸۴۵	۲/۸۱	۰/۹۵۶	۰/۹۱۴
موانع فردی و شخصیتی	اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن)	۳/۰۴	۱/۹۶۶	۳/۸۶۶	۳/۳۶	۰/۷۹۳	۰/۶۲۸

معیارها	شاخص‌ها	مرم محلی			مدیران محلی		
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	میانگین	انحراف معیار	واریانس
معیارهای اجتماعی و فرهنگی	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی زنان	۳/۷۹	۰/۹۰۸	۰/۸۲۴	۳/۴۳	۰/۶۸۶	۰/۴۷۱
	علاقه‌مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی	۳/۴۶	۰/۹۵۹	۰/۹۱۹	۳/۳۱	۰/۷۹۳	۰/۶۲۸
	پایین بودن اعتماد به نفس	۳/۹۳	۰/۹۵۱	۰/۹۰۵	۳/۵۸	۰/۶۶۳	۰/۴۳۹
	علاقه‌مندی به ایفای نقش‌های جنسیتی (رفتارهای زنانه)	۲/۵۴	۰/۹۷۸	۰/۹۵۷	۲/۵۷	۰/۹۲۲	۰/۸۵۱
	اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی	۳/۵۰	۰/۸۴۶	۰/۷۱۵	۳/۰۷	۰/۶۳۸	۰/۴۰۷
	حساس و عاطفی بودن زنان (نداشتن اقتدار مدیریتی)	۲/۶۸	۱/۹۰۳	۳/۶۲۱	۳/۱۴	۰/۸۶۳	۰/۷۴۵
	ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی)	۳/۰۰	۰/۸۶۵	۰/۷۴۸	۲/۹۹	۰/۸۱۶	۰/۶۶۷
	نفرت از برچسب‌ها و آسیب‌های اجتماعی (مانند اختلاس، پارتی بازی و...)	۳/۵۴	۰/۸۶۵	۰/۷۴۸	۳/۲۹	۰/۸۳۸	۰/۷۰۲
	نداشتن دوراندیشی شغلی (آینده‌نگری)	۲/۶۴	۰/۸۳۳	۰/۶۹۴	۳/۰۳	۰/۸۷۰	۰/۵۷۷
	ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به‌دلیل مسافرت، مأموریت، شرکت در جلسات)	۳/۶۸	۰/۸۱۹	۰/۶۷۱	۳/۴۶	۰/۷۷۲	۰/۵۹۷
معیارهای اقتصادی و زیست‌محیطی	چندمسئولیتی بودن زنان (همسرداری، بچه‌داری، خانه‌داری)	۳/۷۹	۰/۷۱۲	۰/۵۰۷	۳/۵۴	۰/۶۸۶	۰/۴۷۱
	نداشتن تشکل‌های اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی)	۲/۴۶	۱/۸۵۲	۳/۴۲۹	۲/۹۶	۰/۶۳۷	۰/۴۰۶
	مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا)	۲/۱۴	۱/۸۳۰	۳/۳۴۹	۳/۰۸	۰/۹۷۰	۰/۹۴۲

معیارها	شاخص‌ها	مردم محلی			مدیران محلی		
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	میانگین	انحراف معیار	واریانس
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا	۲/۶۱	۰/۸۵۰	۰/۷۲۲	۳/۱۶	۰/۶۸۵	۰/۴۷۰
	پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه ای، تخصصی و اجرایی	۳/۲۱	۰/۷۸۲	۰/۶۱۲	۳/۴۴	۰/۷۸۷	۰/۶۱۹
	نداشتن تجربه‌های کاری مشابه در محیط روستا	۳/۹۳	۰/۷۶۴	۰/۵۸۴	۳/۵۲	۰/۵۳۹	۰/۲۹۱
	نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات)	۴/۰۷	۰/۸۸۲	۰/۷۷۸	۳/۵۳	۰/۶۰۴	۰/۳۶۵
	ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی های سیاسی، گرایش فکری، انجمن های اجتماعی)	۲/۹۳	۱/۹۰۷	۳/۳۶۳	۳/۰۳	۰/۸۱۳	۰/۶۶۱

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، برای بررسی تفاوت معناداری متغیرها از میانگین رتبه‌ای از دیدگاه مردم و مدیران محلی بهره گرفته شده است تا میزان اهمیت آن‌ها مشخص شود؛ بنابراین برای بررسی این موضوع از آزمون فریدمن استفاده شده است. براساس این آزمون، از دیدگاه مردم و مدیران محلی، در معیارهای موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی-مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و موانع اطلاعاتی و ارتباطی در سطح آلفا ۰/۰۱ تفاوت معناداری وجود دارد. بررسی میانگین رتبه‌ای داده‌های حاصل از تحلیل کمی ظرفیت‌های موجود در جهت موانع مشارکت زنان روستایی در مدیریت اجرایی مناطق روستایی، نشان‌دهنده بالابودن سطح موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی-مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و موانع اطلاعاتی و ارتباطی در روستاهای نمونه به میزان بیشتر از حد متوسط است؛ بنابراین با توجه به نتایج آزمون فریدمن می‌توان دلایل پایین‌بودن سطح

موانع مشارکت زنان روستایی در مدیریت اجرایی روستاها را از دیدگاه مدیران محلی و مردم محلی به شرح زیر بیان کرد:

۱- در گروه متغیرهای موانع محیط اجتماعی و فرهنگی در روستاهای محدوده مورد مطالعه، تنش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی)، باورهای سنتی-مذهبی (معذوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم)، حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر) و نگرانی از نگاه منفی اجتماعی به اشتغال زنان در روستا سبب شده است که میانگین این موانع از دیدگاه مردم ۳/۲۲ و مدیران محلی ۳/۳۳ است.

۲- در گروه متغیرهای موانع اقتصادی-مالی، استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده، پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان، اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان و کم‌بودن حقوق و مزایای زنان در مقایسه با مردان و... سبب شده است تا میانگین شاخص‌های موانع اقتصادی-مالی از دیدگاه مردم در حدود ۳/۱۰ و از دیدگاه مدیران محلی ۳/۱۳ باشد و کمترین مقدار در بین موانع پنج گانه رابه خود اختصاص دادند؛

۳- در گروه متغیرهای موانع فردی و شخصیتی، سعی شد تا بستر روانی و شخصیتی زنان در سکونتگاه و مباحث مشارکت آن‌ها در مدیریت اجرایی مدنظر قرار گیرد. در این متغیر، بیشترین سؤالات مطرح شد و مدنظر قرار گرفت تا به موانع مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستایی بیشتر توجه شود؛ زیرا داشتن انگیزه مشارکتی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم مدیریت اجرایی زنان در روستاهاست. بنابراین در منطقه مورد مطالعه به دلیل اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن)، پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی زنان، علاقه‌مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی، پایین بودن اعتماد به نفس، علاقه‌مندی به ایفای نقش‌های جنسیتی (رفتارهای زنانه)، اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی، حساس و عاطفی بودن زنان (نداشتن اقتدار مدیریتی)، ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی)، نفرت از برچسب‌ها و آسیب‌های اجتماعی (مانند اختلاس، پارتی‌بازی و...)، نداشتن دوراندیشی شغلی (آینده‌نگری) و ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به دلیل مسافرت، مأموریت،

شرکت در جلسات)، از دیدگاه مردم و مدیران محلی میانگین هر دو دسته به ترتیب ۳/۱۸ و ۳/۲۱ و میانگین رتبه‌ای آنها ۲/۷۳ و ۲/۹۸ است.

۴- در گروه متغیرهای موانع نهادی و سازمانی مواردی از قبیل چندمسئولیتی بودن زنان (همسر داری، بچه داری، خانه داری)، نداشتن تشکلهای اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی) و مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا)، از دیدگاه مردم محلی و مدیران محلی به ترتیب میانگین ۳/۳۲ و ۳/۳۰ و میانگین رتبه‌ای ۳/۳۲ و ۳/۴۸ را به خود اختصاص دادند.

۵- در گروه متغیرهای موانع اطلاعاتی و ارتباطی، مواردی از قبیل پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا، پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی، نداشتن تجربه‌های کاری مشابه در محیط روستا، نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات) و ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی)، از دیدگاه مردم و مدیران محلی به ترتیب میانگین ۳/۲۹ و ۳/۱۴ و میانگین رتبه‌ای ۳/۲۴ و ۲/۵۷ را به خود اختصاص دادند؛ بنابراین در جمع‌بندی کلی برای رتبه‌بندی دیدگاه مردم و مدیران محلی می‌توان گفت که از دیدگاه مردم محلی، موانع نهادی و سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۳/۳۲ و موانع اقتصادی-مالی با ۳/۱۰، به ترتیب بیشترین و کمترین رتبه را به خود اختصاص دادند. از سوی دیگر، از دیدگاه مدیران محلی، موانع سازمانی-نهادی و موانع اطلاعاتی و ارتباطی به ترتیب با میانگین رتبه‌ای ۳/۴۸ و ۲/۵۷ بیشترین و کمترین رتبه‌ها را به خود اختصاص دادند (جدول ۴).

جدول ۴: معناداری تفاوت میانگین رتبه‌ای معیارهای نمونه براساس آماره آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

دیدگاه مدیران محلی			دیدگاه مردم محلی			
میانگین رتبه‌ای فریدمن	میانگین عددی	تعداد	میانگین رتبه‌ای فریدمن	میانگین عددی	تعداد	معیارها
۳/۲۵	۳/۳۳	۲۸	۲/۹۹	۳/۲۲	۲۶۷	موانع محیطی، اجتماعی و فرهنگی
۲/۷۱	۳/۱۳	۲۸	۲/۷۲	۳/۱۰	۲۶۷	موانع اقتصادی - مالی
۲/۹۸	۳/۲۱	۲۸	۲/۷۳	۳/۱۸	۲۶۷	موانع فردی و شخصیتی
۳/۴۸	۳/۳۰	۲۸	۳/۳۲	۳/۳۲	۲۶۷	موانع نهادی و سازمانی
۲/۵۷	۳/۱۴	۲۸	۳/۲۴	۳/۲۹	۲۶۷	موانع اطلاعاتی و ارتباطی
۶/۴۸۷			۴۰/۹۲۹			کای دو
۴			۴			درجه آزادی
۰/۱۶۶			۰/۰۰۰			مقدار معناداری

۳.۵. ارزیابی سهم هر یک از شاخص‌ها در کاهش انگیزه زنان در گرایش به مدیریت اجرایی

در ادامه برای تعیین سهم تأثیرگذاری هریک از معیارها و شاخص‌ها بر کاهش انگیزه‌های مشارکت زنان، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای تعیین انسجام درونی و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شد. معناداری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی و مناسب متغیرهای مدنظر برای انجام تحلیل عاملی بود (جدول ۵).

جدول ۵. آزمون بارتلت در سطح معناداری رتبه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

مقدار معناداری	مقدار بارتلت	مقدار KMO	دیدگاه‌ها	مجموع متغیرهای تحلیل شده
۰/۰۰۰	۶۹۱/۹۰۷	۰/۵۹۶	مردم	مجموع موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستا
۰/۰۰۰	۵۳۶/۱۶۱	۰/۱۸۲	مدیران محلی	

در این پژوهش با توجه به مؤلفه‌های مؤثر، پنج عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از یک برای عوامل موانع مشارکت زنان در راستای مدیریت اجرایی روستا استخراج شد. در جدول ۶، تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هریک از آنها، درصد واریانس هریک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل آمده است. مقدار ویژه بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرهاست و هرچه مقدار آن بزرگتر باشد، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر بیشتر آن عامل است. عامل اول بیشترین سهم و عامل پنجم کمترین سهم را در تبیین کل متغیرها دارن. در مجموع، از دیدگاه مردم محلی، پنج عامل به دست آمده ۵۲/۶۴۰ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند. همچنین از دیدگاه مدیران محلی این پنج عامل، ۶۰/۲۳۷ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند.

جدول ۶. عوامل استخراج شده همراه با ارزش ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

دیدگاه مدیران محلی			دیدگاه مردم			عامل‌ها	ردیف
مجموع مجذور بارهای استخراجی			مجموع مجذور بارهای استخراجی				
درصد واریانس	درصد واریانس	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس	مقدار ویژه		
۱۳/۶۸۴	۱۳/۶۸۴	۳/۵۵۸	۱۶/۰۷۸	۱۶/۰۷۸	۲/۲۵۱	عامل اول	۱
۲۶/۳۸۹	۱۲/۷۰۴	۳/۳۰۳	۲۷/۱۴۷	۱۱/۰۶۹	۱/۵۵۰	عامل دوم	۲
۳۸/۲۷۲	۱۲/۳۷۴	۳/۲۱۷	۳۶/۸۸۶	۹/۷۳۹	۱/۳۶۳	عامل سوم	۳
۵۰/۲۷۲	۱۱/۵۰۹	۲/۹۹۲	۴۴/۸۸۰	۷/۹۹۵	۱/۱۱۹	عامل چهارم	۴
۶۰/۲۷۳	۱۰/۴۵۰	۲/۷۱۷	۵۲/۶۴۰	۷/۷۵۹	۱/۰۸۶	عامل پنجم	۵

۴.۵. چرخش عامل‌ها

در پژوهش حاضر برای چرخش عاملی از روش ریماکس استفاده شده است. بعد از مرحله چرخش، متغیرهایی که به هر عامل مربوط هستند، به صورت ستونی مشخص می‌شوند. پس از پردازش متغیرها، به نام‌گذاری هر کدام از عامل‌ها اقدام شد. در جدول ۷، هریک از

عوامل و متغیرهای مربوط به آن عامل همراه با بار عاملی و گویه‌های پوشاننده آن‌ها ذکر شده است.

عامل اول: موانع فردی و شخصیتی

با توجه به محتوای جدول ۷، متغیرهایی چون پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی زنان، علاقه‌مندی پایین زنان به پذیرش مدیریت روستایی، اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی، ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی) و ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به دلیل مسافرت، مأموریت، شرکت در جلسات) و اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن) در سطح روستاها در عامل اول قرار گرفته‌اند. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد که این متغیرها با این عامل همبستگی مثبت و زیادی دارند. از طرفی مقدار ویژه این عامل ۲/۲۵۱ است که از بقیه عامل‌های دیگر بیشتر است و بیش از ۱۶/۰۷۸ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند؛ بنابراین می‌توان اظهار کرد که بین متغیرهای عوامل موانع فردی و شخصیتی در این گروه همبستگی قوی وجود دارد و برآیند آن در موانع مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستاها را می‌توان آشکارا ملاحظه کرد.

عامل دوم: موانع محیط اجتماعی و فرهنگی

متغیرهای قرارگرفته در این عامل شامل تنش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی)، باورهای سنتی-مذهبی (معذوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم) و حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر) است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بار عاملی این متغیرها بین ۰/۷۷۴ تا ۰/۶۷۵ متغیر است و تمامی متغیرها با عامل دوم همبستگی مثبت دارند. با توجه به اهمیت متغیرهای تشکیل‌دهنده با مقدار ویژه این عامل ۱/۵۵۰ است و در مجموع ۱۱/۰۶۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. متغیرهای این عامل، طیفی از عوامل موانع محیط اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد که می‌تواند نقش مؤثری در موانع مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستاییان داشته باشد.

عامل سوم: موانع نهادی و سازمانی

در این عامل متغیرهایی مانند چند مسئولیتی بودن زنان (همسرداری، بچه‌داری، خانه‌داری)، نداشتن تشکلهای اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی) و مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا) در این عامل جای می‌گیرند. مقدار ویژه این عامل ۱/۳۶۳ است و در مجموع، ۹/۷۳۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند؛ به‌طوری‌که بین متغیر چندمسئولیتی بودن زنان (همسرداری، بچه‌داری، خانه‌داری) با دیگر متغیرها در این تحقیق رابطه منفی وجود دارد؛ بنابراین موانع نهادی و سازمانی در روستاهای مورد مطالعه نیازمند توجه ارکان‌های دولتی و نهادی‌اند تا زمینه را برای بسترسازی گروه‌های نهادی و سازمانی در روستاها فراهم کنند.

عامل چهارم: موانع اطلاعاتی و ارتباطی

متغیرهای مربوط به عامل چهارم با مقدار ویژه ۱/۱۱۹ درصد است که در مجموع، ۷/۹۹۵ درصد از کل واریانس را تشکیل می‌دهد. متغیرهایی مانند پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا، نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات)، ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی) و پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی در روستاها عامل چهارم را می‌سازند. با دقت در این متغیرها خواهیم یافت که روستاهای محدوده مورد مطالعه، نیازمند افزایش آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای و تخصصی و اجرایی در کانون خانواده و مدیریت روستاها هستند. عمده شاخص‌های مذکور از نظر میانگین رتبه‌ای در مقایسه با سایر متغیرها از دیدگاه جامعه آماری وضعیتی نامناسب داشته‌اند، اما دارای انسجام و همبستگی بوده‌اند و بار عاملی بین ۰/۶۸۴ تا ۰/۵۶۷ را به خود اختصاص داده‌اند.

عامل پنج: موانع اقتصادی-مالی

متغیرهای مدنظر در این عامل، استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده، اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان و پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان عامل پنجم را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین بار عاملی این متغیرها ۰/۶۴۸ تا ۰/۵۸۷ است و تمامی متغیرهای با عامل پنجم همبستگی مثبت دارند. با توجه به اهمیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، نام موانع اقتصادی-مالی برای این عامل انتخاب شده است. مقدار ویژه آن ۱/۰۸۶، است که در مجموعه ۷/۷۵۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. از طرف دیگر، از تحلیل عاملی برای بررسی دیدگاه مدیران محلی استفاده شد تا موانع مشارکت نداشتن زنان در مدیریت اجرایی روستاها مشخص شود و بتوان آن را با دیدگاه مردم محلی مقایسه کرد تا نتایج بهتر مشخص و نمایان شود؛ بنابراین از دیدگاه مدیران محلی پنج عامل مشخص و تجزیه و تحلیل شد.

عامل اول: موانع محیط اجتماعی و فرهنگی

متغیرهای این عامل شامل تنش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی)، باورهای سنتی-مذهبی (معذوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم)، حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر)، نگرانی از نگرش منفی اجتماعی به اشتغال زنان در روستا است. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد که این متغیرها با این عامل همبستگی مثبت و زیادی دارند. مقدار ویژه این عامل (۳/۵۵۸) که از بقیه عامل‌های دیگر بیشتر است، بیش از ۱۳/۶۸۴ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. از مباحث مذکور می‌توان استنتاج کرد که متغیرهای عوامل موانع محیط اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه مدیران محلی نسبت به دیدگاه مردم محلی بیشترین موانع مشارکت نداشتن زنان در مدیریت اجرایی روستاها را به دنبال داشته است.

عامل دوم: موانع فردی و شخصیتی

این عامل حدود ۱۲/۷۰۴ درصد از کل واریانس بوده و مقدار ویژه آن ۳/۳۰۳ است. این عامل همبستگی زیادی را با شش متغیر (علاقه‌مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی، اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی، ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی

و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی)، پایین بودن سطح ریسک پذیری مدیریتی زنان و ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به دلیل مسافرت، مأموریت، شرکت در جلسات) نشان می‌دهد. طبق جدول ۹، بیشترین همبستگی این عامل به متغیر علاقه‌مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی است که برابر با ۰/۶۶۳ است و یکی از دلایل اصلی موانع فردی و شخصیتی در مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستاها در محدوده مورد مطالعه است.

عامل سوم: موانع نهادی و سازمانی

این عامل با مقدار ویژه ۳/۲۱۷ بوده و در مجموع ۱۲/۳۷۴ درصد از کل واریانس است. متغیرهای این عامل شامل چندمسئولیتی بودن زنان (همسررداری، بچه‌داری، خانه‌داری)، نداشتن تشکل‌های اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی) و مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا) است. بار عاملی این متغیرها بین ۰/۶۰۱ تا ۰/۵۵۰- قرار گرفته است که نشان می‌دهد بین متغیرهای چندمسئولیتی بودن زنان (همسررداری، بچه‌داری، خانه‌داری) و نداشتن تشکل‌های اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی) رابطه مثبت است، اما در متغیرهای مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا) این رابطه منفی است.

عامل چهارم: موانع اطلاعاتی و ارتباطی

متغیرهای این عامل شامل پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا، نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات)، ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی)، پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی است. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد، همبستگی مثبت و قوی بین آنها وجود دارد. مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۹۹۲ است و ۱۱/۵۰۹ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

عامل پنجم: موانع اقتصادی-مالی

متغیرهای استفاده‌شده در این عامل شامل استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده، اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان و پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان هستند که عامل پنجم را تشکیل می‌دهد. مقدار ویژه این عامل ۲/۷۱۷ بوده و در مجموع ۱۰/۴۵۰ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. بار عاملی این متغیرها از ۰/۷۶۴ تا ۰/۵۹۹ است و همبستگی قوی بین متغیرها در این عامل را به وجود آورده است. با مقایسه بین دو گروه، نتایج دلیل عاملی نشان داد، تفاوت زیادی بین مردم و مدیران روستایی در راه موانع نگرش زنان به مشارکت مدیریتی اجرای وجود ندارد و تقریباً موانع مشارکتی زنان به هم نزدیک‌اند.

جدول ۷. متغیرهای هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به‌دست‌آمده از ماتریس چرخش‌یافته از دیدگاه

مردم و مدیران محلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

عامل ها	متغیرها	دیدگاه مردم	دیدگاه مدیران
۱. موانع اقتصادی-مالی	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی زنان	۰/۶۹۴	۰/۷۵۶
	علاقه مندی کم زنان به پذیرش مدیریت روستایی	۰/۶۳۰	۰/۵۴۳
	اعتقاد به جنسیتی بودن (مردانه بودن) مدیریت روستایی	۰/۶۵۷	۰/۵۱۰
	ضعف‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و فیزیولوژیک زنان (قدرت و استقامت جسمی)	۰/۵۸۷	۰/۶۶۳
	ترس از بازماندگی انجام مسئولیت‌های خانواده (به‌دلیل مسافرت، مأموریت، شرکت در جلسات)	۰/۵۷۸	۰/۶۵۳
	اعتقاد به تفکیک جنسیتی رفتار (توانایی نداشتن در مواجهه با مردان غریبه، خجالتی بودن)	۰/۵۷۷	۰/۵۸۰
۲. موانع فرهنگی-اجتماعی	تنش‌های درون‌گروهی زنان (مانند حسادت و چشم و هم‌چشمی)	۰/۷۷۴	۰/۵۱۴
	باورهای سنتی-مذهبی (معدوریت‌های شرعی، دورگزینی اجتماعی از نامحرم)	۰/۶۷۸	۰/۵۷۰
	حاکمیت فرهنگ مردسالاری (مخالفت والدین و همسر)	۰/۶۷۵	۰/۵۶۷
۳. موانع نهادی-ساختاری	چندمسئولیتی بودن زنان (همسرداری، بچه‌داری، خانه‌داری)	۰/۶۹۶-	۰/۵۷۴
	نداشتن تشکلهای اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی)	۰/۵۴۱	۰/۶۰۱

عامل ها	متغیرها	دیدگاه مردم	دیدگاه مدیران
	مردگرایی ساختارهای مدیریتی بالادست (نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به مدیریت زنان در روستا)	۰/۵۶۸	-۰/۵۵۰
رابطه اطلاعاتی و ارتباطی	پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا	۰/۶۸۴	۰/۵۱۱
	نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات)	۰/۵۶۷	۰/۷۱۴
	ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی)	۰/۶۵۴	۰/۵۱۲
	پایین بودن سطح آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی	۰/۵۶۸	۰/۵۱۳
رابطه اقتصادی	استقلال مالی و اقتصادی نداشتن زنان در خانواده	۰/۵۸۷	۰/۷۶۴
	اعتقاد به وظیفه نان‌آوری مردان	۰/۶۴۸	۰/۵۹۹
	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی زنان	۰/۶۱۴	۰/۷۸۴

۵.۵. مقایسه دیدگاه زنان و مردان درباره موانع گرایش زنان به مدیریت اجرایی

برای بررسی مقایسه دیدگاه زنان و مردان در رابطه با موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستاها از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده شد. نتایج آزمون تی با دو گروه مستقل در ارتباط با تفاوت دیدگاه زنان و مردان از نظر موانع مشارکتی ارائه شده است (جدول ۸). با توجه به این جدول، سطح معناداری آزمون لون در مواردی که **Sig** > 0.05 باشد، آزمون تی با فرض برابری واریانس‌ها و در سایر موارد آزمون تی با فرض نبود برابری واریانس انجام می‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، درمورد معیارهای نهادی و سازمانی و اقتصادی-مالی فرض نبود برابری واریانس در نظر گرفته شده و برای بقیه معیارهای فردی و شخصیتی، موانع اجتماعی و فرهنگی، اطلاعاتی و ارتباطی فرض برابری واریانس در نظر گرفته شده است.

جدول ۸. نتایج مقایسه میانگین دیدگاه زنان و مردان در رابطه با موانع مشارکتی در مدیریتی اجرایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

معیارها	جنسیت	میانگین	آزمون لون		آزمون تی برای برابری میانگین‌ها	
			آماره f	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی
موانع فردی و شخصیتی	مرد	۳/۴۶	۰/۰۸	۰/۷۹۹	۱,۷۳۲	۲۴
	زن	۳/۱۸				
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	مرد	۲/۹۵	۳/۰۲۸	۰/۰۹۵	-۱/۷۶۷	۲۴
	زن	۳/۲۷				
موانع نهادی و سازمانی	مرد	۳/۲۹	۱/۴۰۶	۰/۲۴۷	۱/۳۴۲	۱۶/۱۳۷
	زن	۳/۱۲				
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	مرد	۳/۵۳	۰/۴۸۷	۰/۴۹۲	۲/۴۷۲	۲۴
	زن	۳/۰۳				
موانع اقتصادی-مالی	مرد	۳/۱۴	۵/۷۴۲	۰/۰۲۵	۰/۱۷۹	۱۴/۵۶۸
	زن	۳/۱۲				

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه پایدار و مدیریت روستایی نیز محسوب می‌شود؛ از این رو یکی از شاخص‌های درجه توسعه مدیریت روستایی یک کشور، میزان تنوع مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارند. از آنجاکه هدف این پژوهش، موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستا در روستاهای محدوده مورد مطالعه بود، برای بررسی این موضوع از آزمون‌های ناپارامتری (فریدمن، تحلیل عاملی و t دونمونه‌ای مستقل) استفاده شد؛ بنابراین برای بررسی این موضوع، دو سطح مردم و مدیران محلی سنجش و ارزیابی شدند تا مشخص شود که کدامیک از متغیرها موجب موانع گرایش زنان روستایی به مشارکت در مدیریت اجرایی روستایی در محدوده مورد مطالعه شده است.

نتایج آزمون فریدمن نشان داد، موانع مشارکت زنان در مدیریت اجرایی روستایی را می‌توان به پنج گروه (موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی-مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و اطلاعاتی و ارتباطی) دسته‌بندی کرد؛ به‌طوری‌که از دیدگاه مردم محلی موانع نهادی و سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۳/۳۲ و موانع اقتصادی-مالی با میانگین رتبه‌ای ۲/۷۲، بیشترین و کمترین علل را به خود اختصاص دادند. از طرف دیگر، دیدگاه مدیران محلی نشان داد، موانع شاخص‌های نهادی و سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۳/۴۷ و موانع شاخص‌های اطلاعاتی و ارتباطی با میانگین رتبه‌ای ۲/۵۷، بیشترین و کمترین علل را به خود اختصاص دادند.

نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد، از دیدگاه مردم محلی، عامل‌های موانع فردی و شخصیتی مقدار ویژه ۲/۲۵۱، موانع محیط اجتماعی و فرهنگی مقدار ویژه ۱/۵۵۰، موانع نهادی و سازمانی مقدار ویژه ۱/۳۶۳، موانع اطلاعاتی و ارتباطی مقدار ویژه ۱/۱۱۹ و موانع اقتصادی-مالی مقدار ویژه ۱/۰۸۶ را به خود اختصاص دادند. از دیدگاه مدیران محلی، موانع محیط اجتماعی و فرهنگی مقدار ویژه ۳/۵۵۸، موانع فردی و شخصیتی مقدار ویژه ۳/۳۰۳، موانع نهادی و سازمانی ۲/۲۱۷، موانع اطلاعاتی و ارتباطی مقدار ویژه ۲/۹۹۲ و موانع اقتصادی-مالی مقدار ویژه ۲/۷۱۷ را به خود اختصاص دادند.

برای مقایسه بین دو گروه مردان و زنان آزمون t دو نمونه‌ای مستقل نشان داد، برای موانع اجتماعی و فرهنگی، نهادی و سازمانی و همچنین اقتصادی-مالی فرض نبود برابری واریانس در نظر گرفته شد و برای معیارهای فردی و شخصیتی، اطلاعاتی و ارتباطی فرض برابری واریانس در نظر گرفته شد که نشان می‌دهد، میانگین مردان بیشتر از میانگین زنان است و موانع مشارکت از سوی مردان بیشتر از زنان است؛ براین اساس می‌توان پیشنهاد‌های نهایی حاصل از مطالعه حاضر را در روستاهای محدوده مورد مطالعه به‌صورت زیر ارائه کرد:

۱. توجه مردم محلی به نقش زنان و فراهم کردن بسترسازی در راستای مشارکت آنها در مدیریت اجرایی؛

۲. تلاش در جهت برداشتن موانع مشارکتی زنان از سوی مردان که بیشترین میانگین‌ها را به خود اختصاص دادند؛

۳. از بین بردن موانع فردی و شخصیتی و موانع محیط اجتماعی و فرهنگی که بیشتر موانع را از سوی دو گروه مردم و مدیران به خود اختصاص دادند.

کتابنامه

۱. احمدی کهنعلی، ر.، بهبودی، م. ر.، و جام‌جور، ط. (۱۳۹۲). موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی از دیدگاه مدیران زن، مطالعه‌ای کیفی در شهر بندرعباس. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۱(۳)، ۴۹-۳۳.
۲. اشرف حامدی، ع. (۱۳۸۵). چگونگی مشارکت زنان در تشکلهای اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان. ماهنامه جهاد، ۲۷۵۲۶(۲۷۵)، ۱۲۵-۱۰۱.
۳. آگهی، ح. (۱۳۸۴). نقش تعاونی‌ها در بهبود موفقیت زنان در فرایند توسعه. در مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه (صص. ۵-۶۴)، یزد: دانشگاه یزد.
۴. آندره می‌کجیا، م. ب.، کاظمی، م. س. (۱۳۷۸). بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه‌های مدیریتی. مجله مطالعات زنان، ۶(۳)، ۱۴۷-۱۳۳.
۵. خانی، ف.، و چوبچیان، ش. (۱۳۸۹). مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی و تأثیر آن بر مشارکت زنان، مطالعه مقایسه‌ای دهستان مریدان شهرستان لنگرود و دهستان هولی شهرستان پاوه. پژوهش‌های روستایی، ۳(۱)، ۱۶۲-۱۳۷.
۶. خسروی پور، ب.، و فروشانی، ن. (۱۳۹۰). مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی. ماهنامه اجتماعی کار و جامعه، ۶۱، ۵۵-۱۳۳.
۷. خواجه نوری، ب. (۱۳۷۶). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
۸. دادور، ف.، و سوری، ف. (۱۳۹۱). رویکرد جنسیتی در تحلیل رضایتمندی روستاییان از عملکرد مدیران محلی (مطالعه موردی بخش کونانی شهرستان کوهدشت). "انجمن جغرافیایی/ایران"، ۱۰(۳۲)، ۱۰۱-۱۲۶.
۹. رسولپور عربی، ح. (۱۳۷۶). بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱۰. روشن نیا، د.، خادمی، ر.، کردی، ل.، و صلحی فام اصل، ژ. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت های آنان، مطالعات اجتماعی، اقتصادی، مجله کار و جامعه، ۱۲، ۱۹۰-۹۷.
۱۱. رومیانی، ا.، مرادی، س.، رومیانی، م.، و تیموری، ا. (۱۳۹۱). نقش مدیریت در توسعه پایدار شهری. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان. اصفهان، ۹-۱.
۱۲. رئیس مبارکه، س. (۱۳۷۶). تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی در گذر به جامعه صنعتی، گردهمایی زنان، مشارکت، کشاورزی ۱۴۰۰. گزارش چهارم تهران، وزارت کشاورزی.
۱۳. ساعتی چی، م. (۱۳۷۶). بهداشت روانی در محیط کار. مجله کار و جامعه، ۴۲، ۳۵-۳۲.
۱۴. سجاسی قیداری، ح. ا.، و عروجی، ع. (۱۳۹۳). اولویت بندی نیازهای توسعه ای زنان روستایی. در اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی (صص. ۱۵-۱۰). مشهد: دانشگاه فروسی مشهد.
۱۵. سفیری، خ.، و ایمانیان، س. (۱۳۸۸). جامعه شناسی جنسیت. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۱، ۲۹-۲۶.
۱۶. شادی طلب، ژ.، و خانجانی نژاد، ل. (۱۳۹۱). نگرش روستاییان به توانایی های زنان در مدیریت اجرایی روستا، مطالعه موردی، روستاهای پلتکله و بالاپایکیده شهرستان لنگرود. پژوهش های روستایی، ۳(۴)، ۱۶۰-۱۳۵.
۱۷. صادقلو، ط.، خوب، ش.، و صاحبی، ش. (۱۳۹۹). بررسی تاثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان های گلکان و رادکان شهرستان چناران)، زن توسعه و سیاست، ۱۸(۱)، ۵۳-۲۳.
۱۸. صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندسازی اقتصادی واجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی. همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
۱۹. صفری شالی، ر. (۱۳۸۷). عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی (مطالعه موردی زنان روستایی استان زنجان). مجله زن در توسعه و سیاست، ۶(۱)، ۱۵۹-۱۳۷.
۲۰. علی بیگی، ا.، و بنی عامریان، ل. (۱۳۸۷). تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در برنامه های آموزشی ترویجی (راهبردی در توسعه پایدار روستایی). در مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران (صص. ۳۵۴ - ۳۴۱). اهواز: دانشگاه اهواز.

۲۱. عنبری، م.، و حسنوند، ا. (۱۳۸۹). رابطه فرهنگ پدر سالاری و مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت روستایی، مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۳(۱)، ۱۵۳-۱۳۱.
۲۲. غفاری، غ. (۱۳۸۰). *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهرکاشان* (رساله دکتری جامعه‌شناسی منتشر نشده). دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. فال‌سلیمان، م.، صادقی، ح.، مرادی، م.، و کاووسی، غ. (۱۳۹۱). بررسی و ارزیابی عملکرد مدیران محلی در فرایند مدیریت و توسعه روستایی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۱(۱)، ۹۵-۷۳.
۲۴. کتابی، م.، یزدخواستی، ب.، و فرخی راستابی، ز. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۱(۳)، ۳۰-۵.
۲۵. کوشکی، ف.، ایروانی، ه.، و کلانتری، خ. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی، مطالعه موردی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۱)، ۲۳-۱۵.
۲۶. لهسایی‌زاده، ع.، جهانگیری، ج.، و خواجه نوری، ب. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس). *جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۲۴.
۲۷. مالکی، ر.، و شوکتی آملانی، م. (۱۳۹۰). زنان در عرصه مدیریت روستایی ایران، فرصتها و تهدیدها. *همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه روستایی*، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۸. میرزایی، م.، و شهیدی، ک. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستائی در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی کشاورزی، مطالعه موردی: شهرستان های بافت و زرند استان کرمان. *نشریه توسعه و بهره‌وری*، ۲(۳ و ۴)، ۱۱-۱.
۲۹. میرک‌زاده، ع. ا.، علی‌آبادی، و.، و شمس، ع. (۱۳۸۹). واکاوری موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۳(۲)، ۱۶۵-۱۴۷.
۳۰. نوروزی، ل. (۱۳۸۰). *تأثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار زنان* (چاپ اول). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

31. Agarwal, B. (2010). Does women's proportional strength affect their participation? governing local forests in South Asia. *World Development*, 38(1), 98-112.

32. Black, R. E., Allen, L. H., Bhutta, Z. A., Caulfield, L. E., De Onis, M., Ezzati, M., ..., & Rivera, J. (2008). Maternal and child undernutrition: Global and regional exposures and health consequences. *The Lancet*, 371(9608), 243-260.
33. Bock, B. B., & Derkzen, P. (2007). Barriers to women's participation in rural policy making. *Citizen Participation and Rural Restructuring*, 13, 263-281.
34. Ces, A. V., & Salgado, C. A. (2014). Legal analysis of the discrimination against women in relation to shared ownership in the farms. Comparison between the Royal Decree 297/2009 and the Law 35/2011. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 161, 136-141.
35. Cornwall, A. (2003). 'Whose voices? Whose choices? Reflections on gender and participatory development. *World Development*, 31(8), 1325-1342.
36. Cortis, R., & Cassar, V. (2005). Perceptions of and about women as managers: Investigating job involvement, self-esteem, and attitudes. *Women in Management Review*, 20(3), 149-164.
37. Ercan, S. A., & Hendriks, C. M. (2013). The democratic challenges and potential of localism: insights from deliberative democracy. *Policy Studies*, 34(4), 422-440.
38. Hoque, M., & Itohara, Y. (2008). Participation and decision-making role of rural women in economic activities: A comparative study for members of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 4(3), 299-236.
39. Maravanyika, M., David, E., Cephas Asare, J. M., & Asiedu, G. A. (2016). Enhancing women's participation in decisionmaking in artisanal fisheries in the Anlo Beach fishing community, Ghana. *Water Resources and Rural Development*, 10, 1-18.
40. OECD. (2012). *Tackling the root causes of gender inequalities in the post-2015 development agenda*. Paris: OECD Publishing.
41. Oxman-Martinez, J., Marinescu, V., & Bohard, I. (2009, July). Shades of violence: The media role. *In Women's Studies International Forum*, 3(4), 296-304).
42. Scott-Ladd, B., Travaglione, A., & Marshall, V. (2006). Causal inferences between participation in decision making, task attributes, work effort, rewards, job satisfaction and commitment. *Leadership & Organization Development Journal*, 27(5), 399-414
43. Tanwir, M., & Safdar, T. (2013). The rural woman's constraints to participation in rural organizations. *Journal of International Women's Studies*, 14(3), 210-229.
44. Trzcinski, E., & Holst, E. (2012). Gender differences in subjective well-being in and out of management positions. *Social indicators research*, 107, 449-463.
45. Wargent, M. (2017). *Democratic participation and agonism: citizen perspectives of participatory spaces created under the Localism Act* (Doctoral dissertation). University of Sheffield.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.75748.1120>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار

سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهرقائنات، قائن، ایران، نویسنده مسئول)

hosseiniabadi@buqaen.ac.ir

ابراهیم اکبری (دانش آموخته کارشناس ارشد سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، دانشگاه تبریز، تبریز،

ایران)

e.akbari.2791@gmail.com

صص ۹۹ - ۷۱

چکیده

توسعه میان‌افزای شهری که تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت زمین‌های خالی و بدون استفاده در درون نواحی ساخته شده، ساختمان‌های مخروبه و اراضی قهوه‌ای دارد راهبردی در جهت کنترل پراکنده‌رویی شهری و پیامدهای مرتبط با آن است. از این رو در این پژوهش به سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار -که با مشکل پراکنده‌رویی روبه‌روست- پرداخته شد. پژوهش حاضر از نظر رویکرد، توصیفی-تحلیلی و از نظر ماهیت، توسعه‌ای- کاربردی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری گردید. ۱۳ معیار جهت سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا تعیین شد و با بهره‌گیری از نظر متخصصان در قالب فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) وزن و اولویت هر معیار مشخص گردید. همچنین از مدل فازی برای تولید، استانداردسازی، فازی‌سازی و تلفیق لایه‌ها در محیط GIS استفاده گردید.

نتایج پژوهش نشان داد در شهر سبزوار، نواحی مرکزی نسبت به نواحی حاشیه شهر، قابلیت بیشتری از نظر توسعه میان‌افزا دارد. با اینکه نواحی مرکزی، زمین‌های خالی کمتری دارد اما استقرار این زمین‌ها در درون بافت موجود و فاصله کمتر آن‌ها

با اراضی ساخته شده و همچنین عوامل دیگری از جمله وجود ساختمان‌های مخروبه، قدیمی و با کیفیت پایین در بافت‌های فرسوده، دسترسی بیشتر به خدمات و امکانات شهری و... باعث شده که این نواحی قابلیت بیشتری از نظر توسعه میان-افزا نسبت به نواحی حاشیه داشته باشد. در کل، حدود ۲۰/۲۹ درصد مساحت شهر سبزوار برای توسعه میان‌افزا کاملاً مناسب، ۱۳/۱۵ درصد مناسب، ۴۱/۳۳ درصد متوسط، ۱۶/۹۸ درصد نامناسب و ۸/۲۵ درصد کاملاً نامناسب می‌باشد. بنابراین در شهر سبزوار ظرفیت قابل توجهی برای توسعه میان‌افزا وجود دارد که بهره‌گیری از آن می‌تواند به کاهش پراکنده‌رویی در این شهر کمک کند.

کلیدواژه‌ها: توسعه کالبدی شهر، توسعه میان‌افزا، منطق فازی، AHP، سبزوار.

۱. مقدمه

شهرنشینی یکی از تأثیرگذارترین فعالیت‌های انسانی در سراسر جهان است که بر کیفیت زندگی شهری و توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد. پراکندگی (اسپرال) شهری یکی از پیامدهای اصلی دگرگونی‌های ناشی از تجمع جمعیت در مراکز شهری است (شائو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲). برخی محققان پراکندگی را ناشی از توسعه کم تراکم، پراکنده، تنک و جسته‌وگریخته شهری، توسعه ناپیوسته و گسترش به طرف عرصه‌های خارج از محدوده و نواحی کم تراکم حومه شهری همراه با تسلط اتومبیل‌های شخصی در حمل‌ونقل دانسته‌اند (رهنما و عباس‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۳۱). پراکندگی شهری ریشه بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی است و بر زیرساخت‌ها و پایداری شهرها تأثیر منفی دارد. در بیشتر موارد، پراکندگی به معنی افزایش هزینه حمل‌ونقل، زیرساخت‌های عمومی و توسعه مسکونی و تجاری است. پراکندگی شهری به‌طور مستقیم بر تراکم ترافیک، مصرف زیاد سوخت و بسیاری دیگر از مسائل حمل‌ونقل تأثیر می‌گذارد و تأثیرات منفی بر کیفیت هوا و سلامت عمومی دارد که بر وضعیت انسان مؤثر است. این امر به مشکلات بهداشتی برای ساکنان شهر و آلودگی هوا منجر می‌شود (برونر^۲، ۲۰۱۳، ص. ۲).

1. Shao

2. Brunner

رها ماندن زمین‌های شهری و گسترش پراکنده شهرها در حالی صورت می‌گیرد که درصد زیادی از خانواده‌های با درآمد کم و متوسط، در تأمین مسکن موردنیاز خود به علت گرانی بیش‌ازحد قیمت زمین عاجزند؛ بنابراین این الگوی توسعه کالبدی موجب ناپایداری شهری شده است؛ ازاین‌رو ضرورت به‌کارگیری تمام توان‌ها و ظرفیت‌های موجود شهر بیش از پیش نمایان می‌شود؛ بدین‌منظور لازم است به‌جای توسعه و رشد بی‌رویه شهر به‌صورت افقی، از طریق پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم و تغییر کاربری بناهای قدیمی و آلوده‌کننده، به رشد و توسعه پایدار شهر دست یافت. با توجه به چالش‌های ناشی از شهرهای رو به رشد، امروزه تمرکز بیشتر بر توسعه محلات موجود با توسعه میان‌افزا است (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲). توسعه میان‌افزا برای ساخت‌وساز در هر زمین توسعه‌نیافته‌ای اعمال می‌شود که در حاشیه شهر نیست. گاهی اصطلاح کمی گسترده‌تر «بازیافت زمین» به‌جای آن استفاده می‌شود. این الگوی توسعه با استفاده اقتصادی از زیرساخت‌های موجود، درمانی برای پراکندگی شهری است (بروکس و همکاران، ۲۰۱۱). نواحی مدنظر در توسعه میان‌افزا، معمولاً کیفیت بالا ندارند، اما معمولاً به زیرساخت‌های شهری تأمین‌شده توسط دولت، دسترسی مناسب دارند. استفاده از چنین اراضی‌ای برای تأمین مسکن یا دیگر انواع توسعه شهری، در مقایسه با توسعه افقی شهر که مستلزم صرف هزینه‌های بیشتری است، گزینه مطلوب‌تری به شمار می‌رود (آروین و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲). توسعه میان‌افزا به‌منزله پاسخی به پیراشهرگرایی - که عاملی در رکود و بازماندن نواحی مرکزی شهرها از توسعه است - مطرح شد. اولین گام در راستای به‌کارگیری توسعه میان‌افزا، سنجش ظرفیت توسعه در محله، شهر و... است (طبییان و غنی، ۱۳۹۴)؛ ازاین‌رو در این تحقیق به سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار پرداخته شده است.

ضرورت پرداختن به توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار به دلیل رشد فیزیکی نامناسب این شهر در دهه‌های اخیر بوده است. الگوی توسعه فیزیکی این شهر نشان از کاهش تراکم، رشد افقی و بی‌قواره، پیشی گرفتن رشد فضایی از رشد جمعیتی و در یک کلام، وجود الگوی اسپرال شهری است در دهه‌های گذشته، به‌رغم افزایش جمعیت شهر سبزوار، تراکم جمعیتی کاهش داشته و رشد فیزیکی شهر در این مدت زیاد بوده است (حسینی و قدمی، ۱۳۹۲، ص.

(۲۲۰). بخش درخور توجهی از افزایش مساحت این شهر تحت‌تأثیر واگذاری زمین‌های دولتی و نیز الحاق روستاهای پیرامون به محدوده قانونی شهر صورت گرفته است. این پدیده عمدتاً ناشی از سیاست‌های زمین و مسکن است که در طرح‌های جامع و تفصیلی پیش‌بینی شده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴۹). همچنین در شهر سبزوار میزان اختلاط کاربری (به‌عنوان یکی از شاخص‌های شهر فشرده) در حد متوسط است و بیشتر اختلاط کاربری در مرکز شهر است و با دور شدن از محدوده مرکزی از میزان اختلاط کاسته می‌شود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین با توجه به تراکم و اختلاط کاربری کم بسیاری از محلات شهری، می‌توان گفت این شهر رشد پراکنده دارد. نتیجه چنین الگوی توسعه فیزیکی، بروز مشکلات زیست‌محیطی، افزایش هزینه‌های زیرساخت‌ها و خدمات شهری، افزایش مصرف سوخت و انرژی، افزایش حمل‌ونقل عمومی، مشکلات اجتماعی مانند جدایی‌گزینی طبقاتی و از بین رفتن دلبستگی‌های مکانی است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴۹).

براساس این توضیحات، پیگیری الگوی توسعه میان‌افزای شهری که بر افزایش استفاده از زمین‌های بدون‌استفاده شهری، بازآفرینی بافت‌های قدیمی شهری و افزایش معقول تراکم تأکید دارد، می‌تواند به تحقق فرم و توسعه فضایی شهری پایدار و جلوگیری از مسائل و مشکلات تبعی پراکنده رویی کمک کند؛ ازاین‌رو ضرورت دارد که به بررسی قابلیت‌های نواحی مختلف شهر از لحاظ توسعه میان‌افزا پرداخته شود؛ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که الگوی پهنه‌بندی بافت کالبدی شهر سبزوار براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

رهنما و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به دسته‌بندی اراضی قهوه‌ای شهری براساس الگوهای سرمایه‌گذاری پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای و براساس معیارهایی چون نوع مالکیت، درآمد سرانه بافت اطراف، فاصله از حرم مطهر، کارکرد اقتصادی بافت اطراف و میزان مخاطرات محیطی را در GIS دسته‌بندی کردند. درنهایت، اراضی قهوه‌ای شهر مشهد براساس انواع الگوی سرمایه‌گذاری به سه گروه خصوصی، عمومی و

عمومی-خصوصی تقسیم شدند. نسترن و قدسی (۱۳۹۴) شناسایی پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا در نواحی ناکارآمد مراکز شهرها (نمونه موردی: منطقه یک اصفهان) را هدف تحقیق خود قرار دادند. نتایج نشان داد، بخش‌های شرقی، جنوبی و قسمتی از بخش مرکزی منطقه ۱ اصفهان که شامل محلات درب کوشک، عباس‌آباد، خلجا، صائب و شاهزاده ابراهیم هستند، پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا را دارند. نوریان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به اولویت‌بندی راهبردهای توسعه میان‌افزا در پهنه‌های برش عرضی نواحی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد) پرداختند. نتایج نشان داد، معیارهای تراکم، ویژگی بافت، دسترسی و فاصله از کاربری‌های بیشترین وزن را بین معیارهای پهنه‌بندی برش عرضی کسب کردند. همچنین مهم‌ترین راهبردهای توسعه میان‌افزا برای هسته شهری به‌ترتیب، کاهش ناسازگاری فعالیت، تقویت مشارکت مردمی و افزایش شدت استفاده از زمین در قطعات کم ارتفاع محور شناسایی شد. محمودزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا با استفاده از تحلیل چندمتغیره فازی در شهر ارومیه پرداختند. نتایج نشان داد، بیشتر اراضی این شهر (۷۷/۶۱ درصد) دارای ظرفیت نامناسب برای توسعه میان‌افزاست. از نظر الگوی فضایی نیز با حرکت از شمال شهر به سمت مرکز و نواحی جنوبی شهر از میزان زمین‌های مناسب برای توسعه میان‌افزا کاسته می‌شود. اسدی و پورمحمدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر راهبرد توسعه میان‌افزا بر سرزندگی شهری در بافت فرسوده شهر زنجان پرداختند. یافته‌های این پژوهش تأییدکننده تأثیر مثبت توسعه میان‌افزا بر ارتقای سرزندگی و مطلوبیت اجتماعی در محدوده مطالعه‌شده است.

در پژوهش‌های خارجی نیز در مطالعات زیادی به بحث توسعه میان‌افزا پرداخته شده است؛ برای نمونه، فالكونر و فرانک^۱ (۱۹۹۰) به بررسی کفایت ظرفیت زیرساخت‌های شهری (مدارس، جاده‌ها، آب و فاضلاب و دفع پسماند) برای توسعه میان‌افزا در اورلاند پرداختند. نتایج نشان داد، فرض ظرفیت کافی (ظرفیت کافی برای گنجاندن در سایت‌های موجود درونی) فقط برای تأمین آب، انتقال آب، تصفیه فاضلاب و دفع مواد زائد جامد کاملاً معتبر است، اما برای جاده‌های شریانی و مدارس ابتدایی این فرض کاملاً نامعتبر است و برای

1. Falconer & Frank

فاضلاب، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها فقط تاحدی معتبر است. اشتاینکر^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «توسعه میان‌افزا و مسکن مقرون‌به‌صرفه» به این نتیجه رسید که میزان توسعه مسکونی در شهرها بسیار بیشتر از حومه‌هاست و شواهدی وجود دارد که شهرهای با سطوح بالاتری از توسعه انبوه، ساخت جدید مسکن نسبت به حومه خود دست به گریبان‌اند. از آنجاکه میانگین اختلاف قیمت‌ها چشمگیر نیست، تنش‌های زیادی بین دستیابی به دو هدف توسعه انبوه و مسکن ارزان‌تر از شهر وجود دارد. مالچوسکی^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود با عنوان «میانگین درجه‌بندی با رویکرد فازی با استفاده از روش ترکیب خطی وزن‌دار و میانگین درجه‌بندی وزنی در مکزیکوسیتی» راهبردهای توسعه آتی شهر را تعیین کردند. وایلی و مک‌کانل^۳ (۲۰۱۰) به ارزیابی چندمعیاره فازی مبتنی بر GIS برای تجزیه و تحلیل تناسب کاربری زمین پرداختند. توسعه میان‌افزا، چشم‌اندازها و شواهد اقتصاد و برنامه‌ریزی به این موضوع اشاره می‌کند که به‌رغم بحث‌های گسترده درمورد پتانسیل و اثرات پیشرفت توسعه میان‌افزا، شواهد تجربی درمورد اینکه آیا سیاست‌های تبلیغاتی آن مؤثر بوده است یا خیر، در حال حاضر وجود ندارد. ترنس فاریس^۴ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «موانع استفاده از توسعه میان‌افزا برای دستیابی به رشد هوشمند» با بررسی ۲۲ شهر اصلی مرکزی ایالات متحده آمریکا، موانع عملی برای توسعه میان‌افزا را شامل هزینه‌های زیربنایی، اهداف اجتماعی شهری و سیاست‌های نظارتی، مشکل یافتن سازندگان، پیچیدگی مشارکت‌های دولتی و خصوصی، مقاومت ساکنان محلی و درگیری‌های ذی‌نفعان و محدودیت‌های سیاسی می‌داند.

پارک^۵ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «کاربرد شاخص‌های تناسب اراضی برای پیش‌بینی و مقایسه رشد شهری در کره جنوبی» با استفاده از GIS و RS به مقایسه شاخص مناسب بودن زمین برای توسعه شهری پرداختند. در این تحقیق از روش‌های رگرسیون لجستیک و فرایند سلسله‌مراتبی برای بررسی اراضی مناسب توسعه شهری استفاده شد که هر

-
1. Steinacker
 2. Malczewski
 3. Wiley & McConnell
 4. Terrence Farris
 5. Park

دو روش، خروجی مشابهی برای شاخص تناسب اراضی ارائه دادند. اوی و لی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیرات ناگهانی توسعه میان‌افزا در قیمت مسکن محلی پرداختند. نتایج نشان داد، توسعه میان‌افزا تأثیرات مثبت و پایداری بر قیمت مسکن محلی دارد. همچنین اثر انبساطی توسعه میان‌افزا بر سایت‌های منفرد ساخته‌شده بیشتر است. اثر انبساطی نیز می‌تواند به افزایش قیمت خانه‌های جدید به‌وسیله مسکن‌سازان منجر شود. کیم و لارسن^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر توسعه میان‌افزای شهری جدید بر پایداری اجتماعی در اورلاندو پرداختند. یافته‌ها درمورد توسعه میان‌افزا نشان داد، نوشهرگرایی لزوماً پایداری اجتماعی را تضمین نمی‌کند؛ اگرچه این اصول اغلب درمورد ابتکارات تجدید حیات به‌وسیله سرمایه‌گذاری عمومی با هدف گسترش درآمد و منافع ترکیب شده است. آهونی‌می^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به تأثیر توسعه میان‌افزا بر قیمت آپارتمان‌های موجود در محلات شهر فنلاند پرداختند. براساس نتایج، فرضیه تأثیر مثبت توسعه میان‌افزا بر قیمت مساکن موجود تأیید نشد، اما هیچ‌کدام از مطالعات نشان‌دهنده تأثیرات منفی درخور توجه نیست.

ایچورنا و همکاران^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی به حل تضاد بین رویکرد توسعه میان‌افزا و سازگاری تغییرات اقلیمی در شهرهای آلمان پرداختند. از نظر آنان تضادی آشکار بین سیاست توسعه درون‌زا و جلوگیری از تغییرات اقلیمی وجود دارد. در این مقاله شش مطالعه موردی انجام شده است. این مطالعه سه جنبه کلیدی حکمرانی را شناسایی می‌کند که برای ارتقای اجرای مشترک ضروری‌اند: ابزار، سازمان و اثر متقابل. براساس این مطالعات موردی، نتیجه گرفته شد که اجرای موفق تنها از طریق حاکمیت یکپارچه شامل هر سه حوزه قابل‌دستیابی است. کیپر^۵ (۲۰۲۱) به خلأهای موجود پرداخت که اجرای رشد هوشمند را در شهر اتاوا با مشکل مواجه کرده است. این پژوهش از طریق تجزیه و تحلیل محتوای سند اولیه برای طرح رسمی جدید شهر، استدلال می‌کند که شهر اتاوا اصول رشد هوشمند را در برنامه رسمی

1. Ooi & Lee

2. Kim & Larsen

3. Ahvenniemi

4. Eichhorna

5. Kipper

جدید خود گنجانده است، اما همچنان موانع نهادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی را در اجرا تجربه خواهد کرد. مهم است که سیاست‌گذاران، کارکنان شهر و حامیان رشد هوشمند با تعامل با دولت‌های فدرال و ایالتی و همچنین سهام‌داران جامعه، این موانع را در طول فرایند برنامه‌ریزی، شناسایی و برطرف کنند. محمدی حمیدی و فرست^۱ (۲۰۲۲) مطالعه امکان‌سنجی پیاده‌سازی راهبرد توسعه میان‌افزا را به عنوان یک راه‌حل خوب برای مواجهه با پراکنده‌رویی شهری و محافظت از نواحی پیرامون شهر اردبیل هدف پژوهش خود قرار دادند. آن‌ها از پردازش تصاویر ماهواره‌ای و GIS برای بررسی ظرفیت توسعه میان‌افزای شهر اردبیل استفاده کردند. نتایج نشان داد، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، ۹۶۷ هکتار از اراضی حومه شهری به دلیل گسترش شهری از بین رفته است. همچنین پیش‌بینی‌های CA-Markov نشان داد، ۴۵۲ هکتار تا سال ۲۰۳۰ از بین خواهد رفت. ارزیابی ظرفیت داخلی شهر برای توسعه میان‌افزا نشان داد، بیش از ۹۹۹ هکتار از اراضی داخل شهر برای حمایت از این استراتژی و تأمین زمین موردنیاز برای توسعه شهری در دهه آینده مناسب است. در نهایت، مطالعه طرح جامع شهر که برای تمام شهرهای ایران اعمال می‌شود، نشان داد، چشم‌انداز مناسبی درمورد میزان زمین در دسترس برای توسعه شهری آینده وجود ندارد که این امر به سوءاستفاده از زمین شهری و گسترش شهری در شهرهای ایران منجر می‌شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. داده‌ها و روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت جزو تحقیقات توسعه‌ای کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی است. داده‌های اولیه از طریق روش‌های کتابخانه‌ای (مقالات، کتاب‌ها و...) و اسنادی (نقشه‌های زمین‌شناسی، طرح جامع و شهرداری سبزوار و...) به دست آمده است. در این پژوهش پس از شناسایی معیارهای ظرفیت‌سنجی توسعه میان‌افزا، برای سنجش اهمیت و وزن آن‌ها، از نظر ۱۰ نفر از کارشناسان حوزه مطالعات شهری در قالب فرایند تحلیل سلسله

1. Fürst

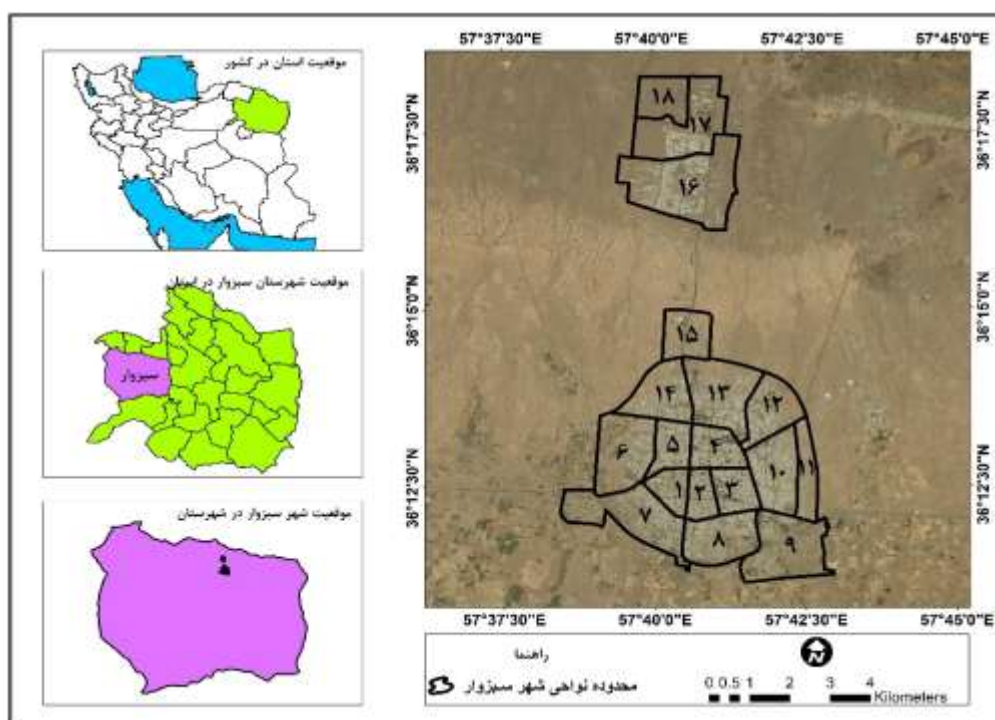
مراتبی AHP استفاده و در نرم‌افزار Expert Choice تحلیل شد. سپس از روش فازی برای مدل‌سازی سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار استفاده شد. مدل فازی از جمله مدل‌هایی است که در دسته مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره قرار می‌گیرد (اکبری، ۱۳۹۷). در منطق فازی، میزان عضویت یک عنصر در یک مجموعه، با مقداری در بازه یک (عضویت کامل) تا صفر (عدم عضویت کامل) تعریف می‌شود. درجه عضویت معمولاً با یک تابع عضویت بیان می‌شود که شکل تابع می‌تواند به صورت خطی، غیرخطی، پیوسته یا ناپیوسته باشد. در مدل فازی به هریک از پیکسل‌ها در هر نقشه فاکتور مقداری بین صفر تا یک اختصاص داده می‌شود که بیانگر میزان مناسب بودن محل پیکسل از دیدگاه معیار مربوط برای هدف مدنظر است. می‌توان نقشه فاکتور را به گونه‌ای تهیه کرد که مقدار هر پیکسل شامل اهمیت نسبی فاکتور مربوط در مقایسه با سایر فاکتورها باشد. پس از تشکیل نقشه‌های مربوط به هریک از فاکتورها، مقادیر عضویت موجود در آن‌ها را به کمک عملگرهای فازی با یکدیگر ترکیب می‌شوند. پنج عملگر فازی که می‌توان برای تلفیق نقشه‌های فاکتور سودمند باشد، شامل عملگر اشتراک فازی، عملگر اجتماع فازی، عملگر ضرب فازی، عملگر جمع فازی و عملگر فازی گاماست (بهشتی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۵۸۶). در این تحقیق از عملگر گامای $0/9$ برای تلفیق نقشه‌ها استفاده شده است. همچنین برای استانداردسازی معیارهای توسعه میان‌افزا توابع Small و Large به کار رفته است.

۲.۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر سبزوار در محدوده طول‌های جغرافیایی 57° درجه و $38'$ دقیقه تا 57° درجه و $42'$ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی 36° درجه تا 37° درجه قرار دارد. دشت سبزوار در حد فاصل دو رشته‌کوه جغتای در شمال و کوه میش در جنوب واقع شده است. شیب غالب و عمومی شهر از شمال به جنوب و به‌طور متوسط یک درصد است. گسل‌های اصلی و فرعی در شمال و شمال غربی شهر به همراه رسوبات سست نئوژن و سازندهای کواترنری در شمال شهر (شهرک توحید) توسعه فعلی و آتی شهر را در معرض خطر زمین‌لرزه قرار می‌دهد (سلمانی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۶). مساحت این شهر در حدود $37/5$ کیلومتر مربع و جمعیت آن طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ حدود ۲۴۴ هزار نفر است (مرکز

آمار ایران، ۱۳۹۵). موقعیت چهارراهی مناسب و سابقه دیرینه سبزوار جایگاه آن را به عنوان یکی از کانون‌های عمده شهری و مرکز مبادلات ناحیه‌ای و منطقه‌ای تثبیت کرده است؛ به طوری که تجارت و بازرگانی از گذشته تاکنون به صورت فعالیت‌های عمده و پایه اقتصادی شهر درآمده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴۹).

تراکم ناخالص جمعیتی سبزوار تقریباً ۶۵/۸ نفر در هکتار است. این شهر دو نوع توسعه فیزیکی دارد: یکی توسعه فیزیکی متصل که از هسته اصلی شهر آغاز می‌شود و به پیرامون ادامه می‌یابد و دیگری توسعه منفصل است که شهرک توحید در فاصله ۵ کیلومتری شمال این شهر است.



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه

مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

در اوایل قرن بیستم، شهرهای بزرگ کشورهای توسعه‌یافته با مسائلی نظیر تمرکز، ازدحام و آلودگی زیست‌محیطی روبه‌رو شدند که در مواجهه با آن‌ها ایده‌هایی چون شهر پهن‌دستی (رایت)، باغشهر (هاوارد) و شهر درخشان (لوکوربوزیه) ارائه شد که موضوع اصلی آن‌ها حل مسئله تراکم در شهرها بود، اما آنچه در نیمه دوم قرن بیستم به‌عنوان مشکل مطرح می‌شود، رشد لجام‌گسیخته حومه‌های کم‌تراکم با بهره‌گیری گسترده از امکانات اتومبیل است که مقررات منطقه‌بندی شهرسازی مدرنیستی نیز آن را تشدید کرده و جهانی‌شدن مشکلات زیست‌محیطی بر پیچیدگی‌های آن افزوده است. این الگوی جدید از توسعه شهری به پراکنش شهری معروف است (قربانی، ۱۳۸۳، ص. ۲۷). پراکنش شهری الگویی از رشد شهر و مادر شهر است که منعکس‌کننده تراکم کم، وابستگی به اتومبیل، توسعه جدید رهاشده و محروم در حاشیه واحدهای مسکونی تک‌خانواری بزرگ، جدایی‌گزینی فیزیکی کاربری‌ها، توسعه پیرامونی شهر با مصرف رو به تزاید زمین، توسعه تجاری گسترده و توسعه بدون فشردگی است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۳-۹). رشد پراکنده به‌دلیل پیامدهایی که داشت، نقد شد که ازجمله پیامدها به این موارد می‌توان اشاره کرد: کاهش فضای باز منطقه‌ای، تخریب زمین‌های کشاورزی، مصرف بی‌رویه انرژی، کاهش تنوع گونه‌های زیستی، کاهش ابعاد زیباشناختی چشم‌اندازها، افزایش احتمال سیلاب، از بین رفتن پوشش گیاهی و خشک شدن جویبارها و... (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۸). نقدها از طرف حامیان نوشهرگرایی و رشد هوشمند مطرح شد. طرفداران رشد هوشمند، بر محدود کردن اثرات رشد پیرامونی از طریق استفاده از الگوهای توسعه مناسب تأکید می‌کنند (کیپر، ۲۰۲۱، ص. ۹۳). حامیان رشد هوشمند به‌دنبال تغییر الگوهای فعلی توسعه پراکنده با تراکم کم هستند. آن‌ها بر نیاز به رشد برنامه‌ریزی‌شده‌ای تأکید می‌کنند که توسعه را در محلات فعلی و نزدیک به آن متمرکز کند؛ زیرا چنین پروژه‌هایی از زیرساخت‌های موجود بهره می‌برند و سرمایه‌گذاری در محله‌های فعلی را افزایش می‌دهند. بحث رشد هوشمند این است که توسعه با برنامه‌ریزی بهتر و با تراکم بیشتر واقع در محلات موجود، می‌تواند به‌طور مؤثر به رفع مشکلات بینجامد. بسیاری از این مزایای درک‌شده مانند کاهش ازدحام و آلودگی هوا، تأثیرات منطقه‌ای دارند. نوشهرگرایان که شامل معماران،

برنامه‌ریزان شهری و توسعه‌دهندگان می‌شوند، بر بسیاری از همین مزیت‌ها در حمایت از توسعه‌ی میان‌افزا تأکید می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند که چگونه توسعه میان‌افزای خوب طراحی شده می‌تواند محلاتی پر جنب و جوش را ایجاد و احیا کند (مک‌کانل و وایلی^۱، ۲۰۱۰، ص. ۲)؛ بنابراین توسعه میان‌افزای شهری جزء کلیدی رشد هوشمند است (رحیمی، ۱۳۹۷: ۸۱). کنگره نوشهرگرایی، بازساخت سیاست عمومی و شیوه‌های توسعه به‌منظور حمایت، از احیای مراکز شهری موجود و شهرک‌ها در درون مناطق منسجم کلان‌شهری حمایت می‌کند (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۸۰). رویکرد نوشهرگرایی به‌عنوان پاسخی به مدرنیسم و اثرات منفی توسعه حومه‌ای (ربانی ابوالفضلی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۵) شامل سرمایه‌گذاری مجدد در شهرهای فشرده و دور شدن از توسعه پراکنده است. نوشهرگرایی ساخت مجدد اجتماعات محلی را دنبال می‌کند که به اتومبیل وابسته نیست (دنیلز^۲، ۲۰۱۴، ص. ۷). در نوشهرگرایی، نگرش به محلات قدیمی نه تنها به‌عنوان یادگار فرهنگ و تاریخ گذشته، بلکه فراتر از آن به‌عنوان سرمایه محلی تلقی می‌شد که می‌تواند نیازهای حال و آینده ساکنان را برآورده کند. این نگرش مناطقی دارای قابلیت و پتانسیل از نظر دسترسی به زیرساخت‌ها، زمین‌های بایر با توان بهره‌برداری یا دارای ویژگی استفاده‌شدنی مجدد را مدنظر قرار می‌دهد که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار باشد. با توجه به این موضوع، نگرش توسعه میان‌افزای مجدد شهری (طرح‌های توسعه مجدد میان‌افزای شهری) در کشورهای غربی از سال ۱۹۹۵ شکل گرفت (رضویان و صمدی، ۲۰۱۶، ص. ۱۲۸).

توسعه میان‌افزا عبارت است از فرایند توسعه در قطعات خالی یا کم‌استفاده در مناطق شهری موجود که قبلاً تا حد زیادی توسعه یافته‌اند (گوستافسون^۳، ۲۰۲۱، ص. ۳). توسعه میان‌افزای شهری، توسعه زمین‌های خالی و بدون‌استفاده در میان نواحی شهری است. این رویکرد به معنی ساختن خانه‌های جدید، مکان‌های کار جدید، فروشگاه‌های جدید و امکانات

1. McConnell

2. Daniels

3. Gustafson

و تسهیلات دیگر در میان یا محدوده موجود شهر است. این توسعه می‌تواند انواعی داشته باشد: یکی، ساختمان‌سازی در قطعات خالی و ایجاد کارکردهای جدید برای محدوده‌هایی با عملکرد پایین (مانند قطعات پارکینگ یا سایت‌های صنعتی قدیمی) و دیگری، احیا و توسعه ساختمان‌های موجود (روث^۱، ۲۰۰۰ به نقل از پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴۰). توسعه درون‌زا (میان‌افزا) در زمین‌هایی اتفاق می‌افتد که کاربری شهری آن‌ها را محصور کرده باشد یا حداقل ۴۰ درصد لبه‌های آن را زمین‌های ساخته‌شده تشکیل دهند. توسعه درونی معمولاً در زمین‌های دارای تسهیلات عمومی مانند فاضلاب، آب و جاده اتفاق می‌افتد (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۵، به نقل از ویلسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). در توسعه درون‌زا باید از ظرفیت‌های درونی محلات و نواحی موجود (مثل زمین‌های خالی، ساختمان‌های مخروبه، اراضی قهوه‌ای و با کاربری ناکارآمد) برای تأمین مسکن و خدمات استفاده کرد و این نقطه، مقابل توسعه پراکنده و حومه‌ای است که پیوسته در حال دست‌اندازی به زمین‌های اطراف و حاشیه شهر (زمین‌های کشاورزی، مراتع، چشم‌اندازهای طبیعی و...) برای ساخت‌وسازهای شهری است.



شکل ۲. توسعه درونی و نیاز به پرکردن بافت‌های خالی شهر

مأخذ: پریزادی، ۱۳۹۱، ص. ۹

1. Roth
2. Wilson

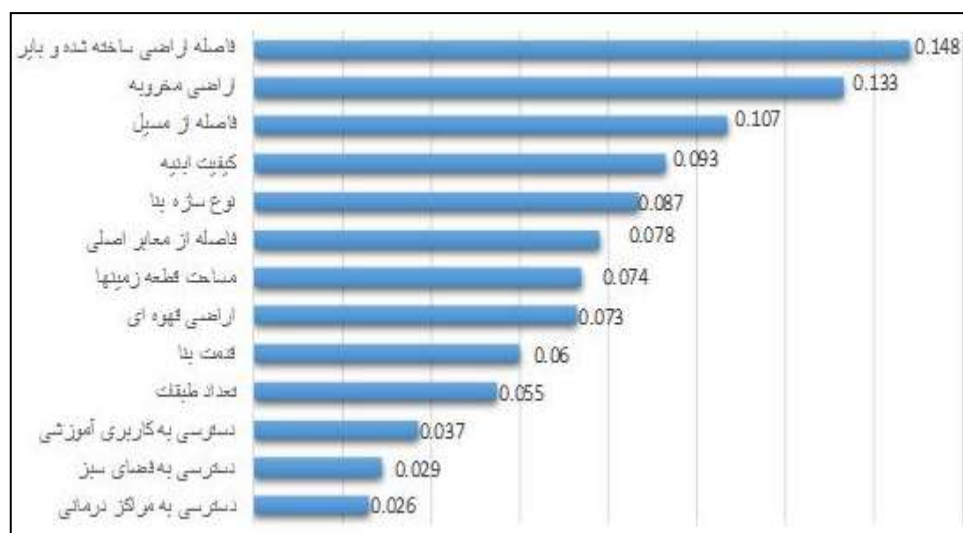
- راهبرد توسعه میان‌افزا را می‌توان با ۱. پرکردن زمین‌های خالی، ۲. استفاده مجدد از زمین‌های استفاده‌نشده یا ۳. تغییر کاربری ساختمان‌ها و زمین‌های موجود برای استفاده‌های جدید انجام داد. هدف مهم پایداری، محدود کردن گسترش کاربری اراضی شهری است؛ ازاین‌رو توسعه میان‌افزا اولین استراتژی است که مدنظر است (محمدی حمیدی و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲). توسعه میان‌افزا می‌تواند مزایای زیر را برای توسعه شهری به همراه داشته باشد:
- افزایش فشردگی فرم شهری؛ زیرا تراکم نسبتاً زیادی را با کاربری‌های مختلط ایجاد می‌کند؛
 - افزایش کارایی حمل‌ونقل عمومی و طرح‌بندی شهری، تشویق پیاده‌روی، سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌های موجود و کاهش دادن نیاز به زیرساخت‌های جدید پرهزینه که به دنبال خود ایجاد فرصت‌هایی را برای تعامل اجتماعی و احساس امنیت و تعلق فراهم می‌کند؛
 - حفظ و بازیابی تداوم فضایی مناظر خیابانی؛
 - ارائه کاربری‌های سازگار که ویژگی‌ها و نیازهای موجود جامعه را با افزایش عرضه انواع مسکن و بهبود کیفیت موجودی ساختمان و احیای مراکز شهر تکمیل می‌کند؛
 - حفظ منابع زیست‌محیطی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و بافت اجتماعی و درعین‌حال بازیابی مناطق حاشیه‌ای و متروکه (الی و اتوا^۱، ۲۰۱۳، ص. ۴۵۷)؛
 - احیای مرکز شهر و محلات قدیمی؛
 - ایجاد تعادل میان سکونت و مشاغل؛
 - کاهش پراکندگی شهری؛
 - افزایش قابلیت پیاده‌روی (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۴۴)؛
 - کاهش فشارهای توسعه در مناطق سبز؛
 - افزایش پایه مالیاتی از طریق ایجاد ارزش در ملک یا اعاده ارزش آن؛
 - تخصیص کاربری مناسب و کارآمد به کاربری‌های نامناسب یا اراضی رهاشده؛

- استفاده بهینه از زیرساخت‌ها و امکانات موجود (رضویان و صمدی، ۲۰۱۶، ص. ۱۲۹).

۵. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، ۱۳ معیار برای ظرفیت‌سنجی اراضی شهر سبزوار به منظور توسعه میان‌افزا در نظر گرفته شد. این معیارها شامل اراضی خالی و بایر، مساحت قطعه زمین‌ها، فاصله از مسیرها، فاصله از معابر اصلی، فاصله از کاربری‌های آموزشی، درمانی و فضای سبز، کیفیت و قدمت ابنیه، تعداد طبقات ساختمانی، اراضی قهوه‌ای، اراضی مخروبه و نوع سازه است. علت انتخاب این معیارها از آن روست که راهبرد توسعه میان‌افزا بر بهره‌گیری از ظرفیت اراضی خالی و بایر و اراضی ناکارآمد (مثل اراضی مخروبه، اراضی دارای ساختمان‌های با کیفیت پایین، قطعات ریزدانه و کم‌مساحت، اراضی قهوه‌ای) به امکانات و خدمات شهری دسترسی دارند، تاکید دارد. از بین امکانات و خدمات شهری، کاربری آموزشی، درمانی و فضای سبز مدنظر است؛ یعنی آن دسته از کاربری‌هایی که نیاز روزمره و هفتگی مردم هستند و از سوی دیگر بخش خصوصی رغبت کمتری به سرمایه‌گذاری در آن‌ها دارد و باید توسط بخش عمومی یا دولتی تأمین شود. کاربری‌هایی مثل تجاری به دلیل سودآوری همواره مورد استقبال بخش خصوصی است و در تأمین آن مشکل کمتری وجود دارد؛ بنابراین در بخش‌های مختلف شهر این کاربری توزیع می‌شود، اما خدمات درمانی، آموزشی و فضای سبز تأمین آن دشوارتر است و توزیع آن نابرابرتر. با توجه به اینکه شهر سبزوار دارای مسیر در درون شهر است، فاصله از مسیر نیز به عنوان یک معیار برای ایمنی بیشتر توسعه و ساخت‌وسازها مدنظر قرار گرفت. شرح همه معیارهای مطالعه‌شده در جدول ۱ ارائه شده است.

با توجه به نتایج مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره AHP که در محیط نرم‌افزار Expert Choice انجام شده است، نتیجه وزن‌دهی به معیارها در شکل ۳ قابل مشاهده است؛ بر این اساس، معیار نزدیکی اراضی بایر به ساخته‌شده و پس از آن اراضی مخروبه و دوری از مسیر بیشترین وزن‌ها را کسب کرده‌اند؛ درحالی‌که دسترسی به کاربری‌های آموزشی، فضای سبز و درمانی کمترین اهمیت را از نظر کارشناسان داشته است (شکل ۳).



شکل ۳. وزن معیارهای مطالعه شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نحوه استانداردسازی این معیارها در جدول ۱ نشان داده شده است. ابتدا تمامی لایه‌ها در محیط نرم‌افزار GIS استانداردسازی شد و سپس با استفاده از افزونه Fuzzy Membership و استفاده از توابع فازی به فازی کردن لایه‌ها اقدام شد.

جدول ۱. استانداردسازی معیارهای توسعه میان‌افزای شهر سبزوار

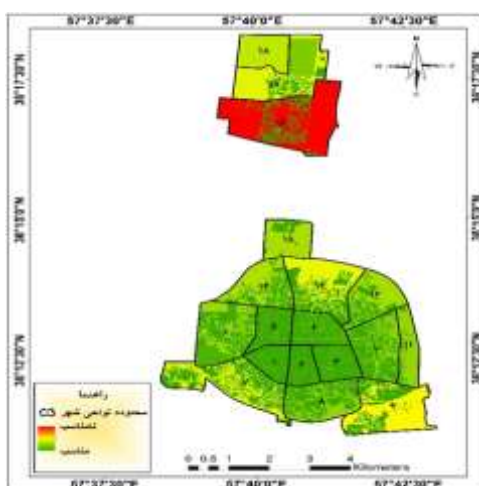
مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

معیار	تحقیقاتی که از این معیارها استفاده کرده‌اند	نوع تابع فازی	شرح
زمین خالی و بایر	منوچهری (۱۴۰۰)، طبیبیان (۱۳۹۴) و رضویان (۲۰۱۶)	small	در تحقیق حاضر، معیار فاصله اراضی خالی به اراضی ساخته شده مدنظر است. اراضی خالی که فاصله کمتری با محدوده‌های ساخته شده دارند و درون بافت ساخته شده قرار دارند، پتانسیل بیشتری برای توسعه میان‌افزا دارند.
مساحت قطعه زمین‌ها	پوراحمد (۱۳۹۴)، ملکشاهی (۱۳۹۷)، رضویان (۲۰۱۶) و	Small	از آنجا که قطعه زمین‌های کوچک‌تر (ریزدانگی) یکی از شاخص‌های بافت فرسوده و ناکارآمد محسوب می‌شوند، محدوده‌های دارای قطعات کوچک‌تر، اولویت برای توسعه میان‌افزا

معیار	تحقیقاتی که از این معیارها استفاده کرده‌اند	نوع تابع فازی	شرح
	منوچهری (۱۴۰۰)		دارند.
قدمت بنا	محمودزاده (۱۳۹۹)	Large	پهنه‌های دارای ساختمان‌های قدیمی‌تر، ظرفیت بیشتری برای توسعه میان‌افزا دارند.
کیفیت بنا	طیبیان (۱۳۹۴)، رضویان (۲۰۱۶)، محمودزاده (۱۳۹۹) و منوچهری (۱۴۰۰)	Small	بناهای با کیفیت پایین‌تر در اولویت توسعه میان‌افزا قرار دارند.
اراضی مخروبه	طیبیان (۱۳۹۴)	large	هرچه دسترسی به این اراضی بیشتر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا بیشتر است.
اراضی قهوه‌ای	بنی هاشمی و همکاران (۱۳۹۲) و طیبیان (۱۳۹۴)	small	از آنجا که اراضی قهوه‌ای (صنعتی، کارگاهی، انبار) کاربری مسکونی ناسازگار هستند، این اراضی و زمین‌های نزدیک به آن‌ها پتانسیل بیشتری برای توسعه میان‌افزا دارند؛ چون می‌توانند با تغییر کاربری به کاربری‌های سازگار و موردنیاز شهری تبدیل شوند.
تعداد طبقات	پوراحمد (۱۳۹۴)، طیبیان (۱۳۹۴)، ملکشاهی (۱۳۹۷) و منوچهری (۱۴۰۰)	Small	تعداد طبقات کمتر بیانگر استفاده کمتر از فضا و ظرفیت بیشتر برای توسعه میان‌افزا است.
سازه (اسکلت)	پوراحمد (۱۳۹۴)	small	ساختمان‌های بدون سازه یا با سازه‌های کم مقاومت در اولویت توسعه میان‌افزا قرار دارند.
فاصله از معابر اصلی	نسترن و قدسی (۱۳۹۴)، محمودزاده (۱۳۹۹) و ملکشاهی (۱۳۹۷)	small	محدوده‌هایی که فاصله کمتری با معابر اصلی دارند، پتانسیل بیشتری دارند.
دسترسی به کاربری آموزشی	عابدینی (۲۰۱۹) و محمودزاده (۱۳۹۹)	small	دسترسی براساس فاصله: زمین‌هایی مناسب‌تر هستند که فاصله کمتری با این کاربری دارند.
دسترسی به کاربری درمانی	عابدینی (۲۰۱۹)	small	دسترسی براساس فاصله: زمین‌هایی که فاصله کمتری با این کاربری دارند مناسب‌ترند.
دسترسی به فضای	عابدینی (۲۰۱۹)، محمودزاده (۱۳۹۹) و	small	دسترسی بر اساس فاصله: زمین‌هایی مناسب‌تر هستند که فاصله کمتری با این کاربری دارند مناسب‌ترند.

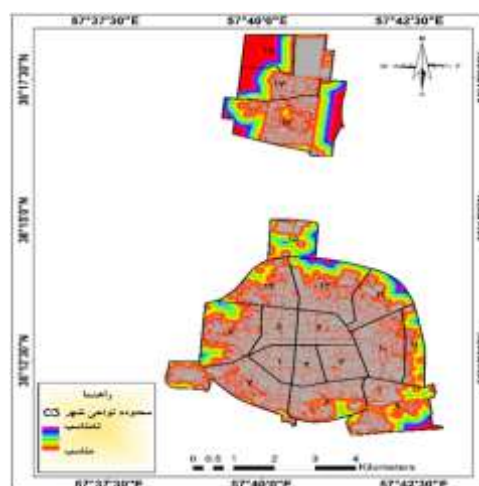
معیار	تحقیقاتی که از این معیارها استفاده کرده‌اند	نوع تابع فازی	شرح
سبز	ملکشاهی (۱۳۹۷)		
فاصله از مسیل	محمودزاده (۱۳۹۹)	Large	به دلیل ایمنی بیشتر، محدوده‌های دورتر از مسیر سیلاب مکان‌های مناسب‌تری برای توسعه هستند.

بعد از آماده‌سازی لایه‌های اولیه در GIS، لایه‌های اطلاعاتی مدنظر براساس وزن‌بندی معیارها تولید شدند که از روش AHP به دست آمده بود. در مرحله بعد با استفاده از توابع فازی، استانداردسازی داده‌ها مطابق با جدول ۲ انجام شد و در نهایت نقشه‌های فازی استاندارد شده تولید شد (شکل‌های ۴ تا ۲۰).



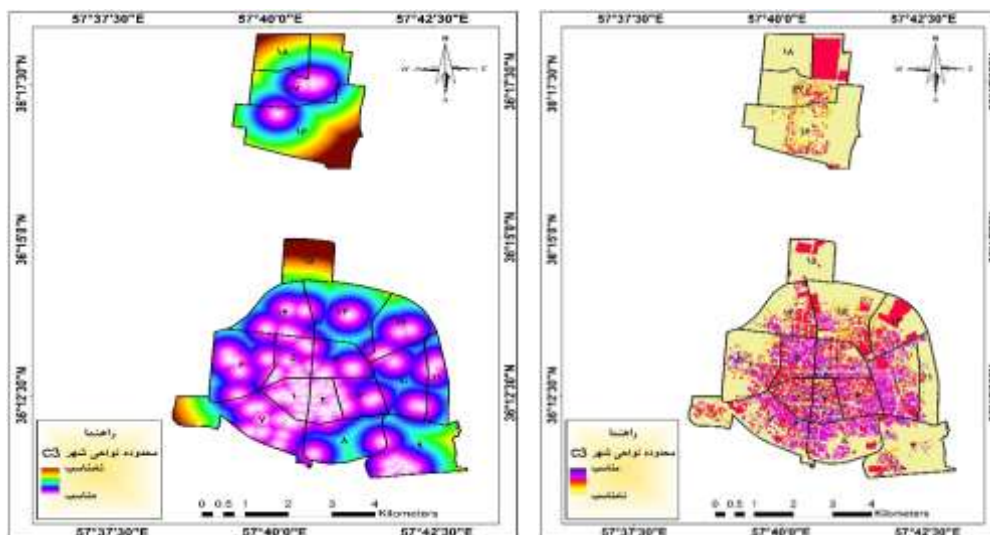
شکل ۵. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار مساحت قطعه
زمین‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۴. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار نزدیکی
اراضی بایر به اراضی ساخته شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۶. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار

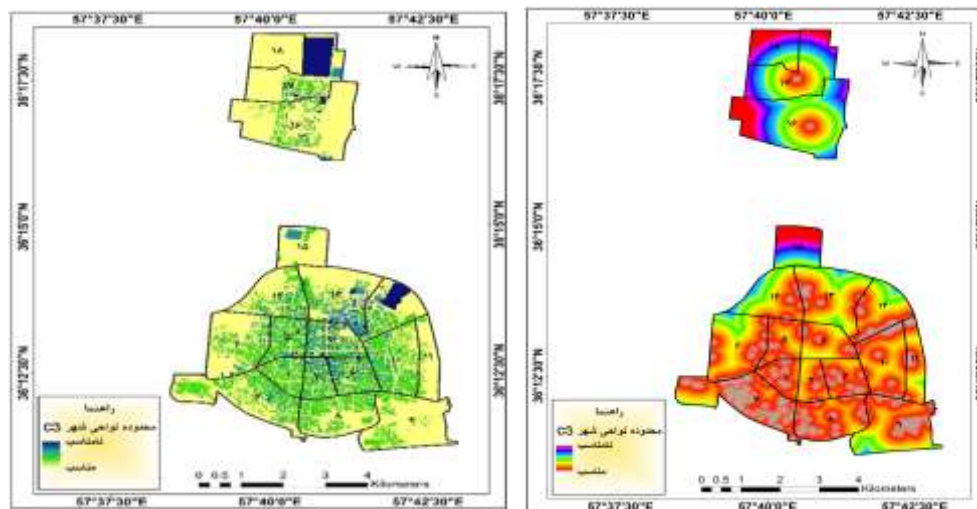
برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار کیفیت بنا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شکل ۷. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار برای

توسعه میان‌افزا بر اساس معیار اراضی مخروبه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۸. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار

برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار دسترسی به

ارضای قهوه‌ای

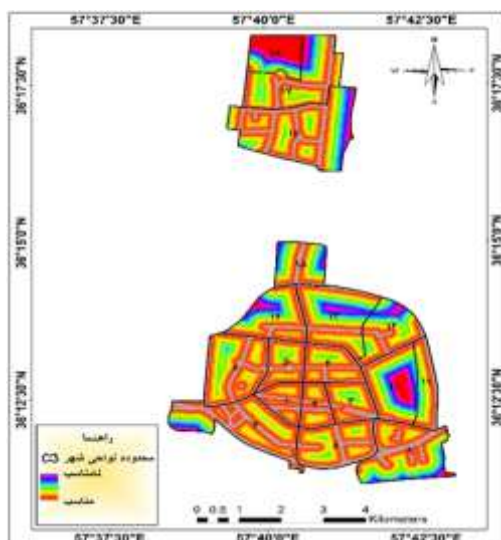
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شکل ۹. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار برای

توسعه میان‌افزا بر اساس معیار تعداد طبقات

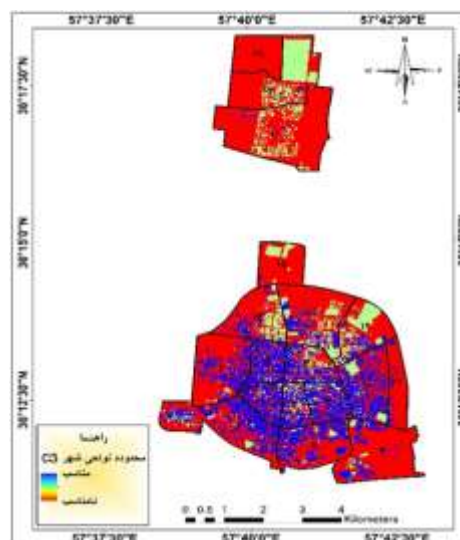
ساختمانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



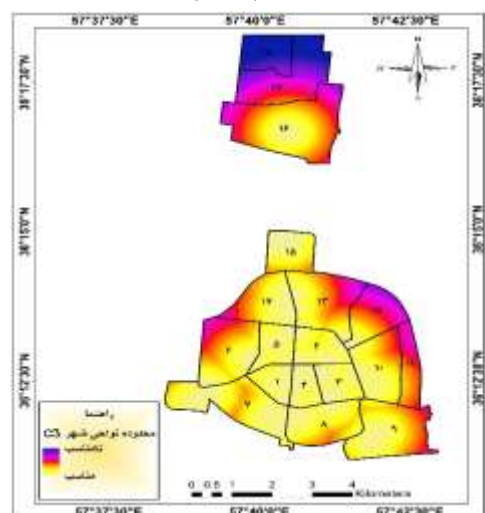
شکل ۱۱. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
جهت توسعه میان افزا بر اساس معیار دسترسی به
معابر اصلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



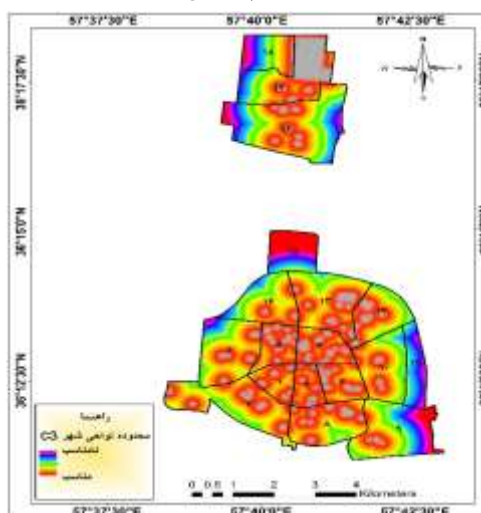
شکل ۱۰. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
برای توسعه میان افزا بر اساس معیار وضعیت
سازه بناها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



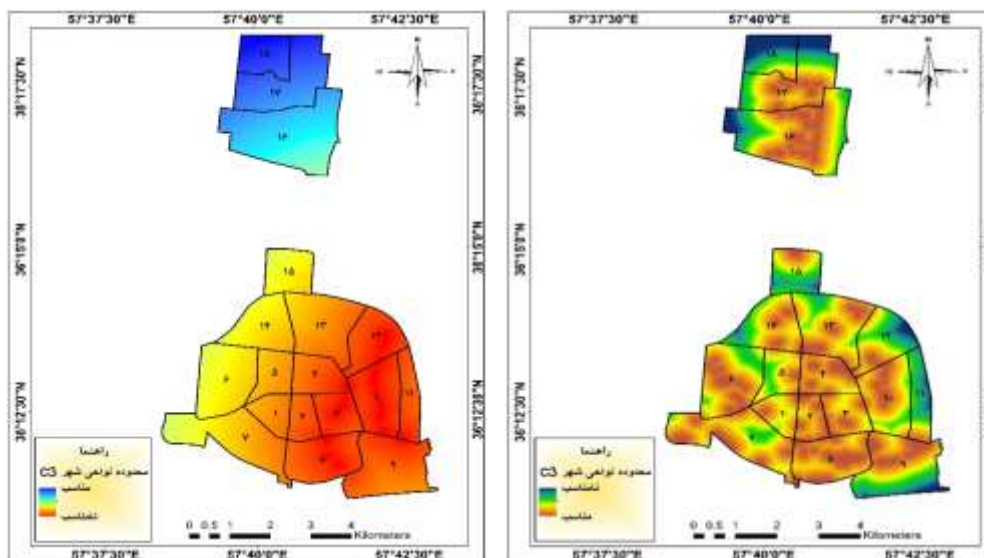
شکل ۱۳. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
جهت توسعه میان افزا از نظر معیار دسترسی به
مراکز درمانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۱۲. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
جهت توسعه میان افزا از نظر معیار دسترسی به
مراکز آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

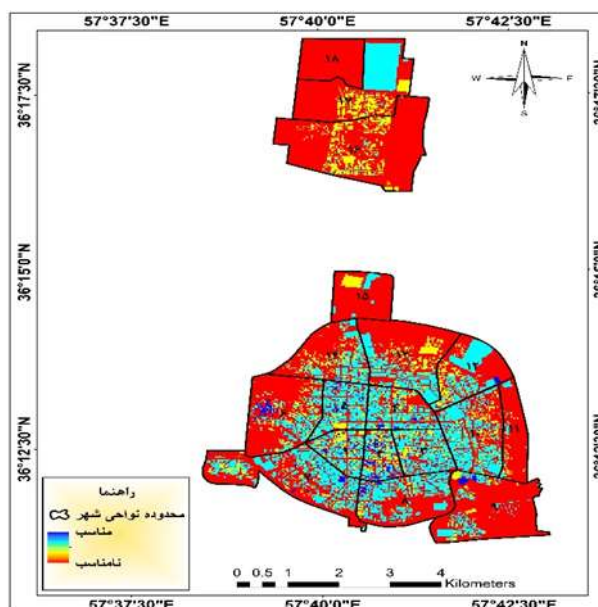


شکل ۱۵. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار فاصله از
مسیل

شکل ۱۴. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار
برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار دسترسی به
فضای سبز

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

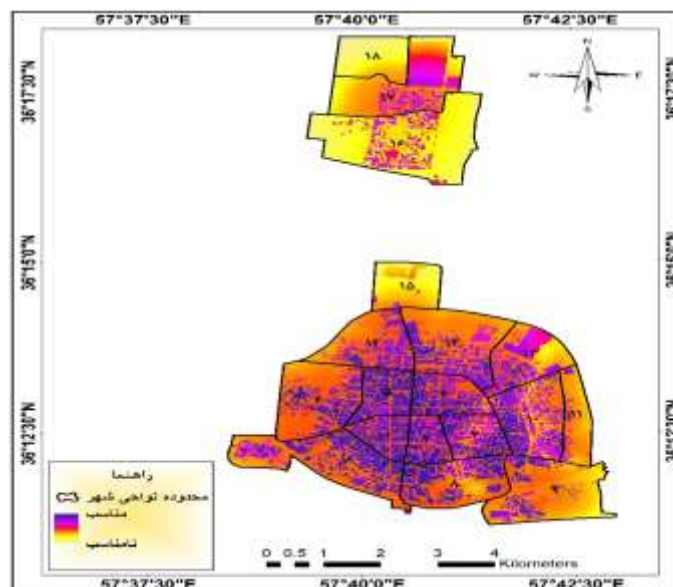


شکل ۱۶. وضعیت مطلوبیت اراضی شهر سبزوار برای توسعه میان‌افزا بر اساس معیار قدمت بنا
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

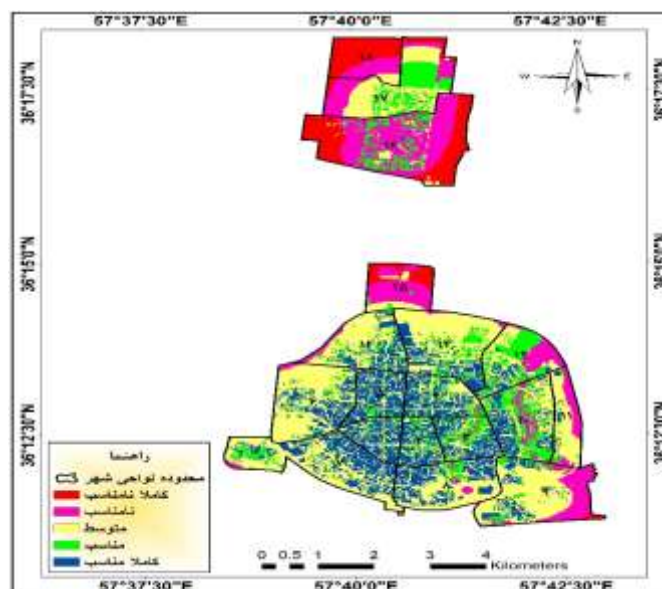
۵. ۱. الگوی نهایی ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار

پس از آنکه نقشه‌های فازی برای تک‌تک لایه‌ها تولید شد، برای به دست آوردن الگویی از قابلیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار، لایه‌های مختلف مورد استفاده با هم تلفیق شد. این عمل از طریق افزونه تحلیل فضایی Fuzzy Overlay و با بهره‌گیری از سه سطح گامای فازی ۰/۷ و ۰/۸ و ۰/۹ انجام گرفت. خروجی آن سه نقشه ظرفیت اراضی بود که از بین آن‌ها نقشه با گامای ۰/۹ انتخاب شد (شکل ۱۷). بعد از آن برای سهولت تحلیل یافته‌ها، اراضی شهر به پنج طبقه از کاملاً مناسب تا کاملاً نامناسب تقسیم‌بندی شد و نقشه آن ارائه شد (شکل ۱۸).

طبق این نقشه، نامناسب‌ترین اراضی برای توسعه میان‌افزا در حاشیه شهر و نیز بخش‌های حاشیه‌ای شهرک توحید (در شمال شهر) واقع شده‌اند. این نواحی به‌رغم داشتن زمین‌های خالی بیشتر نسبت به نواحی درونی شهر، به دلیل فاصله بیشتر اراضی بایر با اراضی ساخته‌شده، نبود دسترسی یا دسترسی ضعیف به خدمات شهری (آموزشی، درمانی، فضای سبز و...) و شبکه معابر در طیف کاملاً نامناسب و نامناسب قرار گرفته است. الگوی فضایی تناسب اراضی برای توسعه میان‌افزا، به‌طور کلی بیانگر آن است که از حاشیه به مرکز شهر اراضی برای توسعه میان‌افزا مناسب‌تر هستند. نواحی مرکزی نسبت به نواحی حاشیه شهر، قابلیت بیشتری از نظر توسعه میان‌افزا دارد. با اینکه نواحی مرکزی، زمین‌های خالی و بایر کمتری دارد اما استقرار این زمین‌ها در درون بافت موجود و فاصله کمتر آن‌ها با اراضی ساخته شده و همچنین عوامل دیگری از جمله وجود ساختمان‌های مخروبه، قدیمی و با کیفیت پایین در بافت‌های فرسوده، دسترسی بیشتر به خدمات و امکانات شهری و... باعث شده که این نواحی قابلیت بیشتری از نظر توسعه میان‌افزا نسبت به نواحی حاشیه داشته باشد. این امر با منطق توسعه میان‌افزا نیز منطبق است؛ چرا که در رویکرد توسعه میان‌افزا، بر بازآفرینی بافت‌های فرسوده و قدیمی و استفاده از پتانسیل اراضی بایر واقع در درون بافت ساخته شده و زمین‌هایی که به امکانات و زیرساخت‌های شهری دسترسی دارند تاکید می‌شود و این در نقطه مقابل توسعه حومه‌ای و پراکنده است که بر استفاده از اراضی توسعه‌نیافته لبه شهر تمرکز دارد.



شکل ۱۷. نقشه نهایی مطلوبیت اراضی شهر سبزوار برای توسعه میان‌افزا
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۱۸. نقشه نهایی طبقه‌بندی شده مطلوبیت اراضی شهر سبزوار برای توسعه میان‌افزا
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جدول ۲ نیز سهم پهنه‌های مختلف قابلیت اراضی شهر سبزوار برای توسعه میان‌افزا را نشان می‌دهد؛ بر این اساس، بیشترین اراضی شهر سبزوار در طیف «تاحدودی مناسب» یا «متوسط» قرار می‌گیرد (با سهم حدود ۴۱ درصدی). اراضی با قابلیت کاملاً مناسب با ۲۰/۳ درصد رتبه دوم قرار را به خود اختصاص داده که رقم درخور توجهی است؛ به عبارت دیگر، یک‌پنجم مساحت این شهر قابلیت بسیار زیادی برای توسعه میان‌افزا دارد. سهم اراضی با قابلیت توسعه میان‌افزای مناسب، حدود ۱۳ درصد، نامناسب حدود ۱۷ درصد و کاملاً نامناسب حدود ۸ درصد است؛ بنابراین ۲۵ درصد از اراضی این شهر برای توسعه میان‌افزا مناسب نیست و همان‌طور که، بیان شد بیشتر اراضی حاشیه شهر است.

جدول ۲. مساحت و درصد طبقات نقشه توسعه میان‌افزا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

کد	طبقات پهنه‌بندی	مساحت طبقه (مترمربع)	درصد طبقات
۱	کاملاً نامناسب	۳۰۶۲۷۰۰	۸,۲۵
۲	نامناسب	۶۲۹۹۱۰۰	۱۶,۹۸
۳	تاحدودی مناسب	۱۵۳۱۹۸۰۰	۴۱,۳۳
۴	مناسب	۴۸۷۹۸۰۰	۱۳,۱۵
۵	کاملاً مناسب	۷۵۲۵۸۰۰	۲۰,۲۹

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه میان‌افزا به‌عنوان استفاده از زمین در یک منطقه ساخته‌شده برای ساخت‌وساز بیشتر، به‌ویژه به‌عنوان بخشی از یک برنامه توسعه مجدد محلات شهری یا به‌عنوان بخشی از رشد هوشمند تعریف شده است که عمدتاً برای ساخت‌وساز در هر زمین توسعه‌نیافته‌ای که در حاشیه شهری نیست، اعمال می‌شود. این پژوهش با هدف سنجش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار صورت گرفته است. ۱۳ معیار شامل فاصله اراضی بایر از ساخته‌شده، مساحت قطعه زمین‌ها، فاصله از سیلاب، معابر اصلی، فاصله از کاربری‌های

آموزشی، درمانی و فضای سبز، کیفیت و قدمت ابنیه، تعداد طبقات ساختمانی و نوع سازه ساختمانها هستند که با بهره‌گیری از پیشنهاد تحقیق انتخاب شدند. پس از بررسی و صحت‌سنجی اولیه لایه‌ها (نقشه‌ها)، در مرحله بعد برای وزن‌دهی به معیارها پرسشنامه‌ای طراحی شد که در آن معیارها دویه‌دو با هم مقایسه شدند و با بهره‌گیری از نظر متخصصان پرسشنامه‌ها تکمیل شد. نتایج آن وارد نرم‌افزار Expert Choice شد و با تحلیل AHP وزن‌دهی معیارها انجام شد. نتایج نشان می‌دهد، معیار دسترسی به اراضی بایر (۰,۱۴۸) و معیار اراضی مخروبه (۰,۱۳۳) بیشترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و معیار درمانی با وزن ۰,۰۲۵ کمترین وزن را گرفته است. همچنین با استفاده از افزونه Fuzzy Membership و استفاده از توابع فازی small و large به فازی کردن لایه‌ها اقدام شد. پس از آنکه نقشه‌های فازی برای تک‌تک لایه‌ها تولید شد، برای به دست آوردن الگویی از قابلیت‌های توسعه میان‌افزا در محدوده مطالعه‌شده، این لایه‌ها با هم تلفیق شدند و همپوشانی از طریق افزونه Fuzzy Overlay انجام شد و با بهره‌گیری از گامای فازی ۰/۹ نقشه نهایی ارائه شد. نتایج نشان داد، نواحی مرکزی شهر سبزوار مستعدترین نواحی برای توسعه میان‌افزاست و با دور شدن از نواحی مرکزی قابلیت توسعه میان‌افزا کاهش می‌یابد. نتایج آماری نشان می‌دهد، حدود ۳۳ درصد مساحت شهر سبزوار در محدوده مناسب و خیلی مناسب از نظر قابلیت توسعه میان‌افزا قرار دارد؛ بنابراین شهر سبزوار ظرفیت مناسبی برای توسعه میان‌افزا دارد که در صورت بهره‌گیری از این ظرفیت می‌توان از رشد و گسترش بدون برنامه و افسارگسیخته شهری و نیز از تغییر کاربری و پوشش زمین پیرامون و حاشیه شهر جلوگیری کرد.

نتایج پژوهش حاضر که ظرفیت توسعه میان‌افزا در شهر سبزوار را در قالب نقشه‌ها و جداول فراوانی بیان کرد، می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی فضایی کالبدی شهر سبزوار باشد تا به بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها بتوان پراکنده‌رویی در این شهر را کنترل و محدود کرد و در جهت رسیدن به فرم شهر فشرده گام برداشت. در این راستا برخی پیشنهادها در زمینه توسعه میان‌افزا در این شهر ارائه می‌شود:

- بازآفرینی بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر سبزوار با توجه به اینکه طبق پژوهش این محدوده ظرفیت بسیاری برای توسعه میان‌افزا دارد؛

- کنترل بیشتر ساخت‌وساز در حاشیه شهر و تشویق سازندگان به توسعه در درون بافت‌های موجود؛
- افزایش دسترسی به خدمات و امکانات در نواحی دارای استعداد توسعه میان‌افزا برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها برای ساخت‌وساز؛
- کاهش عوارض ساخت‌وساز در نواحی مرکزی شهر برای تشویق بیشتر سازندگان برای ساخت‌وساز در این نواحی؛
- تبدیل کاربری اراضی قهوه‌ای و نسا‌گار درون بافت و محلات مسکونی به کاربری‌های موردنیاز شهری (مسکن، خدمات شهری و...).

تشکر و قدردانی

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی به شماره ابلاغیه ۳۹۲۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ با استفاده از اعتبارات پژوهشی «دانشگاه بزرگمهر قائنات» انجام شده است که تشکر و قدردانی می‌شود.

کتابنامه

۱. آروین، م.، پوراحمد، ا. و زنگنه شهرکی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی زمین‌های بایر به‌منظور توسعه میان‌افزا با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری تلفیقی و ArcGIS (نمونه موردی: شهر اهواز). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۶)، ۱۶۳-۱۸۲.
۲. اسدی، ا. و پورمحمدی، م. ر. (۱۳۹۹). توسعه میان‌افزا و تأثیر آن بر مولفه‌های مختلف در بافت فرسوده شهر زنجان. *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴(۷۲)، ۵۹-۳۵.
۳. اکبری، ا. (۱۳۹۷). *مدل‌سازی GIS پایه کیفیت زندگی شهری، نمونه موردی: منطقه ۹ و ۱۱ شهر مشهد* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، ایران.
۴. باکویی، م. (۱۳۹۶). *بررسی کیفیت مناطق شهری با استفاده از سنجش از دور و تحلیل‌های مکانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، ایران.
۵. بنی‌هاشمی، ا.، سرور، ر. و زیاری، ی. (۱۳۹۲). توسعه میان‌افزا در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: محله خانی‌آباد تهران). *نشریه جغرافیایی سرزمین*، ۱۰(۴۰)، ۴۱-۵۴.

۶. بهشتی فر، س.، مسگری، م.، ولدان زوج، م.، و کریمی، م. (۱۳۸۹). استفاده از منطق فازی در محیط GIS به منظور مکان یابی نیروگاه های گازی. نشریه مهندسی عمران و نقشه برداری (دانشگاه فنی)، ۴۴(۴)، ۵۸۳-۵۹۵.
۷. پورمحمدی م. ر.، صدر موسوی، م. س.، و حسین آبادی، س. (۱۳۹۴). ارزیابی الگوی اختلاط کاربری زمین در محلات شهر سبزوار. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۶(۲۲)، ۵۳-۳۴.
۸. پورمحمدی، م. ر.، شفاعتی، ا.، ملکی، ک. (۱۳۹۱). ارزیابی پتانسیل میان‌افزایی در محور تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی. ۲۵(۴)، ۱۰۱-۱۲۴.
۹. پورموسوی، س. م.، ناصر مستوفی، ا.، و شکوهی بیدهندی، م. ص. (۱۳۹۴). شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۴)، ۳۷-۵۷.
۱۰. حسینی، س.، و قدمی، م. (۱۳۹۲). تحلیل الگوی توسعه کالبدی فضایی شهر سبزوار. فضای جغرافیایی، ۱۳(۴۴)، ۲۱۹-۲۴۰.
۱۱. ربانی ابوالفضل، غ.، رهنما، م. ر.، و خاکپور، ب. ع. (۱۳۹۶). ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد نوشهرگرایی در بلوار سجاد مشهد. جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۴(۲)، ۱-۲۴.
۱۲. رحیمی ف.، زنگنه، ی.، و زنگنه، م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر نقش سیاست‌های زمین شهری بر رشد پراکنده شهری (مطالعه موردی: سبزوار). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸(۳۰)، ۶۰-۴۵.
۱۳. رحیمی، ا. (۱۳۹۷). توسعه میان‌افزای شهری، رویکردی نوین در حفظ زمین شهری در تبریز. نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۲(۶۳)، ۷۷-۹۸.
۱۴. رهنما، م. ر.، و عباس‌زاده، غ. (۱۳۸۷). اصول، مبانی و مدل‌های سنجش فرم کالبدی شهر (چاپ اول). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۵. رهنما، م.، و خاکپور، ب.، و رضوی، م. (۱۳۹۴). شناسایی و خوشه‌بندی اراضی قهوه‌ای شهر مشهد به منظور ارائه الگوهای سرمایه‌گذاری. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۲۴، ۱-۲۲.
۱۶. سلمانی‌مقدم، م.، امیراحمدی، ا.، و کاویان، ف. (۱۳۹۳). کاربرد برنامه‌ریزی کاربری اراضی در افزایش تاب‌آوری شهری در برابر زمین لرزه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS (مطالعه موردی: شهر سبزوار). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۵(۱۷)، ۱۷-۳۴.
۱۷. صراف، م.، توکلی‌نیا، ج.، و محمدیان مصصم، ح. (۱۳۹۳). اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری (چاپ اول). تهران: انتشارات قدیانی.

۱۸. طبیبیان، م. و غنی، ف. (۱۳۹۴). سنجش پتانسیل توسعه میان‌افزا در بافت مرکزی تهران. محیط‌شناسی، ۴۱(۴)، ۹۴۳-۹۶۴.
۱۹. علی‌اکبری، ا. (۱۳۹۶). عرصه‌های درون‌افزای شهری و کارآمدی سیاست رشد درون‌افزای کلانشهر تهران. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۵(۲)، ۲۲۳-۲۴۴.
۲۰. قربانی، ر. (۱۳۹۴). اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهری (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
۲۱. قربانی، ر.، جعفری، ف.، معبودی، م. ت.، حسین‌آبادی، س.، و دیگران (۱۳۹۳). نگرش بر الگوهای نوین آمایش شهری (چاپ اول). تبریز: انتشارات فروزش.
۲۲. محمودزاده، ح.، معصومی، ع.، و هریسچیان، م. (۱۳۹۹). سنجش ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا با استفاده از تحلیل چند متغیره فازی (مطالعه موردی: شهر ارومیه). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۱)، ۱-۲۲.
۲۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. شهر سبزوار.
۲۴. میرمقتدایی، م.، رفیعیان، م.، و سنگی، ا. (۱۳۸۹). تاملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری. نشریه شهرداری‌ها، ۱۰(۹۸)، ۵۱-۴۴.
۲۵. نسترن، م.، و قدسی، ن. (۱۳۹۴). شناسایی پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا در نواحی نا کارآمد مراکز شهرها (نمونه موردی: منطقه یک اصفهان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۰)، ۵۱-۶۸.
۲۶. نوریان، ف.، عبدالله پور، س.، و قاضی، ر. (۱۳۹۶). اولویت‌بندی راهبردهای توسعه میان‌افزا در پهنه‌های برش عرضی نواحی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد). فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، ۷(۲۸)، ۶۵-۷۸.

27. Ahvenniemi, H., Pennanen, K., Knuuti, A., Arvola, A., & K. Viitanen, (2018): Impact of infill development on prices of existing apartments in Finnish urban neighbourhoods. *International Journal of Strategic Property Management*, 22(3), 157-167.
28. Aly, S. S., & Attwa, Y. A. (2013) Infill development as an approach for promoting compactness of urban form. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, (173), 455-466.
29. Brunner, A. (2013). The effects of urban sprawl on daily life. Paper presented at the *Transportation Research Board 92nd Annual Meeting*, Washington DC, United States.
30. Eichhorn, S., Rusche, K., & Weith, T. (2021) Integrative governance processes towards sustainable spatial development – solving conflicts between urban infill

- development and climate change adaptation. *Journal of Environmental Planning and Management*, 64(12), 2233-2256.
31. Falconer, M., & Frank, J. (1990). Sufficiency of infrastructure capacity for infill development. *Journal of Urban Planning and Development*, 116(3), 137-148.
32. Gustafson, K. R., Garcia-Chevesich, P. A., Slinski, K. M., Sharp, J. O., McCray, J. E. (2021). Quantifying the effects of residential infill redevelopment on urban stormwater quality in Denver, Colorado. *Water*, 13(7), 1-26.
33. Kim, J., & Larsen, K. (2017). Can new urbanism infill development contribute to social sustainability? the case of Orlando, Folorida. *Urban Studies*, 54(16), 3843-3862.
34. Kipper, K. (2021). The city of Ottawa's smart growth challenge: What can we expect from the new official plan? *Carleton Perspectives on Public Policy*, 7, 93-119.
35. Liu, J., Ye, J., Yang, W., & Yu, S. (2010). Environmental impact assessment of landuse planning in Wuhan city based on ecological suitability analysis. *Journal of procedia Environmental Sciences*, 12, 185-191.
36. Malczewski, J. (2006). Ordered weighted averaging with fuzzy quantifiers: GIS-based multicriteria evaluation for landuse suitability analysis. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*, 4(8), 270-277.
37. McConnell, V., & Wiley, K., (2010). Infill development: Perspectives and evidence from economics and planning, discussion papers. Washington, DC 20036, Retrieved from www.rff.org
38. Merlin, L. A. (2018). The influence of infill development on travel behavior. *Research in Transportation Economics*, 67, 54-67.
39. Mohammadi-Hamidi, S., Beygi Heidarlou, H., Fürst, C., & Nazmfar, H. (2022). Urban infill development: A strategy for saving peri-urban areas in developing countries (Case study of Ardabil, Iran). *Land Journal*, 11(4), 1-17.
40. Ooi, J. T., & Le, T. T. (2013). The spill over effects of infill developments on local housing prices. *Regional Science and Urban Economics*, 43(6), 850-861.
41. Park, S. Y., et al. (2011). Prediction and comparison of urban growth by land suitability index mapping using GIS and RS in South Korea, *Journal of landscape and urban planning*, 2(99).
42. Razavian, M., & Samadi, R. (2016). Evaluation of infill development potential in zone 8 of Tabriz by analysis network process method. *Current Urban Studies*, 4, 125-139.
43. Shao, Zh., Sumari, N., Portnov, A., Ujoh, F. , Musakwa, W., & Mandela, P. (2020). Urban sprawl and its impact on sustainable urban development: A combination of remote sensing and social media data. *Geo-spatial Information Science*, 24(2). 241-255.
44. Steinacker, A. (2003). Infill development and affordable housing: Patterns from 1996 to 2000. *Urban Affairs Review*, (38), 492-509.
45. Terrence., F. (2010). The barriers to using urban infill development to achieve smart growth, *Journal Housing Policy Debate*, 12(1), 1-30.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.76306.1136>

مقاله پژوهشی

مقایسه تطبیقی میزان درآمدزایی تولید گیاهان دارویی نسبت به سایر تولیدات زراعی در روستاهای شهرستان کلات

منصوره علیپور خشت (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی،
مشهد، ایران)

mansourehalipourkhesht@gmail.com

حمید جعفری (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

jafari1421@mshdiau.ac.ir

کناون علیزاده (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

k-alizadeh@mshdiau.ac.ir

صص ۱۱۷ - ۱۰۱

چکیده

کشت گیاهان دارویی از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های سنتی کشاورزی ایران داشته و نقش مهمی در تنوع اقتصادی روستاییان دارد و فعالیت زراعی موجب افزایش درآمد، کاهش بیکاری و به تبع آن کاهش فقر روستاییان شده است. با کاشت گیاهان دارویی می‌توان از طریق برنامه‌ریزی مدون، ضمن توسعه اقتصادی و تأمین نیاز صنایع داخلی و کسب درآمد ارزی درخور توجه، به شکوفایی و توسعه پایدار کشور کمک کرد. این مطالعه با هدف مقایسه تطبیقی میزان درآمدزایی تولید گیاهان دارویی در مقایسه با سایر محصولات زراعی در روستاهای شهرستان کلات، انجام شد و به دنبال آن است تا از این طریق انگیزه‌های مهاجرتی روستاییان کاهش یابد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی است و از حیث روش توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات از طریق شیوه‌های اسنادی و میدانی انجام شد. در مطالعه موردی مربوط به کشت گیاهان دارویی منطقه از روش پیمایشی

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

استفاده شد. جامعه نمونه پژوهش روستاهایی بودند که تولید گیاهان دارویی در آنها انجام می‌شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تولید گیاهان دارویی ۵۰/۱ درصد کل درآمد بخش کشاورزی را در منطقه مورد مطالعه تشکیل می‌دهد. همچنین کاشت هر هکتار گیاهان دارویی در مقایسه با سایر محصولات زراعی، به‌طور میانگین ۵۲۳/۶ درصد درآمدزایی بیشتر ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، درآمدزایی هر هکتار از تولید گیاه دارویی بیش از پنج برابر سایر محصولات زراعی است که در صورت توجه بیشتر به این فعالیت می‌توان درآمد و سطح رفاه روستاییان را افزایش و انگیزه‌های مهاجرتی آنان را کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد روستایی، درآمدزایی، گیاهان دارویی، شهرستان کلات، استان خراسان رضوی.

۱. مقدمه

گیاهان بخش مهمی از غذای مورد نیاز انسان را تأمین می‌کنند و از ارزش و اهمیت خاصی نیز در تأمین سلامت، بهداشت جوامع، درمان و پیشگیری از بیماری‌ها دارند؛ به‌طوری‌که طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۳)، حداقل ۲۵ درصد از داروهای ثبت‌شده در داروخانه‌های معتبر جهان منشأ گیاهی دارند و بیش از ۸۰ درصد از جمعیت سراسر جهان، به‌ویژه ساکنان کشورهای در حال توسعه از طب گیاهی و روش‌های سنتی برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنند (وینز، ۲۰۰۴، ص. ۳).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، طب گیاهی بخش مهمی از سیستم درمانی آن‌ها شناخته می‌شود. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، بیش از ۸۰ درصد از مردم جهان برای درمان بیماری‌های خود از دویست گونه دارویی استفاده می‌کنند و بیش از ۳۰ درصد از گونه‌های گیاهی جهان با اهداف پزشکی استفاده می‌شوند (گرامی، ۱۳۹۶، ص. ۷). انقراض گونه‌های گیاهی می‌تواند تأثیر منفی و عمیقی بر ساکنان کره زمین داشته باشد؛ به‌طوری‌که در علم پزشکی انقراض این گونه‌های گیاهی فرصت کشف و درمان بسیاری از بیماری‌ها و در نهایت مدیریت درمان این بیماری‌ها را از بین خواهد برد. در تمامی جوامع، تنوع زیستی،

ثروت ملی محسوب می‌شود و حفظ ذخایر زیستی موجب بهره‌برداری‌های مؤثر و کاربرد علمی آن‌ها در آینده خواهد شد (سن و سامانتا، ۲۰۱۴، ص. ۳).

کشت گیاهان دارویی و معطر، از دیرباز از جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های سنتی کشاورزی ایران برخوردار بوده است و این نظام‌ها از نظر ایجاد تنوع و پایداری، نقش مهمی ایفا می‌کرده‌اند. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل جایگزین شدن گونه‌های زراعی اصلاح‌شده دارای عملکرد و ارزش اقتصادی زیاد، بسیاری از این گونه‌ها و ارقام بومی و محلی به فراموشی سپرده شده‌اند و از سیستم‌های زراعی ایران حذف شده‌اند (کوچکی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۹). درواقع، با اهلی‌سازی و کاشت گونه‌های دارویی با ارزش می‌توان از طریق برنامه‌ریزی مدون، ضمن توسعه اقتصادی و تأمین نیاز صنایع داخلی و همچنین کسب درآمد ارزی درخور توجه از صادرات فرآورده‌های گیاهی دارویی، در حفاظت از ذخایر ژرم پلاسم رویشگاه طبیعی آن نقش مؤثری ایفا کرد (فتاحی و فتاحی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۷). بیشتر تحقیقات در زمینه تنوع‌بخشی اقتصادی نشان می‌دهد که فعالیت‌های غیر زراعی موجب افزایش درآمد و کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال روستاییان و به تبع آن موجب کاهش فقر آنان شده است (یاسوری و جوان، ۱۳۹۴: ۲۴). با توجه به افزایش روزافزون تقاضای گیاهان دارویی در ایران و جهان، کشت و فراوری این محصولات از اهمیت خاصی برخوردار است. کشت بعضی از گیاهان دارویی به دلیل سازگاری و عملکرد مطلوب (نیاز آبی کم در شرایط خشکسالی کشور و نیز قابلیت تولید در زمین‌های کم‌بهره) می‌تواند در افزایش بهره‌وری از منابع آب و خاک مؤثر واقع شود. کشور ایران در زمینه تولید گیاهان دارویی دارای ظرفیت‌ها و استعدادهای خاص است که کمتر به آن توجه شده است. استان خراسان رضوی در زمینه تولید گیاهان دارویی مقام اول را در کشور و شهرستان کلات مقام اول را در استان خراسان رضوی در زمینه تولید گیاهان دارویی دارد (سالنامه آماری کشاورزی، ۱۳۹۳، ص. ۶۶).

یکی از راهکارهای کاهش فشار بر طبیعت و ایجاد درآمد متنوع و مضاعف در جوامع روستایی، رویکرد کاشت و تولید گیاهان دارویی و صنعتی در مناطق واجد شرایط است. ایجاد مزارع گیاهان دارویی در شرایط دیم یا اراضی کم‌بازده و گاهی اختصاص اراضی ملی اطراف روستاها به کاشت گیاهان دارویی، مزایای متعدد و متنوعی دارد. از جمله این مزایا،

صرفه‌جویی در مصرف آب کشاورزی، کاهش فشار بر طبیعت، حفاظت آب و خاک، ایجاد اشتغال و درآمد متنوع، کاهش مهاجرت، فعال کردن اقتصاد روستایی، تأمین گیاهان دارویی مورد نیاز شرکت‌های سازنده دارو، ارزآوری و افزایش صادرات غیرنفتی و بهبود محیط‌زیست، توسعه صنعت گردشگری و اکوتوریسم روستایی، تضمین حفظ تنوع گونه‌های گیاهی و ذخایر ژنتیکی و سایر فواید دیگر است (طرهانی، ۱۳۹۴، ص. ۹). با توجه به مشکلاتی که در زمینه شرایط اقلیمی، فعالیت‌های اقتصادی و کمبود آب و خاک در منطقه مطالعه‌شده وجود دارد، از طریق تولید و کشت گیاهان دارویی می‌توان به افزایش درآمد و ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی کمک کرد.

۲. پیشینه تحقیق

در هر تحقیق باید پیشینه تحقیق را مطالعه کرد و از حاصل کار دیگران در جنبه‌های مختلف مسئله تحقیق و تجارب آن‌ها از مشابهت‌ها در روش و تحلیل مسئله استفاده کرد (ساروخانی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵). در زمینه موضوع پژوهش مطالعات گوناگونی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل موانع و قابلیت‌های تنوع‌بخشی فعالیت‌ها در اقتصاد روستایی (مورد: بخش رحمت آباد و بلوکات شهرستان رودبار)» به این نتیجه رسیدند که تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها در نواحی روستایی، بسیاری از مشکلات نواحی روستایی را برطرف می‌کند. لباسچی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بحران آب و لزوم توسعه کشت گیاهان دارویی» به این نتیجه رسید که توسعه و کشت گیاهان دارویی راهکاری مؤثر برای استفاده بهینه و صرفه‌جویی در مصرف آب کشاورزی است. گرامی (۱۳۹۶) در رساله خود با عنوان «مطالعه اکوفیزیولوژیکی سازگاری مرزنجوش در عرصه‌های طبیعی استان آذربایجان غربی و امکان‌سنجی کاشت آن در نظام زراعی کم‌نهاد» به این نتیجه رسید که گیاه مرزنجوش قابلیت کاشت در شرایط زراعی کم‌بازده را دارد و از این طریق به اقتصاد روستایی منطقه کمک می‌کند. افشار (۱۳۹۶) در رساله خود با عنوان «امکان‌سنجی ورود گیاهان دارویی به الگوی کشت و ایجاد صنایع تبدیلی مرتبط (مطالعه

موردی: سکونتگاه‌های روستایی شهرستان چناران)» به این نتیجه رسید که به دلیل محدودیت‌های آبی، کشت گیاهان دارویی و صنایع تبدیلی نقش مهمی در افزایش درآمد کشاورزان دارد. خداوردیزاده و محمدی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ساختار بازار و الویت‌بندی بازارهای هدف صادرات گیاهان دارویی منتخب ایران» به این نتیجه رسیدند که تولید گیاهان دارویی در صادرات غیرنفتی کشور مؤثر است. طرهانی (۱۳۹۴) در رساله خود با عنوان «متنوع‌سازی اقتصاد روستایی با رویکرد تولید گیاهان دارویی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان قوچان)» به این نتیجه رسید که متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در اشتغال‌زایی، درآمد متنوع، جلوگیری از مهاجرت، فعال کردن اقتصاد روستایی، ارزآوری و افزایش صادرات غیر نفتی مؤثر است. یاسوری و جوان (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محدودیت‌های تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان اشکور علیا)» به این نتیجه رسیدند که متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصاد روستایی راهکاری برای اشتغال و درآمد روستاییان است و موجب توسعه پایدار می‌شود. ریاحی و نوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و پایداری روستاها (مورد شهرستان خرم دره)» به این نتیجه رسیدند که تنوع فعالیت‌های اقتصادی در پایداری سکونتگاه‌های روستایی مؤثر است. رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود درباره کاربرد گیاهان دارویی در سبک زندگی و طب سنتی به این نتیجه رسید که کشت و توسعه گیاهان دارویی نقش مهمی در سلامت جامعه و اشتغال‌زایی زنان روستایی و افزایش صادرات غیرنفتی دارد. امیدبیگی (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان *رهیافت تولید و فرآوری گیاهان دارویی* بیان کرده است که اهمیت فرآوری گیاهان دارویی در بهبود زندگی روستاییان انکارناپذیر است. فتاحی و فتاحی (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان *مبانی گیاهان دارویی* به این نتیجه رسیدند که اهلی‌سازی و کاشت گونه‌های دارویی در توسعه اقتصادی و کسب درآمد ارزی نقش مؤثری دارد. معاونی (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان *گیاهان دارویی* بیان کرد که تمایل شرکت‌های تولیدکننده مواد دارویی به تولید داروهای گیاهی افزایش پیدا کرده است.

سن و سامانتا (۲۰۱۵) در کتاب خود با عنوان *گیاهان دارویی، سلامت انسان و تنوع زیستی*، حفظ ذخایر زیستی و گونه‌های گیاهی در کشف و درمان بسیاری از بیماری‌ها مؤثر

دانسته است؛ از این رو فعالیت در این زمینه در آینده را رو به توسعه و افزایش می‌داند. وینز (۲۰۰۴) در کتابی با عنوان *برداشت‌های گیاهی با قرارداد آتی: به سمت منابع پایدار برای گیاهان دارویی* بیان کرده است که گیاهان در سلامت و بهداشت جوامع به‌ویژه ساکنان کشورهای در حال توسعه نقش مؤثری دارند که به مرور زمان این نقش افزایش خواهد یافت. برایت و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «معیشت روستایی غیرکشاورزی در اروپای مرکزی، شرقی و آسیای مرکزی» به این نتیجه رسیدند که میان تنوع فعالیت‌های اقتصادی و افزایش درآمد خانوارهای روستایی رابطه مثبت وجود دارد. برناس (۱۹۹۹) در کتاب خود با عنوان *جنبه‌های بیولوژیک و اقتصادی استفاده و بهره‌برداری از گیاهان دارویی وحشی در اروپای میانه و جنوبی* به این نتیجه رسیده است که استفاده از گیاهان دارویی و معطر بین مردمان کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که ۹۰ درصد از مردم این کشورها از داروهای با منشأ گیاهی استفاده می‌کنند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است و برای جمع‌آوری اطلاعات به اقتضای پژوهش، از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. از نظر حیطه عملکرد، این پژوهش، موردی تلقی شده و در مطالعه مربوط به کشت گیاهان دارویی منطقه از روش پیمایشی استفاده شده است. در این پژوهش، گیاهان دارویی منطقه مورد مطالعه با مهم‌ترین محصولات زراعی منطقه به لحاظ درآمدزایی مقایسه تطبیقی شدند. در این پژوهش، روستاهایی قابلیت انتخاب داشتند که تولید گیاهان دارویی در آن‌ها انجام می‌شد که در این زمینه هفت روستای آبگرم، آقداش، قره تیکان، گرو، قله زو، سینی و سررود به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

شهرستان کلات با مساحتی حدود ۳۵۰۲/۹۶ کیلومتر مربع یکی از شهرستانهای استان خراسان رضوی است که در شمال شرقی مشهد قرار دارد. از شمال به کشور ترکمنستان، از شرق به شهرستان سرخس، از جنوب به شهرستان‌های مشهد و چناران و از غرب به شهرستان درگز محدود می‌شود. میانگین ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۷۸۰ متر است که در سمت

غرب شهرستان ارتفاع ۳۰۴۰ متر بوده که به سمت شرق از ارتفاع آن کاسته می‌شود. شهرستان کلات دارای دو بخش (مرکزی و زاوین) و چهار دهستان (هزار مسجد، کبود گنبد، زاوین و پساکوه) و دو شهر کلات و زاوین و ۶۳ روستای دارای سکنه است. سال ۱۳۹۵ شهرستان کلات ۲۴۸۰۵ نفر جمعیت روستایی و ۱۱۴۳۲ نفر جمعیت شهری داشته است (سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۹۵).

براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت روستاهای نمونه ۵۲۸۳ نفر بود که در مقایسه با سال ۱۳۹۰ (جمعیت ۵۸۷۷ نفر) نرخ رشد منفی (۲/۱۰۹-) داشت.



شکل ۱. نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان کلات

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان رضوی، ۱۳۹۷

۴. مبانی نظری تحقیق

کشاورزی مهم‌ترین فعالیت در نواحی روستایی است که به صورت سنتی و معیشتی در سکونتگاه‌های روستایی ایران صورت می‌گیرد. چنین ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستایی مسائل خاصی را به دنبال داشته است. ایجاد مشاغل متنوع با تنوع بخشی به فعالیت‌ها در نواحی روستایی می‌تواند بسیاری از مشکلات این نواحی را برطرف کند (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

ایده تنوع بخشی در اقتصاد، ابزاری برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی در سطوح مختلف به شمار می‌آید، این رویکرد یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه و پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ایران تلقی می‌شود؛ چراکه تأثیر بسزایی بر ارتقای رفاه و امنیت اقتصاد دارد (یاسوری و جوان، ۱۳۹۴، ص. ۲۳). برای و همکارانش سوابق این استراتژی را برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بررسی کردند و با اشاره به اینکه خانوارهای روستایی در کشورهای توسعه یافته، ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل درآمد خود را از منابع خارج از مزرعه تأمین می‌کنند، بیان کردند که میان تنوع فعالیت‌ها با افزایش درآمد خانوارهای روستایی رابطه مثبت وجود دارد (برایت و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۱۳). تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی اثر دارد؛ یعنی هر اندازه میزان تنوع فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، نشانگر پایداری اقتصادی بیشتری است (ریاحی و نوری، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۶). عقیده بر این است که فقر روستایی موجب تخریب محیط زیست از سوی فقرا می‌شود و تخریب محیط نیز دوباره به آسیب پذیری بیشتر فقرای روستایی و فقیرتر شدن آنان منجر خواهد شد. اگر فقرا به منابع دسترسی نداشته باشند و برای تأمین معیشت خود به یک منبع یا منابع محدود وابسته باشند، نمی‌توان انتظار کاهش فقر و نیز کاهش تخریب محیط زیست را داشت؛ بنابراین یافتن منابع جایگزین و متعدد به منظور تأمین معیشت فقرای روستایی از ضروریات کاهش فقر و جلوگیری از تخریب محیط زیست است که تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، راهبرد بسیار مناسبی در این راستاست. راهبرد تنوع بخشی با تأکید بر ایجاد فرصت‌ها و مشاغل جدید اقتصادی که در واقع مبتنی بر متنوع کردن مبنای اقتصادی است، گستره‌ای

از راهبردهای بادوام و شیوه‌های معاش را فراهم می‌کند که موجب کاهش آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی به‌خصوص فقرای روستایی می‌شود (برایت و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۴۱). با توجه به پیشرفت‌های چشمگیری که در صنعت داروسازی به‌خصوص در دهه‌های اخیر روی داده است، ممکن است تصور شود که از اهمیت گیاهان دارویی کاسته شده است، ولی آماري که در سال‌های اخیر درمورد مصرف داروهای گیاهی ارائه شده است، نشان می‌دهد که این تصور، درست نیست و با وجود ارائه داروهای شیمیایی مشابه با مواد مؤثر گیاهان دارویی، نه تنها از میزان کشت و تولید این گیاهان در کشورهای پیشرفته کاسته نشده، بلکه تولید و مصرف آن‌ها نیز افزایش یافته است (معاونی، ۱۳۸۸، ص. ۶). مصرف سالانه گیاهان دارویی در کشورهای صنعتی اروپا از سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ بین هفت و نیم تا هشت درصد افزایش داشته است. آمار جهانی نیز نشان می‌دهد، مواد مؤثر حدود پنجاه درصد از داروهای عرضه‌شده به بازار دارویی دارای منشأ طبیعی بوده و در برخی از کشورها این رقم به نود درصد رسیده است (طرهانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). به‌علاوه استفاده از گیاهان دارویی و معطر در بین مردمان کشورهای توسعه‌یافته به‌شدت در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که هم‌اکنون نود درصد از مردم این کشورها از داروهای با منشأ گیاهی استفاده می‌کنند (برناس، ۱۹۹۹، ص. ۱۳).

در سال‌های اخیر، گرایش کشورهای جهان به مصرف گیاهان دارویی افزایش یافته و با توجه به کیفیت مطلوب گیاهان دارویی ایران، فرصت مغتنمی برای صادرات گیاهان دارویی و فرآورده‌های آن پیش‌رو قرار گرفته است. تنوع رویشگاهی و گونه‌های دارویی انحصاری با ارزش و سازگار موجود از مهم‌ترین سرمایه‌های کشور برای استفاده از ظرفیت‌ها و برکات بی‌شمار آن است. بالابودن کیفیت بسیاری از گیاهان دارویی بومی ایران به‌دلیل نور و حرارت کافی زمینه مناسبی را برای تولید و مصرف سنتی و صنایع داروسازی داخل و صادرات به کشورهای مشتاق محصولات با ارزش و سالم فراهم آورده است.

گیاهان دارویی موجود در طبیعت چنانچه در شرایط اکولوژیک متناسب با رویشگاه خود کاشته و زراعت شوند، تا حد زیادی ترکیبات و خواص خود را حفظ می‌کنند. این گیاهان به مقتضای شرایط رویشگاهی، آب و مواد غذایی خود را در حد نیاز طبیعی در مزرعه دریافت

می‌کنند و قابلیت رشد کمی و کیفی طبیعی خود را در شرایط همسان با رویشگاه مطلوب بروز می‌دهند (لباسچی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰).

کشور ایران از نظر صادرات کل گیاهان دارویی رتبه چهارم جهانی را در سال ۲۰۱۱ داشت که در مقایسه با این رتبه از نظر قیمت صادراتی در جایگاهی مناسب و شایسته قرار ندارد و رتبه یازدهم دنیا را دارد. بیشترین گیاهان دارویی ایران به دلایلی از جمله اعمال موانع غیرتعرفه‌ای کشورهای واردکننده این محصول همچون استانداردهای بهداشتی با درجه زیاد، ناتوانی تولیدکنندگان داخلی در تأمین کامل این استانداردها، ناهماهنگی در نوع بسته‌بندی با سلیق مصرف‌کننده بازارهای هدف، نداشتن برند تجاری مناسب در نتیجه نبود استانداردهای لازم در زمینه تولید و فرآوری گیاهان دارویی، به‌صورت خام صادر می‌شوند که متأسفانه این عوامل باعث خروج ارز بیشتر از کشور، ضعف در تجارت، ارسال کالا به صورت قاچاق و کم‌شدن قیمت صادراتی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی و سیاسی در بخش صادرات گیاهان دارویی نیز تأثیرگذار است. صادرکنندگان در این بخش با مشکلات بانکی در کشورهای مقصد روبه‌رو هستند و بانک‌های جهانی با صادرکنندگان ایرانی همکاری لازم را ندارند که این امر به صرف‌نظر کردن صادرکنندگان از صادرات گیاهان دارویی به برخی از بازارهای هدف مناسب منجر می‌شود (خداوردیزاده و محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۵). یکی از عوامل خروج گیاهان دارویی کشور به‌صورت فرآوری‌نشده و خام از مبادی غیررسمی کشور، قاچاق این محصول یا قیمت صادراتی کم به سایر کشورها است؛ این در حالی است که همان کشورها گیاهان دارویی کشورمان را به‌صورت فرآوری‌شده در بسته‌بندی‌های لوکس با قیمت‌های زیاد می‌فروشند؛ بنابراین بهتر است در راستای افزایش مزیت نسبی و سهم صادراتی گیاهان دارویی ایران از کل صادرات جهان، مقدار تولید با اجرای راهکارهای ارائه‌شده افزایش یابد. درضمن، برای جلوگیری از فروش با قیمت صادراتی کم باید به کشورهایی گیاهان دارویی را صادر کرد که مصرف‌کننده نهایی باشند و از صدور کالا به کشورهایی جلوگیری کرد که با هدف صادرات دوباره به وارد کردن گیاهان دارویی اقدام می‌کنند. همچنین توصیه می‌شود، ابتدا بستر ارائه گیاهان دارویی منتخب با بسته‌بندی مناسب و شرایط مطلوب مصرف‌کنندگان خارجی فراهم شود و سپس با بازارهای مصرف نهایی که اشباع نشده‌اند و قصد صادرات

دوباره را ندارند، روابط تجاری لازم و پذیرفته شده برقرار شود (خداوردیزاده و محمدی، ۱۳۹۶، صص. ۱۶۷-۱۶۸).

با توجه به شرایط اقلیمی مناسب کشور برای تولید گیاهان دارویی، این گیاهان می توانند در کنار طلای سیاه، نام طلای سبز را در سبد اقلام صادراتی کشورمان قرار دهند. به رغم پیشینه تاریخی درخشان ایران در این زمینه، جایگاه ایران امروزه در این دانش، در عمل موقعیت مناسب و مطلوبی در جهان ندارد و تمهیدات لازم برای احیا و بازگرداندن این موضوع فراموش شده امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد؛ از این رو لازم است تا از طریق بهره گیری از گیاهان دارویی جدید و فراموش شده، زمینه را برای تولید باثبات و پایدار این گیاهان با ارزش فراهم کرد تا ضمن استفاده از ظرفیت های غذایی و دارویی آنها، سطح رفاه، سلامت و تنوع غذایی جامعه افزایش یابد (گرامی، ۱۳۹۶، صص. ۹-۱۰).

۵. یافته های تحقیق

کاشت گیاهان دارویی به دلیل نیاز آبی کم، در شرایط خشکسالی و قابلیت تولید در زمین های کم بازده می تواند در افزایش بهره وری از منابع آب و خاک مؤثر واقع شود و نیز تولید آن در اراضی کوچک امکان پذیر است. از آنجاکه در استان خراسان رضوی نیز اراضی کوچک زیادی وجود دارد، امکان زیرکشت قرار دادن گیاهان دارویی در این اراضی کوچک حتی توسط بانوان روستایی وجود دارد. با توجه به اینکه گیاهان دارویی از تحمل خشکی زیادی برخوردارند، گزینه مناسبی برای کاشت در مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می شوند و کاشت این گیاهان در عرصه های کم بازده و حاشیه ای، ضمن تأمین نیازهای اقتصادی روستاییان و صنایع مختلف غذایی و دارویی، حفاظت از منابع، بهبود کارایی مصرف آب و جلوگیری از خطر نابودی این گونه ها، در بهبود کیفیت زندگی روستاییان نیز مؤثر خواهد بود. مقاوم بودن اغلب گیاهان دارویی به خشکی و زمین های شور این امکان را به کشاورزان مناطق کم باران و خشک می دهد که با کاشت آنها سود مناسبی به دست آید. با توجه به این محدودیت، گیاهان دارویی بومی شده می توانند جایگزین مناسبی برای گیاهانی باشند که آب زیاد مصرف می کنند.

در این پژوهش تولید گیاهان دارویی چندساله سازگار با شرایط منطقه کلات، به‌عنوان فعالیتی در راستای افزایش درآمد روستاییان مدنظر قرار گرفت تا از این طریق از میزان و حجم مهاجرت روستاییان کاسته شود.

۵. ۱. درآمدزایی محصولات عمده زراعی

جدول ۱. درآمد ایجادشده از محصولات عمده زراعی در روستاهای نمونه طی سال زراعی ۹۸-۱۳۹۷

هکتار/تومان

مأخذ: سالنامه آماری جهاد کشاورزی شهرستان کلات، ۱۳۹۷

محصول	سطح زیرکشت	عملکرد کیلوگرم (هکتار)	قیمت واحد	درآمد خالص هر هکتار	کل درآمد خالص
گندم	۳۲۶۲	۱۴۰۰	۲/۷۰۰	۲/۶۱۵/۰۰۰	۸/۵۳۰/۱۳۰/۰۰۰
جو	۸۹۵	۱۳۰۰	۲/۲۰۰	۱/۶۹۵/۰۰۰	۱/۵۱۷/۰۲۵/۰۰۰
نخود	۶۰	۶۰۰	۸/۰۰۰	۳/۶۴۵/۰۰۰	۲۱۸/۷۰۰/۰۰۰
عدس	۷۵	۵۰۰	۹/۰۰۰	۳/۵۴۰/۰۰۰	۲۶۵/۵۰۰/۰۰۰
لوبیا	۴۰	۵۰۰	۱۲/۰۰۰	۴/۸۴۵/۰۰۰	۱۹۳/۸۰۰/۰۰۰
جمع	۴۳۳۲	-	-	-	۱۰/۷۲۵/۱۵۵/۰۰۰

۵. ۲. درآمدزایی گیاهان دارویی

جدول ۲. درآمد ایجاد شده از تولید گیاهان دارویی در روستاهای نمونه طی سال زراعی (۱۳۹۷-۱۳۹۸)

هکتار/تومان

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان کلات، واحد زراعت، ۱۳۹۸

نام گیاه	سطح زیر کشت	عملکرد Kg/h	قیمت هر هر کیلو	درآمد خالص هر هکتار	کل درآمد خالص
تخم شربتی	۲۶۰۰	۳۰۰	۲۰/۰۰۰	۵/۱۳۵/۰۰۰	۱۳,۳۵۱,۰۰۰,۰۰۰
زیره سبز	۸۵	۴۰۰	۳۵/۰۰۰	۱۲/۷۵۰/۰۰۰	۱,۰۸۳,۷۵۰,۰۰۰
کنجد	۵۵۰۰	۳۰۰	۲۲/۰۰۰	۵/۶۸۰/۰۰۰	۳۱,۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰
بارهنگ	۲	۴۵۰	۲۲/۰۰۰	۸/۰۵۰/۰۰۰	۱۶,۱۰۰,۰۰۰
رزماری	۲	۱۰۰۰	۲۴/۰۰۰	۲۱/۹۶۰/۰۰۰	۴۳,۹۲۰,۰۰۰
اسطوخودوس	۰,۲	۱۰۰۰	۲۵/۰۰۰	۲۲/۹۶۰/۰۰۰	۴,۵۹۲,۰۰۰

نام گیاه	سطح زیر کشت	عملکرد Kg/h	قیمت هر هرکیلو	درآمد خالص هر هکتار	کل درآمد خالص
آویشن باغی	۱	۱۱۰۰	۳۰/۰۰۰	۲۹/۴۰۰/۰۰۰	۲۹,۴۰۰,۰۰۰
نعناع فلفلی	۱	۲۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۵۷/۱۰۰/۰۰۰	۵۷,۱۰۰,۰۰۰
جمع کل	۸۱۹۱,۲	-	-	-	۴۵,۸۲۵,۸۶۲,۰۰۰

۳.۵. جایگاه تولید گیاهان دارویی در بین فعالیت‌های کشاورزی به لحاظ درآمدزایی

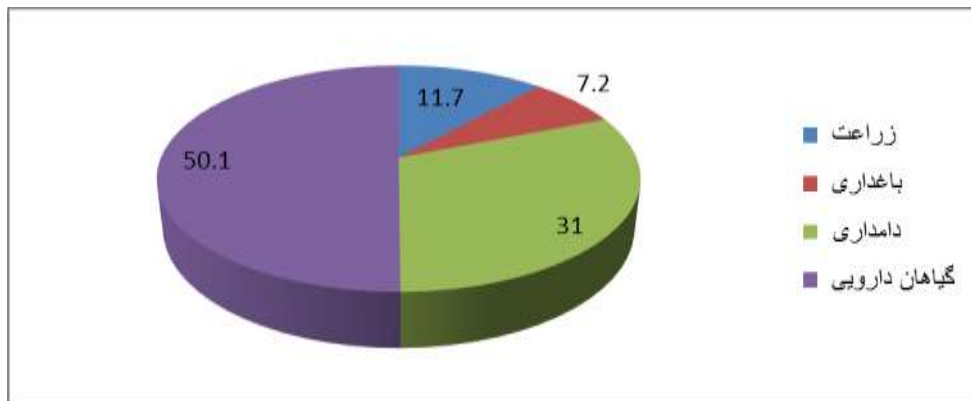
جدول ۳. سهم تولید گیاهان دارویی در اقتصاد کشاورزی روستاهای نمونه به لحاظ درآمدزایی طی سال

زراعی ۹۸-۱۳۹۷

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان کلات، واحد زراعت، ۱۳۹۸

فعالیت	کل درآمد خالص (تومان)	درصد
زراعت	۱۰,۷۲۵,۱۵۵,۰۰۰	۱۱,۷
باغداری	۶,۶۳۳,۰۰۰,۰۰۰	۷,۲
دامداری	۲۸,۳۵۳,۴۰۰,۰۰۰	۳۱
گیاهان دارویی	۴۵,۸۲۵,۸۶۲,۰۰۰	۵۰,۱
جمع	۹۱,۵۳۷,۴۱۷,۰۰۰	۱۰۰

براساس نتایج مندرج در جداول ۱ تا ۳، مجموع درآمد کل حاصل از گیاهان دارویی در سال زراعی ۹۸-۱۳۹۷، ۴/۳ برابر محصولات زراعی بوده است. همچنین سهم گیاهان دارویی از کل درآمد خالص فعالیت‌های کشاورزی ۵۰/۱ درصد بوده است. این یافته‌ها بیان می‌کند که تولید گیاهان دارویی به‌تنهایی بیش از ۵۰ درصد از درآمد اقتصادی بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهد که در صورت توجه بیشتر به این فعالیت می‌توان از طریق افزایش درآمد، سطح رفاه روستاییان را افزایش و انگیزه‌های مهاجرتی آنان را کاهش داد.



شکل ۲. نمودار سهم تولید گیاهان دارویی در اقتصاد کشاورزی روستاهای نمونه به لحاظ درآمدزایی طی سال زراعی ۹۸ - ۱۳۹۷

جدول ۴. مقایسه میزان درآمدزایی در هکتار-تولید گیاهان دارویی با سایر گیاهان زراعی طی سال زراعی (۱۳۹۷ - ۱۳۹۸) هکتار / تومان

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان کلات، واحد زراعت، ۱۳۹۸

نوع گیاه	نام گیاه	هزینه کاشت	عملکرد Kg/h	قیمت هر هر کیلو	درآمد خالص هر هکتار	درآمد متوسط	درصد تفاوت
دارویی	تخم شربتی	۸۶۵/۰۰۰	۳۰۰	۲۰/۰۰۰	۵/۱۳۵/۰۰۰	۲۰/۳۷۹/۳۷۵	۵۲۳/۶
	زیره سبز	۱/۲۵۰/۰۰۰	۴۰۰	۳۵/۰۰۰	۱۲/۷۵۰/۰۰۰		
	کنجد	۹۲۰/۰۰۰	۳۰۰	۲۲/۰۰۰	۵/۶۸۰/۰۰۰		
	بارهنگ	۱/۸۵۰/۰۰۰	۴۵۰	۲۲/۰۰۰	۸/۰۵۰/۰۰۰		
	رزماری	۲/۰۴۰/۰۰۰	۱۰۰۰	۲۴/۰۰۰	۲۱/۹۶۰/۰۰۰		
	اسطوخودوس	۲/۰۴۰/۰۰۰	۱۰۰۰	۲۵/۰۰۰	۲۲/۹۶۰/۰۰۰		
	آویشن باغی	۳/۶۰۰/۰۰۰	۱۱۰۰	۳۰/۰۰۰	۲۹/۴۰۰/۰۰۰		
	نعناع فلفلی	۲/۹۰۰/۰۰۰	۲۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۵۷/۱۰۰/۰۰۰		
غذایی	گندم	۱/۱۶۵/۰۰۰	۱۴۰۰	۲۷۰۰	۲/۶۱۵/۰۰۰	۳/۲۶۸/۰۰۰	
	جو	۱/۱۶۵/۰۰۰	۱۳۰۰	۲۲۰۰	۱/۶۹۵/۰۰۰		
	نخود	۱/۱۵۵/۰۰۰	۶۰۰	۸/۰۰۰	۳/۶۴۵/۰۰۰		
	عدس	۹۶۰/۰۰۰	۵۰۰	۹/۰۰۰	۳/۵۴۰/۰۰۰		
	لوبیا	۱/۱۵۵/۰۰۰	۵۰۰	۱۲/۰۰۰	۴/۸۴۵/۰۰۰		

براساس نتایج مندرج در جدول ۴، در آمد خالص هر هکتار از تولیدات گیاهان دارویی به‌طور متوسط ۲۰/۳۷۹/۳۷۵ تومان و هر هکتار از تولیدات زراعی ۳/۲۶۸/۳۰۰ تومان بوده است. مقایسه شاخص در آمد متوسط هر هکتار حاکی از آن است که گیاهان دارویی در مقایسه با گیاهان زراعی ۵۲۳/۶ درصد درآمدزایی بیشتر داشته‌اند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فعالیت بیشتر روستاییان کشور، کشاورزی است و نبود تنوع در فعالیت‌های اقتصادی آنان می‌تواند در بیکاری، کمبود درآمد و مهاجرت روستاییان به شهرها مؤثر باشد؛ بنابراین با توجه به روند افزایش مهاجرت روستاییان، باید به‌منظور افزایش درآمد روستاییان و کاهش روند مهاجرت به افزایش درآمد آنان اقدام کرد. در این راستا نتایج حاصل از مقایسه درآمدی تولید گیاهان دارویی با محصولات عمده زراعی منطقه مطالعه‌شده بیانگر آن است که درآمدزایی هر هکتار از تولید گیاهان دارویی بیش از پنج برابر سایر محصولات زراعی است؛ ازاین‌رو به‌منظور تأثیر بیشتر راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- برای حفظ کیفیت گیاهان دارویی فاصله زمانی میان تولید و مصرف گیاهان دارویی رعایت شود؛
- عرضه مناسب و بهداشتی گیاهان دارویی باعث افزایش نگرش مصرف‌کننده به استفاده از گیاهان دارویی می‌شود؛
- کارشناسان ترویج و مراکز ترویجی همکاری مناسب‌تری با روستاییان داشته باشند؛
- کاهش واسطه‌ها در فروش و عرضه گیاهان دارویی به سودآوری بیشتر آن‌ها کمک می‌کند؛
- استفاده از ماشین‌آلات و فناوری مناسب به افزایش راندمان تولید و کاهش ضایعات منجر می‌شود؛
- سیاست‌های حمایتی دولت بر تولید بیشتر و بازاریابی مناسب تأثیر زیادی دارد؛
- کارشناسان کلاس‌های ترویجی برگزار کنند؛

- بازدید روستاییان از مزارع تولیدی سایر مناطق روستایی و گفت‌وگوی مستقیم با تولیدکنندگان موجب اطمینان بخشی روستاییان به تولید این محصولات خواهد شد؛
- استانداردهای مناسب برای بسته‌بندی گیاهان دارویی به منظور افزایش مصرف مردم و صادرات رعایت شود؛ زیرا به توسعه صنعت گیاهان دارویی منجر می‌شود؛
- تولید گیاهان دارویی به منظور تشویق روستاییان مشمول بیمه شود.

کتابنامه

۱. افشار، ز. (۱۳۹۶). *امکان‌سنجی ورود گیاهان دارویی به الگوی کشت و ایجاد صنایع تبدیلی مرتبط (مطالعه موردی: سکونتگاه روستایی شهرستان چناران)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۲. امیدبیگی، ر. (۱۳۹۰). *رهیافت تولید و فرآوری گیاهان دارویی* (چاپ ششم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. جهاد کشاورزی شهرستان کلات. (۱۳۹۸). واحد زراعت.
۴. خداوردیزاده، م.، و محمدی، س. (۱۳۹۶). تعیین مزیت نسبی و ساختار بازار صادرات جهانی گیاهان دارویی (مطالعه موردی: رازیانه، بادیان، انیسون و گشنیز). *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۹(۲)، ۱۵۳-۱۷۴.
۵. رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های توسعه پایدار گیاهان دارویی در ایران. نخستین همایش ملی کاربرد گیاهان دارویی در سبک زندگی و طب سنتی، دانشگاه تربت حیدریه.
۶. ریاحی، و.، و نوری، آ. (۱۳۹۳). تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی و پایداری روستاها (مورد شهرستان خرم دره). *فصلنامه اقتصاد و توسعه اقتصادی*، ۳(۴)، ۱۱۳-۱۲۸.
۷. ساروخانی، ب. (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (جلد اول). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی. (۱۳۹۷). سازمان برنامه و بودجه.
۹. سالنامه آماری استان خراسان رضوی (۱۳۹۵). *سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی*. تهران: معاونت آمار و اطلاعات.
۱۰. سالنامه آماری جهاد کشاورزی شهرستان کلات. (۱۳۹۷).
۱۱. سالنامه آماری کشاورزی. (۱۳۹۳).

۱۲. طرهانی، ع. (۱۳۹۴). *متنوع‌سازی اقتصاد روستایی با رویکرد تولید گیاهان دارویی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان قوچان)* (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه آزاد واحد مشهد، ایران.
۱۳. فتاحی، م.، و فتاحی، ب. (۱۳۸۹). *مبانی گیاهان دارویی*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
۱۴. کوچکی، ع.، نصیری محلاتی، م.، و نجفی، ف. (۱۳۸۵). *تنوع زیستی گیاهان دارویی و معطر در بوم‌نظام‌های زراعی ایران*. پژوهش‌های زراعی ایران، ۲(۲)، ۲۰۸-۲۱۵.
۱۵. گرامی، ف. (۱۳۹۶). *مطالعه اکوفیزیولوژیکی سازگاری مرزنجوش در عرصه‌های طبیعی استان آذربایجان غربی و امکان سنجی کاشت آن در نظام زراعی کم‌نهاد* (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۱۶. لباسچی، م. ح. (۱۳۹۷). *بحران آب و لزوم توسعه کشت گیاهان دارویی*. نشریه طبیعت ایران، ۳(۳)، ۹-۶.
۱۷. مطیعی لنگرودی، س. ح.، فرجی سبکبار، ح. ع.، و حجت شمامی، س. (۱۳۹۸). *تحلیل موانع و قابلیت‌های تنوع‌بخشی فعالیت‌ها در اقتصاد روستایی (مورد: بخش رحمت آباد و بلوکات شهرستان رودبار)*. نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۸(۱)، ۱-۱۹.
۱۸. معاونی، پ. (۱۳۸۸). *گیاهان دارویی (جلدهای اول و دوم)*. شهر قدس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
۱۹. یاسوری، م.، و جوان، ف. (۱۳۹۴). *تحلیل محدودیت‌های تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان اشکور علیا)*. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۳)، ۱۹-۳۷.

20. Bermath, J. (1999). Biological and economical aspects of utilization and exploitation of wild growing medicinal plants in middle and south Europe. *Acta Hortic*, 500, 31-42.
21. Bright, H., Davis, J., Janowski, M., Low, A., & Pearce, D. (2000). *Rural non-farm livelihoods in Central and Eastern Europe and Central Asia and the reform process: A literature review*. Natural Resources Institute Report No. 2633 Research Project V0135. Department for International Development (DFID)/World Bank Collaborative Program for Rural Development.
22. Sen, T., & Samanta, S. K. (2015). Medicinal plants, human health and biodiversity: A broad review. *Advances in Biochemical Engineering Biotechnology*, 147, 59.
23. Vines, G. (2004). Herbal harvests with a future: Towards sustainable sources for medicinal plants. Retrieved from [https:// www.plantlife.org.uk/ application/ files/ 8414/ 8232/3228/Herbal_Harvest_with_a_Future.pdf](https://www.plantlife.org.uk/application/files/8414/8232/3228/Herbal_Harvest_with_a_Future.pdf)



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2023.77411.1158>

مقاله پژوهشی

کاربرد دمای احساسی مبتنی بر تئوری نسبت طلایی در ارزیابی شرایط آسایش انسانی کلان‌شهرهای ایران

محمد باعقیده (دانشیار اقلیم شناسی، گروه آب و هواشناسی و ژئومورفولوژی، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی،

دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)

m.baaghideh@hsu.ac.ir

فاطمه میوانه (دانش آموخته دکتری اقلیم شناسی شهری، گروه آب و هواشناسی و ژئومورفولوژی، دانشکده جغرافیا و

علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

fmayvaneh@yahoo.com

صص ۱۶۳ - ۱۱۹

چکیده

احساس راحتی انسان تا حد درخور توجهی به فراسنجهای آب و هوایی و البته ویژگی‌ها جغرافیایی بستگی دارد. پژوهش‌های معدودی وجود دارد که نقش این دو دسته از عوامل را در کنار هم در مبحث آسایش انسانی در نظر گرفته باشند. پژوهش حاضر با این دیدگاه تلاش دارد سطوح مختلف آسایش انسانی را با استفاده از شاخص دمای احساسی مبتنی بر تئوری نسبت طلایی در کلان‌شهرهای ایران ارزیابی کند. پارامترهای دمای کمینه و بیشینه رطوبت کمینه و بیشینه، بارش و میانگین سرعت باد در گام زمانی روزانه برای ۱۳ کلان‌شهر ایران برای دوره آماری (۲۰۲۰-۱۹۹۱) از سازمان هواشناسی کشور دریافت شد و در محاسبه شاخص «دمای احساسی» (ST) استفاده شد. این شاخص مبتنی بر «تئوری نسبت طلایی» و «دمای بهینه آسایش واقعی» (AOCT) طراحی شده است و از قابلیت‌های مهم آن انعطاف‌پذیری قابل توجه نسبت به تغییرات عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل است. نتایج نشان داد، همبستگی قابل توجه (-0.867) معکوس و معنادار ($\alpha > 0.01$) بین

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

عرض جغرافیایی و دمای بهینه آسایش وجود دارد و این ارتباط برای پارامتر ارتفاع نیز با ضریب $(-0/607)$ در سطح $(\alpha > 0/05)$ معنادار بود. شهرهای بندرعباس و اهواز بیشترین درصد فراوانی احساس حرارتی داغ و تبریز بیشترین درصد فراوانی روزهای خیلی سرد را داشتند. بیشترین توزیع ماهانه شرایط آسایش حرارتی برای شهر رشت برآورد شد. برای فصل تابستان، شهر تبریز با مجموع ۲۱ درصد شرایط آسایشی، با اختلاف، وضعیت بهتری در بین دیگر شهرها دارد؛ درحالی‌که اهواز، بندرعباس، کرمان و یزد هیچ موردی از هیچ‌یک از سطوح آسایشی را در این فصل تجربه نکرده‌اند. بیشترین درصد فراوانی شرایط آسایش کامل برای فصل پاییز برآورد شده است؛ به‌گونه‌ای‌که در ۹ مورد از ۱۳ شهر، آستانه غالب بوده است. استفاده از تمام فراسنج‌های اصلی آب و هوایی و امکان اعمال تصحیحات متنوع، قابلیت استفاده در گستره درخور توجهی از عرض‌های جغرافیایی و مناطق با ارتفاع متفاوت را برای شاخص ST فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها: آسایش انسانی، تئوری نسبت طلایی، دمای احساسی، کلان‌شهرهای ایران.

۱. مقدمه

بررسی اثرات شرایط آب و هوایی و تغییرات آن بر فیزیولوژی بدن انسان از هزاران سال پیش مطرح بوده است. امروزه نیز این اثرگذاری با در نظر گرفتن شرایط آسایش برای زیست انسان در همه ابعاد سلامتی و بهداشتی آن مطالعه می‌شود که این موضوع مهم از طریق کاربرد شاخص‌های آسایشی امکان‌پذیر شده است. براساس گزارش‌های هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم (IPCC)، فرکانس وقوع رویدادهای شدید هوا-اقلیم افزایش می‌یابد و مخاطرات هواشناسی مانند موج گرما و آسیب‌های ناشی از سرما سلامت جمعیت مرتبط را تهدید می‌کند (لانگین^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۵۰). براساس این تقاضا، برآورد منطقی سطح آسایش آب و هوای شهری به یکی از کانون‌های مطالعاتی تغییرات آب و هوایی تبدیل شده است. از نظر فیزیولوژیک، شرایط آسایش حرارتی محدوده‌ای از دما و رطوبت است که در آن مکانیسم تنظیم حرارت

1. Longin

بدن در کمترین فعالیت خود باشد. براساس تعریف استاندارد آشرا (ANSI/ASHRAE^۲) آسایش حرارتی «شرایط ذهنی است که رضایت از محیط حرارتی-رطوبتی را نشان می‌دهد و از طریق برداشت‌های ذهنی ارزیابی می‌شود» (والری^۳ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۱۷۲). بررسی وضعیت بیوکلیمایی انسانی، پایه و اساس بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها در زمینه معماری، گردشگری، بهداشت و درمان است. شرایط آب و هوایی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فعالیت روزانه و طولانی مدت انسان است و نبود آسایش حرارتی به صورت یک پدیده دوقطبی نبود آسایش سرد تا گرم ظاهر می‌شود. امروزه مطالعه تأثیر وضعیت آب و هوا بر سلامتی، عملکرد و رفتار انسانی در قالب یکی از شاخه‌های علمی با عنوان «زیست‌اقلیم انسانی» مطالعه و بررسی می‌شود (بارتن^۴ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۱۶۵). آسایش و نبود آسایش حرارتی انسان از طریق شاخص‌های تئوری و تجربی زیادی محاسبه می‌شود که داده‌های ورودی این شاخص‌ها بسیاری از عناصر آب و هوایی از جمله سرعت باد، درجه حرارت، رطوبت و تابش خورشید است (تسیلو^۵ و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۴۵).

در غالب شاخص‌های ارائه‌شده تمرکز اصلی بر عناصر آب و هوایی (دما، رطوبت، باد...) بوده است، اما واقعیت این است که علاوه بر این عناصر، ویژگی‌ها جغرافیایی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) نیز نقش مهمی در شرایط آسایش انسان دارند و می‌توانند پاسخ‌های فیزیولوژیک انسان را متأثر کنند؛ با وجود این، در تعداد چشمگیری از شاخص‌ها مدنظر قرار نگرفته‌اند که از این گروه می‌توان به شاخص‌های AT^8 , WCI^9 , CPI^7 , THI^6 ، اشاره کرد. در این دسته از شاخص‌ها که به شاخص‌های تجربی معروف هستند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵)، برآورد دمای احساسی تا حد درخور توجهی متأثر از ذهنیت افراد است که این امر نیز

1. American National Standards Institute

2. American Society of Heating, Refrigerating and Air-Conditioning Engineers

3. Vellei

4. Burton

5. Tseliou

6. Temperature Humidity Index

7. Cooling power index

8. Apparent Temperature

9. Wind Chill Index

به شدت در کنترل ویژگی‌های محلی است؛ بنابراین نتایج (آستانه‌ها و احساس حرارتی متناظر) نمی‌توانند با اطمینان در دیگر مناطق جغرافیایی استفاده شود.

گروه دیگر از شاخص‌ها، براساس بیلان انرژی بدن انسان طراحی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به ^۱PMV، ^۲PET و ^۳SET اشاره کرد. این شاخص‌ها از نظر تئوری کامل‌تر هستند، اما طراحی مدل در آن‌ها بسیار پیچیده است و برخی از متغیرهای موردنیاز در فرمول‌های محاسباتی (مانند دمای تابشی) به راحتی از داده‌های روزانه ایستگاه‌های هواشناسی دریافت‌شدنی نیستند. علاوه بر این، ویژگی‌های جغرافیایی معمولاً به عنوان عامل اصلی وارد معادلات نشده‌اند و وزن واقعی خود را نیز ندارند؛ به گونه‌ای که با تغییر این ویژگی‌ها تفاوت محسوسی در نتایج حاصل نمی‌شود. وانگ^۴ و همکاران (۲۰۱۳)، یوآن^۵ و همکاران (۲۰۲۱)، ص. ۱۵۴) تئوری نسبت طلایی را در حوزه هواشناسی پزشکی و سلامت استفاده کردند؛ بر این اساس، دمای آسایش بهینه واقعی با توجه به دمای بدن انسان مطرح شد و سپس با اعمال اثرات ویژگی‌های جغرافیایی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) شاخص دمای احساسی (ST)^۶ معرفی شد. در برآورد دمای احساسی، ضمن اینکه مهم‌ترین متغیرهای هواشناسی استفاده می‌شود، تلاش شده است سهم اثرگذاری این متغیرها در شرایط متفاوت (دماهای بالاتر یا پایین‌تر از دمای بهینه آسایش و روزهای بارشی و غیر بارشی) اصلاح شود.

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی جامع از شرایط آسایش انسانی در کلان‌شهرهای ایران است؛ به گونه‌ای که علاوه بر فراسنج‌های آب و هوایی، ویژگی‌های جغرافیایی نیز در این ارزیابی لحاظ شوند. در این مسیر اهداف مرحله‌ای ذیل مدنظر خواهند بود:

- برآورد دمای بهینه آسایش واقعی مبتنی بر تئوری نسبت طلایی برای کلان‌شهرهای ایران؛

1. predicted mean vote
2. Physiological Equivalent Temperature
3. Standard Effective Temperature
4. Wang
5. Yuan
6. Somatosensory Temperature

- معرفی و به کارگیری شاخص دمای احساسی (St) به عنوان یک نمایه با قابلیت کاربرد جهانی؛
- تحلیل و مقایسه خروجی مقادیر محاسبه شده در مسیر دستیابی به توزیع ماهانه و فصلی شرایط آسایش در شهرهای منتخب.

۲. پیشینه تحقیق

در نیم قرن اخیر، روش ها و مدل های گوناگونی برای بررسی درجه تأثیر فراسنج های آب و هوایی بر فیزیولوژی بدن انسان ابداع شده است و سنجش شرایط آسایش و راحتی انسان مورد نظر پژوهشگران متعدد، در جغرافیای متنوع جهان بوده است. از پیشگامان این مسیر باید به اولگی اشاره کرد که در دهه شصت با ارائه نمودار زیست اقلیمی به تعیین نقش جداگانه و مشخص عوامل پرداخت. او براساس آزمایش ها و محاسباتی که در چهار منطقه مختلف اقلیمی آمریکا انجام داد، نتیجه گرفت که نیاز به ظرفیت و مقاومت حرارتی مناطق یکسان نیست. در همین دهه، گیونی نیز نمودار بیوکلیمایی را ارائه کرد. ترجونگ^۱ (۱۹۶۸) تقسیم بندی بیوکلیمایی را مطرح کرد و طی آزمایش های متعددی که روی انسان انجام داد، حاصل آن را به صورت نمودارهای کاربردی ارائه کرد.

در ادامه پژوهشگران دریافتند که بیان کیفیت پارامترهای محیطی یک منطقه و اثرات آن در آسایش با توجه به برخورداری آن از فراسنجهای متعدد تاحدودی ممکن است؛ بنابراین باید این پارامترها به صورت شاخص هایی ارائه شوند که واکنش افراد را به شرایط نامناسب نشان دهند و در یک طبقه بندی کمی درجاتی از عالی تا غیرقابل قبول را در بر گیرند. این شاخص ها تفسیر تأثیرات پیچیده عناصر محیطی گوناگون را آسان تر می کنند و امکان مقایسه مکان های مختلف از این دیدگاه را فراهم می آورند (دی فراتس^۲، ۲۰۰۳، ص. ۴۵)؛ به این ترتیب، شاخص آسایش انسان از آن دسته مفاهیمی شد که به طور گسترده ای مدنظر قرار گرفت و تاکنون بیش از ۱۶۵ شاخص آسایش حرارتی برای اندازه گیری شرایط راحتی انسان طراحی و

1. Terjung
2. de Freitas

معرفی شده است (کوکولو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳۳، پوچر^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۳۹۰).

ابتدا شاخص‌های تجربی توجه محققان را به خود جلب کرد و مطالعات گسترده‌ای براساس این دسته از شاخص‌ها در جهان انجام شد (هونام، ۱۹۶۷؛ بلیزی چک، ۲۰۰۵؛ اسماعیل و همکاران، ۲۰۰۹؛ روبرت و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان دانا و همکاران، ۲۰۱۵). در ادامه، با امکان استفاده تخصصی‌تر از رایانه و ابداع نرم‌افزارهای مرتبط، امکان ارائه شاخص‌هایی فراهم شد که بیلان انرژی بدن را در محاسبات لحاظ می‌کردند و پژوهش‌های زیادی انجام شد؛ از جمله چنگ^۳ و همکاران (۲۰۱۲، ص. ۴۳) آسایش حرارتی هنگ‌کینگ را با استفاده از شاخص‌های دمای معادل فیزیولوژیک و میانگین رأی پیش‌بینی شده مطالعه کردند. آن‌ها اثر تغییر شرایط باد و تابش خورشیدی را بر احساس دمایی افراد در منطقه بررسی کردند و نتایج پژوهش به صورت روابط ریاضی ارائه شد.

ناستس^۴ و ماتزارکیس^۵ (۲۰۱۲، ص. ۵۹۱) نقش اقلیم در مرگ‌ومیر شهر آتن را با استفاده از شاخص آسایش اقلیمی pmv بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد، ارتباط معنادار و خطی بین مرگ‌ومیر و افزایش سطح تنش‌های شاخص‌های آسایش اقلیمی وجود دارد. یاهیا^۶ و جانسون^۷ (۲۰۱۳، ص. ۶۱۵) به مقایسه نتایج شاخص‌های حرارتی مختلف در محیط‌های شهری و در هوای آزاد شهر گرم و خشک سوریه پرداختند. آن‌ها با توجه به آستانه بالا و پایین هرکدام از شاخص‌ها، رتبه‌های مختلف آسایش اقلیمی را برآورد کردند. پس از اینکه وانگ^۸ و همکاران (۲۰۱۳) تئوری نسبت طلایی را در حوزه هواشناسی پزشکی و سلامت توسط مطرح کردند، شاخص دمای احساسی (ST) مبتنی بر دمای آسایش بهینه واقعی با

-
1. Coccolo
 2. Potchter
 3. Cheng
 4. Nastos
 5. Matzarakis
 6. Yahia
 7. Johansson
 8. Wang

اعمال اثرات ویژگی‌ها جغرافیایی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) معرفی شد. ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز به‌خوبی از قابلیت‌های این شاخص در برآورد شرایط آسایش انسانی متأثر از عوامل ترکیبی هواشناسی-آلودگی هوا برای شهرهای منتخب چین استفاده کردند. ارتباط شرایط فیزیولوژیک بدن انسان با فراسنج‌های آب و هوایی (دما، رطوبت، سرعت باد و...) فراتر از یک رابطه خطی ساده یا حتی چندگانه است؛ بنابراین در طرح مفهوم دمای بهینه آسایش باید تصحیحات مهم با در نظر گرفتن ویژگی‌های محلی از منظر عرض جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا و فصل لحاظ شود. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با استفاده از قاعده نسبت طلایی و برآورد دمای احساسی (ST) که خود به‌طور مشخص متأثر از تغییر در ویژگی‌ها محلی است، شرایط تنش و آسایش حرارتی برای کلان‌شهرهای ایران ارزیابی شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. داده‌ها

سیزده کلان‌شهر از سراسر ایران با توجه به تنوع آب و هوایی و اختلاف در ویژگی‌ها جغرافیایی (عرض جغرافیایی، طول جغرافیایی و ارتفاع) انتخاب شدند (جدول ۱). مجموعه داده‌های هواشناسی برای این کلان‌شهرها از داده‌های دیدبانی (ایستگاه‌های سینوپتیک) سازمان هواشناسی کشور به‌صورت روزانه استخراج شد. این داده‌ها شامل دمای کمینه و بیشینه، بارش، رطوبت نسبی کمینه و بیشینه و میانگین سرعت باد است. بررسی همگنی داده‌ها با روش جرم مضاعف انجام شد و بازه آماری ۱۹۹۱-۲۰۲۰ به‌عنوان دوره آماری مشترک انتخاب شد.

جدول ۱. مشخصات ایستگاه‌های هواشناسی استفاده‌شده در پژوهش

مأخذ: سازمان هواشناسی ایران، ۱۴۰۰

ایستگاه سینوپتیک	عرض جغرافیایی	طول جغرافیایی	ارتفاع	دوره آماری
مشهد	۳۶/۲۳	۵۶/۶۳	۹۹۹/۲	۱۹۵۱-۲۰۲۱
تهران	۳۵/۶۹	۵۱/۳۰	۱۱۹۱	۱۹۵۱-۲۰۲۱

ایستگاه سینوپتیک	عرض جغرافیایی	طول جغرافیایی	ارتفاع	دوره آماری
اصفهان	۳۲/۵۱	۵۱/۷۰	۱۵۵۰/۴	۲۰۲۱-۱۹۵۱
تبریز	۳۸/۱۲	۴۶/۲۴	۱۳۶۱	۲۰۲۱-۱۹۵۱
شیراز	۲۹/۵۶	۵۲/۶۰	۱۴۸۸	۲۰۲۱-۱۹۵۱
اهواز	۳۱/۳۴	۴۸/۷۴	۲۲/۵	۲۰۲۱-۱۹۵۱
اراک	۳۴/۰۷	۴۹/۷۸	۱۷۰۲/۸	۲۰۲۱-۱۹۵۵
رشت	۳۷/۳۲	۴۹/۶۲	-۸/۶	۲۰۲۱-۱۹۵۶
یزد	۳۱/۹۰	۵۴/۲۸	۱۲۳۰/۲	۲۰۲۱-۱۹۵۲
همدان	۳۴/۸۶	۴۸/۵۳	۱۷۴۰/۸	۲۰۲۱-۱۹۵۷
کرمان	۳۰/۲۵	۵۶/۹۶	۱۷۵۴	۲۰۲۱-۱۹۵۱
بندرعباس	۲۷/۲۱	۵۶/۳۷	۹/۸	۲۰۲۱-۱۹۵۲
کرج	۳۵/۸۰	۵۰/۹۵	۱۲۹۲/۹	۲۰۲۱-۱۹۸۵

۲.۳. دمای احساسی (ST)-تئوری نسبت طلایی^۱

دمای احساسی نقش مهمی در نظارت بر سیستم تنظیم حرارت بدن انسان دارد. به‌تازگی از فناوری‌های مختلفی برای اندازه‌گیری این شاخص استفاده شده است؛ مانند دماسنج‌های مقاوم‌تی یا ترموکوپل‌های اعمال‌شده روی سطح بدن یا دماسنج‌های مادون قرمز که از نظر بالینی راحت و قابل اعتماد تعریف شده‌اند (ماتسوکاوا، ۱۹۹۶، ص. ۱۲۲۴). ارتباط شرایط فیزیولوژیک بدن انسان با فراسنج‌های آب و هوایی (دما، رطوبت، سرعت باد و...) فراتر از یک رابطه خطی ساده یا حتی چندگانه است؛ بنابراین در طرح مفهوم دمای بهینه آسایش واقعی (AOCT^۲) باید تصحیحات مهمی از منظر عرض جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا و فصل لحاظ شود. یکی از روش‌های معتبر در ارتباط با محاسبه AOCT روشی است که مبتنی بر تئوری نسبت طلایی ارائه شده است و به شرح ذیل است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۳):

رابطه (۱):

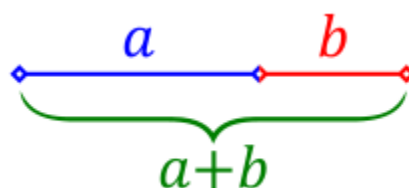
$$AOCT = 22.7 \times [1 - 0.3 \sin(\varphi - 23.5)] - |0.3 \cos(15^\circ \times (M - 1))| - 2 \times \tan(H/100).$$

1 Golden Ratio

2. Actual Optimum Comfort Temperature

φ عرض جغرافیایی، M: ماه، H: ارتفاع از سطح دریا (متر)

براساس تئوری نسبت طلایی، هرگاه یک پاره خط به دو بخش تقسیم شود به گونه ای که بخش طولانی تر (a) را بر بخش کوتاه تر (b) تقسیم کنیم و حاصل آن برابر باشد با مجموع a و b تقسیم بر a، در این صورت یک نسبت طلایی داریم که پاسخ هر دو کسر برابر با $1/618$ خواهد شد (فالبو^۱، ۲۰۰۵).



$$\frac{a+b}{a} = \frac{a}{b}$$

مغز ما به گونه ای طراحی شده است که گرایش بصری و احساسی آن اشیاء، تصاویر و پدیده هایی را ترجیح می دهد که در آن نسبت طلایی استفاده شده است و حتی تغییرات کوچک که باعث شود یک پدیده به نسبت طلایی نزدیک شود، تأثیرات زیادی بر گرایش و انتخاب مغز دارد؛ مثلاً طرحی با عرض ۹۶۰ پیکسل داریم که اگر آن را بر $1/618$ تقسیم کنیم، عدد ۵۹۴ به دست می آید؛ به عبارتی، اگر ارتفاع را معادل ۵۹۴ بگیریم، یک نسبت طلایی خلق کرده ایم که غالب افراد آن را انتخاب می کنند و می پسندند.

با توجه به اینکه میانگین دمای نرمال بدن انسان چیزی حدود $36/75$ است، براساس تئوری نسبت طلایی ($36.75 \div 1.618$) پاسخ معادل $22/7$ خواهد بود؛ این دمایی است که هر فرد سالم در آن احساس آسایش دارد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

در معادله بالا (رابطه ۱)، این دما با لحاظ کردن اثر پارامترهای عرض جغرافیایی، فصل و ارتفاع تصحیح می شود. در این معادله عبارت $\sin(\varphi - 23.5)$ با هدف اصلاح نقش عرض جغرافیایی در برآورد دمای بهینه آسایش لحاظ شده است؛ چراکه با افزایش عرض جغرافیایی، انرژی دریافتی کاهش می یابد و مناطق کمبود انرژی در عرض های بیشتر، شکل می گیرند؛ بنابراین براساس عملکرد انطباقی فیزیولوژی بدن انسان در درازمدت، دمای بهینه آسایش

1. Falbo

کاهش می‌یابد. شایان ذکر است، این ضریب اصلاحی برای مناطق حاره (۲۳/۵ شمالی تا ۲۳/۵ جنوبی) کاربرد ندارد.

عبارت $\cos(15 \times m - 1)$ به عنوان ضریب اصلاحی فصل سال وارد معادله شده است. در دوره سرد سال با توجه به پایین بودن میانگین دمای هوا، دمای بهینه آسایش کمتر از دوره گرم سال است. m شماره‌ای است که برای ماه‌های سال لحاظ می‌شود. معمولاً ماهی که پایین‌ترین میانگین دمایی را دارد، عدد ۱ و برای ماهی که بیشترین میانگین دما را دارد، عدد ۱۲ منظور می‌شود؛ به این ترتیب در عبارت بالا $(\cos(15 \times m - 1))$ برای ماه‌های گرم‌تر ضریب مربوط عملکردی افزایشی دارد و دمای بهینه آسایش مقادیر بیشتری خواهد داشت، اما این فرایند برای دوره سرد سال برعکس خواهد بود.

عبارت $\tan\left(\frac{H}{100}\right)$ با هدف اصلاح اثر ارتفاع بر دمای آسایش بهینه لحاظ شده است. افزایش ارتفاع نیز همچون افزایش عرض جغرافیایی موجب کاهش دمای آسایش می‌شود که ناشی از عملکرد انطباقی بدن در درازمدت برای ساکنان مناطق مرتفع است. اعمال ضریب ۲ برای این عبارت حکایت از اهمیت قابل توجه پارامتر ارتفاع در معادله مربوط را دارد. استفاده از این ضریب اصلاحی برای ارتفاع بالاتر از ۵۰۰ متر نتایج بهتری ارائه می‌دهد؛ هرچند پژوهشگران عملکرد آن را برای مناطقی با ارتفاع پایین‌تر نیز بررسی و تأیید کرده‌اند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱). با در نظر گرفتن معادله AOCT به عنوان یک جزء اصلی، می‌توان معادله برآورد دمای احساسی (ST) را در دو فرم (زمانی که دمای محیط بیشتر از AOCT و زمانی که دمای محیط کمتر از AOCT باشد) ارائه کرد.

رابطه (۲):

When $ta \geq AOCT$,

$$ST = ta + a \left(\exp(0.05(ta - AOCT)(rh - rhs)) - 1 \right) - 0.03(ta - AOCT)v.$$

رابطه (۳):

When $ta < AOCT$,

$$ST = ta - a \left(\exp(0.013(AOCT - ta)(rh - rhs)) - 1 \right) - 0.01(AOCT - ta)v.$$

در معادلات بالا،

Ta : میانگین دمای هوا، α : ضریب ثابت $\cong 14$ ، v : میانگین سرعت باد (m/s)، rh : رطوبت نسبی (کسر از ۱۰)، rhs : رطوبت نسبی بهینه است که برای شرایط بارشی ۰/۶۱۸ و برای شرایط بدون بارش ۰/۵ لحاظ می شود.

ضریب ثابت $\alpha=14$ ، درواقع تفاوت دمای آسایش مبتنی بر تئوری نسبت طلایی (۲۲/۷) و میانگین دمای نرمال بدن انسان (۳۶/۷۵) است ($14 \cong 36.75 - 22.7$) (وانگ و همکاران، ۲۰۱۳). براساس فرمول ۲، دمای احساسی (ST) برای زمانی محاسبه می شود که دمای بهینه آسایش AOCT کمتر از دمای محیط (میانگین دمای هوا) باشد. $ta \geq AOCT$ در این معادله اثر هم افزایی رطوبت با افزایش دما به صورت افزایش نمایی لحاظ شده است (به عبارت $\exp(0.05(Ta - Aoct))$ دقت شود)؛ بر این اساس، زمانی که رطوبت محیط بیشتر از رطوبت بهینه (در شرایط بارشی و نبود بارش) باشد، دمای احساسی (ST) افزایش خواهد یافت.

عبارت $(Ta - Aoct) \times V$ بیان می کند که اثر سرمایش باد، تنها به اندازه سرعت باد مربوط نیست، بلکه تفاوت دمای محیط با دمای بهینه آسایش نیز لحاظ شده است؛ به گونه ای که با افزایش دمای هوای محیط نسبت به دمای بهینه آسایش، اثر سرعت باد در کاهش دمای احساسی (ST) آشکارتر خواهد بود.

در فرمول ۳، دمای احساسی (ST) برای زمانی محاسبه می شود که $(Ta < Aoct)$ ؛ به عبارتی دمای هوای محیط پایین تر از دمای آسایشی بهینه (AOCT) باشد $(Aoct - Ta)(Rh - Rhs)$. در این معادله، دمای احساسی هنوز به صورت مستقیم با دمای محیط متناسب است، اما اثر رطوبت بر دمای احساسی کاهش یافته است. ضمن اینکه این عملکرد کاهش رطوبت با کاهش دمای هوا نسبت به دمای بهینه آسایشی افزایش می یابد؛

به عبارتی هرچه رطوبت بیشتر باشد و دمای محیط پایین‌تر از دمای آسایش بهینه (AOCT) باشد، دمای احساسی (ST) کاهش بیشتری خواهد داشت.

نقش باد نیز در هر دو معادله ۲ و ۳، در مجموع کاهشی است، اما این کاهش باز هم متناسب با اختلاف دمای هوا با دمای AOCT است. هرچه دمای هوا اختلاف بیشتری با دمای بهینه آسایش (AOCT) داشته باشد، اثر باد در کاهش دمای احساسی (ST) مشهودتر است. ضمن اینکه باید توجه داشت، این اثر کاهشی برای معادله ۲ با ضریب بیشتری (۰/۰۳) حمایت شده است. در ارزیابی عملکرد و قابلیت‌های معادلات بالا باید عنوان کرد که محاسبه دمای احساسی (ST) به صورت جداگانه در شرایطی که دمای محیط بالاتر و پایین‌تر از دمای بهینه آسایش است، از نقاط قوت این روش است و می‌تواند تأثیر رطوبت را بر دماهای بالا و پایین به گونه‌ای منطقی‌تر نشان دهد. این موضوع در ارتباط با اثرات سرعت باد نیز صدق می‌کند.

در این روش برخلاف بسیاری از مدل‌های ارائه شده، استفاده از تمام فراسنج‌های اصلی آب و هوایی مؤثر در شرایط آسایش انسانی، میسر شده است؛ ضمن اینکه همراهی این پارامترها در کنار ویژگی‌های مکانی و زمانی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) طیف گسترده‌ای به جنبه‌های کاربردی این روش داده است.

جدول ۲. رتبه‌های مختلف ST به همراه آستانه‌ها و احساس حرارتی

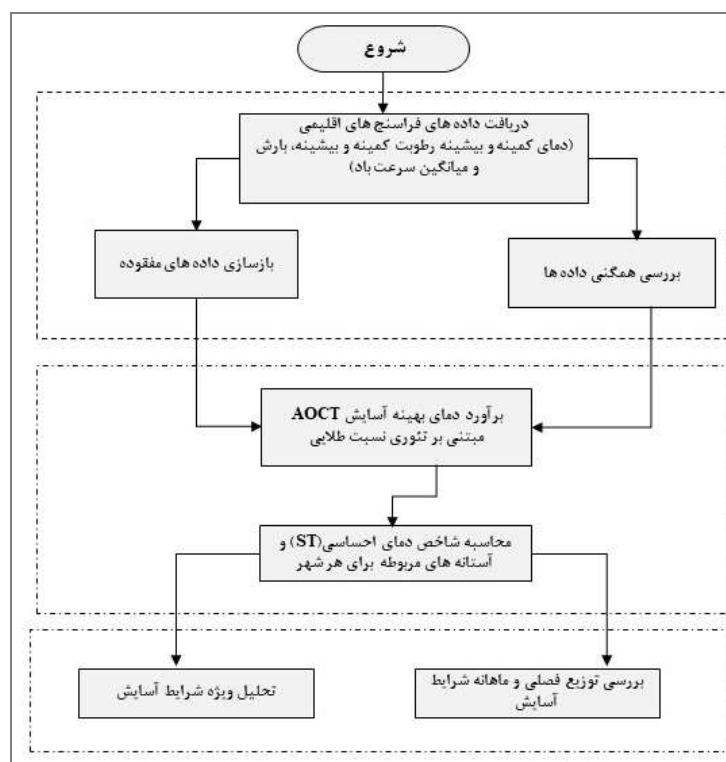
مأخذ: وانگ و همکاران، ۲۰۱۳

رتبه‌های ST	احساس حرارتی	آستانه‌ها
۴	داغ	$-D < 31ST$
۳	خیلی گرم	$-D31 - D < ST \leq 28$
۲	گرم	$-D28 - D < ST \leq 25$
۱	گرم همراه با آسایش	$-D25 - D < ST \leq 22/7$
۰	آسایش	$-D22/7 - D < ST \leq 18$
-۱	خنک همراه با آسایش	$-D18 - D < ST \leq 13$
-۲	خنک	$-D13 - D < ST \leq 8$
-۳	کمی سرد	$-D8 - D < ST \leq 3$

رتبه‌های ST	احساس حرارتی	آستانه‌ها
-۴	سرد	$-D \leq ST < -D-3$
-۵	خیلی سرد	$-D-5 \leq ST < -D$
-۶	یخ‌زدگی	$ST \leq -D-5$

$$*D = 22.7 - AOCT$$

در جدول ۲، $D = 22.7 - AOCT$ نشان‌دهنده انحراف بین دمای بهینه آسایش واقعی (با اعمال اصلاحات مربوط به عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل تنظیم شده است) و دمای بهینه آسایش تئوری است. این مقدار انحراف در راستای ارائه تنظیم پویا از دامنه ST در محدوده‌های مختلف استفاده شده است. مراحل انجام پژوهش به صورت خلاصه در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی مراحل انجام پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۴. یافته‌های تحقیق

مقادیر AOCT محاسبه شده برای شهرهای منتخب در جدول ۳ آمده است که بالاترین مقدار دمای بهینه به شهر بندرعباس ۲۲/۲۳ و کمترین آن به تبریز مربوط است. بررسی ارتباط بین پارامترهای (جغرافیایی طول عرض و ارتفاع) با مقادیر شاخص برآورد شده نشان داد، براساس مدل همبستگی پیرسون، همبستگی قابل توجه ($-0/867$) معکوس و معنادار ($0/01 > \alpha$) بین عرض جغرافیایی و دمای بهینه آسایش وجود دارد و این ارتباط برای پارامتر ارتفاع نیز با ضریب ($-0/607$) در سطح ($0/05 > \alpha$) معنادار بود؛ درحالی که با طول جغرافیایی رابطه معنادار وجود نداشت. مطالعه خوش‌نفس و صداقت (۱۳۹۴، ۹۱) نیز مشخص کرد که شاخص سختی هوا با ارتفاع رابطه مستقیم دارد.

جدول ۳. مقادیر میانگین ماهانه AOCT

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

میانگین	Dec	Nov	Oct	Sep	Aug	Jul	Jun	May	Apr	Mar	Feb	Jan	AOCT
82/20	14/21	11/21	06/21	00/21	92/20	85/20	77/20	70/20	63/20	59/20	56/20	55/20	مشهد
81/20	13/21	10/21	05/21	99/20	92/20	84/20	76/20	69/20	63/20	58/20	55/20	54/20	اراک
05/21	37/21	34/21	29/21	23/21	16/21	08/21	00/21	93/20	87/20	82/20	79/20	78/20	اصفهان
74/21	05/22	02/22	97/21	91/21	84/21	76/21	69/21	61/21	55/21	50/21	47/21	46/21	اهواز
81/20	13/21	10/21	05/21	99/20	92/20	84/20	76/20	69/20	63/20	58/20	55/20	54/20	تهران

AOCT	Jan	Feb	Mar	Apr	May	Jun	Jul	Aug	Sep	Oct	Nov	Dec	میانگین
رشت	78/20	79/20	82/20	86/20	93/20	00/21	08/21	15/21	23/21	29/21	34/21	37/21	05/21
تبریز	20/20	21/20	24/20	28/20	35/20	42/20	50/20	57/20	65/20	71/20	76/20	79/20	47/20
شیراز	15/21	16/21	19/21	24/21	30/21	37/21	45/21	53/21	60/21	66/21	71/21	74/21	42/21
بندرعباس	96/21	97/21	00/22	04/22	11/22	18/22	26/22	33/22	41/22	47/22	52/22	55/22	23/22
کرمان	97/20	98/20	01/21	05/21	12/21	19/21	27/21	34/21	42/21	48/21	53/21	56/21	24/21
یزد	97/20	98/20	01/21	06/21	12/21	19/21	27/21	35/21	42/21	48/21	53/21	56/21	24/21
همدان	43/20	44/20	47/20	52/20	58/20	65/20	73/20	81/20	88/20	94/20	99/20	02/21	71/20
کرج	49/20	50/20	53/20	58/20	64/20	71/20	79/20	87/20	94/20	00/21	05/21	08/21	76/20

براساس مقادیر محاسبه شده AOCT و با در نظر گرفتن روابط ارائه شده در جدول ۲، آستانه های عددی برای ۱۱ رتبه مختلف شاخص احساس حرارتی (ST) برای هریک از شهرهای مورد بررسی محاسبه شد و در جدول ۴ درج شد؛ بر این اساس، بالاترین آستانه عددی محاسبه شده برای احساس حرارتی «داغ» به بندرعباس (۳۰/۵۳) و پس از آن اهواز با (۳۰/۰۳) مربوط بوده است. برای دیگر شهرها، آستانه های محاسبه شده برای این سطح از احساس حرارتی، کمتر از ۳۰ بوده است. از سوی دیگر، پایین ترین آستانه عددی محاسبه شده

برای احساس حرارتی فوق سرد (یخزدگی) عدد ۱۷/۲۳- بوده که برای شهر تبریز برآورد شده است.

جدول ۴. آستانه‌های ST محاسبه‌شده برای شهرهای منتخب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر	مشهد	اراک	اصفهان	اهواز	تهران
$-D^{۱۰}-D<ST\leq-۱۰$	88/88_6/16	88/89_6/16	64/65_6/16	96/96_5/15	88/89_6/16
$-D^{۲۰}-D<ST\leq-۲۰$	12/88_1/6	11/88_1/6	35/64_1/6	04/96_2/5	11/88_1/6
$-D^{۳۰}-D<ST\leq-۳۰$	12/12_6/1	11/11_6/1	35/35_6/1	04/04_7/2	11/11_6/1
$-D^{۱۳}-D<ST\leq-۱۳$	12/12_11/6	11/11_11/6	35/35_11/6	04/04_12/7	11/11_11/6
$-D^{۱۸}-D<ST\leq-۱۸$	11/12_16/11	11/11_16/11	35/35_16/11	04/04_17/12	11/11_16/11
$-D^{۲۲/۷}-D<ST\leq-۲۲/۷$	82/12_20/16	81/11_20/16	05/35_21/16	74/04_21/17	81/11_20/16
$-D^{۲۵}-D<ST\leq-۲۵$	12/82_23/20	11/81_23/20	35/05_23/21	04/74_24/21	11/81_23/20
$-D^{۲۸}-D<ST\leq-۲۸$	12/12_26/23	11/11_26/23	35/35_26/23	04/04_27/24	11/11_26/23
$-D^{۳۱}-D<ST\leq-۳۱$	12/12_29/26	11/11_29/26	35/35_29/26	03/04_30/27	11/11_29/26
$-D^{۳۱}ST>$	۲۹/۱۲	۲۹/۱۱	۲۹/۳۵	۳۰/۰۳	۲۹/۱۱
	مشهد	اراک	اصفهان	اهواز	تهران

99/99_-6/-16	45/46_-6/-16	45/46_-6/-16	46/47_-5/-15	27/28_-6/-16	22/23_-7/-17	64/65_-6/-16	-D ^۵ -D<ST≤-۱۵-
01/99_1/-6	54/45_1/-6	54/45_1/-6	35/46_2/-5	72/27_1/-6	77/22_0/-7	35/64_1/-6	-D ^۲ -D<ST≤۰-
01/01_6/1	54/54_6/1	54/54_6/1	53/53_7/2	72/72_6/1	77/77_5/0	35/35_6/1	-D ^۸ -D<ST≤۳
01/01_11/6	54/54_11/6	54/54_11/6	53/53_12/7	76/72_11/6	77/77_10/5	35/35_11/6	-D ^{۱۳} -D<ST≤۸
01/01_16/11	54/54_16/11	54/54_16/11	53/53_17/12	72/72_16/11	77/77_15/10	35/35_16/11	-D ^{۱۸} -D<ST≤۱۳
71/01_20/16	24/54_21/16	24/54_21/16	23/53_22/17	42/72_21/16	47/77_20/15	05/35_21/16	-D ^{۲۲/۷} -D<ST≤۱۸
01/71_23/20	54/24_23/21	54/24_23/21	53/23_24/22	72/42_23/21	77/47_22/20	65/05_23/21	-D ^{۲۵} -D<ST≤۲۲/۷
01/01_26/23	54/54_26/23	54/54_26/23	53/53_27/24	72/72_26/23	77/77_25/22	35/65_26/23	-D ^{۲۸} -D<ST≤۲۵
01_29/26	54/54_29/26	54/54_29/26	53/53_30/27	72/72_29/26	77/77_28/25	35/35_29/26	-D ^{۳۱} -D<ST≤۲۸
۲۹	۲۹/۵۴	۲۹/۵۴	۳۰/۵۳	۲۹/۷۲	۲۸/۷۷	۲۹/۳۵	-D ^{۳۱} ST>
همدان	یزد	کرمان	بندرعباس	شیراز	تبریز	رشت	شهر

شماره	شهر	$-D^{۱۵} \leq ST$	$-D^{۱۰} \leq ST$	$-D^{۰۸} \leq ST$	$-D^{۰۶} \leq ST$	$-D^{۰۴} \leq ST$	$-D^{۰۲} \leq ST$	$-D^{۰۱} \leq ST$	$-D^{۰۰} \leq ST$
۹۳/۹۴_۶/۱۶									
۰۶/۹۳_۱/۶									
۰۶/۰۶_۶/۱									
۰۱/۰۶_۱۱/۶									
۰۱/۰۱_۱۶/۱۱									
۷۶/۰۶_۲۰/۱۶									
۰۶/۷۶_۲۳/۲۰									
۰۶/۰۶_۲۶/۲۳									
۰۶/۰۶_۲۹/۲۶									
۲۹/۰۶									

* آستانه $(ST \leq -15-D)$ از جدول حذف شده است؛ زیرا برای هیچ یک از شهرهای منتخب دمای احساسی در این بازه برآورد نشد.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۵، بالاترین مقادیر دمای احساسی در بین شهرهای بررسی شده در این پژوهش، برای اهواز و بندر عباس به ترتیب با $۳۸/۵۵$ و $۳۷/۰۳$ برآورد شده است که در ماه‌های آگوست و جولای ثبت شد. بعد از این دو شهر که به لحاظ عرض جغرافیایی کمتر و مهم‌تر از آن، ارتفاع ناچیز از سطح دریا، بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند، شهر یزد با بیشینه دمای احساسی $۳۱/۰۱$ قرار دارد و در دسته بعدی می‌توان شهرهایی چون رشت ($۳۱/۸۳$) اصفهان ($۳۱/۳۳$) تهران ($۳۱/۳۲$) و شیراز ($۳۱/۰۳$) را قرار داد. حضور شهر رشت در این دسته به لحاظ ارتفاع پایین آن به‌رغم عرض جغرافیایی زیاد، قابل توجه است. در گروه دیگر، شهرهای کرج ($۳۰/۹۹$)، مشهد ($۳۰/۲۱$)، تبریز ($۳۰/۳۵$) قرار می‌گیرند. دمای احساسی بیشینه برای شهرهای اراک، کرمان و همدان به ترتیب با $۲۹/۴۲$ ، ۲۹ و $۲۷/۷۵$ کمتر از ۳۰ بود. هر سه این شهرها ارتفاع بالاتر از ۱۷۰۰ متر داشتند.

در ارتباط با ماه‌های ثبت بیشینه‌های دمای احساسی، برای اغلب ایستگاه‌ها (۹ مورد از ۱۳ ایستگاه) این موارد در ماه جولای ثبت شده است. بررسی کمینه‌های فرین نشان می‌دهد، پایین‌ترین مقادیر دمای احساسی برای شهرهای همدان ($-۱۶/۹۳$) و اراک ($-۱۶/۰۴$) ثبت شده‌اند که مطمئناً نقش هر دو عامل عرض جغرافیایی و ارتفاع (بالاتر از ۱۷۰۰ متر) تعیین‌کننده بوده است. بندرعباس و اهواز تنها شهرهایی بودند که دمای احساسی کمینه آن‌ها در طول دوره آماری منفی نبوده است ($۱۲/۰۱$ و $۵/۱۴$). در شش شهر از ۱۳ شهر، موارد کمینه

در ماه ژانویه ثبت شده‌اند. شش شهر دیگر در ماه فوریه و فقط برای تبریز، زمان این رخداد دسامبر بوده است.

جدول ۵. فرین‌های کمینه و بیشینه دمای احساسی (ST) برآوردشده برای شهرهای منتخب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر	بیشینه	کمینه	میانگین (AOCT)
مشهد	۳۰/۲۱ ^(۷) *	۱۵/۷۹ - (۲)	۲۰/۸۲
اراک	۲۹/۴۲ (۷)	۱۶/۰۴ - (۱)	۲۰/۸۱
اصفهان	۳۱/۳۳ (۸)	۹/۴ - (۱)	۲۱/۰۵
اهواز	۳۸/۵۵ (۸)	۵/۱۴ (۲)	۲۱/۷۳
تهران	۳۱/۳۲ (۷)	۷/۸۵ - (۲)	۲۰/۸۱
رشت	۳۱/۸۳ (۷)	۴/۹۷ - (۲)	۲۱/۰۵
تبریز	۳۰/۳۵ (۷)	۱۳/۴ - (۱۲)	۲۰/۴۷
شیراز	۳۱/۰۳ (۷)	۱/۷۸ - (۱)	۲۱/۴۲
بندرعباس	۳۷/۰۳ (۷)	۱۲/۰۱ (۲)	۲۳/۲۳
کرمان	۲۹ (۸)	۱۱/۱۳ - (۱)	۲۱/۲۴
یزد	۳۳/۰۱ (۸)	۸/۶۷ - (۲)	۲۴/۲۴
همدان	۲۷/۷۵ (۷)	۱۶/۹۳ - (۱)	۲۰/۷
کرج	۳۰/۹۹ (۷)	۱۰/۰۹ - (۱)	۲۰/۷۶

* اعداد داخل پرانتز شماره ماه است که فرین دمای احساسی در آن برآورد شده است.

جدول ۶، درصد فراوانی وقوع رتبه‌های احساس حرارتی (ST) را برای شهرهای منتخب نشان می‌دهد؛ بر این اساس، در ستون احساس حرارتی داغ ($ST > 31-D$) بیشترین درصد فراوانی به شهرهای بندرعباس و اهواز به ترتیب با ۴۱/۸۸ و ۴۰/۵۹ درصد مربوط بوده است؛ این در حالی است که شهر یزد با فاصله قابل توجه نسبت به دو شهر مذکور (۱۰/۳۲ درصد) در رتبه سوم قرار دارد. برای شهرهای همدان و کرمان هیچ موردی از تنش حرارتی در آستانه مدنظر (داغ) ثبت نشده است. این موضوع برای همدان با توجه به توپوگرافی و عرض جغرافیایی آن دور از ذهن نیست، اما برای شهر کرمان به نظر می‌رسد پارامتر ارتفاع (بالاترین در بین ایستگاه‌های بررسی شده) بیشترین نقش را در این زمینه ایفا کرده است؛ چراکه در

محاسبه شاخص (ST) وزن قابل توجهی برای ارتفاع در نظر گرفته شده است؛ به گونه‌ای که می‌تواند حتی اثر کاهشی عرض جغرافیایی کم را تا حد چشمگیری جبران کند؛ این در حالی است که پژوهش بامری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) ضمن تأیید عملکرد شاخص دمای معادل فیزیولوژیک، سهم درخور توجهی را برای تنش‌های حرارتی زیاد، در نظر گرفته است. براساس داده‌های جدول، برای آخرین آستانه تنش سرمایی (یخ‌زدگی) هیچ موردی برای شهرهای بررسی شده ثبت نشده است و در آستانه خیلی سرد، بیشترین درصد فراوانی به تبریز و پس از آن به همدان مربوط بوده است و مطابق انتظار، شهرهای بندرعباس، اهواز و البته رشت فاقد رخداد تنش سرمایی در این آستانه بودند.

آستانه $18-D < ST \leq 22.7-D$ بیانگر وجود شرایط «آسایش» حرارتی است که براساس اطلاعات جدول، بیشترین درصد فراوانی به بندرعباس با ۲۱/۲۷ درصد و سپس اهواز با ۱۵/۳۶ درصد مربوط بوده است. شهرهای کرمان (۱۳/۷۲ درصد) و همدان (۱۳/۱۰ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. تبریز با ۱۰/۵۹ درصد کمترین سهم را در این آستانه داشته است. شرایط آسایشی بندرعباس و اهواز در بسیاری از سطوح شاخص احساس حرارتی به هم نزدیک‌اند و تنها تفاوت درخور توجه در سطح «خنک همراه با آسایش» است که باعث شده است اهواز تعداد روزهای آسایشی کمتری در مقایسه با بندرعباس داشته باشد؛ به گونه‌ای که اگر آستانه‌های قبل و بعد از آستانه آسایش یعنی (گرم همراه با آسایش و خنک همراه با آسایش) را نیز به عنوان محدوده آسایش در نظر بگیریم، مجموع این آستانه‌ها برای شهرهای بندرعباس و اهواز (۳۷/۹ و ۳۸/۳۹) بسیار نزدیک به هم خواهد بود.

اختلاف قابل توجه در درصد فراوانی روزهای همراه با آسایش حرارتی برای شهر بندرعباس با دیگر شهرهای بررسی شده، در درجه اول به سهم بسیار ناچیز (نزدیک به صفر) آستانه‌های «خیلی سرد، سرد، کمی سرد و خنک» برای این شهر برمی‌گردد. در آستانه خنک همراه با آسایش نیز بندرعباس پایین‌ترین رتبه (۷/۳۹ درصد) را در بین شهرها داشته است؛ به این ترتیب بیش از ۹۲/۵ درصد از روزهای بررسی شده در دوره آماری، در محدوده خارج از تنش‌های سرد قرار داشته است که از این بین، ۲۱/۲۷ درصد به شرایط «آسایش حرارتی» مربوط بوده و بقیه در محدوده تنش‌های حرارتی گرم توزیع شده است؛ به عبارتی، چند ماه از

سال به طور کامل توسط بالاترین تنش های گرمایی (داغ و خیلی گرم) از شرایط آسایش به دور هستند، اما به دلیل نبود تنش های سرمایی در این شهر، ماه های دیگر سال به شرایط آسایش حرارتی نزدیک تر شده اند.

در ارتباط با درصد روزهای همراه با آسایش، برای ایستگاه تبریز باید اذعان داشت که سهم قابل توجه تنش های سرد نقش مهمی در کاهش آسایش حرارتی داشته است. همسو با این نتیجه، نتایج پژوهش خوش نفس و صداقت (۱۳۹۴، ۹۱) مبتنی بر شاخص سختی هوا نشان داد، در شمال غرب ایران ۸۷ درصد از روزهای دوره سرد سال، خارج از محدوده آسایش قرار دارند. تبریز بیشترین درصد روزهای خیلی سرد را در دوره آماری مطالعه شده داشته است و درمورد احساس حرارتی سرد نیز بعد از همدان قرار می گیرد؛ البته به این نکته نیز باید توجه داشت که در کنار تنش های حرارتی سرد، تنش حرارتی خیلی گرم نیز با سهم نزدیک به ۹ درصد، به نوبه خود در کاهش محدوده آسایش مؤثر بوده است.

جدول ۶. درصد فراوانی وقوع رتبه های احساس حرارتی (ST) در شهرهای منتخب

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر	داغ	خیلی گرم	گرم	گرم همراه با آسایش	آسایش	خنک همراه با آسایش	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	خیلزدگی
مشهد	۰/۸۹	۱۱/۵۷	۱۶/۸۳	۹/۸۳	۱۰/۸۳	۱۱/۹۲	۱۵/۸۲	۱۵/۱۳	۶/۸۷	۰/۵	۰
اراک	۰/۱۱	۹/۶۲	۱۷/۲۸	۸/۴۸	۱۰/۷۵	۱۲/۸۲	۱۴/۴۳	۱۶/۰۷	۹/۱۵	۱/۰۲	۰
اصفهان	۱/۹۵	۱۷/۴/۱	۱۴/۹۷	۷/۵۴	۱۲	۱۲/۷۱	۱۶/۶۶	۱۴/۰۳	۲/۳/۱	۰/۰۷	۰
تهران	۳/۱	۱۸/۱۴	۱۳/۲۱	۷/۴۶	۱۱/۳۷	۱۲/۸۷	۱۷/۶۷	۱۱/۳۸	۱۸/۱	۰/۱۱	۰

شهر	اهواز	رشت	تبریز	شیراز	بندرعباس	کرمان	یزد	همدان	کرج
داغ	۴۰/۵۹	۲/۹۳	۰/۶۴	۱/۹۱	۴۱/۸۸	۰	۱۰/۳۲	۰	۲/۲۶
خیلی گرم	۷/۰۸	۱۳/۲۵	۸/۹۵	۲۰/۵۷	۱۱/۶۵	۶/۷۷	۳/۷۱	۳/۰۸	۱۱/۴۹
گرم	۸/۰۷	۷/۲۱	۱۱/۴۱	۵/۳۱	۸/۷۷	۲۰/۵	۳/۳۶	۱۰/۵۱	۱۴/۱
گرم همراه با آسایش	۶/۰۱	۷/۴۷	۹/۲۲	۸/۷۳	۸/۷۷	۸/۴۱	۳/۷	۹/۷۱	۹/۳۰
آسایش	۱۵/۳۶	۳/۰۶	۵/۰۱	۷/۱۱	۲۱/۳۱	۳/۸۱	۳/۲۶	۳/۱۰	۱۶/۱۱
خنک همراه با آسایش	۱۷/۰۲	۱۴/۱۱	۱۶/۱۱	۵/۵۲	۵/۳۸	۵/۵۱	۴	۲/۱۲	۱۳/۲۵
خنک	۵/۵۴	۷/۷۶	۴۱	۶/۷۹	۵/۱۰	۰/۶/۸۱	۳/۵۱	۷/۳۸	۱۶/۳۱
کمی سرد	۰/۲۷	۱۲/۷	۵/۵۱	۳/۱۷	۰	۵/۹/۱	۱/۶	۶/۵۰	۷/۷/۱
سرد	۰	۶/۵۱	۸/۱۳	۰/۸۰	۰	۲/۸	۳/۱۱	۸/۴/۱	۵/۶
خیلی سرد	۰	۰	۲/۵۴	۰	۰	۱۱/۰	۸/۰	۶/۱/۸	۰/۳۵
یخ زدگی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

۴. ۱. توزیع ماهانه سطوح مختلف آسایش حرارتی مبتنی بر شاخص دمای احساسی (ST)

بررسی فراوانی سطوح احساس حرارتی شاخص ST برای ماه‌های سال به تفکیک انجام گرفته است که نتایج در جدول ۷ مشاهده می‌شود. براساس اطلاعات مندرج در این جدول، برای شهرهای اهواز و بندرعباس آستانه‌های سرد و خیلی سرد در هیچ ماهی از سال ثبت نشده

است و حضور دو ماه کامل در شرایط داغ حرارتی (جولای و آگوست) و تقریباً شش ماه بدون شرایط آسایش حرارتی از ویژگی‌ها بارز و مشترک در این دو شهر است. برای شهر بندرعباس تمرکز بیشتر رخدادهای آسایش در اوج دوره سرد سال (دسامبر تا فوریه) بوده است.

برای شهر همدان هیچ موردی از تنش حرارتی داغ در دوره آماری ثبت نشده است و درباره کرمان باید گفت، این شهر از عرض جغرافیایی نسبتاً کم برخوردار است، اما احساس حرارتی داغ در هیچ ماهی از سال ثبت نشده است که می‌تواند متأثر از اثر تعدیلی و نقش قابل توجه ارتفاع ۱۷۴۵ متر باشد.

توزیع روزهای همراه با آسایش حرارتی برای شهر مشهد به گونه‌ای بوده است که تنها دو ماه ژانویه و جولای هیچ موردی از شرایط آسایش را تجربه نکرده‌اند و ماه‌های اکتبر و آوریل بیشترین تعداد روزهای همراه با آسایش حرارتی در طول دوره آماری را داشتند.

برای شیراز نیز درحالی که برای سه ماه جون، جولای و آگوست روزهای داغ ثبت شده است، برای هیچ ماهی از سال در آستانه خیلی سرد موردی به ثبت نرسیده است. برای شهر تهران، نکته قابل توجه وجود ۴۶۶ روز معادل ۴۷ درصد شرایط داغ برای ماه جولای است؛ این در حالی است که احساس حرارتی خیلی گرم نیز سهم درخور توجهی در ماه‌های جون، جولای و آگوست داشته است. مطالعه علیجانی و رضوی (۱۳۹۶، ص. ۱۵۴) نیز اگرچه تنش‌های گرمایی فصل گرم تهران را تأیید می‌کند، درصد زیاد روزهای داغ را نشان نداده است. ماه‌های اکتبر و آوریل نیز به ترتیب بیشترین فراوانی شرایط آسایش را ثبت کرده‌اند.

بیشترین توزیع شرایط آسایش حرارتی برای شهر رشت مشاهده شده است؛ به گونه‌ای که در همه ماه‌های سال فراوانی رخدادهای آسایش ثبت شده است که کمینه آن برای ماه فوریه و جولای و بیشینه آن (معادل ۵۳ درصد) برای ماه اکتبر بوده است. احساس حرارتی غالب برای ماه‌های دوره سرد سال «خنک» بوده است و به نظر می‌رسد که با وجود عرض جغرافیایی زیاد، عواملی همچون ارتفاع کم و شرایط تعدیلی دریا در کاهش سطح تنش‌های سرمایی نقش داشته‌اند.

جدول ۷. توزیع ماهانه سطوح مختلف آسایش حرارتی مبتنی بر شاخص دمای احساسی (ST)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر		اهواز						اراک					
آستانه	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	
ژانویه	۰	۰	۰	۰	۵/۹۹	۶۰/۸۳	۳۱/۸۰	۱/۳۸	۰	۰	۰	۰	
فوریه	۰	۰	۰	۳/۰۳	۳۴/۳۴	۴۹/۴۹	۱۱/۱۱	۲/۰۲	۰	۰	۰	۰	
مارس	۰	۰/۹۲	۶۱/۴	۲۲/۵۸	۶۲/۶۷	۹/۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۴۶	
آوریل	۱/۹۰	۲۵/۲۴	۴۶/۶۷	۱۷/۶۲	۷/۶۲	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۴۸	
می	۶۷/۷۴	۳۰/۴۱	۱/۸۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸/۲۹	۲۸/۵۷	
ژوئن	۹۸/۱۰	۱/۹۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۶۷/۶۲	۱۲/۳۸	
ژولای	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۳۸	۶۸/۶۶	۲۸/۱۱	۱/۸۴	
آگوست	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۸/۵۷	۶۶/۸۲	۴/۶۱	
سپتامبر	۹۰/۹۵	۸/۵۷	۰/۴۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۶/۱۹	۴۷/۶۲	
اکتبر	۱۹/۸۲	۳۰/۸۸	۳۶/۴۱	۱۰/۶۰	۲/۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵/۹۹	
نوامبر	۰	۰/۴۸	۵/۸۱	۱۷/۶۲	۵۲/۸۶	۲۲/۳۸	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	
دسامبر	۰	۰	۰	۰	۱۷/۹۷	۶۰/۳۷	۲۱/۶۶	۰	۰	۰	۰	۰	

شهر	بندرعباس													اصفهان
آستانه	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	خنیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	داغ
ژانویه	۰	۰	۱۲/۴۴	۹۳/۶۳	۴۲/۴۰	۵/۵۳	۰	۰	۰	۰	۵۷/۶۰	۴۱/۴۷	۰/۹۲	۰
فوریه	۰	۳/۵۴	۲۶/۲۶	۳۸/۷۸	۲۴/۷۵	۶/۵۷	۰	۰	۱۰/۱	۳۱/۳۱	۶۰/۶۰	۲۴/۲۴	۱۰/۱	۰
مارس	۳/۲۳	۱۹/۷۲	۴۹/۳۱	۲۵/۳۵	۷/۱۱	۰	۰	۰/۲	۶۴/۲۱	۴۴/۲۴	۳۹/۷۱	۷۳/۱	۰	۰
آوریل	۲۱/۴۳	۵۱/۴۳	۲۱/۴۳	۵/۲۴	۰	۰	۳/۸	۶۱/۴۶	۴۲/۳۳	۵/۲۴	۱/۹۰	۰	۰	۰
می	۴۵/۶	۷۹/۷۱	۰	۰	۰	۰	۴۸/۸۶	۶۶/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ژوئن	۳/۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۹۹/۰۵	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۹۵
ژوئای	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴/۷۵
آگوست	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷/۳۷
سپتامبر	۱۸/۵۱	۷۴/۰	۰	۰	۰	۰	۳۳/۳۳	۸۶/۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اکتبر	۳۷/۳۷	۶۱/۵۴	۲۵/۱۱	۰	۰	۰	۳۶/۵۳	۸۳/۸۳	۱۸/۵۱	۷۳/۱	۰	۰	۰	۰
نوامبر	۱/۴۳	۱۴/۲۶	۳۹/۰۵	۳۸/۷۸	۶/۸	۷۴/۰	۰	۶۸/۴	۳۳/۳۳	۳۰/۹۵	۳۰/۴۹	۷۴/۰	۰	۰
دسامبر	۰/۴۶	۰/۹۲	۸۵/۵۱	۴۸/۷۳	۳۳/۳۳	۰/۹۰	۰	۰	۶۴/۰	۱۰/۱	۶۷/۲۷	۶۶/۱۱	۰	۰

شهر											همدان				
آستانه	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	گرم	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)
ژانویه	۰	۰	۰	۰	۱۷/۱	۲۲/۵۸	۸۵/۸۳	۱۶/۱۳	۰/۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فوریه	۰	۰	۰	۱۰/۱	۱۳/۱۳	۴۸/۷۳	۲۹/۸۰	۷۵/۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۵۱
مارس	۰	۰	۲/۳۰	۸/۲۷	۴۴/۲۴	۴۰/۵۵	۱۶/۶۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶/۸	۵/۰۵
آوریل	۰	۰/۴۸	۹/۰۵	۵۰	۳۵/۲۴	۵/۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹/۰۵	۴۰
می	۳/۲۳	۳۴/۵۶	۳۴/۱۰	۲۵/۸۱	۲/۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹/۶۸	۴۹/۳۱	۳۵/۴۷
ژوئن	۶۷/۱۴	۲۸/۵۷	۳/۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۳/۱	۸۶/۳۸	۷۸/۱۴	۱۹/۵۲	۰	۰
ژولای	۷۶/۹۶	۷/۸۳	۰/۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۷/۶۵	۶۳/۱۸	۹/۲۲	۰	۰	۰
آگوست	۵۳/۹۲	۳۷/۳۳	۷/۳۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۳/۸	۶۷/۱۸	۵۸/۹۱	۷/۳۱	۰	۰
سپتامبر	۷/۱۴	۶۵/۸۱	۲۲/۳۸	۴/۸	۰	۰	۰	۰	۰	۸/۶	۳۷/۸۳	۱۷/۵۳	۰	۲/۸	۲/۸
اکتبر	۰	۵/۰	۵۰/۸۱	۵۰/۵	۳۸/۶۸	۶۳/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۳/۰	۳۰/۸	۶۳/۵	۶۳/۵
نوامبر	۰	۰	۰	۲/۸	۲۷/۶۲	۵۳/۵	۱۴/۲۹	۱۴/۳	۰	۰	۰	۰	۷/۱۴	۰	۷/۱۴
دسامبر	۰	۰	۰	۰	۳/۶۹	۳۱/۳۴	۶۱/۲۹	۳/۶۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۴۶

کرج										شهر				
آستانه	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	گرم خیلی	گرم	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	
ژانویه	۴/۱۵	۳۷/۱۹	۵۷/۱۴	۱۱/۵۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷/۵۱	۴۹/۸۸	۳۳/۵۰	
فوریه	۱۲/۱۲	۳۸/۷۹	۳۶/۷۸	۱۱/۶۲	۰	۰	۰	۰	۱۵/۰	۷۵/۸	۸۳/۳۷	۳۳/۷۴	۷۶/۷۱	
مارس	۴۱/۴۷	۴۱/۴۷	۹/۲۲	۰	۰	۰	۰	۵/۲۰	۳۵/۵	۳۳/۳۳	۵۵/۰۳	۲۷/۳۱	۳۷/۱	
آوریل	۴۰/۴۸	۹/۵۲	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۶/۱۶	۸۵/۷۸	۶۸/۳۳	۱۷/۳۱۱	۴/۲۹	۲۸/۲	
می	۵/۵۳	۰	۰	۰	۰	۷۸/۱	۳۸/۰۶	۶۸/۳۸	۲۰/۵۴	۳۱/۰۱	۶۳/۰	۰	۰	
ژوئن	۰	۰	۰	۰	۳۳/۳	۷۸/۳۸	۳۱/۸۳	۰/۱۱	۳۶/۵	۰	۰	۰	۰	
ژوئای	۰	۰	۰	۰	۵۱/۳۵	۸۸/۶۳	۷۷/۳۸	۶/۵	۰	۰	۰	۰	۰	
آگوست	۰	۰	۰	۰	۵۱/۳	۸۳	۳۸/۶۸	۶/۷	۵/۰	۰	۰	۰	۰	
سپتامبر	۰	۰	۰	۰	۰	۶۸/۳	۶۸/۳۳	۳۸/۵۸	۱۷/۳۸۱	۰/۹۱	۰	۰	۰	
اکتبر	۲۴/۳۲	۲/۰	۰	۰	۰	۰	۳/۷۱	۰/۱۰۱	۰/۳۸۳	۵۸/۷۸	۵۳/۶	۶۳/۰	۰	
نوامبر	۲۹/۵۲	۴۸/۵۷	۳۳/۳۱	۰/۹۵	۰	۰	۰	۸/۶	۸/۶	۸۶/۷۱	۶۱/۴۳	۳۳/۳۱	۱۸/۵	
دسامبر	۶/۹۱	۳۳/۸۷	۵۶/۶۸	۲/۷۱	۰	۰	۰	۰	۶/۷	۲/۷	۲۷/۶۵	۵۲/۵۳	۱۷/۰۵	

شهر		کرمان										مشهد	
آستانه	خیلی سرد	گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	خیلی گرم	گرم
ژانویه	۰/۹۲	۰	۰	۰	۰	۱۰/۱۴	۳۶/۴۱	۳۷/۷۹	۱۴/۲۹	۱/۳۸	۰	۰	۰
فوریه	۳/۰۳	۰	۰	۰	۰	۲۱/۷۲	۴۱/۹۲	۲۶/۷۷	۹/۶۰	۰	۰	۰	۰
مارس	۰	۰	۰	۰/۴۶	۸/۲۹	۴۸/۳۹	۳۳/۶۴	۷/۸۳	۱/۳۸	۰	۰	۰	۰
آوریل	۰	۰	۰	۱۴/۷۶	۵۰	۲۸/۵۷	۶/۶۷	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۸۶
می	۰	۰/۴۶	۳۰/۴۱	۲۷/۱۹	۳۹/۱۷	۲/۷۶	۰	۰	۰	۰	۰	۳/۶۳	۳۵/۰۲
ژوئن	۰	۲۷/۶۲	۶۷/۶۲	۴/۷۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۳/۸۱	۴۲/۳۸
ژولای	۰	۳۷/۷۹	۵۹/۹۱	۲/۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹/۲۲	۶۰/۸۳	۲۸/۵۷
آگوست	۰	۱۶/۱۳	۵۵/۳۰	۲۸/۵۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۳۸	۲۹/۰۳	۵۶/۶۸
سپتامبر	۰	۰	۳۰/۴۸	۴۶/۶۷	۲۲/۸۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۹۵	۳۳/۳۳
اکتبر	۰	۰	۰/۹۲	۸/۶۹	۵۸/۰۶	۲۹/۰۳	۳/۶۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۹۲
نوامبر	۰/۴۸	۰	۰	۰	۱/۴۳	۳۴/۲۹	۴۷/۱۴	۱۵/۲۴	۱/۹۰	۰	۰	۰	۰
دسامبر	۰	۰	۰	۰	۰/۴۶	۸/۷۶	۴۱/۰۱	۴۴/۲۴	۵/۵۳	۰	۰	۰	۰

شهر										شیراز									
آستانه	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	آستانه	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	آستانه	آسایش (گرم)
ژانویه	۰	۰	۴/۱۵	۷۸/۴۱	۴۵/۱۶	۷۷/۲۴	۹۰/۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶/۹۱	۰	۰	۰	۰	۰
فوریه	۰	۱/۵۲	۱۰/۱۰	۲۹/۸۰	۳۳/۳۳	۲۱/۲۱	۴/۰۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۰/۶۰	۰	۰	۰	۰	۰
مارس	۰/۹۲	۸/۸۶	۲۸/۵۷	۳۴/۵۶	۲۲/۱۲	۵/۰۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۰/۸۳	۹/۶۸	۰	۰	۰	۰
آوریل	۸/۱۰	۳۱/۴۳	۳۳/۸۱	۱۵/۷۱	۶/۱۹	۱/۹۰	۰	۰	۰	۰	۱۷/۶۲	۴۹/۰۵	۰	۳۰/۹۵	۴۹/۰۵	۰	۰	۰	۰
می	۳۶/۸۲	۲۴/۴۲	۱۶/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۶/۹۶	۳۷/۸۷	۳۵/۴۴	۱۸/۴۳	۰/۹۲	۰	۱۸/۴۳	۰	۰	۰	۰
ژوئن	۱۲/۸۶	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۸۶	۷۶/۳۸	۳۳/۸۷	۰/۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ژوئای	۱/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳/۸۲	۸۲/۹۵	۳/۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
آگوست	۲۲/۴۱	۶۴/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵/۹۵	۷۲/۳۸	۲۱/۲۰	۰/۴۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سپتامبر	۳۹/۵۲	۲۳/۳۳	۲۷/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۷۴/۰۱	۷۸/۵۷	۱۹/۵۲	۱/۴۳	۰	۰	۱/۴۳	۰	۰	۰	۰
اکتبر	۷/۸۳	۳۵/۰۲	۳۶/۱۴	۶۵/۶۱	۳۸/۳	۰	۰	۰	۰	۴/۶۱	۷۷/۰۳	۱۶/۱۵	۲۲/۴۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نوامبر	۰/۹۵	۳/۳۳	۲۰	۳۷/۶۱	۲۷/۶۲	۹/۰۵	۱/۴۳	۰	۰	۰	۰	۳/۳۳	۴۴/۶۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دسامبر	۰	۰/۴۶	۳/۳۳	۳۰/۴۱	۴۴/۷۰	۲۱/۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰/۶۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

تبریز													
شهر													
آستانه	خنک	کمی سرد	سرد	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	اسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد
ژانویه	۴۷/۹۳	۳۸/۲۵	۶/۹۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵/۳۵	۵۹/۹۱	۱۴/۷۵
فوریه	۵۸/۰۵	۱۹/۷۰	۲/۰۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱/۶۲	۴۴/۴۴	۳۵/۳۵	۸/۵۹
مارس	۲۸/۱۱	۱/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۹۲	۱۱/۰۶	۵۳	۳۰/۴۱	۴/۶۱	۰
آوریل	۲/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱/۴۳	۴۶/۱۹	۳۶/۶۷	۴/۲۹	۱/۴۳	۰
می	۰	۰	۰	۰	۰	۳/۲۳	۲۱/۲۰	۴۹/۳۱	۲۵/۳۵	۰/۹۲	۰	۰	۰
ژوئن	۰	۰	۰	۰	۱۰	۴۹/۵۲	۳۱/۹۰	۸/۱۰	۰/۴۸	۰	۰	۰	۰
ژولای	۰	۰	۰	۵/۰۷	۴۷/۹۳	۳۹/۱۷	۷/۳۷	۰/۴۶	۰	۰	۰	۰	۰
آگوست	۰	۰	۰	۰/۴۶	۴۴/۲۴	۴۰/۰۹	۱۲/۴۴	۲/۷۶	۰	۰	۰	۰	۰
سپتامبر	۰	۰	۰	۰	۳۷/۱۴	۳۵/۷۱	۲۰/۹۵	۲/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰
اکتبر	۰/۴۶	۰	۰	۰	۰	۲/۳۰	۳۲/۲۶	۴۶/۵۴	۰	۰	۱/۷۰۵	۰	۰
نوامبر	۴۸/۱۰	۴/۲۹	۰	۰	۰	۰	۰	۶/۶۷	۰	۴۲/۸۶	۴۰/۹۵	۹/۵۲	۰
دسامبر	۵۵/۷۶	۳۳/۶۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۰/۴۵	۳۸/۲۵	۴۷/۹۳	۷/۳۷

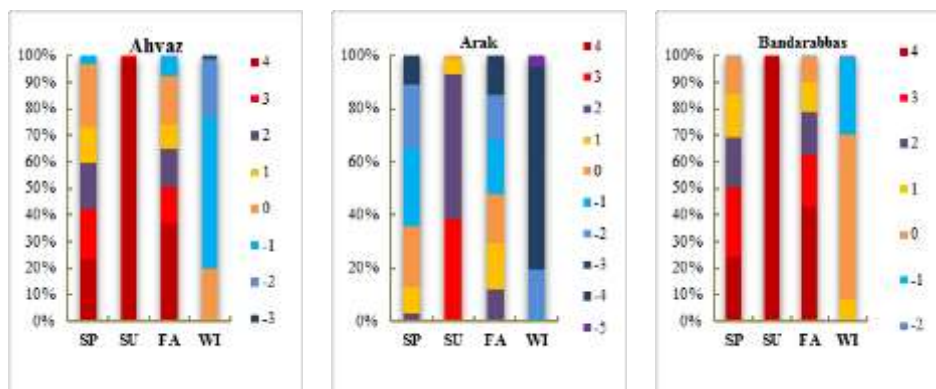
شهر	تهران										یزد		
	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	خیلی گرم	گرم
آستانه	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۸۴	۳۸/۸۱	۵۰/۶۹	۸/۲۹	۰/۴۶	۰	۰	۰
ژانویه	۰	۰	۰	۰	۲/۰۲	۱۲/۶۳	۵۰	۲۴/۲۴	۱۰/۱۰	۱۰/۱۰	۰	۰	۰
فوریه	۰	۰	۰	۰	۲/۰۲	۱۲/۶۳	۵۰	۲۴/۲۴	۱۰/۱۰	۱۰/۱۰	۰	۰	۰
مارس	۰	۰	۰/۴۶	۲/۳۰	۱۲/۴۴	۴۹/۳۱	۳۶/۲۶	۶/۲۱	۶/۴۰	۰	۰	۰	۲/۳۰
آوریل	۰	۰	۴/۲۹	۱۴/۲۱	۴۵/۲۴	۲۸/۵۷	۴/۸۶	۲/۷۶	۰	۰	۰	۰/۹۵	۱۷/۶۱
می	۰	۸۸/۶	۴۳/۷۲	۳۶/۸۲	۱۳/۷۲	۰/۹۲	۰	۰	۰	۰	۶۳/۰	۰۷/۱۸	۷/۳۶
ژوئن	۸/۵۷	۱۶۳/۸۱	۲۳/۳۳	۶/۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱/۸	۶۸/۳۵	۰۱/۷
ژوئیه	۴۷/۹۳	۴۶/۰۸	۵/۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۵/۰۵	۳۶/۶۹	۴۷/۱
آگوست	۱۵/۶۷	۷۰/۰۵	۶۳/۳۱	۰/۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶/۸	۳۵	۲۰/۸
سپتامبر	۰	۲۸/۱۰	۵۹/۵۲	۹/۰۵	۳/۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰۱/۸۸	۷۳/۰۵
اکتبر	۰	۰	۸/۷۱	۷۷/۲۸	۸۴/۸۴	۵۳/۹۱	۶۳/۰	۰	۰	۰	۰	۶۳/۰	۶۷/۷۱
نوامبر	۰	۰	۰	۰/۴۸	۱۰	۳۴/۲۹	۴۰/۴۷	۰/۹۱	۲/۷۶	۰	۰	۰	۰
دسامبر	۰	۰	۰	۰	۰	۶/۹۱	۴۷/۴۷	۴۴/۲۴	۱/۳۸	۰	۰	۰	۰

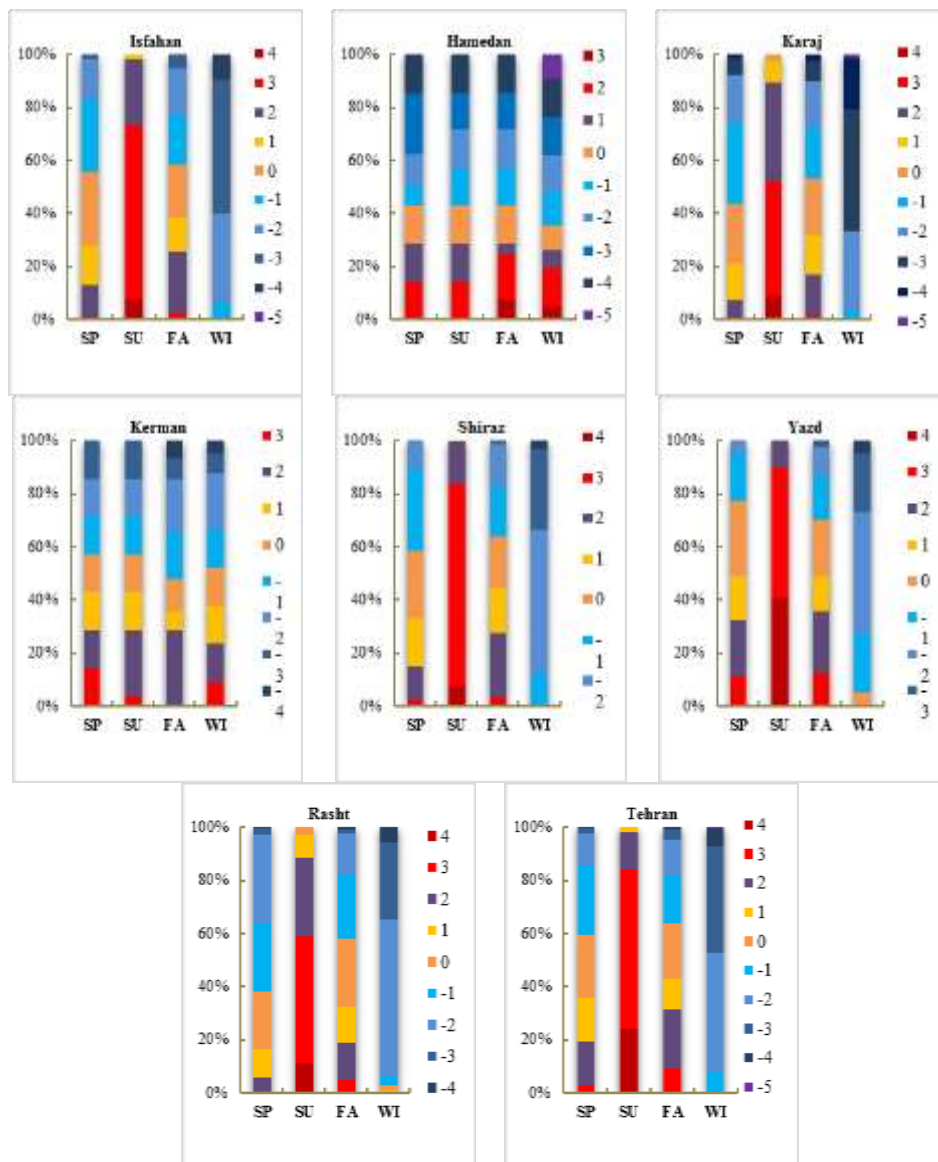
رشت												شهر
آستانه	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	خنک	کمی سرد	سرد	خیلی سرد	داغ	خیلی گرم	گرم	آسایش (گرم)	آسایش (خنک)
ژانویه	۰	۱/۳۸	۱۹/۸۲	۴۲/۴۰	۲۸/۵۷	۷/۸۳	۰	۰	۰	۰	۰/۹۲	۳/۶۹
فوریه	۱/۵۲	۱۰/۱۰	۳۳/۳۳	۳۶/۳۶	۱۳/۱۳	۴/۵۵	۱/۰۱	۰	۰	۰	۱/۵۲	۲/۰۲
مارس	۲/۸۶	۳۹/۶۳	۲۴/۴۰	۱۲/۴۴	۰/۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۳۸	۱۷/۹۷
آوریل	۲۸/۱۰	۴۰/۹۵	۱۰/۴۸	۱/۹۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۳/۰	۳۳/۳۱	۵۷/۱۴
می	۱۸/۴۳	۵/۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵/۰۲	۱۶/۵۱	۲۹/۴۱	۳/۶۱
ژوئن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۳۸	۳۹/۵۲	۴۲/۳۸	۳۴/۴۱	۰
ژوئیه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷/۵۱	۵۱/۶۱	۲۴/۴۲	۵/۵۳	۰
اگوست	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۳/۳۱	۸۰/۵۵	۲۲/۲۱	۱۱/۶	۳/۳۳
سپتامبر	۹/۵۲	۱/۹۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۴/۱	۶۷/۲۱	۳۹/۰۵	۷۳/۰۸	۷۳/۰
اکتبر	۲۸/۱۱	۴۵/۶۲	۶/۴۵	۶/۴۰	۰	۰	۰	۰	۵/۰۲	۲/۳۰	۳۱/۰۱	۲۷/۸
نوامبر	۰/۴۸	۱۶/۶۷	۴۲/۸۴	۳۲/۸۶	۵/۷۱	۱/۴۳	۰	۰	۰	۰	۷۳/۰	۴۴/۸۳
دسامبر	۰	۴/۱۵	۱۴/۲۹	۵۶/۲۲	۲۵/۳۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۹۲	۴/۳۱

شهر	آستانه	ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	می	ژوئن	ژوئای	اگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر
	خنک	۵۱/۱۵	۵۳/۰۳	۷۲/۳۵	۲۷/۱۴	.	.	.	.	.	۵/۵۳	۴۱/۴۳	۷۱/۸۹
	کمی سرد	۳۷/۷۹	۳۰/۳۰	۵/۹۹	۱/۹۰	.	.	.	.	.	.	۴/۲۹	۱۹/۳۵
	سرد	۴/۱۵	۱۲	۰/۴۶	.	.	.	.	.	.	.	۱/۹۰	۰/۹۲

۲.۴. توزیع فصلی سطوح مختلف احساس حرارتی براساس شاخص دمای احساسی (ST)

درصد فراوانی رخدادهای سطوح مختلف احساس حرارتی براساس شاخص ST برای فصل‌های مختلف سال در شهرهای منتخب در شکل ۲ آمده است در طول دوره آماری که ۱۰۹۵۷ روز بوده است، فراوانی رخدادها برای ماه‌های فوریه، مارس آوریل (فصل بهار) می، جون، جولای (فصل تابستان) سپتامبر، اکتبر، نوامبر (فصل پاییز) دسامبر، ژانویه، فوریه (فصل زمستان) لحاظ شده است که امکان مقایسه دیداری را فراهم آورده است.





شکل ۲. توزیع فصلی آستانه‌های شاخص دمای احساسی (ST)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۴.۳. بررسی ویژه شرایط آسایش

در رتبه‌بندی شاخص احساس حرارتی، آستانه $18-D < ST \leq 22.7-D$ به‌عنوان محدوده آسایش لحاظ شده است، اما دو آستانه بالا و پایین آن نیز یعنی $22.7-D < ST \leq 25-D$ و $13-D < ST \leq 18-D$

به عنوان «گرم همراه با آسایش» و «خنک همراه با آسایش» در نظر گرفته شده است. پس از بررسی آستانه‌های مختلف این شاخص برای شهرهای منتخب، در ادامه این بحث تلاش شده است تا با توجه به اهمیت محدوده آسایش، با نگاهی دقیق‌تر، سه سطح آسایشی مذکور بررسی شود؛ از این رو جدول ۸ تنظیم شد. در این جدول برای چهار فصل سال درصد فراوانی سه سطح آسایشی برای شهرهای منتخب محاسبه شده است.

جدول ۸. درصد فراوانی فصلی سه سطح آسایش (خنک همراه با آسایش، آسایش، گرم همراه با آسایش)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر	بهار				تابستان				پاییز				زمستان			
	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع
اهواز	۱۳/۴	۲۳/۶	۳/۴	۴۰/۴	۰	۰	۰	۰	۹/۴	۱۸/۲	۷/۴	۳۵	۰/۹	۱۹	۵۷/۱	۷۷/۱
اراک	۱۷/۹	۲۵/۵	۳۰/۹	۷۴/۲	۰/۵	۰	۰	۰/۵	۱۷	۱۹/۲	۱۸/۸	۵۴/۹	۰	۰	۱۲/۳	۱۲/۳
بندرعباس	۱۶/۶	۱۳/۸	۰/۵	۳۰/۹	۰	۰	۰	۰	۱۰/۷	۱۰	۰/۲	۲۰/۹	۷/۸	۶۱/۹	۲۹/۳	۹۸/۹
اصفهان	۱۵/۲	۲۷/۸	۲۷/۲	۷۰/۲	۱/۷	۰	۰	۱/۷	۱۳/۲	۱۹/۸	۱۸/۲	۵۱/۲	۰	۰/۳	۶	۶/۳
همدان	۲۰/۵	۲۶/۷	۲۹	۷۶/۲	۶/۸	۰	۰	۶/۸	۲۵	۲۱/۴	۱۸/۱	۶۴/۴	۰	۰/۳	۷/۶	۷/۹
کرمان	۳۲/۳	۲۶/۶	۱۳/۵	۷۲/۴	۰	۰	۰	۰	۲۷/۸	۲۱/۲	۱۶/۸	۶۵/۸	۰/۲	۱۳/۳	۳۹/۹	۵۳/۲
کرج	۱۳/۲	۲۳	۳۰/۶	۶۶/۸	۸/۷	۲	۰	۱۰/۷	۱۵/۲	۲۱/۲	۱۹/۵	۵۵/۹	۰	۰/۲	۳/۳	۳/۵
مشهد	۱۴	۲۱/۴	۲۲/۲	۵۷/۶	۸/۹	۰/۵	۰	۹/۳	۱۶	۲۰/۷	۱۹/۹	۵۶/۷	۰	۰/۶	۵/۷	۶/۳

شهر	بهار				تابستان				پاییز				زمستان			
	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع	آسایش (گرم)	آسایش	آسایش (خنک)	جمع
رشت	۱۰/۴	۲۱/۶	۲۵/۹	۵۷/۹	۸/۷	۲/۸	۰	۱۱/۵	۱۳/۷	۲۵/۹	۲۴/۲	۶۳/۷	۱/۱	۱/۹	۳/۵	۶/۵
شیراز	۱۷/۹	۲۵/۵	۳۰/۹	۷۴/۲	۰/۵	۰	۰	۰/۵	۱۷	۱۹/۲	۱۸/۸	۵۴/۵	۰	۰	۱۲/۳	۱۲/۳
تبریز	۷/۱	۲۰/۷	۲۷/۳	۵۵/۱	۱۷/۱	۳/۷	۰/۲	۲۱	۱۲/۶	۱۷/۹	۱۸/۸	۴۹/۳	۰	۰	۰	۰
تهران	۱۶/۵	۲۳/۶	۲۶/۲	۶۶/۳	۱/۷	۰	۰	۱/۷	۱۱/۶	۲۰/۶	۱۷/۹	۵۰/۱	۰	۰/۶	۷	۷/۶
یزد	۱۶/۳	۲۸/۶	۱۷/۷	۶۲/۶	۰	۰	۰	۰	۱۲/۹	۲۱/۷	۱۶/۳	۵۰/۹	۰/۵	۵/۱	۲۶/۲	۲۶/۷

مشخص است که برای فصل بهار در بیشتر شهرهای بررسی شده (۸ شهر) شرایط خنک همراه با آسایش برتری داشته است و شرایط آسایش کامل برای سه شهر اهواز، اصفهان و یزد فراوانی بیشتری داشته است. در ستون مجموع شرایط آسایشی برای فصل بهار، شهر همدان بیشترین درصد فراوانی شرایط آسایشی را داشته است. برای فصل تابستان مشخص است که در همه شهرهای بررسی شده کمترین درصد فراوانی شرایط آسایشی حاکم است. از میان سه سطح آسایشی، «آستانه گرم همراه با آسایش» برتری نسبی داشته است. از شهرهای بررسی شده، تبریز با مجموع ۲۱ درصد شرایط آسایشی، با اختلاف وضعیت بهتری در بین دیگر شهرها داشته است. اهواز، بندرعباس، کرمان و یزد هیچ موردی از هیچ یک از سطوح آسایشی را در این فصل تجربه نکرده‌اند. بیشترین درصد فراوانی شرایط آسایش کامل برای فصل پاییز برآورد شده است؛ به گونه‌ای که در ۹ شهر از ۱۳ شهر به عنوان آستانه غالب خود را نشان داده است. در این فصل، همدان و کرمان شرایط بهتری در مقایسه با دیگر شهرها داشتند و همچون دو فصل قبل، بندرعباس با ۲۰/۹ و اهواز با ۳۵ درصد کمترین

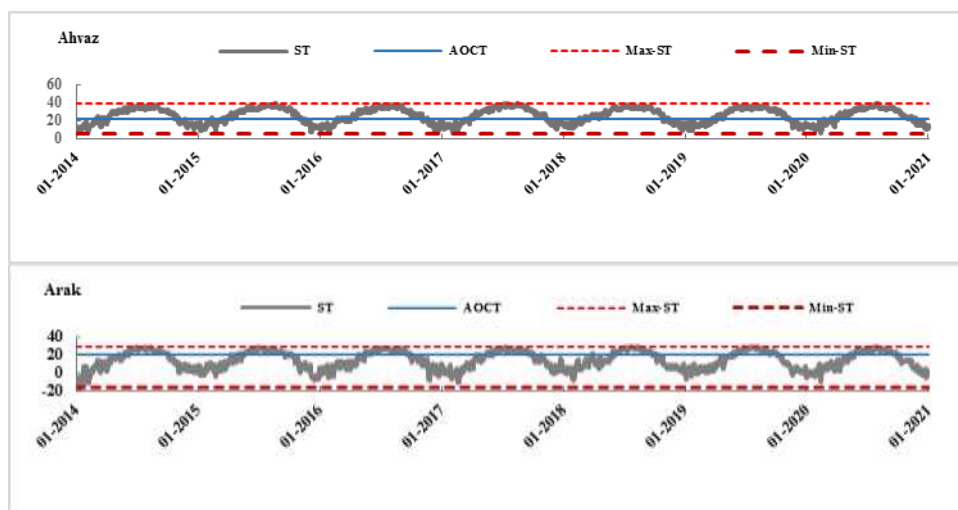
سهم را داشتند. در فصل زمستان در بین سه سطح آسایش بررسی شده، آستانه خنک همراه با آسایش درصد فراوانی بیشتری داشته است. در این فصل، تنها ایستگاه تبریز است که هیچ موردی از آسایش حرارتی را ثبت نکرده است. خالدی و همکاران (۱۳۹۸، ص. ۷۳) نیز براساس خروجی چند شاخص زیست اقلیمی از جمله PMV و SET، شرایط آسایشی این فصل را برای تبریز بسیار محدود ارزیابی کردند. نکته درخور توجه، درباره شهر ساحلی بندرعباس است که شرایط آسایش کامل، نزدیک به ۶۲ درصد از روزهای این فصل را در بر گرفته است و اگر مجموع سه سطح آسایش را در نظر بگیریم، حدود ۹۹ درصد از روزهای فصل زمستان برای شهر بندرعباس در محدوده آسایش قرار می گیرند که خود گویای ظرفیت زیاد سواحل جنوبی کشور در دوره سرد سال در این زمینه است. مطالعه حنفی (۱۳۹۹، ص. ۲۵۳) نیز نشان داد، در فصل زمستان، مناسب ترین شرایط آسایش اقلیمی به شهرهای جنوبی کشور مربوط است که بندرعباس و اهواز در رأس آنها قرار دارند.

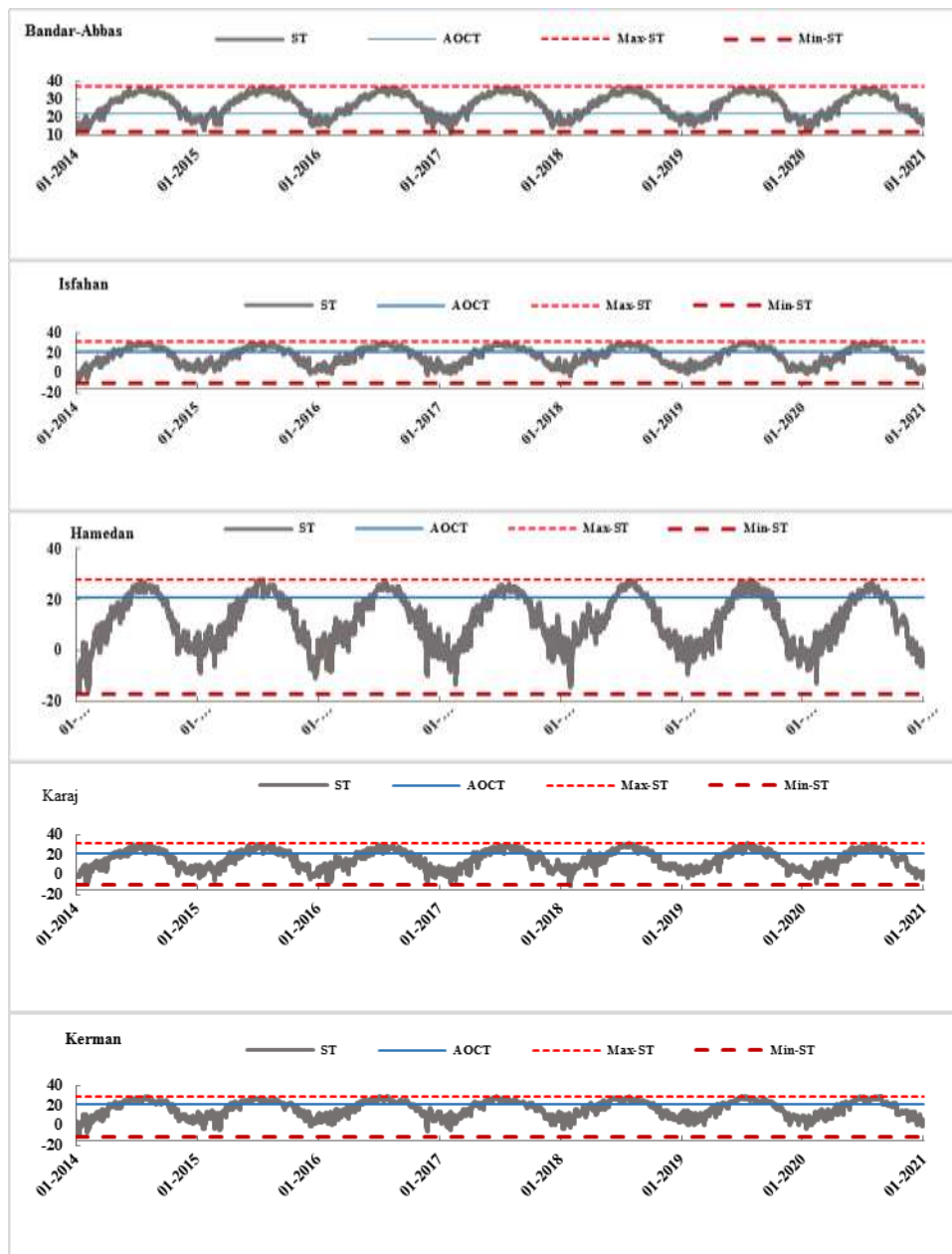
در شکل ۳ به منظور بررسی تغییرات شاخص دمای احساسی نسبت به موقعیت دمای بهینه آسایش واقعی (AOCT)، مقادیر روزانه شاخص (ST) برای دهه پایانی دوره آماری ترسیم شده است. بررسی نمودارها نشان می دهد، الگوی سینوسی کلی برای همه شهرها در نگاه اول مشترک به نظر می رسد که بیانگر تأثیرپذیری قابل توجه ST از پارامتر دما و به تبع پیروی از الگوی تغییرات دما در طول سال است، اما نگاه دقیق تر به نمودارهای مربوط به شهرهای بررسی شده تفاوت های قابل بحثی را نشان می دهد. با وجود اینکه مقادیر AOCT برای شهرهای بررسی شده تفاوت قابل توجهی را نشان نداده و دامنه آن از ۲۰,۶۷ تا ۲۲,۲۳ متغیر بوده است، اما حد بالا و پایین شاخص دمای احساسی، دامنه نوسان متنوعی را در هر ایستگاه نشان داده است که بیشترین آن به اهواز (۳۸,۵۵) و کمترین به همدان (۱۶,۹۳-) مربوط بوده است.

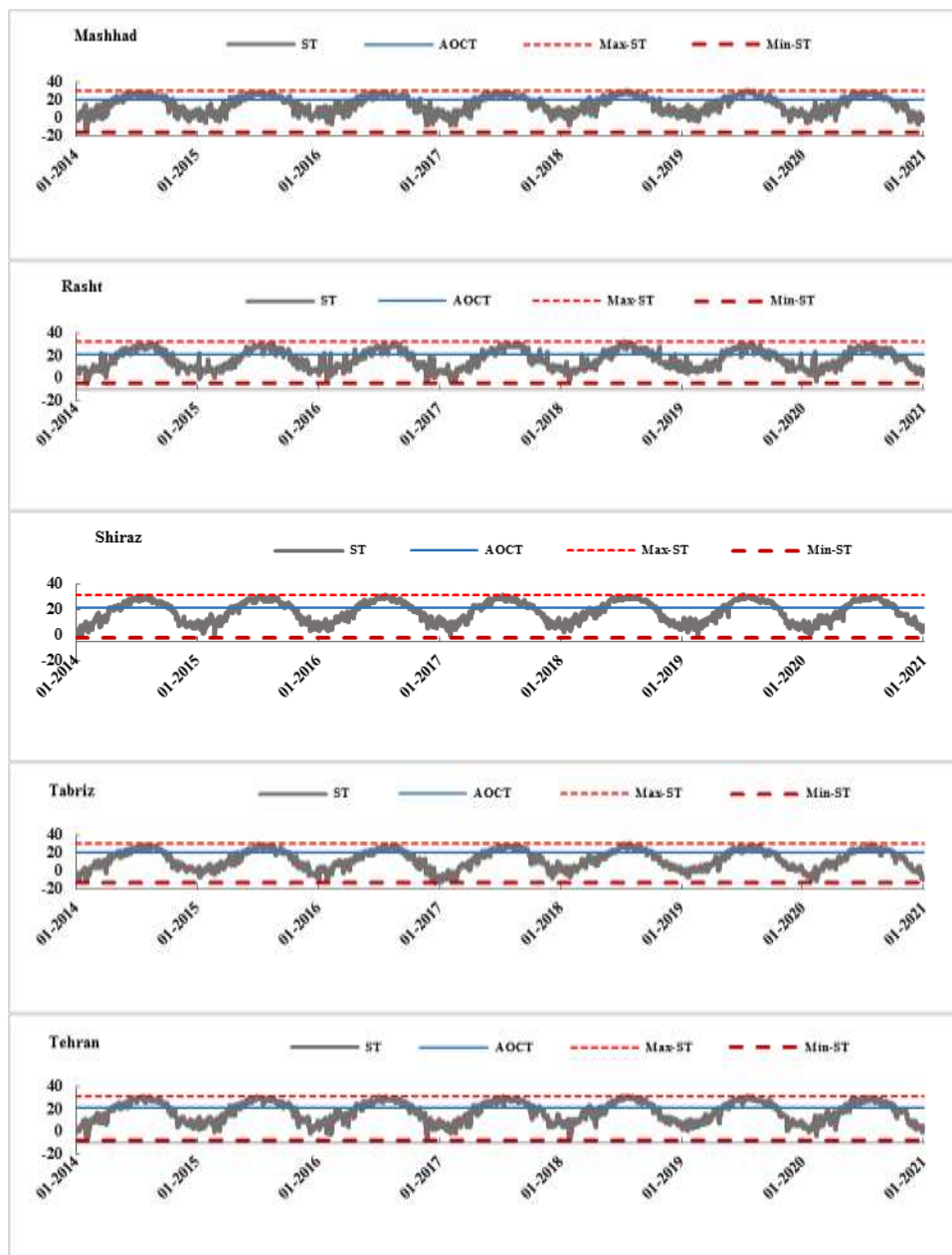
موقعیت خط AOCT نشان می دهد، به جز بندرعباس و اهواز برای دیگر شهرها، شاخص ST در بخش قابل توجهی از هر سیکل سالانه پایین تر از دمای بهینه آسایش قرار دارد؛ البته باید در نظر داشت که هر فاصله ای از خط AOCT به معنای خروج از باند آسایش نیست. این فاصله برای شاخص دمای احساسی محاسبه شده در شهر همدان بیشترین نمود را

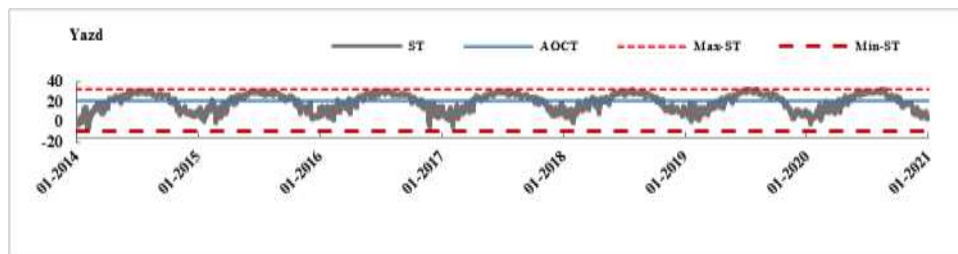
داشته است که تأییدی بر سهم زیاد تنش‌های سرمایی در این شهر است؛ آن‌گونه که برای اهواز و بندرعباس عکس این رویداد با تقویت تنش‌های گرما قابل تشخیص است. علاوه بر این، به جز برای دو شهر مذکور که دمای بهینه آسایش در حد واسط کمینه و بیشینه شاخص ST واقع شده است، برای دیگر شهرها کاملاً نزدیک به مقادیر بیشینه شاخص ترسیم شده است.

ثبت مقادیر فرین شاخص در دوره سرد و گرم باعث شده است که الگوی سینوسی از حالت هموار^۱ خارج شود که در این بین، سهم فرین‌های سرمایشی مشهودتر است (به نمودار همدان دقت شود)؛ البته باید متذکر شد که این بی‌نظمی‌ها گاهی اوقات فرم معکوس به خود گرفته است؛ به عنوان مثال، در دوره سرد سال شاهد افزایش قابل توجه مقادیر شاخص ST هستیم؛ افزایشی که در برخی موارد حتی می‌تواند به مرز تنش گرمایی برسد (به نمودار رشت دقت شود). در این باره برای هیچ‌یک از شهرهای بررسی شده، کاهش قابل توجه در شاخص برای دوره گرم سال مشاهده نمی‌شود که به طور مشخص بازخوردی از شرایط پایدارتر اقلیم در این دوره از سال است.









شکل ۳. شاخص احساس حرارتی و AOCT

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه شاخص دمای احساسی (ST) ترکیبی از عملکرد فراسنج‌های آب و هوایی و ویژگی‌های جغرافیایی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) را استفاده می‌کند، قابلیت زیادی در ارزیابی شرایط آسایش حرارتی دارد. مهم‌ترین خروجی‌های این شاخص در ۱۱ رتبه تعریف‌شده برای کلان‌شهرهای ایران نشان دادند، بیشترین درصد فراوانی احساس حرارتی داغ به شهرهای بندرعباس و اهواز به ترتیب با $41/88$ و $40/59$ درصد مربوط بوده است. پژوهش‌های متعدد براساس شاخص‌های مختلف نیز این نتیجه را برای دو شهر مذکور تأیید کرده‌اند؛ ازجمله پژوهش فلاح قاله‌ری و همکاران (۱۳۹۸، ص. ۳۳) که ارزیابی شرایط بیوکلیمایی در شهر بندرعباس را مطالعه کردند. نتایج بیان‌کننده شرایط نبود آسایش کامل برای این شهر بود که دارای اقلیم گرم و خشک است. همچنین باعقیده و همکاران (۱۳۹۷، ۱) نشان دادند، در دوره گرم سال شدیدترین تنش‌های حرارتی در سواحل جنوب به‌خصوص جزایر روی می‌دهد، اما در سواحل شمالی تنها تنش‌های سرمای‌ی ثبت شده است که شدت زیاد نیز ندارند؛ این در حالی است که شهر یزد با فاصله قابل توجه نسبت به دو شهر مذکور (۱۰/۳۲ درصد) در رتبه سوم قرار دارد. برای شهرهای همدان و کرمان هیچ موردی از تنش حرارتی در آستانه مدنظر (داغ) ثبت نشده است. این موضوع برای همدان با توجه به توپوگرافی و عرض جغرافیایی آن، دور از ذهن نیست، اما برای شهر کرمان به نظر می‌رسد که پارامتر ارتفاع (بالاترین ارتفاع در بین ایستگاه‌های بررسی‌شده) بیشترین نقش را در این زمینه ایفا کرده است؛ چراکه در محاسبه شاخص (ST) وزن درخور توجهی برای ارتفاع در نظر

گرفته شده است؛ به گونه‌ای که می‌تواند حتی اثر کاهشی عرض جغرافیایی کم را تا حد چشمگیری جبران کند.

آستانه $(18-D < ST \leq 22.7-D)$ در شاخص ST بیانگر وجود شرایط «آسایش کامل» حرارتی است که درصد فراوانی برای شهر بندرعباس $21/27$ و سپس برای اهواز $15/36$ درصد بوده است. شرایط آسایشی بندرعباس و اهواز در بسیاری از سطوح شاخص دمای احساسی به هم نزدیک‌اند و تنها تفاوت قابل توجه در سطح «خنک همراه با آسایش» است که باعث شده است اهواز تعداد روزهای آسایشی کمتری در مقایسه با بندرعباس داشته باشد؛ به گونه‌ای که اگر آستانه‌های قبل و بعد از آستانه آسایش یعنی (گرم همراه با آسایش و خنک همراه با آسایش) رانیز به عنوان محدوده آسایش در نظر بگیریم، مجموع این آستانه‌ها برای شهرهای بندرعباس و اهواز بسیار نزدیک به هم خواهد بود.

اختلاف قابل توجه در درصد فراوانی روزهای همراه با آسایش حرارتی برای شهر بندرعباس با دیگر شهرهای بررسی شده، در درجه اول به سهم بسیار ناچیز (نزدیک به صفر) آستانه‌های «خیلی سرد، سرد، کمی سرد و خنک» برای این شهر برمی‌گردد. در آستانه خنک همراه با آسایش نیز بندرعباس پایین‌ترین رتبه ($7/39$ درصد) را در بین شهرها داشته است؛ به این ترتیب، بیش از $92/5$ درصد از روزهای بررسی شده در دوره آماری در محدوده خارج از تنش‌های سرد قرار داشته است که از این بین، $21/27$ درصد به شرایط «آسایش حرارتی» مربوط بوده و بقیه در محدوده تنش‌های حرارتی گرم توزیع شده است؛ به عبارتی، چند ماه از سال به طور کامل توسط بیشترین تنش‌های گرمایی (داغ و خیلی گرم) از شرایط آسایش به دور هستند، اما به دلیل نبود تنش‌های سرمایی در این شهر، ماه‌های دیگر سال به شرایط آسایش حرارتی نزدیک‌تر شده‌اند. در پژوهش‌های انجام شده، درصد زیاد روزهای همراه با آسایش در دوره سرد سال برای شهرهای جنوبی ایران، در شاخص‌های دیگر بیوکلیمایی نیز نمود داشته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات فلاح قالهری و همکاران (۱۳۹۵) و زارع ابیانه (۱۳۹۳، ۲۰۱) اشاره کرد.

در کاربرد شاخص ST برخلاف بسیاری از مدل‌های ارائه شده، استفاده از تمام فراسنج‌های اصلی آب و هوایی مؤثر در شرایط آسایش انسانی، میسر شده است؛ ضمن اینکه همراهی این

پارامترها در کنار ویژگی‌های مکانی و زمانی (عرض جغرافیایی، ارتفاع و فصل) طیف گسترده‌ای به جنبه‌های کاربردی این روش داده است. مدل مذکور به لحاظ اعمال تصحیحات متنوع، قابلیت استفاده در گستره قابل توجهی از عرض‌های جغرافیایی و مناطق با ارتفاع متفاوت از سطح دریا را دارد و به گفته وانگ (۲۰۱۳)، این ویژگی‌ها می‌توانند تأییدی بر ظرفیت قابل توجه آن برای تبدیل شدن به یک مدل جهانی^۱ باشند.

حمایت مالی

این مطالعه بخشی از طرح پژوهشی با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران (INSF) به شماره گرنت (۹۹۰۲۲۷۱۲) است.

کتابنامه

۱. بامری نژاد، ف.، کشتکار، ار.، کریم پورریحان، م.، افضلی، ع. (۱۳۹۸). به کارگیری شاخص‌های اقلیمی در تعیین مناطق مستعد گردشگری استان کرمان. *جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، ۳(۳۰)، ۷۸-۹۸.
۲. حنفی، ع. (۱۳۹۹). تعیین تقویم زمانی آسایش اقلیمی به منظور برنامه‌ریزی گردشگری در شهرهای منتخب توریستی کشور. *مجله مهندسی جغرافیای سرزمین*، ۲(۴)، ۲۷۴-۲۵۹.
۳. خالدی، ش.، کریمی، ی.، ابدالی، ح.، و محمدی، غ. (۱۳۹۸). تحلیل شاخص‌های اقلیم آسایش و ارتباط آن با گردشگری در شهر تبریز. *توسعه پایدار محیط جغرافیایی*، ۱، ۸۱-۷۳.
۴. خوش‌نفس، م.، و صداقت، م. (۱۳۹۴). بررسی آسایش اقلیمی با استفاده از شاخص درجه سختی هوا (مطالعه موردی: شمال غرب ایران)، فصلنامه آب و هواشناسی کاربردی، ۱(۲)، ۹۱-۱۰۴.
۵. ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۵). *آب و هواشناسی توریسم*. تهران: سمت.
۶. علیجانی، ب.، و رضوی، ز. (۱۳۹۶). مقایسه شاخص‌های آسایش برای ارزیابی راحتی اقلیمی شهر تهران. *اندیشه جغرافیایی*، ۱۶(۸)، ۱۶۹-۱۴۵.

7. Baaghideh, M., Shakeri, F., & Mayvaneh, F. (2017). Comparative study of thermal stress on North and South Coasts of Iran. *Journal of Health Research in Community*, 3(3), 1-11.
8. Blazejczyk, K. (2005). New indices to assess thermal risks outdoors. Paper presented at the *Environmental ergonomics XI, Proc. of the 11th International Conference* (pp. 222 -225). Ystad, Sweden.
9. Burton, I., Ebi, K. L., & McGregor, G. (2009). *Biometeorology for adaptation to climate variability and change* (3rd ed.). Cham: Springer.
10. Cheng, V., Ng, E., Chan, C., & Givoni, B. (2012). Outdoor thermal comfort study in a sub-tropical climate: a longitudinal study based in Hong Kong. *International Journal of Biometeorology*, 56(1), 43-56.
11. Cocci Grifoni, R., Pierantozzi, M., & Tascini, S. (2012). Outdoor thermal comfort and local climate change: Exploring connections, PLEA2012 . Paper presented at the 28th Conference, *Opportunities, Limits & Needs Towards an environmentally responsible architecture Lima*, Perú.
12. Coccolo, S., Kämpf, J., Scartezzini, J.-L., & Pearlmutter, D. (2016). Outdoor human comfort and thermal stress: A comprehensive review on models and standards. *Journal of Urban Climate*, 18, 33-57.
13. de Freitas, C. R. (2003). Tourism climatology: Evaluating environmental information for decision making and business planning in the recreation and tourism sector. *International Journal of Biometeorology*, 48(1), 45-54.
14. Falbo, C. (2005). The golden ratio—a contrary viewpoint. *The College Mathematics Journal*, 36(2), 123-134.
15. Fallah Ghalhari, G. A., Shakeri, F., Abbasinia, M., Ghanadzadeh, M. J., Asghari, M., & Tajik, R. (2019). Use of becker and neurotic pressure bioclimatic indices in the assessment of thermal comfort in outdoor environments based on meteorological data: Case study in three different climates of Iran. *Iran Occupational Health Journal*, 16(1), 33-46.
16. Fallah Ghalhari, G., Esmaili, R., & Shakeri, F. (2016). Assessing the seasonal variability of thermal stresses during the last half century in some climatic zones of Iran. *Iranian Journal of Health and Environment*, 9(2), 233-246.
17. Hounam, C. E. (1967). Meteorological factors affecting comfort with special reference to Alice Springs, Australia. *International Journal of Biometeorology*, 11(2), 151-162.
18. Ismail, A. R., Jusoh, N., Zulkifli, R., Sopian K., & Deros, B. M. (2009). Thermal comfort assessment: a case study at Malaysian automotive industry. *American Journal of Applied Sciences*, 6(8), 1495-1501.
19. Longin, F. (2016). *Extreme events in finance: A handbook of extreme value theory and its applications*. Hoboken: New Jersey: John Wiley & Sons.
20. Matsukawa, T., Ozaki, M., Hanagata, K., Iwashita, H., Miyaji, T., & Kumazawa, T. (1996). A comparison of four infrared tympanic thermometers with tympanic membrane temperatures measured by thermocouples. *Canadian Journal of Anaesthesia*, 43(12), 1224-1228.

21. Nastos, P. T., & Matzarakis, A. (2012). The effect of air temperature and human thermal indices on mortality in Athens, Greece. *Theoretical and Applied Climatology*, 108(3-4), 591-599.
22. Potchter, O., Cohen, P., Lin, T.-P., & Matzarakis, A. (2018). Outdoor human thermal perception in various climates: A comprehensive review of approaches, methods and quantification. *Science of the Total Environment*, 631, 390-406.
23. Terjung, W. H. (1968). World patterns of the monthly comfort index. *International journal of Biometeorology*, 12(2), 119-151.
24. Tseliou, A., Tsiros, I. X., Lykoudis, S., & Nikolopoulou, M. (2010). An evaluation of three biometeorological indices for human thermal comfort in urban outdoor areas under real climatic conditions. *Building and Environment*, 45(5), 1346-1352.
25. Van Dana, S. Anish S., & Kumari S. (2015): Analysis on effect of cold stress in bean seeds (*Pharsalus Vulgaris* l). *American Journal of Bio Science*, 3(4), 145-166.
26. Vellei, M., Herrera, M., Fosas, D., & Natarajan, S. (2017). The influence of relative humidity on adaptive thermal comfort. *Building and Environment*, 124, 171-185.
27. Wang, J. (2013). *China air quality online monitoring and analysis platform*. <https://www.aqistudy.cn/historydata/>.
28. Wang, S., Ma, P., Shang, K., et al. (2013). CN103106336A. Retrieved from http://www.wanfangdata.com.cn/details/detail.do?_type=patent&id=CN201210596366.0
29. Yahia, M. W., & Johansson, E. (2013). Evaluating the behaviour of different thermal indices by investigating various outdoor urban environments in the hot dry city of Damascus, Syria. *International Journal of Biometeorology*, 57(4), 615-630.
30. Yuan, M., Liu, X., Guo, J., Huang, Y., & Song, W. (2021). Analysis of eco-tourism climate resources in xingwen, china based on the comfort index and the negative air (Oxygen) Ion. *Journal of Geoscience and Environment Protection*, 9(3), 154-163.
31. ZareAbyaneh, H. (2014). Study of human comfort based on bio-climate index in warm and arid regions of Iran. *Journal of Water and Soil Conservation*, 20(6), 201-218.
32. Zhang, S., Wang, B., Wang, S., Hu, W., Wen, X., Shao, P., & Fan, J. (2020). Influence of air pollution on human comfort in five typical Chinese cities. *Environmental Research*, 1-10.
33. Zhang, S., Wang, B., Wang, S., Hu, W., Wen, X., Shao, P., & Fan, J. (2021). Influence of air pollution on human comfort in five typical Chinese cities. *Environmental Research*, 195, 1-10.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.77624.1169>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان

(مطالعه موردی: دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)^۱

رعنا شیخ بیگلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسنده مسئول)

r_shaykh@shirazu.ac.ir

ابراهیم رستگار (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

e.rastegar@shirazu.ac.ir

آرزو سپهر روشن (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران)

arzwspshrwrshn@gmail.com

صص ۱۹۶ - ۱۶۵

چکیده

بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی کشور با مسائل متعددی از جمله سطح پایین اشتغال و درآمد، اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، نارسایی امکانات و خدمات و... مواجه هستند. در چنین شرایطی، رفتارهای مشارکتی روستاییان در امور مختلف جامعه محلی می‌تواند نقش مثبت و مهمی در ارتقای کیفیت زندگی و بهبود محیط محلی داشته باشد؛ از این رو شناسایی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای مشارکتی اهمیت فراوان دارد. نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان در دهستان مشایخ پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق به لحاظ مکانی، نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت واقع در دهستان مشایخ شهرستان ممسنی و واحد تحلیل، افراد ۱۸ ساله و بیشتر

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه خانم آرزو سپهر روشن دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی گرایش مدیریت توسعه پایدار روستایی به راهنمایی خانم دکتر رعنا شیخ بیگلو در دانشگاه شیراز است.

ساکن در سکونتگاه‌های مذکور بود. فرایند نمونه‌گیری با استفاده از روش احتمالی طبقه‌بندی‌شده صورت گرفت و برای ۳۸۰ نفر پرسشنامه تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مختلف و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، میانگین رفتارهای مشارکتی و تعلق مکانی به‌طور معناداری از حد متوسط بیشتر بود. براساس یافته‌ها، بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($T = 0.424, p < 0.001$). همچنین بین تعلق مکانی و هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد، بین روستاهای مورد مطالعه از نظر میانگین رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری وجود داشت. درمورد تعلق مکانی نیز نتایج مشابهی حاصل شد. تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی می‌توانند به‌عنوان دو عامل قدرتمند در توسعه روستایی نقش ایفا کنند و رابطه مثبت میان آن‌ها نشان می‌دهد که این دو عامل می‌توانند هم‌افزایی مطلوب و ارزشمندی به نفع سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تعلق مکانی، توسعه روستایی، رفتار مشارکتی، اجتماع محلی.

۱. مقدمه

با وجود اینکه در چند دهه اخیر، سکونتگاه‌های روستایی شاهد مهاجرت‌های گسترده‌ی روستاییان به نقاط شهری بوده‌اند، همچنان محل زندگی و فعالیت بخش درخور توجهی از جمعیت کشور هستند؛ به‌طوری‌که براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵، روستانشینان حدود ۲۶ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). در شرایطی که بسیاری از جوامع روستایی با مشکلات و چالش‌های مهمی همچون انزوای جغرافیایی، نرخ زیاد فقر و محدود بودن فرصت‌های شغلی مواجه هستند، مشارکت اجتماعی و مدنی روستانشینان یک استراتژی امیدوارکننده برای بهبود محیط‌های روستایی و کاهش نابرابری‌هاست (سگین^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). مشارکت را می‌توان پذیرش مسئولیت بیشتر برای کمک به توسعه دانست. مشارکت، ابزار تغییر است و می‌تواند

در توسعه جامعه محلی و رفع محرومیت‌ها بسیار مؤثر باشد (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰). در مفهوم کلی، مشارکت مدنی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و فعالیت‌های فردی در جهت ارتقای کیفیت زندگی در جامعه از طریق شرکت در فرایندهای سیاسی و غیرسیاسی تعریف می‌شود. مشارکت مدنی، طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد: شرکت در تظاهرات جمعی تا رفتارهای فردگرایانه، اقدامات داوطلبانه محلی تا اقداماتی در سطح جهانی و فعالیت‌هایی با ماهیت سیاسی و غیرسیاسی؛ البته فعالیت‌ها و اقدامات تنها یک بُعد از مشارکت مدنی محسوب می‌شوند. مفهوم مشارکت مدنی فراتر از این موارد است؛ به‌طوری‌که ادراکات، احساسات و نگرش‌ها را نیز در بر می‌گیرد؛ مواردی مانند فرهنگ مدنی و ارزش‌های مدنی مرتبط با شهروندی و زندگی در یک جامعه (اسکولمن^۱، ۲۰۲۰). مشارکت یکی از سیاست‌های محوری در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی است. به‌دلیل اهمیت و نقش مؤثری که مشارکت می‌تواند در تسهیل و تسریع توسعه روستایی داشته باشد، امروزه در رهیافت‌های جدید توسعه روستایی، الگوها و فنون توسعه مشارکتی به‌طور ویژه مدنظر قرار گرفته است (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰).

رشد و توسعه روستایی رابطه تنگاتنگی با مشارکت روستاییان دارد؛ زیرا مشارکت افراد کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد و درمقابل، ضعف مشارکت در اجتماعات روستایی فرایند توسعه را کند کرده و با مشکل مواجه می‌کند (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱)؛ به همین دلیل است که مشارکت یکی از عناصر کلیدی در دستیابی به اهداف توسعه و عمران روستایی محسوب می‌شود. هرچه توده مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور جامعه خود داشته باشند، احتمال تحقق این اهداف افزایش می‌یابد و آثار آن به‌ویژه در ارتقای کیفیت زندگی اقشار محروم جامعه ملموس است (کوهی، ۱۳۸۲). در کشور ایران، مفهوم مشارکت همواره با زندگی و فعالیت روستاییان عجین بوده است و نمود آن را می‌توان در شکل‌گیری تشکلهای مختلف جامعه روستایی با هدف اداره بهتر امور اقتصادی، خدماتی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده کرد. مشارکت افراد در برگزاری مراسم آیینی، جشن‌ها، عزاداری‌ها، ساخت،

تعمیر و نگهداری مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها و... متداول‌ترین نمونه‌های مشارکت مدنی و اجتماعی روستاییان هستند که از گذشته‌های دور تا به حال در روستاهای کشور مرسوم بوده است (پاپلی یزدی، رستمی و مهدوی، ۱۳۹۴، ص. ۴۸). به‌طورکلی، مردم زمانی در اجتماعات خود مشارکت می‌کنند که انگیزه انجام این کار را داشته باشند (شُرَتال^۱، ۲۰۰۸)؛ ازاین‌رو شناخت عوامل اثرگذار بر افزایش یا کاهش انگیزه و تمایل روستائینان به مشارکت در امور مختلف اجتماعات روستایی اهمیت درخور ملاحظه‌ای دارد (حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰).

تعلق مکانی یا احساس دلبستگی به مکان ازجمله عواملی است که به نظر می‌رسد در ایجاد انگیزه برای تلاش در جهت احیا و ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی و محلی مؤثر باشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). تعلق مکانی به پیوندها و روابطی اشاره دارد که افراد با مکان‌ها ایجاد می‌کنند (ونگ، وو، مک‌الروی و چن^۲، ۲۰۱۸)؛ روابطی که در نتیجه مجموعه‌ای از تجارب افراد در ارتباط با ویژگی‌ها و جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی مکان شکل می‌گیرد (ووسنام^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). در تعریف کلی می‌توان گفت، تعلق مکانی پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که جنبه‌های مختلف رابطه انسان و مکان را در بر دارد؛ ازجمله رفتار، احساس و شناخت که جنبه‌های اساسی این مفهوم هستند (چو و هیلی^۴، ۲۰۰۸، ص. ۳۶۴). تعلق مکانی می‌تواند در مکان‌هایی با اندازه و عملکرد متفاوت ایجاد شود؛ ازجمله خانه، محله، شهر، محیط‌های تفریحی، اجتماعات، مکان‌های روستایی و... به لحاظ جغرافیایی یک شخص می‌تواند به مکان‌های محدود یا گسترده با ویژگی‌هایی بسیار متفاوت احساس تعلق و وابستگی داشته باشد (هرناندز، هیدالگو و سالازار-لاپلاس^۵، ۲۰۰۷، ص. ۳۱۰). به‌طورکلی، اجتماعات محلی تشکیل‌شده از افرادی که تعلق مکانی قوی دارند، زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی دارند و میزان توفیق برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در آنها بیشتر است (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰)؛ به عبارتی، انتظار می‌رود ارتباط مثبتی بین تعلق مکانی

1. Shortall

2. Weng, Wu, McElroy & Chen

3. Woosnam

4. Chow & Healey

5. Hernández, Hidalgo & Salazar-Laplace

و تمایل برای مشارکت مدنی در جامعه وجود داشته باشد (استفنیاک، بیلویچ و لویکا^۱، ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان در دهستان مشایخ (شهرستان ممسنی) پرداخته است. جمعیت این دهستان در سال ۱۳۹۵ براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، ۴۷۸۴ نفر بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۵، ۴۶۸ نفر از جمعیت آن کاسته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

مرور مطالعات پیشین نشان داد، رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان کمتر مدنظر محققان قرار گرفته است. درواقع، در بیشتر تحقیقات، یکی از متغیرهای مذکور به صورت جداگانه یا در ارتباط با عوامل دیگری بررسی شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) در پژوهشی ضمن تشریح خاستگاه نظری مفاهیم انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، به بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان پرداختند. آن‌ها بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت معناداری یافتند. کوهی (۱۳۸۲) به بررسی میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستاییان در طرح‌های عمرانی و مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان ورزقان پرداخت. براساس یافته‌های این پژوهش، میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی در سطح متوسط قرار دارد و برخی از عوامل مؤثر در این زمینه عبارت‌اند از: نگرش‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایت اجتماعی، آگاهی‌های اجتماعی، وضعیت تولید خانوار، نوع شغل، بُعد خانوار، سطح سواد، تشکلهای مردمی. قاسمی (۱۳۸۴) با استفاده از روش‌های تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر به بررسی تأثیر چهارده متغیر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی پرداخت. نتایج این مطالعه بیانگر آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای رضایتمندی، انسجام اجتماعی، انگیزه پیشرفت، عضویت در نهادهای عمومی روستا، مالکیت باغ‌ها و زمین کشاورزی، درآمد، ثروت، استفاده

از رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان وابستگی سرپرستان خانوارهای روستایی به دولت، بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی است. شایان ذکر است، در بین عوامل مذکور، انسجام اجتماعی اثر بیشتری داشت. باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان مناطق ۱۲ و ۳ شهر تهران با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که احساس تعلق اجتماعی با مشارکت اجتماعی، مشارکت فرهنگی و مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبت دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد، شهروندان در ابعاد فرهنگی و سیاسی در مقایسه با بُعد اجتماعی مشارکت فعالانه‌تری دارند. همچنین نوع شغل افراد بر مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها تأثیرگذار است.

احمدی و مهدوی (۱۳۹۳) رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی را در روستاهای شهرستان زرنده بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که از میان مؤلفه‌های کیفیت زندگی، شاخص‌های اقتصادی و مدت سکونت در روستا بیشترین تأثیر را بر حس تعلق مکانی ساکنان داشتند. همچنین اثر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی بر تعلق مکانی تفاوت معنادار با یکدیگر داشتند. لطفی کزج (۱۳۹۵) به بررسی میزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام‌شده در شهر در محدوده گل‌مغان اردبیل پرداخت. او به این نتیجه دست یافت که میزان حس تعلق مکانی در روستاهای مورد مطالعه کمتر از حد متوسط است و بین متغیرهای مدت زمان سکونت، احساس امنیت ساکنان در محل، رضایت از دسترسی به خدمات شهری، میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی، کیفیت زیست‌محیطی محله و کیفیت مسکونی با حس تعلق مکانی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه مدت زمان سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محله، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان محله، کیفیت زیست‌محیطی محله و کیفیت مسکن ساکنان بیشتر باشد، حس تعلق مکانی ساکنان روستاهای مورد مطالعه بیشتر است. رحمانی و رحمانی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با ارزیابی عوامل ساختاری-نهادی مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی در روستاهای واقع در حریم کلان‌شهر همدان، به این نتایج دست یافتند که عوامل ساختاری-

نهادی بر مشارکت در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی اثر معنادار مثبت و قوی دارند و در بین عوامل ساختاری-نهادی، متغیر شکل‌های مردم‌نهاد نقش برجسته‌تری دارد. شریف‌زاده، عبدالله‌زاده، اژدرپور و شریفی (۱۳۹۶) جایگاه سرمایه اجتماعی را در ارتقای تعلق مکانی ساکنان مناطق روستایی شهرستان زابل بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی رابطه معنادار وجود دارد. ذوالفقاری (۱۳۹۹) به بررسی اثر حس تعلق مکانی بر ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی منطقه نهبندان پرداخت. یافته‌ها نشان داد، بین حس تعلق مکانی ساکنان نواحی روستایی و ماندگاری آن‌ها در روستا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شریفی‌نیا (۱۳۹۹) موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی را در دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر بررسی کرد. براساس نتایج، عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و همچنین اطلاعاتی و ارتباطی به‌عنوان موانع مهم مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی هستند. شیخ‌بیگلو و سلطانی (۱۳۹۹) تعلق مکانی را از طریق سه مؤلفه هویت مکانی، دلبستگی احساسی و وابستگی مکانی مفهوم پردازی کردند و به این نتیجه دست یافتند که تعلق مکانی بر رفتارهای حامی محیط زیست اثر مثبت و معناداری دارد. بسر^۱ (۲۰۰۹) تغییرات سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی را برای ساکنان ۹۹ شهر کوچک واقع در ایالات متحده در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۴ بررسی کرده و به این نتیجه دست یافت که میزان سرمایه اجتماعی طی دوره مذکور کاهش یافت، اما یکی از انواع مشارکت مدنی بهبود یافت. کاکومبا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت شهروندان دولت محلی و توسعه روستایی: تأملاتی بر سیستم تمرکززدایی اوگاندا» ضمن مرور سیستم تمرکززدایی حکومت محلی در اوگاندا، مکانیسم‌های مشارکتی آن را ارزیابی کرده تا مشخص کند که مشارکت تا چه اندازه روند توسعه روستایی را افزایش داده است. نتایج نشان داد، مشارکت و تعامل شهروندان دستاوردهای توسعه‌ای مثبت به دنبال داشته، اما هنوز به توانمندسازی و مزایای مشترک برای فقرای روستایی تبدیل نشده است؛ به‌طوری‌که حمایت اندک از نقش جامعه در توسعه محلی و مشارکت در برنامه‌ریزی وجود دارد. وی استدلال کرده است، دستیابی به توسعه روستایی در اقتصادهای عمدتاً کشاورزی مانند اوگاندا نیازمند

مشارکت برای ایجاد مکانیسم‌هایی است که می‌توانند تولید کشاورزی، میزان اشتغال و سطح درآمد خانوارها را افزایش دهند. جیلینگ، ورمیج و هارتسن^۱ (۲۰۱۷) به مطالعه درجات مختلف تعلق مکانی ۷۶۸۴ نفر از ساکنان روستاهای کوچک و مناطق دورافتاده در هلند پرداختند و دل‌بستگی‌ها را در ابعاد اجتماعی، عملکردی، فرهنگی و زیست‌محیطی تبیین کردند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تنوع معنادار در روابط مردم و مکان در روستاهای هلندی بود. سونگ و سوپرامانین^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «انواع تعلق مکانی و رفتارهای حامی محیط‌زیست ساکنان شهری در پکن» به این نتیجه دست یافتند که آن دسته از ساکنانی که به محل سکونت خود دل‌بستگی پیدا کرده‌اند، بیشتر خود را درگیر رفتارهای حامی محیط‌زیست می‌کنند. آن‌ها دریافتند که در میان ابعاد مختلف تعلق مکانی، پیوندهای اجتماعی اثر بیشتری بر ترغیب رفتارهای حامی محیط‌زیست دارد. همچنین شدت این اثر برای ساکنان بومی متولدشده و ساکنان بلندمدت، بیشتر است. شیخیگللو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه چندجانبه تعلق مکانی و اثرات آن بر مشارکت مدنی و وفاداری به مکان در شهر جدید بهارستان، ایران» با مطالعه نمونه‌ای متشکل از ۶۵۰ نفر از ساکنان شهر جدید بهارستان و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعلق مکانی را از طریق چهار بُعد شامل هویت مکانی، وابستگی مکانی، پیوندهای اجتماعی و دل‌بستگی احساسی مفهوم‌پردازی کرد. نتایج این تحقیق مؤید اثر مثبت و معنادار تعلق مکانی بر مشارکت مدنی و وفاداری به مکان بود.

مرور مطالعات پیشین نشان داد، تاکنون رابطه میان تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان کمتر مدنظر محققان قرار گرفته است؛ با وجود این، از بررسی پژوهش‌های قبلی استنباط می‌شود که تعلق مکانی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بالقوه قوی در ایجاد انگیزه برای تعامل مثبت و مؤثر افراد با محیط‌های مختلف عمل کند. از طرف دیگر، مطالعات متعددی بر اهمیت مشارکت مدنی و اجتماعی روستاییان در ارتقای کیفیت زندگی و افزایش تحقق اهداف برنامه‌های توسعه روستایی تأکید کرده‌اند. پژوهش حاضر با بررسی رابطه تعلق مکانی و

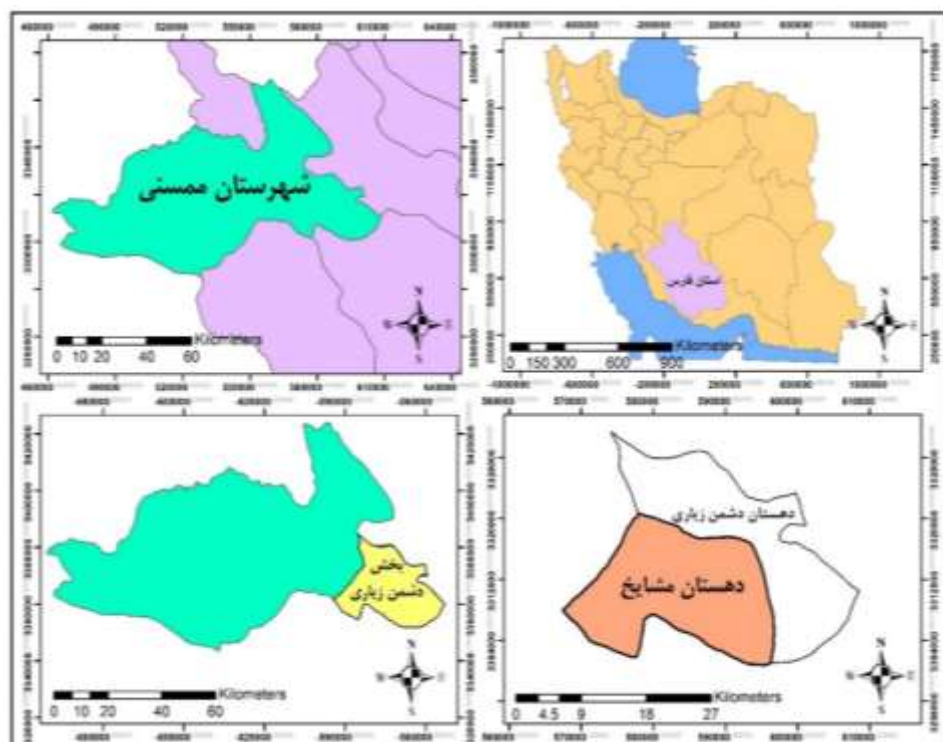
1. Gieling, Vermeij & Haartsen

2. Song & Soopramanien

رفتارهای مشارکتی روستاییان می‌تواند به تبیین جنبه‌های دیگری از دو متغیر مذکور کمک کند.

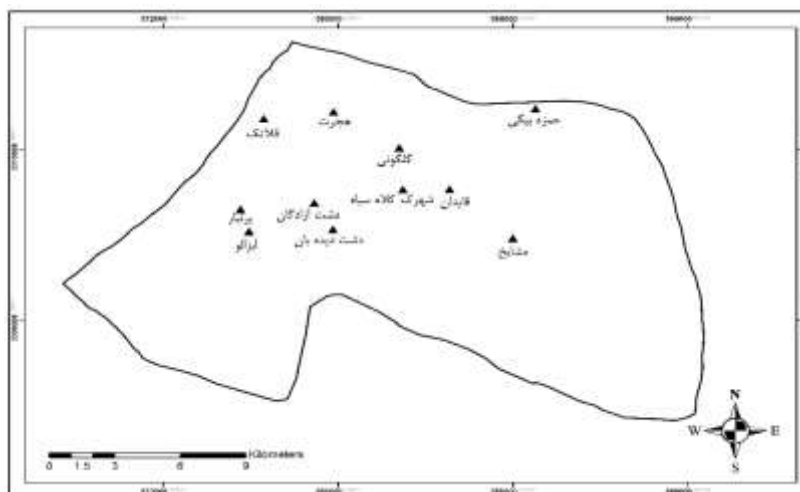
۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است که به بررسی ویژگی‌ها و رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان پرداخته است. همچنین رابطه بین برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت‌زمان اقامت در روستا با تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی بررسی شده است. داده‌های تحقیق با استفاده از روش‌های اسنادی (در فرایند تدوین چارچوب نظری و تنظیم مجموعه متغیرها) و میدانی (تکمیل پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق به لحاظ مکانی، نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت واقع در دهستان مشایخ شهرستان ممسنی و واحد تحلیل، افراد هجده‌ساله و بیشتر ساکن در سکونتگاه‌های مذکور بودند. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در شکل ۱ نمایش داده شده است. مجموع جمعیت نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت، ۴۲۹۵ نفر است که حدود ۹۰ درصد از جمعیت دهستان مشایخ را تشکیل می‌دهد. موقعیت مکانی روستاهای مورد مطالعه در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱



شکل ۲. موقعیت روستاهای نمونه تحقیق

ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱

فرایند نمونه‌گیری با استفاده از روش احتمالی طبقه‌بندی‌شده انجام شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن توزیع ۵۰ درصدی صفت در جامعه، سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد محاسبه شد که برابر با ۳۵۳ نفر بود، اما به منظور اطمینان بیشتر برای ۳۸۰ نفر پرسشنامه تکمیل شد. برای نمونه‌گیری، سهم درصدی جمعیت هریک از روستاهای مدنظر از کل جمعیت جامعه آماری محاسبه شد و سهم هر روستا در نمونه نیز به همان نسبت مشخص شد. نمونه‌گیری در هر روستا با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده انجام شد. روستاهای دارای جمعیت ۱۰۰ نفر و بیشتر واقع در محدوده مورد مطالعه و سهم هر روستا در حجم نمونه، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. جمعیت روستاهای مورد مطالعه و سهم هر یک از آن‌ها در حجم نمونه

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

نام روستا	جمعیت	سهم در نمونه	نام روستا	جمعیت	سهم در نمونه
قایدان	۱۱۰ نفر	۱۰	دشت دیده‌بان	۱۷۹ نفر	۱۶
هجرت	۶۷۶ نفر	۶۰	گلگونی	۱۱۴ نفر	۱۰
مشایخ	۵۲۴ نفر	۴۶	شهرک کلاه‌سیاه	۷۷۱ نفر	۶۸
حمزه‌بیگی	۱۷۸ نفر	۱۶	قلاتک	۳۵۹ نفر	۳۲
آب‌زالو	۱۱۸ نفر	۱۰	دشت آزادگان	۱۱۴۸ نفر	۱۰۲
پرینار	۱۱۸ نفر	۱۰	—	—	—

متغیرهای مربوط به عامل رفتارهای مشارکتی از صادق‌قلو (۱۳۹۹) و خطیبی (۱۳۹۷) اقتباس شده است. متغیرهای تعلق مکانی نیز برگرفته از رامکیسون^۱ و همکاران (۲۰۱۳) و زو و ژانگ^۲ (۲۰۱۶) است (جدول‌های ۲ و ۳). گویه‌های سؤالات اصلی پرسشنامه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم شد.

1. Ramkissoon

2. Xu & Zhang

جدول ۲. متغیرهای مربوط به رفتارهای مشارکتی روستاییان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ابعاد	ردیف	متغیر
اجتماعی-فرهنگی	۱	شرکت در مراسم و برنامه‌های جمعی
	۲	همکاری در برگزاری برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی
	۳	تبادل نظر با مردم روستا برای حل مشکلات مختلف
	۴	همکاری در رفع اختلافات احتمالی میان مردم
	۵	انتقال دانش خود به سایر مردم روستا
فیزیکی-عمرانی	۶	مشارکت در امور عمرانی روستا (ساخت‌وساز، کانال‌کشی، راه‌سازی و...)
	۷	مشارکت در بهسازی محیط روستا (درختکاری، زودن آلودگی‌ها و...)
	۸	مشارکت در زیباسازی محیط روستا
	۹	کوشش در جهت جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و محیط روستا
اقتصادی	۱۰	مشارکت در کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای جمعی
	۱۱	مشارکت در تأمین منابع مالی پروژه‌های توسعه روستایی
	۱۲	کمک برای حل مشکلات مالی مردم روستا
	۱۳	مشارکت در امور وقف و اهدای زمین برای امور عام‌المنفعه
	۱۴	مشارکت در تشکیل یا توسعه صندوق‌های قرض‌الحسنه
خدماتی	۱۵	رسیدگی به امور بهداشت و نظافت محیط روستای خود رسیدگی
	۱۶	مشارکت در تأمین نیازمندی‌های اساسی مردم مانند آب سالم، سوخت و...
	۱۷	مشارکت در پیگیری امکانات و خدمات (درمانی، آموزشی، فرهنگی و...) موردنیاز مردم
	۱۸	کمک به تسهیل امور زندگی و فعالیت روستاییان (خدمات حمل‌ونقل، به اشتراک گذاشتن ماشین‌آلات کشاورزی و...)
سیاسی	۱۹	عضویت در نهادها، شوراها یا انجمن‌های مختلف روستا
	۲۰	شرکت در انتخابات (شورای روستا، ریاست جمهوری و...)
	۲۱	مشارکت در برگزاری انتخابات و برنامه‌های مشابه
	۲۲	همکاری با نهادهای مدیریت محلی در روستای خود (دهیاری، شورای روستا و...)

جدول ۳. گویه‌های مربوط به تعلق مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ابعاد	ردیف	گویه‌ها
وابستگی مکانی	۱	برای زندگی کردن فکر نمی‌کنم جایی بهتر از این روستا وجود داشته باشد.
	۲	برای فعالیت‌ها و کارهایی که من دوست دارم انجام دهم، این روستا بهترین مکان است.
	۳	من از زندگی کردن در این روستا بیش از هر جای دیگری لذت می‌برم.

ابعاد	ردیف	گویه‌ها
	۴	این روستا نیازهای من را بیش از هر جای دیگری برآورده می‌کند.
	۵	برای من هیچ مکان دیگری نمی‌تواند جایگزین این روستا شود.
هویت مکانی	۶	احساس می‌کنم این روستا بخشی از وجود من است.
	۷	زندگی کردن در این روستا به من هویت می‌بخشد.
	۸	زندگی کردن در این روستا به زندگی من معنی خاصی می‌دهد.
	۹	دوست دارم با این روستا شناخته شوم.
	۱۰	دوست دارم همه بدانند که من اهل این روستا هستم.
دلبستگی احساسی	۱۱	من به این روستا احساس تعلق خاطر شدیدی دارم.
	۱۲	من این روستا را خیلی دوست دارم.
	۱۳	این روستا برای من بسیار با معناست.
	۱۴	من از زندگی کردن در این روستا، احساس بسیار خوبی دارم.
	۱۵	هرگاه برای مدتی این روستا را ترک می‌کنم، دلم برای اینجا تنگ می‌شود.
پیوندهای اجتماعی	۱۶	من به مردم این روستا حس خوب و مثبتی دارم.
	۱۷	در محله ما رابطه همسایه‌ها با یکدیگر، نزدیک و صمیمی است.
	۱۸	اگر به مشکلی برخورد کنم، می‌توانم روی کمک مردم روستا حساب کنم.
	۱۹	من در این روستا دوستان بسیار خوبی دارم.
	۲۰	من مردم این روستا را دوست دارم.

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی عبارت است از: مشارکت اجتماعی-فرهنگی ۰/۸۹۲، مشارکت فیزیکی-عمرانی ۰/۸۹۳، مشارکت اقتصادی ۰/۹۰۴، مشارکت خدماتی ۰/۸۴۸ و مشارکت سیاسی ۰/۸۸۷. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ابعاد چهارگانه تعلق مکانی نیز قابل قبول است: وابستگی مکانی ۰/۹۲۲، هویت مکانی ۰/۹۲۵، دلبستگی احساسی ۰/۹۲۴ و پیوندهای اجتماعی ۰/۹۲۸. برای بررسی وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها، شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه شد که تقریباً همگی در بازه (۲- و ۲+) قرار داشتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و با توجه به نوع و ویژگی داده‌ها، آزمون‌های آماری مختلف از جمله آزمون T تک‌نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون‌های تبعی آن، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب اتا با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شد.

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. تعلق مکانی

تعلق مکانی^۱ به پیوندهای احساسی و عاطفی بین انسان و مکان اشاره دارد. افراد به برخی مکان‌ها احساس خاصی دارند و معمولاً به مرور زمان این رابطه عاطفی قوی‌تر می‌شود. تعلق مکانی متأثر از عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود؛ عواملی مانند رضایت افراد از مکان، کیفیت ارزیابی محیط، هویت مکان، مدت‌زمان سکونت، پیوندهای اجتماعی و... (بهرام-پور و مدیری، ۱۳۹۴). تعلق مکانی پدیده‌ای چندبُعدی و پیچیده است. بسیاری از محققان در تشریح مفهوم تعلق مکانی بر سه مؤلفه تأکید کرده‌اند: احساس، شناخت و عمل؛ بر این اساس می‌توان تعلق مکانی را رابطه عاطفی، شناختی و عملکردی افراد با مکان تعریف کرد و آن را مشتمل بر سه بُعد «دلبستگی احساسی»^۲، «هویت مکانی»^۳ و «وابستگی مکانی»^۴ دانست. این ابعاد به ترتیب منعکس‌کننده اجزای عاطفی، شناختی و عملکردی رابطه انسان-مکان هستند (شیخ‌بیگلو و سلطانی، ۱۳۹۹). برخی محققان علاوه بر سه بُعد مذکور، در مفهوم‌پردازی تعلق مکانی به بُعد دیگری با عنوان «پیوندهای اجتماعی»^۵ اشاره کرده‌اند؛ به عبارتی برای مفهوم تعلق مکانی، یک ساختار چهاربُعدی شامل هویت مکانی، وابستگی مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند. هویت مکانی، تعریفی است که هر شخصی از خود در ارتباط با مکان دارد. این تعریف مبتنی بر سیستمی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای خاص درباره جهان فیزیکی است (ووسنام و همکاران، ۲۰۱۸). این مؤلفه از تعلق مکانی، درواقع نوعی معنای نمادین است که به مکان نسبت داده می‌شود و در نتیجه آن، مکان به مثابه بخشی از هویت افراد عمل می‌کند (شیخ‌بیگلو و سلطانی، ۱۳۹۹). وابستگی مکانی به چگونگی و قابلیت یک مکان در حمایت از اهداف و تأمین نیازهای افراد اشاره دارد؛ از این‌رو می‌توان آن را وابستگی عملکردی به مکان تلقی کرد (ووسنام و همکاران، ۲۰۱۸). استُگلز و شومیکر^۶

1. Place attachment
2. Affective attachment
3. Place identity
4. Place dependence
5. Social bondings
6. Stokols & Schumaker

(۱۹۸۱) وابستگی مکانی را از طریق دو عنصر تعریف کرده‌اند: ویژگی‌های یک مکان خاص و کیفیت نسبی مکان‌های جایگزین مشابه. افراد و گروه‌ها مکان‌ها را از نظر عملکردی ارزیابی می‌کنند؛ به این مفهوم که مکان‌ها تا چه اندازه انجام فعالیت‌های مشخصی را امکان‌پذیر می‌کنند. دل‌بستگی احساسی یکی دیگر از ابعاد تعلق مکانی است که به‌طور ویژه به عواطف و احساسات فرد نسبت به یک مکان خاص مربوط می‌شود. پیوند احساسی انسان-مکان ممکن است به‌صورت مثبت یا منفی باشد؛ با وجود این، در اغلب مباحث تعلق مکانی، بر جنبه‌های مثبت احساسات افراد به مکان‌ها تأکید می‌شود (شیخ‌بیگللو و سلطانی، ۱۳۹۹). پیوندهای اجتماعی به‌عنوان مؤلفه چهارم تعلق مکانی، به روابط اجتماعی افراد با سایر مردم از جمله دوستان، خویشاوندان، همسایگان و... اشاره دارد. برخی محققان درباره لزوم شمول این عامل در ساختار تعلق مکانی، استدلال کرده‌اند که مکان‌ها ظروفی برای شکل‌گیری ارتباطات بین‌فردی و اجتماعی هستند و بنابراین، مردم هم جزئی از مکان به شمار می‌روند (زنگنه، حسین‌آبادی، روشن‌دل و نبی‌پور، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نیز تعلق مکانی براساس ساختار چهاربخشی مذکور مفهوم‌پردازی شده است.

۴.۲. مشارکت و توسعه روستایی

در تعریف کلی «مشارکت» عبارت است از همکاری افراد به‌طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون احساس هیچ‌گونه اجبار در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت یا ارزشیابی یک فعالیت، برنامه یا پروژه (کوهی، ۱۳۸۲). مشارکت، تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است و از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود (ارجمندنیا، ۱۳۸۰، ص. ۳۰). مشارکت افراد در امور اجتماع با عنوان «مشارکت مدنی» نیز بیان می‌شود. اصطلاح مشارکت مدنی به فعالیت‌های داوطلبانه انفرادی یا گروهی در جهت کمک به دیگران، دستیابی به منفعتی عمومی یا حل مشکلی از مشکلات جامعه گفته می‌شود (بارت و برائتن-اسمیت، ۲۰۱۴)؛ به عبارتی، مشارکت مدنی توصیف می‌کند که چگونه یک شهروند فعال در زندگی جامعه نقش دارد و به ساختن آینده آن کمک می‌کند. شایان ذکر است، مشارکت مدنی شامل

تغییرات اجتماعی نیز می‌شود (آدلر و گوگین^۱، ۲۰۰۵). روی هم رفته می‌توان گفت که مشارکت به خود اعتمادی، ابتکار، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی دلالت دارد. در زمینه مشارکت افراد به عنوان کنش اجتماعی، توجه به دو جنبه اهمیت دارد: ۱. چه انگیزه‌هایی فرد را به انجام یک کنش مشارکتی ترغیب می‌کند و ۲. فرد چقدر درباره عمل مشارکت‌شده آگاهی دارد (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰). مشارکت جوامع محلی درجات مختلفی دارد که از اطلاع‌رسانی تا توانمندسازی جوامع، متغیر است. درجات مختلف مشارکت عبارت‌اند از: ۱. اطلاع‌رسانی، ۲- مشورت در امور، ۳. دخالت در برنامه‌ریزی، ۴. دخالت در تصمیم‌گیری و ۵. توانمندسازی جوامع بومی و محلی. اطلاع‌رسانی، ضعیف‌ترین و توانمندسازی جوامع بومی و محلی، قوی‌ترین درجه مشارکت محسوب می‌شوند (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰).

با وجود پیامدهای مثبت درخور توجه مشارکت برای توسعه جوامع محلی، تجربه اجرای برنامه‌های مختلف توسعه در کشورهای در حال توسعه در چند دهه گذشته نشان می‌دهد، به دلیل بی‌توجهی به نقش مشارکت واقعی همه مردم، این برنامه‌ها نتوانسته‌اند به اهداف مورد انتظار دست یابند (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰)؛ از این رو موضوع مشارکت افراد در امور جوامع محلی بیش از پیش مدنظر محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است، اما با وجود پیشرفت‌های درخور توجه در شیوه‌های مشارکت جوامع محلی در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی، بسیاری از روش‌ها کارایی لازم را برای اجتماعات محلی ندارند که معمولاً سطح سواد پایینی دارند. حتی در کشورهای توسعه‌یافته روش‌های مشارکت همگانی غالباً معطوف به اقشار مرفه یا تحصیل‌کرده است؛ این در حالی است که توده مردم محلی نیاز دارند احساس کنند که نقش واقعی در توسعه جوامع خود دارند و تنها در این صورت است که افراد انگیزه مناسبی برای مشارکت پیدا خواهند کرد (لقایی، بهمن‌پور و زعیم‌پور، ۱۳۸۶).

در ادبیات توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار روستایی، مفهوم مشارکت نقش محوری یافته است (حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰). هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش‌ها به مفهوم توسعه، مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه اهمیت بیشتری یافته است. تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از آن حیث است که توسعه بیش از هر عاملی بر انگیزش، یادگیری و بهبود مستمر

1. Adler & Goggin

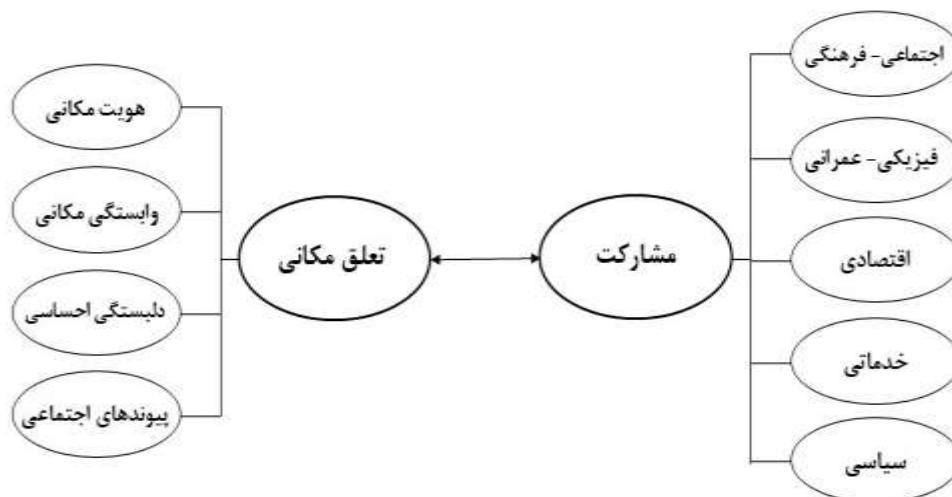
توانایی‌های درونی افراد و جوامع متکی است؛ بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه به‌طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته است. هرچقدر مشارکت مردم عادی و گروه‌های ذی‌نفع در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد، ضمانت اجرایی و میزان تحقق اهداف برنامه‌ها بیشتر خواهد شد؛ به همین دلیل، نظام برنامه‌ریزی‌های توسعه جوامع باید به‌گونه‌ای باشد که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در همه سطوح داشته باشد (علی‌بیگی و خانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹). در حال حاضر، رویکرد مشارکتی یکی از راهبردهای مؤکد و توافق‌شده از سوی برنامه‌ریزان توسعه، به‌ویژه برای جوامع محلی است. در این رویکرد، آحاد جامعه در فرایند توسعه دخالت داده می‌شوند (کوهی، ۱۳۸۲).

نظام روابط اجتماعی و اداره امور اقتصادی در سکونتگاه‌های روستایی به‌گونه‌ای است که مشارکت روستائینان یکی از ویژگی‌های دیرینه این اجتماعات محلی محسوب می‌شود (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰). درواقع می‌توان گفت، مفهوم مشارکت مفهومی تفکیک‌ناپذیر از جوامع روستایی است؛ تاحدی که زندگی این جوامع بدون آن تقریباً غیرممکن است. یکی از جلوه‌های معمول مشارکت در روستاهای ایران همکاری روستائینان در فعالیت‌های اقتصادی، امور اجتماعی و فرهنگی و بهبودبخشی به محیط روستا بوده است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴۷). توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل توسعه، مبنای کار بر جلب و نهادینه‌سازی مشارکت مردم محلی باشد و بر توانمندسازی ظرفیت‌سازی تأکید شود. مشارکت مردمی باعث می‌شود که مردم با برنامه‌ها و اقدامات جدید توسعه احساس بیگانگی نداشته باشند و محصول این برنامه‌ها و اقدامات را از آن خود بدانند؛ ازاین‌رو انگیزه خوبی برای همکاری در امور مختلف داشته باشند (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). در چارچوب موضوع برنامه‌های توسعه روستایی، انواع مشارکت عبارت‌اند از: ۱. مشارکت در تصمیم‌گیری، ۲. مشارکت در اجرا، ۳. سهم شدن در مزایا و منافع و ۴. مشارکت در ارزیابی. سه نوع نخست مشارکت تاکنون کم و بیش در رویکردهای توسعه مدنظر قرار گرفته و محقق شده‌اند، اما به نوع چهارم یعنی مشارکت در ارزیابی کمتر توجه شده است (کوهن و آپهوف، ۱۳۸۳، ص. ۱۷).

نحوه مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را می‌توان در هفت سطح طبقه‌بندی کرد: ۱. مشارکت خودانگیخته: در این نوع مشارکت، مردم خود مبتکر پروژه هستند و برای تأمین منابع و کمک‌های فنی لازم با نهادهای ذی‌ربط ارتباط برقرار می‌کنند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی، اجرای کامل این پروژه‌ها امکان‌پذیر است؛ ۲. مشارکت تعاملی: وضعیتی است که مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است و جامعه محلی ارتباطی نزدیک با عاملان اجرای پروژه دارند؛ به این ترتیب که مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و همچنین تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌کنند؛ ۳. مشارکت عملکردی: این شیوه مشارکت به وضعیتی مربوط است که تصمیمات اصلی مربوط به پروژه توسط نهاد خارجی گرفته می‌شود. نهاد خارجی برای اجرای پروژه و تحقق اهداف تعیین‌شده از مشارکت جامعه محلی به‌ویژه برای کاهش هزینه‌ها و استفاده از نیروی کار کمک طلب می‌کند؛ ۴. مشارکت به‌خاطر اندیشه‌های مادی: گاهی تنها انگیزه مشارکت مردم، دست یافتن به منفعتی مادی است؛ برای مثال، مشارکت در ازای دریافت پول یا غذا، همکاری در پروژه‌های خودیاری با هدف دریافت زمین، خدمات و...؛ ۵. اطلاع‌رسانی و مشورت: یکی دیگر از انواع مشارکت، نظرخواهی از مردم برای تعیین نیازها و اولویت‌هاست؛ البته در این فرایند، جمع‌آوری نظرات و اطلاعات و انجام تحلیل‌ها توسط نهاد خارجی انجام می‌شود. مردم هیچ‌گونه قدرتی برای تصمیم‌گیری ندارند و همچنین مجریان پروژه هیچ‌گونه به تحقق اولویت‌های مردم متعهد نیستند؛ ۶. مشارکت انفعالی: در این حالت صرفاً به مردم اطلاع داده می‌شود که چه اقدامی انجام خواهد شد؛ بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته شود یا به آن‌ها برای انجام امور و تغییر اوضاع قدرت داده شود؛ ۷. مشارکت صوری: این نوع مشارکت، درواقع فقط تظاهر به مشارکت است؛ برای مثال، عضویت افراد در یک هیئت رسمی بدون اینکه هیچ‌گونه قدرتی در امور مربوط داشته باشند (رجبی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹). در میان شیوه‌های هفت‌گانه مذکور، انواع ششم و هفتم را نمی‌توان مشارکت واقعی تلقی کرد.

در تحقیق حاضر رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستانشینان بررسی شده است. در این راستا، تعلق مکانی به‌صورت سازه‌ای چهاربعدی متشکل از مؤلفه‌های هویت مکانی، وابستگی مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی مفهوم‌پردازی شده است.

رفتارهای مشارکتی نیز مشتمل بر ابعاد پنج‌گانه «اجتماعی- فرهنگی»، «فیزیکی- عمرانی»، «اقتصادی»، «خدماتی» و «سیاسی» در نظر گرفته شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. مشخصات عمومی پاسخگویان

نمونه بررسی شده در این مطالعه، ۳۸۰ نفر متشکل از ۹۱ نفر (۲۳/۹ درصد) زن و ۲۸۹ نفر (۷۶/۱ درصد) مرد بود. این پاسخگویان در بازه سنی ۱۸ تا ۸۳ سال قرار داشتند و میانگین سنی آن‌ها حدود ۴۳ سال بود. ۲۱/۸ درصد مجرد و ۷۸/۲ درصد متأهل بودند. ترکیب پاسخگویان از نظر سطح سواد و تحصیلات عبارت است از: ۵/۰ درصد بی‌سواد، ۱۳/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱/۸ تحصیلات راهنمایی، ۱۲/۹ تحصیلات دبیرستان، ۲۳/۲ درصد دیپلم، ۱۰/۰ درصد کاردانی، ۱۰/۳ درصد کارشناسی و ۳/۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر. محل تولد ۷۸/۴ درصد از پاسخگویان، روستای محل زندگی فعلی بود و بقیه در سکونتگاه دیگری متولد شده بودند. در زمان تکمیل پرسشنامه، کمترین مدت اقامت افراد در روستای فعلی محل سکونتشان ۳ سال، بیشترین مدت اقامت

۸۳ سال و میانگین مدت زمان اقامت تقریباً ۳۷ سال بود. متوسط بُعد خانوار در نمونه مورد مطالعه ۴/۷۸ است.

۲.۵. وضعیت رفتارهای مشارکتی روستاییان در نمونه و جامعه آماری مورد مطالعه

بررسی سطح رفتارهای مشارکتی پاسخگویان در ابعاد پنج‌گانه اجتماعی-فرهنگی، فیزیکی-عمرانی، اقتصادی، خدماتی و سیاسی نشان داد، در نمونه مورد مطالعه، مشارکت در بُعد اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۴/۱۲ قوی‌تر از مشارکت در سایر ابعاد است. میانگین سطح مشارکت در سایر ابعاد به این شرح است: فیزیکی-عمرانی ۴/۰۸، خدماتی ۴/۰۲، اقتصادی ۳/۸۷ و سیاسی ۳/۷۵. مقدار میانگین کلی رفتارهای مشارکتی نیز برابر با ۳/۹۷ است. برای بررسی وضعیت سطح رفتارهای مشارکتی در جامعه آماری، آزمون T تک‌نمونه‌ای با معیار میانگین ۳ انجام شد. براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای و در سطح اطمینان ۹۵ درصد (جدول ۴)، مقادیر میانگین همه متغیرهای رفتارهای مشارکتی و همچنین متغیر ترکیبی رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری با حد متوسط دارند؛ بر این اساس می‌توان استنباط کرد که در جامعه آماری نیز سطح رفتارهای مشارکتی روستاییان از حد متوسط بیشتر است.

جدول ۴. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای رفتارهای مشارکتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین		۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت
				کران پایین	کران بالا	
مشارکت اجتماعی-فرهنگی	۳۲/۲۵۰	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۱۲۱	۱/۰۵۳	۱/۱۸۹
مشارکت فیزیکی-عمرانی	۲۶/۸۸۲	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۰۷۹	۱/۰۰۰	۱/۱۵۸
مشارکت اقتصادی	۲۰/۸۷۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۸۷۰	۰/۷۸۸	۰/۹۵۲
مشارکت خدماتی	۲۸/۰۸۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۰۱۲	۰/۹۴۶	۱/۰۸۹
مشارکت سیاسی	۱۶/۸۹۹	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۷۴۸	۰/۶۶۱	۰/۸۳۵
رفتارهای مشارکتی	۲۸/۸۸۴	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۹۶۷	۰/۹۰۱	۱/۰۳۳

۵.۳. وضعیت تعلق مکانی روستاییان در نمونه و جامعه آماری مورد مطالعه

مقادیر میانگین تعلق مکانی پاسخگویان در نمونه مورد مطالعه به تفکیک هریک از ابعاد چهارگانه به این ترتیب است: وابستگی مکانی ۴/۲۰، هویت مکانی ۴/۳۸، دلبستگی احساسی ۴/۴۱ و پیوندهای اجتماعی ۴/۳۶. ملاحظه می شود که میزان دلبستگی احساسی قوی تر از سایر ابعاد تعلق مکانی است. مقدار میانگین شاخص ترکیبی تعلق مکانی نیز برابر با ۴/۳۴ است. نتایج آزمون T تک نمونه ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می دهد، در جامعه آماری نیز مقادیر میانگین هریک از ابعاد چهارگانه تعلق مکانی و همچنین متغیر ترکیبی تعلق مکانی از حد متوسط بیشتر است (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج آزمون T تک نمونه ای برای تعلق مکانی

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت	
					کران بالا	کران پایین
وابستگی مکانی	۲۷/۸۹۶	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۲۰۲	۱/۱۱۷	۱/۲۸۷
هویت مکانی	۳۸/۵۹۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳۸۳	۱/۳۱۳	۱/۴۵۴
دلبستگی احساسی	۴۱/۱۹۹	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۴۰۷	۱/۳۴۰	۱/۴۷۴
پیوندهای اجتماعی	۳۷/۱۹۷	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳۶۳	۱/۲۹۱	۱/۴۳۵
تعلق مکانی	۳۹/۵۶۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳۳۹	۱/۲۷۲	۱/۴۰۵

۵.۴. رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی و رفتارهای مشارکتی

برای تبیین بهتر جنبه های مختلف رفتارهای مشارکتی، رابطه برخی از متغیرهای جمعیت-شناختی شامل سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت زمان اقامت در روستا با رفتارهای مشارکتی افراد بررسی شد. بدین منظور و برحسب مقیاس اندازه گیری متغیرها از ضرایب همبستگی پیرسون و آتا استفاده شد. نتایج محاسبه ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد، بین متغیرهای وضعیت تأهل و محل تولد با رفتارهای مشارکتی رابطه معنادار نسبتاً ضعیفی وجود دارد؛ به این ترتیب که سطح رفتارهای مشارکتی افراد متأهل (میانگین ۴/۰۱) در مقایسه با افراد مجرد (میانگین ۳/۸۳) بالاتر است. همچنین رفتارهای

مشارکتی در بین افرادی که در روستای محل سکونت فعلی متولد شده‌اند، در مقایسه با سایر افراد، قوی‌تر است. رابطه بین متغیرهای سن، جنس و مدت‌زمان اقامت در روستا با رفتارهای مشارکتی معنادار نیست. ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و رفتارهای مشارکتی عبارت است از: سن و رفتارهای مشارکتی ($r = 0/075$, $p = 0/144$)، مدت‌زمان اقامت در روستا و رفتارهای مشارکتی ($r = 0/037$, $p = 0/477$)، جنس و رفتارهای مشارکتی ($\eta = 0/093$, $p = 0/069$)، وضعیت تأهل و رفتارهای مشارکتی ($\eta = 0/114$, $p = 0/027$) و محل تولد و رفتارهای مشارکتی ($\eta = 0/148$, $p = 0/004$).

۵.۵. رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تعلق مکانی

بین میزان تعلق مکانی افراد و متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت‌زمان اقامت در روستا رابطه معناداری مشاهده شد؛ به این ترتیب که سطح تعلق مکانی در افراد با سن بیشتر و افرادی که مدت‌زمان بیشتری در روستای محل زندگی فعلی سکونت داشته‌اند، بالاتر است. نتایج نشان داد، تعلق مکانی مردان (میانگین $4/40$) در مقایسه با تعلق مکانی زنان (میانگین $4/15$) قوی‌تری است. افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد، تعلق مکانی قوی‌تری را ابراز کردند (میانگین افراد متأهل $4/38$ و میانگین افراد مجرد $4/17$). براساس یافته‌ها، سطح تعلق مکانی افرادی که در روستای محل سکونت فعلی‌شان متولد شده‌اند، در مقایسه با دیگران بالاتر است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تعلق مکانی عبارت است از: سن و تعلق مکانی ($r = 0/231$, $p < 0/001$)، مدت‌زمان اقامت در روستا و تعلق مکانی ($r = 0/257$, $p < 0/001$)، جنس و تعلق مکانی ($\eta = 0/159$, $p = 0/002$)، وضعیت تأهل و تعلق مکانی ($\eta = 0/134$, $p = 0/009$) و محل تولد و تعلق مکانی ($\eta = 0/236$, $p < 0/001$).

۵.۶. رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان

رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی و ابعاد مختلف آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. براساس یافته‌ها، بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0/424$, $p < 0/001$). همچنین بین تعلق

مکانی و هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد (جدول ۶). در میان ابعاد رفتارهای مشارکتی، بیشترین ضریب همبستگی به اجتماعی-فرهنگی و مشارکت خدماتی مربوط است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیر	مشارکت اجتماعی-فرهنگی	مشارکت فیزیکی-عمرانی	مشارکت اقتصادی	مشارکت خدماتی	مشارکت سیاسی	رفتارهای مشارکتی (متغیر ترکیبی)
تعلق مکانی	۰/۴۱۴	۰/۳۳۲	۰/۳۶۹	۰/۳۹۳	۰/۳۰۷	۰/۴۲۴
سطح معناداری	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱

نتایج بررسی رابطه بین ابعاد چهارگانه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی نیز حاکی از همبستگی مثبت و معنادار ابعاد تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی است: وابستگی مکانی ($r = ۰/۳۸۸, p < ۰/۰۰۱$)، هویت مکانی ($r = ۰/۳۹۳, p < ۰/۰۰۱$)، دلبستگی احساسی ($r = ۰/۳۶۳, p < ۰/۰۰۱$) و پیوندهای اجتماعی ($r = ۰/۳۸۶, p < ۰/۰۰۱$).

۵.۷. مقایسه رفتارهای مشارکتی در نقاط روستایی مورد مطالعه

مقادیر میانگین متغیر ترکیبی رفتارهای مشارکتی برای هر یک از روستاهای مورد مطالعه به این شرح است: دشت آزادگان ۳/۹۶، هجرت ۳/۹۷، شهرک کلاه‌سیاه ۴/۴۳، مشایخ ۳/۸۸، قایدان ۳/۶۴، دشت دیده‌بان ۳/۷۸، پرینار ۳/۱۶، آب‌زالو ۳/۹۷، قلاتک ۳/۷۲، گلگونی ۳/۳۱ و حمزه‌بیگی ۴/۰۲. برای بررسی معناداری تفاوت مقدار میانگین رفتارهای مشارکتی بین نقاط روستایی مذکور، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره لون^۱ بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($p = ۰/۰۵۲$)؛ بنابراین فرض برابری واریانس روستاهای مورد مطالعه برقرار است؛ ازاین‌رو برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر بهره گرفته شد. با توجه به سطح معناداری این آزمون ($p < ۰/۰۰۱$) می‌توان نتیجه گرفت که بین روستاهای مورد مطالعه از نظر میانگین رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری

1. Levene

وجود دارد. به منظور تشخیص روستاهای دارای تفاوت، از آزمون تبعی توکی^۱ استفاده شد (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت معناداری تفاوت روستاهای مورد مطالعه از نظر رفتارهای مشارکتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

همزه بیگی	گلگونی	قلاتک	آب- زالو	پرینار	دشت دیده بان	قایدان	مشایخ	شهرک کلاه‌سیاه	هجرت	
-	*	-	-	*	-	-	-	*	-	دشت آزادگان
-	-	-	-	*	-	-	-	*		هجرت
-	*	*	-	*	*	*	*			شهرک کلاه‌سیاه
-	-	-	-	*	-	-				مشایخ
-	-	-	-	-	-					قایدان
-	-	-	-	-						دشت دیده بان
*	-	-	-							پرینار
-	-	-								آب زالو
-	-									قلاتک
-										گلگونی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روستاهای شهرک کلاه‌سیاه و پرینار تفاوت بیشتری با سایر نقاط روستایی مورد مطالعه دارند. شهرک کلاه‌سیاه با بیشترین مقدار میانگین رفتارهای مشارکتی، با هشت روستای دیگر تفاوت معناداری دارد. روستای پرینار نیز با کمترین مقدار میانگین، با پنج روستا تفاوت معناداری دارد.

۵. ۸. مقایسه تعلق مکانی در نقاط روستایی مورد مطالعه

مقادیر میانگین متغیر ترکیبی تعلق مکانی برای هریک از روستاهای مورد مطالعه به این شرح است: دشت آزادگان ۴/۴۰، هجرت ۴/۱۴، شهرک کلاه‌سیاه ۴/۵۵، مشایخ ۴/۷۶، قایدان ۳/۸۴، دشت دیده بان ۳/۸۸، پرینار ۳/۵۴، آب زالو ۴/۴۰، قلاتک ۴/۰۲، گلگونی ۴/۰۹ و حمزه-۱.

1. Tukey

بیگی ۴/۵۹. برای بررسی معناداری تفاوت مقدار میانگین تعلق مکانی بین نقاط روستایی مذکور، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره لون کوچکتر از ۰/۰۵ است ($p = ۰/۰۰۷$)؛ بنابراین فرض برابری واریانس روستاهای مورد مطالعه تأیید نمی‌شود؛ از این رو برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F ولچ^۱ بهره گرفته شد. با توجه به سطح معناداری این آزمون ($p < ۰/۰۰۱$) می‌توان نتیجه گرفت که بین روستاهای مورد مطالعه از نظر میانگین تعلق مکانی تفاوت معناداری وجود دارد. به منظور تشخیص روستاهای دارای تفاوت، از آزمون تبعی تامهین^۲ استفاده شد (جدول ۸).

جدول ۸. وضعیت معناداری تفاوت روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح تعلق مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

حمزه بیگی	گلگونی	قلاتک	آب-زالو	پرینار	دشت دیده بان	قایدان	مشایخ	شهرک کلاه سیاه	هجرت	
-	-	-	-	-	-	-	*	-	-	دشت آزادگان
-	-	-	-	-	-	-	*	*		هجرت
-	-	*	-	*	-	*	-			شهرک کلاه سیاه
-	-	*	-	*	*	*				مشایخ
-	-	-	-	-	-					قایدان
-	-	-	-	-						دشت دیده بان
*	-	-	-							پرینار
-	-	-								آب زالو
-	-									قلاتک
-										گلگونی

در میان روستاهای مورد مطالعه، روستاهای مشایخ و شهرک کلاه سیاه از نظر تعلق مکانی تفاوت بیشتری با سایر نقاط روستایی دارند. دو روستای مذکور با بیشترین مقدار میانگین تعلق مکانی، به ترتیب با شش و پنج روستای دیگر تفاوت معناداری دارند. شایان ذکر است،

1. Welch

2. Tamhane

شهرک کلاه‌سیاه علاوه بر تعلق مکانی، از نظر رفتارهای مشارکتی نیز تفاوت نسبتاً زیادی را با سایر روستاها نشان داده است. شناسایی عوامل مؤثر بر سطح بالای تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی در این روستا می‌تواند در تدوین راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت سایر نقاط روستایی در دهستان مشایخ مفید و مؤثر باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه پایدار روستایی درگرو مشارکت فعالانه روستاییان در امور مختلف جامعه محلی است؛ از این رو مطالعه درباره بررسی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای مشارکتی و در گام بعدی، شناسایی عوامل زمینه‌ساز رفتارهای مشارکتی از اهمیت فراوانی برخوردار است، اما به‌طور خاص در محدوده مورد مطالعه - همان‌طور که اشاره شد - بین روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح مشارکت روستاییان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... تفاوت وجود دارد. این تفاوت می‌تواند متأثر از عوامل مختلف باشد. مطالعه ادبیات موضوع به‌ویژه تحقیقات دهه اخیر نشان می‌دهد، تعلق مکانی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در زمینه روان‌شناسی محیطی به‌طور ویژه مدنظر محققان قرار گرفته است. با توجه به موارد مذکور، پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان پرداخته است. براساس نتیجه این مطالعه که حاکی از رابطه مثبت و معنادار تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان - است، فرضیه اثر تعلق مکانی بر رفتارهای مشارکتی روستاییان تقویت می‌شود؛ از این رو پیشنهاد می‌شود، محققان در مطالعات آینده به بررسی اثر علی دو متغیر مذکور بپردازند. به‌طور کلی، هم تعلق مکانی و هم رفتارهای مشارکتی روستاییان می‌توانند نقش بسزایی در توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند؛ از این رو بررسی ابعاد مختلف هریک از این عوامل و همچنین مطالعه روابط بین آن‌ها می‌تواند برای مدیریت محلی در تشخیص راهکارهای مناسب مؤثر برای توسعه پایدار روستایی سودمند باشد.

پژوهش حاضر به بررسی تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی جمعیت ساکن در نقاط روستایی دارای بیش از صد نفر جمعیت دهستان مشایخ واقع در شهرستان ممسنی پرداخته است. در این راستا، تعلق مکانی به‌صورت سازه‌ای چهاربُعدی شامل وابستگی مکانی، هویت

مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی مفهوم‌پردازی شد. رفتارهای مشارکتی نیز مشتمل بر پنج بُعد متشکل از مشارکت اجتماعی-فرهنگی، مشارکت فیزیکی-عمرانی، مشارکت اقتصادی، مشارکت خدماتی و مشارکت سیاسی در نظر گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد، سطح تعلق مکانی و همچنین رفتارهای مشارکتی در تمامی ابعاد آن‌ها در جمعیت محدوده مورد مطالعه، بیشتر از سطح متوسط است.

در شرایطی که نرخ رشد جمعیت روستایی رو به کاهش است و بسیاری از روستاهای کشور در نتیجه مهاجرت‌های بی‌رویه خالی از سکنه شده‌اند، رفتارهای مشارکتی و تعلق مکانی قوی روستاییان می‌تواند این وضعیت را به نفع نواحی روستایی تغییر دهد یا حداقل تعدیل کند. در این مطالعه، بین دو عامل مذکور رابطه مثبت معناداری یافت شد. ضمن آنکه رابطه تعلق مکانی با یکایک ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی نیز مثبت و معنادار ارزیابی شد؛ به همین ترتیب، رابطه بین هریک از ابعاد چهارگانه تعلق مکانی با رفتارهای مشارکتی مثبت و معنادار است. این وضعیت حاکی از ارتباط قوی میان دو عاملی است که هر دو برای توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی حیاتی و تعیین‌کننده هستند.

همان‌طور که اشاره شد، تاکنون تحقیقات محدودی در زمینه رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی جمعیت انجام شده‌اند و مطالعاتی از این دست به‌ویژه در مورد مناطق روستایی بسیار اندک است. یکی از این مطالعات، پژوهشی است که شیخ‌بیگللو (۲۰۲۰) در شهر جدید بهارستان انجام داد که وی نیز بین تعلق مکانی و مشارکت مدنی رابطه مثبت و معناداری را گزارش کرد. سونگ و سوپرامانین (۲۰۱۹) نیز رابطه‌ای مثبت بین تعلق مکانی و رفتارهای حامی محیط زیست ساکنان شهر پکن یافتند. تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی می‌توانند به‌عنوان دو عامل قدرتمند در توسعه روستایی نقش ایفا کنند و وجود رابطه مثبت میان آن‌ها نشان می‌دهد که این دو عامل می‌توانند هم‌افزایی مطلوب و ارزشمندی به نفع سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش بیانگر تفاوت معنادار بین برخی از نقاط روستایی مورد مطالعه از نظر سطح تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی است. از آنجاکه هم تعلق مکانی و هم رفتارهای مشارکتی متأثر از عوامل مختلفی هستند، این تفاوت و تنوع تا حد زیادی پیش-

بینی‌شدنی است. برخی محققان نیز در مطالعات پیشین به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، جیلینگ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه تعلق مکانی جمعیت چشمگیری از ساکنان روستاهای کوچک و مناطق دورافتاده در هلند دریافتند که روابط مردم و مکان در روستاهای هلندی از تنوع نسبتاً درخور توجهی برخوردار است. به‌طورکلی، در شرایطی که در یک ناحیه متجانس همگن (نظیر وضعیتی که نقاط روستایی در محدوده یک دهستان واقع دارند) تفاوت معناداری در تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی ساکنان وجود داشته باشد، بررسی عوامل ایجادکننده این تفاوت و تنوع از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا با شناسایی این عوامل می‌توان راهکارهای مؤثری برای بهبود روابط انسان و محیط به کار برد. این موضوع به‌ویژه برای نقاط روستایی کشور که با مسائل و مشکلات متعددی مواجه‌اند، اهمیت مضاعف دارد؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود، در مطالعات آینده بررسی جنبه‌های مختلف تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی، عوامل مؤثر بر آن‌ها، و پیامدهای منتج از آن‌ها بیشتر مدنظر محققان قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، رابطه علی بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی و همچنین رابطه علی بین ابعاد مختلف آن‌ها بررسی شود. علاوه‌بر سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه این متغیرها و روابط بین آن‌ها در شهرها و محله‌های شهری نیز از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود، محققان مسائل شهری نیز با انجام مطالعات مختلف درباره ویژگی‌ها و روابط میان تعلق مکانی و مشارکت مدنی در سکونتگاه‌های شهری به تبیین بهتر موضوع کمک کنند.

کتابنامه

۱. احمدی، ع.، و مهدوی، م. (۱۳۹۳). رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه (مطالعه موردی: شهرستان زرنديه). *پژوهش‌های روستایی*، ۵(۴)، ۸۴۸-۸۲۷.
۲. ارجمندنيا، ا. (۱۳۸۰). سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان‌یافته. *مطالعات مدیریت شهری*، ۵، ۳۲-۲۸.
۳. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان. *نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳۶، ۲۰۶-۱۷۴.

۴. استعلاجی، ع.، و فلاح‌تبار، ن. (۱۳۹۰). کاربرد مدل مدیریت مشارکتی در برنامه‌ریزی توسعه جامعه روستایی (مطالعه موردی: بخش سلطانیه از ناحیه ابهر). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۳(۳)، ۶۹-۷۸.
۵. امیرکافی، م.، و فتحی، ش. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۵(۱)، ۴۱-۵۰.
۶. باقری بنجار، ع.، و رحیمی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان (شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۲(۵)، ۱۷۰-۱۴۳.
۷. بهرام‌پور، ع.، و مدیری، آ. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۰(۳)، ۸۵-۹۴.
۸. پاپلی یزدی، م. ح.، رستمی، ک.، و مهدوی، د. (۱۳۹۴). تحلیلی بر مشارکت‌های سنتی روستائیان و اثر آن بر نواحی روستایی ایران، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۰(۲)، ۶۴-۴۷.
۹. حسن‌پور، ح. (۱۳۹۱). وضعیت و جایگاه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن در برنامه‌ریزی روستایی (مطالعه موردی: جمعیت روستایی شهرستان بوکان). *نشریه سپهر*، ۲۱(۸۱)، ۸۵-۸۰.
۱۰. ذوالفقاری، م. (۱۳۹۹). *تحلیل اثرگذاری حس تعلق مکانی در ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی (منطقه مورد مطالعه نه‌بندان)* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۱۱. رجبی، ا. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری. *آمایش محیط*، ۱۲، ۱۰۱-۱۱۶.
۱۲. رحمانی، ا.، و رحمانی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل ساختاری- نهادی مؤثر بر مشارکت روستائیان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی (نمونه موردی: روستاهای واقع در حریم کلانشهر همدان). *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۱۳(۵۲)، ۳۹-۵۶.
۱۳. زنگنه، ی.، حسین‌آبادی، س.، روشن‌دل، ت.، و نبی‌پور، ر. (۱۳۹۳). تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی (نمونه موردی محله سرده سبزوار). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۱۹)، ۱۲۸-۱۱۱.

۱۴. سفیری، خ. و تمیز، ر. (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۳)، ۱۳۶-۱۲۵.
۱۵. شریف‌زاده، م. ش.، عبدالله‌زاده، غ.، اژدرپور، ع.، و شریفی، م. (۱۳۹۶). جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقاء تعلق مکانی (مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان زابل). *نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۴(۳)، ۴۰۳-۳۷۵.
۱۶. شریفی‌نیا، ز. (۱۳۹۹). تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی مطالعه موردی: دهستان بیشه سر بخش مرکزی شهرستان قائم شهر. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، ۵۲(۳)، ۱۱۵۱-۱۱۳۱.
۱۷. شیخ‌بیگلر، ر. و سلطانی، ز. (۱۳۹۹). تعلق مکانی و رفتارهای حامی محیط زیست: تبیین ابعاد و اثرات (مطالعه موردی: بازدیدکنندگان پارک کوهستانی صفه شهر اصفهان). *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۱(۴)، ۲۵-۴۲.
۱۸. علی‌الحسابی، م. (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی (نمونه موردی: بندر لافت). *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۰(۱۳۴)، ۴۸-۳۵.
۱۹. علی‌بیگی، ج.، و خانی، ف. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه‌افتگی روستا (نمونه موردی شهرستان‌های سیروان و چرداول). *فصلنامه فرهنگ ایلام*، ۱۶(۴۹ و ۴۸)، ۴۴-۲۸.
۲۰. قاسمی، م. ع. (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان). *روستا و توسعه*، ۸(۴)، ۱۱۲-۷۹.
۲۱. کوهن، ج. م.، و آپهوف، ن. ت. (۱۳۸۳). جایگاه مشارکت در توسعه روستایی (د. حیدری، مترجم). *آموزش علوم اجتماعی*، ۸(۲)، ۲۷-۱۶.
۲۲. کوهی، ک. (۱۳۸۲). *سنجش میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی روستاهای شهرستان ورزقان*، (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، ایران.
۲۳. لطفی کزج، ذ. (۱۳۹۵). *بررسی میزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام شده در شهر (نمونه موردی: گلمغان اردبیل)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.
۲۴. لقایی، ح.، بهمن‌پور، ه.، و زعیم‌پور، م. (۱۳۸۶). تهدیدها و فرصت‌های مشارکت مردمی در مدیریت زیست‌محیطی مناطق تحت حفاظت در ایران. *فصلنامه جنگل و مرتع*، ۷۷، ۱۵-۸.

۲۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). گزارش تحلیلی: روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.

۲۶. مطیعی لنگرودی، س. ح.، و سخایی، ف. (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه یافتگی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۰، ۱۲۶-۱۱۱.

27. Adler, R. P., & Goggin, J. (2005). What do we mean by “civic engagement”? *Journal of Transformative Education*, 3(3), 236-253.
28. Besser, T. L. (2009). Changes in small town social capital and civic engagement. *Journal of Rural Studies*, 25(2), 185-193.
29. Chow, K., & Healey, M. (2008). Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of Environmental Psychology*, 28(4), 362-372.
30. Gieling, J., Vermeij, L., & Haartsen, T. (2017). Beyond the local-newcomer divide: Village attachment in the era of mobilities. *Journal of Rural Studies*, 55, 237-247.
31. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of environmental Psychology*, 27(4), 310-319.
32. Kakumba, U. (2010). Local government citizen participation and rural development: reflections on Uganda's decentralization system. *International Review of Administrative Sciences*, 76(1), 171-186.
33. Schoolman, E. D. (2020). Local food and civic engagement: do farmers who market local food feel more responsible for their communities? *Rural Sociology*, 85(3), 806-839.
34. Seguin, R. A., Sriram, U., Connor, L. M., Silver, A. E., Niu, B., & Bartholomew, A. N. (2018). A civic engagement approach to encourage healthy eating and active living in rural towns: The HEART Club pilot project. *American Journal of Health Promotion*, 32(7), 1591-1601.
35. Shaykh-Baygloo, R. (2020). A multifaceted study of place attachment and its influences on civic involvement and place loyalty in Baharestan new town, Iran. *Cities*, 96, 102473.
36. Shortall, S. (2008). Are rural development programmes socially inclusive? Social inclusion, civic engagement, participation, and social capital: Exploring the differences. *Journal of Rural Studies*, 24(4), 450-457.
37. Song, Z., & Soopramanien, D. (2019). Types of place attachment and pro-environmental behaviors of urban residents in Beijing. *Cities*, 84, 112-120.
38. Stefaniak, A., Bilewicz, M., & Lewicka, M. (2017). The merits of teaching local history: Increased place attachment enhances civic engagement and social trust. *Journal of Environmental Psychology*, 51, 217-225.

39. Stokols, D., & Shumaker, S. A. (1981). People in places: a transactional view of settings. In J. H. Harvey (Ed.), *Cognition, Social Behavior, and the Environment* (pp. 441-488). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
40. Weng, Q. D., Wu, S., McElroy, J. C., & Chen, L. (2018). Place attachment, intent to relocate and intent to quit: The moderating role of occupational commitment. *Journal of Vocational Behavior*, 108, 78-91.
41. Woosnam, K. M., Aleshinloye, K. D., Ribeiro, M. A., Styliadis, D., Jiang, J., & Erul, E. (2018). Social determinants of place attachment at a World Heritage Site. *Tourism Management*, 67, 139-146.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.78311.1181>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

ظرفیت‌های بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی (مورد مطالعه: شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد)

اسماعیل علی اکبری (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

aliakbari@pnu.ac.ir

سیدمهدی موسی کاظمی (دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

moosa_ka@pnu.ac.ir

مصطفی طالشی (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

m_taleshi@pnu.ac.ir

محمد مهدی مروج الشریعه (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

mm_moravej@yahoo.com

صص ۲۲۵ - ۱۹۷

چکیده

بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری یکی از تنگناها و مسائل پیچیده ناپایداری توسعه شهری هستند و برای ارتقای کیفیت زندگی، بازآفرینی این بافت‌ها ضرورت دارد؛ از این رو، رویکرد بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از ادبیات برنامه‌ریزی مشارکتی در پی دستیابی به جوامع پایدار شهری است. تحقیق حاضر به شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر واقع در منطقه ۶ کلان‌شهر مشهد با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بود و جامعه آماری پژوهش، ۳۳,۹۳۷ نفر شهروند ساکن در شهرک شهید باهنر بود. تعداد نمونه براساس فرمول کوکران ۳۷۹ نمونه تعیین شد و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی در بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر شامل ابعاد نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است و ارتباط معناداری بین آن‌هاست.

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

همچنین شدت رابطه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی از همه بیشتر و برابر با ۰/۷۵۲ است. با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نیز ظرفیت مشارکت شهروندی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر در ابعاد نهادی، کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در وضعیت مطلوب قرار دارد. از آنجاکه میانگین زیست‌محیطی برابر با ۲/۸۶۶ و از حد متوسط عدد ۳ کمتر است، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر در بخش زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد. با توجه به نتایج این پژوهش و مشخص شدن میزان ظرفیت مشارکت ساکنان شهرک شهید باهنر، شیوه اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی به‌منظور بازآفرینی مطلوب در بافت‌های ناکارآمد شهری، از طریق فعالیت‌های منسجم و برنامه‌ریزی شده دفاتر تسهیلگری محقق می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی مشارکتی، بازآفرینی، بافت ناکارآمد، کلان‌شهر مشهد، شهرک شهید باهنر.

۱. مقدمه

مشارکت شهروندی اصولی است که بیان می‌کند شهروندان حق دارند در تصمیم‌هایی نقش داشته باشند که بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار است (موریسون و شیان^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۵). مشارکت شهروندی در مسائل شهری با هدف توانمندسازی جوامع محلی نیز مقوله‌ای است که ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت و در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد. پس از آن، کشورهای در مسیر توسعه نیز از آن استقبال کردند. نفوذ این ادبیات به ایران در دهه‌های اخیر، به ایجاد زمینه‌های تغییر رویکردهای مشارکتی از دیدگاه سنتی به مدرن منجر شد (حبیبی و سعیدی، ۱۳۸۴، ص. ۲۱). مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و از جمله برنامه‌ریزی و شهرسازی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷، ص. ۳۲). هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ، سنت‌ها، هنجارها و روحیات خویش می‌تواند پذیرای سطح معقولی از حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اهداف جامعه باشد. امروزه مهم‌ترین

1. Morrison & Xian

رویکرد در مدیریت شهری، جلب مشارکت مردم برای اداره امور شهر است؛ به گونه‌ای که هر فرد، گذشته از نقشی که در حیطه فعالیت‌های شغلی و خانوادگی خود برای اجتماع دارد، به عنوان یک شهروند در اداره امور شهری که در آن زندگی می‌کند، نقش خود را بازشناسد و درباره وظایفی که پذیرش این نقش برای او ایجاد می‌کند، خود را مقید و مسئول بداند (زالی، دارابی و میرزایی، ۱۳۹۲، ص. ۸۰). شهر، امروز به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است. از سوی دیگر، تمامی عوامل انسان ساخت و طبیعی موجود در شهر و حتی خود انسان‌ها درگیر تغییر و تحولاتی پیوسته و آرام هستند. رهایی از این تغییرات امکان‌پذیر نیست؛ زیرا به معنی سکوت، ثبات و توقف است که به مرگ حیات شهر منجر می‌شود (ابراهیم‌زاده آسمین، اشتري مهرجردی و حاجی زاده، ۱۳۹۶، ص. ۹۹). در حال حاضر شهرهای ایرانی با مسائل بسیاری از جمله مشکلات مربوط به بافت‌های فرسوده و ناکارآمد مواجه هستند. ورود به این عرصه توسط نهادهای شهری به دلیل پیچیدگی‌های بسیار، کار سخت و همراه با خطرهای اجتماعی و اقتصادی است (هادیان و دانشپور، ۱۳۸۷، ص. ۲۱).

محل‌های ناکارآمد و فرسوده شهری به عنوان واقعیتهای نامطلوب همواره از سویی دغدغه ذهنی مدیران شهری و متفکران این عرصه بوده‌اند و از سوی دیگر حامل اثرات نامطلوب برای ساکنان این محل‌ها و نیز برای سیستم شهری بوده‌اند (رفعیان و احمدزاده نانوا، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۴). بافت‌های فرسوده، اغلب در زمره مناطق محروم شهر از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند و این امر عامل نارضایتی ساکنان، نبود پویایی و رونق حیات شهری در آن‌هاست (میرزایی ارجنکی و شبانی شهرضا، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۰). بافت‌های فرسوده شهری از جمله ساخت و سازهای ناموزون شهری هستند که به دلیل قدمت این بافت‌ها و نیز وجود پدیده‌های مهاجرت شامل فقر، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بعضی دیگر از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی از اساسی‌ترین مشکلات شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها هستند (لطیفی و مروتی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۰-۱۹۱). در ایران بافت‌های ناکارآمد شهری به عرصه‌هایی از محدوده‌های قانونی شهرها گفته می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، نبود برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات-خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیرند و

درعین حال ارزش مکانی-محیطی و اقتصادی و اجتماعی برخوردارند (پوراحمد، کشاورز، علی اکبری و هادوی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۹). رویکرد بازآفرینی شهری به دنبال ایجاد محیطی پایدار، با مشارکت ساکنان بافت ناکارآمد و بررسی ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، روبه‌رو بوده است (ایزدی، قاسمی و سالاری، ۱۳۹۰، ص. ۲). آنچه امروزه با عنوان «بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد و فرسوده، تاریخی و حاشیه‌ای» در ادبیات برنامه‌ریزان به کار گرفته می‌شود، حاصل چاره‌اندیشی شهرسازان متأخر برای جلوگیری از گسترش افقی از زوال روزافزون و غلبه بر ناکارآمدی و احیای این بافت‌ها به‌ویژه در محله‌های سنتی موجود، جلوگیری از گسترش افقی در پیرامون شهرها و مقابله با جوامع وابسته با اتومبیل است (روستایی، پوراحمد، مرصوعی و علی اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۴۰). همچنین یکی از چالش‌های مهم یعنی تعیین سیاست‌های ملی و محلی مناسب برای بازآفرینی شهری مناطق مغفول مانده است (سیزیولکا و بوروف^۱، ۲۰۲۱، ص. ۱). بازآفرینی در بافت فرسوده شهری از طریق بهبود حیات محیطی، اقتصادی و اجتماعی شهر به دست می‌آید و طیف وسیعی از فعالیت‌هایی را توصیف می‌کند که زندگی جدیدی به مناطق فرسوده و کهن شهر می‌بخشند، باعث تجدید حیات ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها، تأسیسات شهری و محیط ساخته شده می‌شوند، به توسعه مجدد ساختارهایی منجر می‌شوند که پایان عمر مفیدشان فرارسیده است (گالدینی^۲، ۲۰۰۵، ص. ۱۴)؛ با تکیه بر مشارکت مردمی این امر حاصل می‌شود (ایزدی، قاسمی و سالاری، ۱۳۹۰، ص. ۲). مشارکت عمومی از مهم‌ترین اصول و مقدمات موفقیت در بازآفرینی شهری است (ارزمانی، وطن پرست و معتمدی، ۱۳۹۸، ص. ۳۴). در این بین ظرفیت‌های مشارکتی می‌توانند به‌عنوان بخشی از دارایی‌های بالقوه جامعه محلی در خدمت اقدامات مداخله جویانه در مناسبات محلی قرار گیرند؛ به‌ویژه اینکه این ظرفیت‌ها به‌دلیل خصلت‌های جامعه انسانی، از قابلیت نوزایی، بازتولید، ابتکار و اصلاح برخوردارند (رفیعیان و احمدزاده نانو، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۴). یکی از مسائل مهم در بازآفرینی بافت‌های فرسوده، حضور جدی نداشتن ساکنان و سازمان‌های مردم‌نهاد در هریک از مراحل

1. Ciesiółka & Burov

2. Galdini

این فرایند است؛ به‌طوری‌که ساکنان همیشه ناظر و شنونده سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده هستند و سازمان‌های مردم‌نهاد در مسائل بازآفرینی نقش نداشته‌اند. با توجه به اینکه در طرح‌های بازآفرینی پیشین، جایگاه مشارکت شهروندی به‌درستی تبیین نشده بود، از اهداف خود بازمانده و بازآفرینی پایدار شهری انجام نشده است (میرزایی ارجنکی و شبانی شهرضا، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱).

شهرک شهید باهنر که جزو بافت‌های ناکارآمد شهر مشهد است، در این پژوهش به‌عنوان نمونه مورد مطالعه برگزیده شده است. شهرک شهید باهنر به‌دلیل محدوده منفصل شهری که در قالب دو محله به نام‌های محله شهید باهنر و محله شهید بسکابادی است و در سال ۱۳۹۳ به ناحیه ۳ از منطقه ۶ شهرداری مشهد اضافه شده است، کارکردی خاص، موقعیتی ویژه و اثرگذار دارد. بررسی تاریخچه شکل‌گیری و تحولات روی‌داده در شهرک شهید باهنر و بافت آن، نشانگر مجموعه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌ها با سایر محله‌ها و بافت‌های مسئله‌دار و ناکارآمد شهری است. از سویی بسیاری از افراد ساکن محله از فرسودگی کالبدی رنج می‌برند و از سوی دیگر به‌دلیل هویت پررنگ محلی و ترکیب جمعیتی و قومیتی خاص دارای ویژگی‌های چندگانه‌ای است که محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی را برای توسعه به وجود آورده است. پژوهش حاضر درصدد شناخت ظرفیت‌های موجود در مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی در شهرک شهید باهنر است تا در گام‌های بعدی به‌طور مقتضی، از نتایج پژوهش در راستای پایداری فرایند بازآفرینی بافت محله‌های ناکارآمد شهری استفاده شود.

۲. پیشینه تحقیق

این پژوهش به‌منظور بررسی و شناسایی ظرفیت‌های بازآفرینی محله‌های ناکارآمد شهری در حاشیه کلان‌شهرهای ایران (با تأکید بر کلان‌شهر مشهد) با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی از طریق وساطت و نقش آفرینی دفاتر تسهیلگری انجام شده است. کلیدواژه‌های اصلی و اصطلاح‌شناسی این تحقیق شامل برنامه‌ریزی مشارکتی، مشارکت، دفاتر تسهیلگری، بازآفرینی و بافت ناکارآمد است؛ بنابراین پیشینه این تحقیق براساس محورهای یادشده بیان می‌شود.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهش

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۱

نام نویسنده	موضوع	نتایج
هیفنگ و مارتین دی جانگ ^۱ (۲۰۱۷)	مشارکت شهروندان در توسعه اکوشهر چین	در این پژوهش بیان شده که سیاست چین اخیراً شهرنشینی نوع جدیدی را اتخاذ کرده و به مقایسه حالت‌های مختلف مشارکت یک روستا و یک شهر در دو مرحله تصمیم‌گیری و پیاده‌سازی پرداخته شده است. براساس نتایج، مشارکت شهروندان در جامعه روستایی بیشتر واکنشی و جمعی است؛ درحالی‌که در محیط شهری بیشتر فردگرایانه و پیشگیرانه است.
لوک بویل ^۲ (۲۰۱۸)	نقدی بر کاربرد ابزارهای ارزیابی پایداری محله در بازآفرینی شهری	در این مقاله از دانش موجود درمورد ابزارهای NSA برای برجسته کردن کاستی‌های رویکردهای مبتنی بر نتایج در مدیریت شهری استفاده شده است. وی پیشنهاد می‌کند که استراتژی‌های بازآفرینی شهری باید از واقعیت‌های شهری یک مکان یا زمینه خاص استخراج شود. چنین استراتژی‌هایی باید مبتنی بر اصول حاکمیت شهری، اقدامات مشارکتی و درک پویایی بازار باشد. بدون چارچوب‌های رویه‌ای مشارکتی، پروژه‌های بازآفرینی شهری به‌طور ناکافی به سمت پایداری جامع‌تر ادامه می‌دهند.
اریک اریکسون ^۳ (۲۰۲۱)	باز کردن جعبه سیاه برنامه‌ریزی مشارکتی: مطالعه چگونه برنامه‌ریزان با نظرات شهروندان برخورد می‌کنند	هدف این مطالعه اکتشافی، باز کردن این جعبه سیاه و بررسی نحوه مدیریت ورودی شهروندان توسط متخصصان برنامه‌ریزی محلی است. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که چندین تصمیم خرد در طول فرایند مرتب‌سازی گرفته می‌شود و این تصمیمات بر ورودی‌هایی تأثیر می‌گذارد که به نهادهای رسمی تصمیم‌گیری می‌رسد و اینکه در چه شکلی است. نتایج، قدرت اعمال‌شده توسط بازیگران برنامه‌ریزی شهری و چگونگی تأثیر آن‌ها بر سرنوشت ورودی شهروندان را نشان می‌دهد.
کاترینا سیتی ^۴ (۲۰۲۱)	برنامه‌ریزی مشارکتی برای پایداری محلی با هدایت اهداف توسعه پایدار	این مقاله رویکردی را برای ایجاد مشترک یک طرح پایداری محلی با استفاده از SDGs برای یک جامعه روستایی در جنوب شرقی استرالیا با استفاده از تکنیک‌های مشارکتی برای ایجاد مشترک، جمع‌آوری داده‌ها و بررسی توصیف کرده است. اگر جوامع محلی برنامه‌های پایداری را با استفاده از SDGs ایجاد کنند، آنگاه چنین برنامه‌ریزی بین مقیاس‌های جغرافیایی و در سراسر آن سازگار خواهد بود و با اهداف جهانی همسو

1. Huifeng & Martin de Jong

2. Luke Boyle

3. Erik Eriksson

4. Katrina Szetey

نام نویسنده	موضوع	نتایج
		خواهد بود.
رسول نازی، نقیبی و خسرو نیا (۱۴۰۱)	بررسی نقش ظرفیت‌های عمومی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری	در این پژوهش پس از درگیر شدن مردم در فرایند بازآفرینی سرانه، کاربری‌های مورد نیاز در محلات واجد الویت به سرانه استاندارد نزدیک شده است؛ بنابراین پیش شرط همه برنامه‌های مشارکتی باور سیاست‌گذاران و مدیران شهری، تأثیر مشارکت شهروندان در حل مسائل و مشکلاتی است که بهبود کیفیت زندگی آن‌ها در گرو یافتن راه‌حل و چاره‌ای مناسب برای آن‌هاست.
قاسمی سیانی، قاسمی و حیدری (۱۳۹۹)	تدوین چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی مشارکتی محله محور در شهرهای ایرانی (مطالعه موردی: محله‌های سیروس، جوادیه و هفت چنار شهر تهران)	در این مقاله تلاش شده است، با مطالعه تجربه نوسازی در سه محله سیروس، جوادیه و هفت‌چنار تهران که با رویکرد برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی و برنامه‌ریزی مشارکتی اجرا شده است، ضمن احصاء موانع مشارکت، الگویی برای اجرای پروژه‌های آینده ارائه شود. نتایج بیانگر آن است که موانع موجود به دو دسته عوامل ساختاری و عاملیتی دسته‌بندی می‌شود؛ بنابراین برای جلب مشارکت مردم باید این عوامل ساختاری و عاملیتی را با یکدیگر هماهنگ کرد و تعامل مثبت و دوسویه بین آن‌ها برقرار کرد.
تقوایی و طاهری (۱۳۹۹)	بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری (مطالعه موردی: منطقه سه شهر اصفهان)	هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری در محدوده منطقه سه شهر اصفهان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری شهر اصفهان مؤثر است و بازآفرینی فضاهای شهری بر رشد و توسعه گردشگری شهری شهر اصفهان اثرات مثبت رونقی دارد.
امینی، صارمی و قالیباف (۱۳۹۷)	بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران براساس شاخص‌های کالبدی بازآفرینی پایدار شهری	این پژوهش به لحاظ هدف، توسعه‌ای کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. همچنین نتایج بررسی مدل تلفات انسانی نشان می‌دهد، بیشترین وضعیت تلفات با تعداد ۱۰۶۵۸۴ نفر با ضریب $d\&M$ در وضعیت تلفات بلافاصله پس از فرو ریختن قرار دارد.
روشن علی و عندلیب (۱۳۹۷)	مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد شهری مهم‌ترین مرحله مشارکت‌دهی ساکنان در موفقیت برنامه‌های نوسازی (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران)	این پژوهش مبتنی بر اولویت مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد در ترغیب مردم به مشارکت، مطرح شد و طرح محله شهید خوب ارزیابی شد. نتایج نهایی بر مبنای یافته‌های کمی و انجام تحلیل‌های کیفی ارائه شد. همچنین اهمیت مرحله و مسئله‌یابی در فرایند نوسازی، به‌عنوان مرحله شناخت نیازها و مشکلات ساکنان و توانمندی آن‌ها در جهت رفع نیازها در سیاست‌های نوسازی نیز تأیید شد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر روش‌شناسی تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز به شیوه‌های اسنادی و میدانی به‌ویژه مشاهده‌ها و کشفیات عینی محقق و همچنین مصاحبه، تکمیل پرسشنامه و تنظیم مدارک و اسناد صوتی و تصویری گردآوری شده است. در این پژوهش از جامعه شهروندان محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی برای پرسشگری استفاده شد. شایان ذکر است، سال ۱۳۹۳ محله‌های شهیدان باهنر و شهید بسکابادی به‌عنوان محدوده منفصل شهری در قالب دو محله به نام‌های محله شهید باهنر و محله شهید بسکابادی به ناحیه ۳ از منطقه ۶ شهرداری شهر مشهد اضافه شدند که تا قبل از آن در خارج از محدوده قانونی شهری و در بخش رضویه و دهستان میامی در جنوب شرقی شهر مشهد واقع شده بودند. محله‌های شهیدان باهنر و شهید بسکابادی در امتداد محور خیابان حر بعد از شهرک شهید رجایی (ساختمان) قرار دارند. جامعه آماری پژوهش، ۳۳,۹۳۷ نفر ساکن محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۹۵ بود که با استفاده از فرمول کوکران برای تعیین تعداد نمونه پرسشگری‌شده، ۳۷۹ پرسشنامه به‌صورت کامل از سطح کل شهرک شهید باهنر تکمیل و پرسشگری شد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که انتخاب نمونه‌ها از سطح محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی به‌طور تصادفی انجام شد و سپس پرسشگری شد. همچنین در این پژوهش با توجه به اهداف، از روش آماری تحلیل عاملی برای تحلیل‌های آمار استنباطی با کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شد و تحلیل‌های آماری با آزمون‌های t -test، مقایسه میانگین و ضریب همبستگی نیز انجام شد.

قلمرو پژوهش شهرک شهید باهنر با مساحت ۲۲۷ هکتار است و در سال ۱۳۹۵ طبق مرکز آمار، ۳۳,۹۳۷ نفر جمعیت در این محله ساکن بودند. محدوده مورد مطالعه به‌صورت منفصل از بافت شهری به لحاظ الگو و ترکیب بافت به شکل ارگانیک شکل گرفته است و به‌عنوان سکونتگاه اسکان غیررسمی در حریم شهر مشهد شناخته می‌شود. اطراف محله شهرک شهید باهنر را به‌طور کامل اراضی زراعی آستان قدس پوشش داده‌اند که به‌طور جزئی‌تر این محله از شمال به اراضی زراعی آستان قدس در امتداد جاده میامی، از غرب به شهرک شهید رجایی، از جنوب به شهرک طرق و از شرق به کال طرق، نیروگاه شریعتی و روستای سالارآباد و جاده

سرخس محدود شده است. محله شهرک شهید باهنر در ۵۹ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۴۳ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱۵ دقیقه عرض جغرافیایی قرار گرفته است. در ارتباط با ویژگی خاص محدوده مکانی تحقیق، ضروری است به نقش آستان قدس رضوی که مالک حدود ۷۰ درصد از عرصه کل شهر مشهد (به‌عنوان یک ویژگی منحصر به فرد شهری) نیز اشاره شود. در همین راستا، نوع نگاه، سیاست‌ها و برنامه‌های آستان قدس به عرصه کلی شهر و به‌ویژه حاشیه آن که دارای بافت‌های ناکارآمد و فرسوده شهری است، قابل تجزیه و تحلیل است؛ به این مفهوم که از منظر آستان قدس رضوی، نگاه به تجاری‌سازی (ساخت‌وساز برج و باروهای بلندمرتبه) و توسعه فضای سبز با تأکید بر حفظ محیط‌زیست شهری به‌ویژه در بافت‌های ناکارآمد حاشیه شهر (ازجمله محله‌های شهیدان باهنر و بسکابادی) بازتاب‌های متفاوتی در نوع توسعه شهری و ترکیب افزایش درآمدی ناشی از گسترش فضاها، تجاری و میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی ساکنان شهر، به‌ویژه حاشیه شهر خواهد داشت. توجه به جایگاه و منزلت انسانیت و انسان‌محوری، همچنین ارتقای سلامت جسم و روان ساکنان کلان‌شهرها و به‌ویژه حاشیه‌نشینان آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است.



شکل ۱. موقعیت شهرک شهید باهنر

مأخذ: واحد نقشه و کارتوگرافی شهرداری مشهد، بازتولید: نگارندگان، ۱۴۰۱

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. مشارکت

واژه «مشارکت» از نظر لغوی بر وزن مفاعله یعنی شرکت دوجانبه افراد برای انجام دادن کاری است. همچنین شرکت کردن با هم و با هم شریک شدن از جمله معانی آن در نظر گرفته شده است (تالشی و عفتی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷). به‌ویژه در مفهوم توسعه پایدار، واژه «مشارکت» جایگاه خاصی دارد و این واژه امروزه به یکی از واژه‌های کلیدی فرهنگ توسعه تبدیل شده است؛ با وجود این، هنوز برداشت مشخص و یکسانی از مفهوم مشارکت وجود ندارد. این تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نیست، بلکه ریشه‌های تاریخی کاربرد عملی و دلالت‌های نظری آن را نیز در بر می‌گیرد (آقامیری، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۶). مشارکت به

معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر زندگی آنان است. مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت‌پذیری. مشارکت در عین حال که هدف است، یکی از نیازهای اساسی بشری نیز به شمار می‌رود (ارجمندینا، ۱۳۸۰، ص. ۳). مشارکت عبارت است از مجموعه جریان کار و عملیاتی که تمام اعضا -از بالا به پایین- در روند تصمیم‌گیری‌های مربوط به یک جامعه یا سازمان دخالت کرده و با همدیگر مشارکت می‌کنند. تأکید اصلی این نوع مدیریت بر همکاری و مشارکت علاقه‌مند و اختیاری عموم افراد استوار است و قصد دارد از ایده‌ها، نظرات و ابتکارات آن‌ها در حل مشکلات و مسائل استفاده کند؛ از این رو اساس فرایند این نوع مدیریت بر تقسیم اختیارات بین افراد استوار است (طوسی، ۱۳۸۰، ص. ۲۱). بعضی از صاحب‌نظران مشارکت را ابزار توسعه می‌دانند و برخی دیگر از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی، اصل مشارکت مردم را عین توسعه می‌دانند. تحولات اقتصادی چند سال اخیر در کشورمان با عنوان «خصوصی‌سازی» بهانه‌ای برای ایجاد زمینه مشارکت اقتصادی و اجتماعی بیشتر مردم است. تا قبل از این توسعه به صورت یک‌جانبه صورت می‌گرفت؛ به این صورت که طرحی از سوی دستگاه‌های دولتی مطرح می‌شد و مفهوم مشارکت مردمی تنها در قبول طرح و نظر مجریان خلاصه می‌شد (کمال‌خواه، ۱۳۷۸، ص. ۵). مفهوم مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری به‌ندرت با رژیم‌های سیاسی استبدادی که از رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین حمایت می‌کنند، مرتبط بوده است (بلاگوویچ و پریک^۱، ۲۰۲۱، ص. ۲).

تعاریف متعددی از مشارکت مردمی مطرح شده است که هرکدام به سطوح مختلفی از تأثیرگذاری شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی اشاره دارند. از دیدگاه کریتون^۲، مشارکت مردمی فرایندی است که به‌وسیله آن نگرانی‌ها، ارزش‌ها و نیازهای مردم به‌منظور تصمیم‌سازی جمعی مدنظر قرار می‌گیرد. در این فرایند، ارتباط و تعامل دوطرفه با هدف کلی

1. Blagojevic & Peric

2. Creighton

تصمیمات بهتر و حمایت‌شده از سوی مردم، برقرار می‌شود. (کریتون^۱، ۲۰۰۵، ص. ۷). هویی‌زن^۲ مشارکت مردمی را دخالت دادن مردم در زمینه‌هایی از توسعه و طرح ریزی شهری می‌داند که به عموم شهروندان مربوط می‌شود (هویی‌زن، ۱۳۷۷، ص. ۹۶). پریسکولی^۳ مشارکت مردمی را رابطه‌ای دوطرفه شامل کسب اطلاعات از مردم و در ادامه ارائه ایده‌ها، مشکلات و نگرانی‌ها به آنان تعریف کرده است (پریسکولی، ۲۰۰۳، ص. ۶۱). آلموند و پاول، بر نقش خوداتکایی افراد در نوگرایی و مشارکت مردمی تأکید کرده‌اند. از نظر آن‌ها، انسان نوگرا، شهروند مطلع و مشارکت‌کننده‌ای است که علاوه بر اعتماد بر خود در مورد تصمیم‌گیری‌های زندگی‌اش مستقل عمل می‌کند و پذیرای ایده‌ها و افکار جدید است. مشارکت مردمی مبین نحوه بهره‌برداری شهروندان دارای نگرش‌های مشارکتی مختلف از فرصت‌هایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند (علمی، ۱۴۰۰، ص. ۷۰). به‌طور خلاصه، مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی که براساس آن، مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه‌ای خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن، به‌طور گروهی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری برای رسیدن به اهداف ازپیش تعیین‌شده براساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی‌شده و با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها برای یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه سعی می‌کنند (فنی و صادقی، ۱۳۸۸، ص. ۶۱). برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، شناخت عوامل مؤثر بر این امر ضروری است (احمدی، ۱۳۷۷، ص. ۳۲). اقدام مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می‌پذیرد که اول اینکه قصد و نیت او برای مشارکت شکل گرفته باشد و او انگیزه کافی برای مشارکت یافته باشد و دوم اینکه امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم شده باشد (علوی‌تبار، ۱۳۸۲، ص. ۲۲-۲۳).

1. Creighton

2. Hovi Zen

3. Priscoli

۴.۲. بافت فرسوده

واژه «فرسوده» اسم مفعول از فرسودن به معنی «به‌غایت کهنه و ازهم‌ریخته و پایمال‌شده و افسرده‌شده» است (لغت نامه دهخدا). مراد از بافت شهری، گستره‌ای هم‌پیوند است که با ریخت‌شناسی‌های متفاوت طی دوران حیات شهری در محدوده شهر یا حاشیه شهر یا حاشیه آن در تداوم با شهر گرفته باشد. این گستره می‌تواند از بناها، مجموعه‌ها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری یا ترکیبی از آن‌ها تشکیل شده باشد (شفاهی، ۱۳۸۵، ص. ۶). بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها گفته می‌شود که به‌دلیل فرسودگی و سطح نازل کیفیت محیطی در آن‌ها، مسائل و مشکلات خاصی را برای شهرها به وجود آورده‌اند (ساسانی، ساسانی و ذبیحی، ۱۳۹۹، ص. ۸۲۴). همه بافت‌های فرسوده شهری یا در گذشته قابل سکونت بوده‌اند و در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی به فرسودگی گراییده‌اند یا در زمان شکل‌گیری مطلوبیت لازم نداشته‌اند و فرسودگی در آن‌ها در مدت زمانی کوتاهی آشکار شده است (ماجدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، بی‌تعدالی، بی‌تناسبی و بی‌قوارگی آن می‌شود (بهنه، کلانتری خلیل‌آباد و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۱). درواقع، بافت فرسوده شهری نظام زیستی شهری را هم از لحاظ ساختار و هم از حیث کارکرد اجزا مختل و ناکارآمد می‌کند (قاسمی، میری و حافظ‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۶۴۰). بافت‌های فرسوده شهری صرفاً محیط‌های دارای بافت کاربردی فرسوده نیستند، بلکه این محل‌ها بازتاب عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی-فنی و عوامل ارزشی-اعتقادی و نیز نوع روابط انسانی موجود در جامعه و محیط بزرگ‌تر هستند (لطیفی و مروتی، ۱۳۹۱، صص. ۱۹۰-۱۹۱).

بافت‌های فرسوده به‌علت آسیب‌ها، در کلیت با یکدیگر وجوه مشترک دارند، اما به‌علت عوامل مؤثر بر فرسوده‌بودن ماهیت متفاوت دارند. این تفاوت، بافت‌ها را درسه گروه زیر قرار می‌دهد:

الف. بافت‌های دارای میراث شهری. مراد از بافت‌های دارای میراث شهری، بافت‌های فرسوده‌ای است که به‌رغم فرسودگی در گستره آن‌ها بناها، مجموعه فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش یا ترکیبی از آن‌ها وجود دارد (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۴، ص.

۸). نکته مهم این است که جدا کردن بافت‌های دارای میراث از سایر بافت‌ها به‌علت اهمیت آن‌ها، به‌هیچ‌وجه به مفهوم حذف این گونه بافت‌ها از دستور کار مداخله در بافت‌های فرسوده نیست؛ بلکه این امر تنها تأکیدی بر ضرورت همکاری و نظارت سازمان میراث فرهنگی بر اقدامات نهادهای مسئول در حفظ منطقی و تخصصی میراث‌های باارزش در این بافت‌هاست (شفیعی نسب و گلابی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲)؛

ب. بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری). مراد از بافت‌های شهری، بافت‌های فرسوده‌ای است که در لایه‌های درونی شهر جای دارند. این بافت‌ها یا در کالبد‌های به‌جای‌مانده در دل بافت‌های قدیمی قرار گرفته‌اند یا حاصل استقرار افراد فرودست جامعه در زمین‌های خالی درون‌شهری و برون‌شهری‌اند که با گسترش شهرها با آن‌ها درآمیخته‌اند (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۴، ص. ۸)؛

ج. بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی). مراد از بافت‌های حاشیه‌ای، بافت‌های فرسوده‌ای است که به‌علت نبود تناسب میان درآمد متقاضیان سکونت در شهرهای بزرگ و هزینه‌های سکونت در آن‌ها، بیشتر به‌طور غیر رسمی در حاشیه شهرها شکل گرفته‌اند. ساکنان این بافت‌ها، بیشتر مهاجران جویای کار هستند که در شهرهایی ساکن شده‌اند که توانمندی‌های زیاد در عرصه‌های اشتغال و خدمات دارند (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۴، ص. ۹).



شکل ۲. انواع بافت‌های فرسوده

مأخذ: نگارندگان، به اقتباس از مهندسین مشاور شاران، ۱۴۰۱

۴.۳. بازآفرینی شهری

واژه "Regeneration" از ریشه فعل Regenerate به معنی «احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیاشدن و از نو رشد کردن» است. در تعریف این عبارت گفته می‌شود، به معنی بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده است که در معرض نابودی قرار گرفته است (عندلیب، بیات و رسولی، ۱۳۹۲، ص. ۸۶). این واژه به شکل گسترده‌ای پس از ۱۹۹۵، به‌عنوان جایگزینی برای نوسازی شهری در عرصه ادبیات شهرسازی جریان یافت (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰). بازآفرینی شهری فرایند توسعه همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی در محله‌های هدف در پیوند با باقی شهر است (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۴). درحقیقت، بازآفرینی شهری بافت فرسوده را در محیط اطراف خود تقویت یا حفظ می‌کند و درعین حال، امکان ایجاد جذابیت را فراهم می‌کند (آهوکپه و سردارگلن^۱، ۲۰۲۱، ص. ۱۳). بازآفرینی شهری عبارت است از مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد؛ به‌طوری‌که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی را به وجود می‌آورد که دستخوش تغییر شده است (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). مناطقی که دچار انحطاط شهری هستند، با ترکیبی از مشکلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در هم تنیده شده‌اند که ابعاد مختلف زوال شهری (ازجمله زوال اقتصادی، زوال اجتماعی، زوال فیزیکی و زوال محیطی) را تشدید می‌کند و کیفیت زندگی ساکنان را کاهش می‌دهد؛ بنابراین انگیزه کافی برای مداخله سیستم‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در این حوزه‌ها فراهم می‌شود. روش جدید مداخله، استفاده از رویکرد بازآفرینی شهری است. این رویکرد براساس مشارکت عمومی و خصوصی به بازآفرینی فضاهای شهری پویا به‌منظور حفظ و ارتقای کیفیت زندگی شهری منجر می‌شود؛ بر این اساس، بازآفرینی شهری فرایند توانمندسازی جامعه را در دستور کار قرار داده است تا سطح مشارکت شهروندان ساکنان این مناطق افزایش یابد تا بتوانند مشکلات خود را حل کنند (امیری، ۲۰۲۲، ص. ۱).

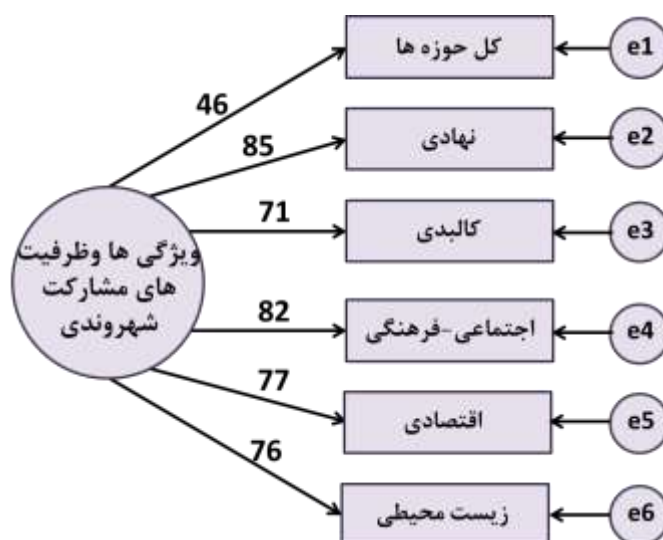
جدول ۲. مفهوم بازآفرینی شهری

مأخذ: رحمن‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۷

انواع کلی بازآفرینی شهری	-تحمیلی: بازآفرینی در محله‌هایی که برای مدت طولانی متروکه مانده‌اند. -فرصت‌طلبانه: بازآفرینی در محدوده‌ای که سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی زمین‌های در دسترس را برای پروژه‌های بزرگ زیرنظر دارند. -پیشگیرانه: بازآفرینی در بافت‌هایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی رو به زوال‌اند.
ابعاد جامع	-محیطی و کالبدی: کیفیت فیزیکی شهر، کیفیت زیرساخت‌ها، منابع محیطی در حال استفاده، مدیریت پساب، آلودگی، ریخت‌شناسی زمین و مناظر شهری -اجتماعی: تحلیل دغدغه‌ها و نگرانی‌های اجتماعی، محرومیت‌ها، توانایی و قابلیت‌ها، استعداد مردمی، نژادی و...
ماهیت بازآفرینی	-مداخله‌گر است. -با فعالیت بخش‌های اجتماعی عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد. -در طول زمان همواره با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی تغییرات درخور ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد. -به بسیج جمعی می‌پردازد. -مبتنی بر عملکرد عناصر مختلف شهری اقتصادی اجتماعی کالبدی و محیطی است.
هادیان داخلی تغییر	مانند استراتژی‌های موجود، میزان در دسترس بودن منابع، اولویت‌های ساکنان، وضعیت مشارکت، رهبری و قهرمانان
طرح‌های توسعه	-اقدامات عملی و تئوری شهری -سیاست‌گذاری‌ها -ابزارهای قانونی
اهداف بازآفرینی	-کالبدی: ساخت مجدد مراکز شهری، بهبود مسکن، طراحی شهری ترفیع‌یافته و کیفیت، میراث، تسهیلات اجتماعی جدید، حمل‌ونقل -اجتماعی: آموزش مجدد شاغلان، بهبود و ارتقای وضعیت آموزش و خدمات سلامت، نوسازی محله‌های درونی، تسهیلات اجتماعی محلی، طرح‌ریزی نقشه‌های مردم‌رهبر، برنامه‌های محیطی بومی -اقتصادی: حمایت از بنگاه‌های اقتصادی موجود و جدید، فرصت‌های جدید اقتصادی، تنوع اقتصادی محیطی: اقدامات زیست‌محیطی، ارتقای فضاهای سبز
راهبردهای رسیدن به بازآفرینی شهری	-ایجاد چارچوبی برای تحلیل مشکلات شهری و شناسایی توان بالقوه توسعه -ایجاد راهبردی همه‌جانبه و شناسایی توان بالقوه توسعه -شناسایی محدودیت‌ها، فرصت‌ها و منابع موردنیاز برای اجرای پیشنهادها -ایجاد چارچوبی برای مدیریت یا تقسیم وظایف و شناسایی منابع -ارزیابی و مرور تمامی عملکردهای مذکور

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد، با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم شناسایی شده و وضعیت وجود این ظرفیت‌ها در شهرک شهید باهنر بررسی شده است. طبق نتایج پژوهش، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی شامل کل حوزه‌ها، نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است و همچنین ظرفیت مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد از نظر زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد.



شکل ۳. شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

در شکل ۳، اعداد نشان‌داده‌شده روی مسیرها ضرایب استاندارد شده هستند. در جدول ۳، ضرایب رگرسیونی برآورد شده به همراه مقادیر معناداری و سایر شاخص‌های آماری آن‌ها ارائه شده است. همان‌طور که در این جداول مشاهده می‌شود، به‌ازای تمامی ضرایب رگرسیونی، مقادیر بارهای عاملی برای همه گویه‌ها از $0/4$ بیشتر است؛ بنابراین تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیر پنهان	متغیر مشاهده شده	ضریب استاندارد شده	انحراف معیار	آماره t	p-value
ظرفیت‌های مشارکت شهروندی	کل حوزه‌ها	۰/۴۳۴	-----	-----	-----
	نهادی	۰/۴۸۲	۰/۱۳۱	۶/۶۷۳	۰/۰۰۰
	کالبدی	۰/۷۴۱	۰/۳۷۸	۸/۱۱۳	۰/۰۰۰
	اجتماعی-فرهنگی	۰/۹۰۵	۰/۳۴۵	۸/۵۶۱	۰/۰۰۰
	اقتصادی	۰/۸۵۶	۰/۳۰۸	۸/۴۷۷	۰/۰۰۰
	زیست محیطی	۰/۳۹۷	۰/۲۱۸	۵/۹۳۳	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول ۳، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر عبارت‌اند از: کل حوزه‌ها، نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی.

در این بخش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه دویه‌دوی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی، به صورت ماتریس ضرایب تهیه و تحلیل شده است.

جدول ۴. رابطه دویه‌دوی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ظرفیت‌ها	کل حوزه‌ها	نهادی	کالبدی	اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	زیست محیطی
کل حوزه‌ها	۱					
	ضریب همبستگی					
نهادی	۰/۴۰۰	۱				
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰				
کالبدی	۰/۵۰۳	۰/۵۴۸	۱			
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
اجتماعی-فرهنگی	۰/۶۰۱	۰/۳۳۷	۰/۴۹۷	۱		
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
اقتصادی	۰/۵۴۷	۰/۳۳۱	۰/۵۴۲	۰/۷۵۲	۱	
	ضریب همبستگی					

ظرفیت‌ها		کل حوزه‌ها	نهادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	اقتصادی	زیست‌محیطی
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
زیست‌محیطی	ضریب همبستگی	۰/۲۱۱	۰/۴۳۱	۰/۱۷۶	۰/۲۹۳	۰/۱۶۲	۱
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	

طبق جدول شماره ۴، همبستگی دویه‌دوی ظرفیت‌ها معنادار است؛ زیرا مقدار معناداری برای دویه‌دوی آن‌ها از ۰/۰۵ کمتر است. همچنین رابطه بین دویه‌دوی ظرفیت‌ها مستقیم است؛ زیرا مقدار ضریب همبستگی برای همه آن‌ها مثبت است. براساس نتایج، شدت رابطه بین ظرفیت اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی از همه بیشتر و برابر با ۰/۷۵۲ است.

برای بررسی وضعیت موجود ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر نیز از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. این آزمون میانگین متغیر مدنظر را با عدد ثابتی مقایسه می‌کند. عدد ثابت در اینجا با توجه به اینکه پرسشنامه از طیف لیکرت پنج‌تایی است، عدد ۳ است. اگر میانگین متغیر مدنظر از عدد ۳ بیشتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت ظرفیت مدنظر در حد مطلوب است.

جدول ۵. بررسی وضعیت موجود ظرفیت‌های مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

وضعیت موجود	مبنای مقایسه = عدد ۳						ظرفیت‌های مشارکت
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		میانگین	مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره T	
	کران زیاد	کران کم					
در حد مطلوب	۰/۶۸۱	۰/۵۵۴	۳/۶۱۷	۰/۰۰۰	۳۷۸	۱۹/۱۵۴	کل حوزه‌ها
در حد مطلوب	۰/۲۶۸	۰/۱۶۰	۳/۲۱۴	۰/۰۰۰	۳۷۸	۷/۷۷۸	نهادی
در حد مطلوب	۰/۴۳۰	۰/۱۹۳	۳/۳۱۱	۰/۰۰۰	۳۷۸	۵/۱۶۲	کالبدی
در حد مطلوب	۰/۵۰۲	۰/۳۲۱	۳/۴۱۲	۰/۰۰۰	۳۷۸	۸/۹۷۶	اجتماعی-فرهنگی
در حد مطلوب	۰/۵۸۷	۰/۴۰۸	۳/۴۹۷	۰/۰۰۰	۳۷۸	۱۰/۹۱۴	اقتصادی
در حد پایین	-۰/۰۳۸	-۰/۲۲۹	۲/۸۶۶	۰/۰۰۶	۳۷۸	-۲/۷۵۹	زیست‌محیطی

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۵، مقدار سطح معناداری برای وضعیت موجود همه ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر برای همه ظرفیت‌ها از ۰/۰۵ کمتر است؛ بنابراین کل حوزه‌های نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر تأثیرگذارند و همه حوزه‌ها نیز با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. همچنین از آنجاکه میانگین زیست-محیطی برابر با ۲/۸۶۶ و از حد متوسط عدد ۳ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، ظرفیت مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد از نظر زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد، در محله بررسی‌شده، از نظر شهروندان وضعیت رعایت حقوق شهروندی در شهرداری منطقه ۶ مشهد در سطح متوسطی است (میانگین ۲/۹۲۱). سازوکارهای مناسب از سوی مدیریت رسمی شهر برای مشارکت‌پذیری مردم در حد متوسط است (میانگین ۲/۹۶۸). در اطلاع‌رسانی از سوی مدیریت شهری (شهرداری) به ساکنان محله شفافیت وجود ندارد (میانگین ۲/۷۰۴). مردم محله مشارکت لازم را در زمینه پاکیزه نگه داشتن اراضی رهاشده پشت بلوکه‌های آستان قدس رضوی ندارند (میانگین ۲/۵۴۴) و همچنین مردم محله مشارکت لازم را در زمینه نظارت و جلوگیری از ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی در حاشیه کال شهرک ندارند (میانگین ۲/۴۵۹).

جدول ۶. بررسی وضعیت موجود گویه‌های مربوط به ظرفیت‌های مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

وضعیت گویه	مبنای مقایسه = عدد ۳			گویه‌ها
	میانگین	مقدار معناداری	آماره T	
در حد مطلوب	۳/۶۱۲	۰/۰۰۰	۱۲/۰۱۳	همکاری و مشارکت بین شهروندان و شهرداری در امور مختلف در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح قابل‌قبولی وجود دارد.
در حد مطلوب	۳/۳۵۶	۰/۰۰۰	۶/۵۸۷	گروه‌های ذی‌نفع جامعه محلی از نظر جایگاه سیاست‌گذاری‌ها و اجرای برنامه‌های شهرداری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی نیستند.

وضعیت گویه	مبنای مقایسه = عدد ۳			گویه‌ها
	میانگین	مقدار معناداری	آماره T	
در حد مطلوب	۳/۳۰۱	۰/۰۰۰	۵/۷۰۹	مدیریت شهری از مشارکت‌پذیری مردم در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدیریت محله‌های بازآفرینی در سطح مناسبی استفاده می‌کند.
در حد متوسط	۲/۹۲۱	۰/۱۹۸	-۱/۲۹۰	وضعیت رعایت حقوق شهروندی در شهرداری منطقه شش مشهد در سطح مناسبی است.
در حد مطلوب	۳/۲۰۱	۰/۰۰۰	۳/۶۵۷	تکریم ارباب‌رجوع (مردم جوامع محلی) در شهرداری منطقه شش مشهد نامناسب است.
در حد متوسط	۲/۹۶۸	۰/۵۵۹	-۰/۵۸۵	سازوکارهای مناسب از سوی مدیریت رسمی شهر (شورا و شهرداری) برای مشارکت‌پذیری مردم در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی پیش‌بینی شده است.
در حد مطلوب	۳/۳۱۱	۰/۰۰۰	۵/۱۶۲	شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی است.
در حد مطلوب	۳/۳۷۵	۰/۰۰۰	۶/۷۳۹	آموزش مستمر مردم برای افزایش فرهنگ مشارکت‌پذیری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی است.
در حد مطلوب	۳/۴۴۹	۰/۰۰۰	۸/۱۳۳	مشارکت‌پذیری بانوان و جوانان در اجرای برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در سطح مناسبی است.
در حد مطلوب	۳/۵۴۶	۰/۰۰۰	۱۰/۸۰۷	استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان محله‌های هدف بازآفرینی، نقش مؤثری در ارتقای سطح اقتصادی خانوار محله دارد.
در حد پایین	۲/۷۰۴	۰/۰۰۰	-۴/۶۴۱	شفافیت در اطلاع‌رسانی مدیریت شهری (شهرداری) به ساکنان محله‌های هدف موردقبول و رضایت مردم نیست.
در حد مطلوب	۳/۳۹۶	۰/۰۰۰	۶/۱۴۳	از منظر شفافیت و پاسخ‌گویی، همه قراردادهای مناقصه‌ها و معاملات در حوزه مدیریت شهری به‌صورت وسیع و فراگیر انتشار می‌یابد.
در حد مطلوب	۳/۳۳۰	۰/۰۰۰	۶/۳۰۷	میزان مشارکت‌پذیری مردم در اجرای برنامه‌های زیست‌محیطی محله در سطح مناسبی قرار دارد.
در حد مطلوب	۳/۱۲۹	۰/۰۲۱	۲/۳۲۱	مردم محله مشارکت لازم در زمینه جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها و قرار دادن در سطل‌های زباله را دارند.
در حد پایین	۲/۵۴۴	۰/۰۰۰	-۶/۹۲۷	مردم محله مشارکت لازم را در زمینه پاکیزه نگه داشتن اراضی

وضعیت گویه	مبنای مقایسه = عدد ۳			گویه‌ها
	میانگین	مقدار معناداری	آماره T	
				رهاشده پشت بلوکه‌های آستان قدس رضوی دارند.
در حد پایین	۲/۴۵۹	۰/۰۰۰	-۷/۹۳۲	مردم محله مشارکت لازم را در زمینه نظارت و جلوگیری از ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی در حاشیه کال شهرک دارند.

بخشی از تأثیرسنجی با پیمایش و تحقیقات میدانی و مصاحبه حضوری محقق با واکنش رضایتمندی مصاحبه‌شوندگان و ساکنان محلی حاصل شد. بخشی دیگر از تأثیرات مثبت برنامه‌ها و اقدامات دفتر تسهیلگری، با توجه به استقبال عمومی ساکنان محله و مراجعه حضوری آنان به دفتر تسهیلگری و اشتیاق به همراهی و تمایل به مشارکت‌پذیری آنان در برنامه‌ها و اقدامات پیشنهادی دفتر در مذاکرات و مصاحبه‌های حضوری ارزیابی شد. نتیجه این نظرسنجی‌ها، مشارکت‌پذیری قابل قبول ساکنان محله در انجام اقداماتی نظیر طرح‌های بهسازی و نوسازی محله، برگزاری مراسم سنتی و مذهبی، برگزاری کلاس‌های دینی و مذهبی، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، حمایت از خانواده‌های بدسرپرست، بی‌سرپرست، معتادان و... است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس روش‌شناسی تحقیق (روش تحلیل عاملی) و به دلیل تدوین مقاله از رساله‌ای که صرفاً بر مبنای سؤالات طراحی و تصویب شده و فاقد فرضیه بوده است، مقاله حاضر نیز فاقد فرضیه بوده است و در صدد پاسخ به این پرسش است که «ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد کدام است؟» بر این اساس نتایج و پیشنهادهای زیر نیز ارائه می‌شود:

۱. رفتارشناسی ساکنان قلمرو پژوهش به موضوع مشارکت‌پذیری و برنامه‌ریزی مشارکتی همانند مشارکت‌پذیری شهروندان در توسعه شهر اکوچین، بیشتر واکنشی و جمعی است. اقدامات فردگرایانه در راستای بهسازی محیط مسکونی نیز مشاهده می‌شود، اما

مشارکت‌پذیری به صورت کنش جمعی براساس همبستگی و انسجام اجتماعی متوسط رو به زیاد در فضای جغرافیایی بافت مزبور درخور توجه است.

۲. در فرایند تجزیه و تحلیل پژوهش، در قلمرو پژوهش شاخص‌های زیست‌محیطی و نهادی به ترتیب رتبه‌های پایین و متوسط دارند. برای جبران این کاستی، بهره‌گیری از مطالعه انجام‌شده در جامعه‌ای واقع در جنوب شرقی استرالیا و همسو با اهداف جهانی و راهبردی سازمان ملل برای افق زمانی ۲۰۳۰، توجه به زیرساخت‌های محیطی و برابری اجتماعی در جهت نیل به توسعه پایدار بر مبنای برنامه‌ریزی مشارکتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛

۳. در راستای برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به ظرفیت‌های موجود در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری در سطح ملی (از جمله قلمرو پژوهش) براساس مطالعات صورت‌گرفته در بافت‌های ناکارآمد شهری تهران و ارومیه، اعتماد و باور سیاست‌گذاران و مدیران برنامه‌ریزی شهری به استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری مردم (ساکنان محله‌ها)، اصلی مهم و بنیادی است؛ بنابراین مشارکت مردم در برنامه‌ریزی مشارکتی محله محور در بافت‌های ناکارآمد شهری ایران در مقیاس ملی (از جمله در قلمرو پژوهش) گامی اساسی در آغاز تحولات ساختاری و احیای محیط و بهبود مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی فضای یاد شده است؛

۴. پیشنهاد می‌شود، به کارگیری ظرفیت‌های بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری و همچنین در قلمرو پژوهش در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) متناسب با فرهنگ ساکنان محله و رعایت مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی به گونه‌ای صورت پذیرد که سازوکار برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌محوری ضمن سازگاری با محیط جغرافیایی، با اهداف جهانی نیز همسو باشد؛

۵. از برجستگی‌های مهم این پژوهش کمک به تشکیل و راه‌اندازی دفتر تسهیلگری محله و راهبری و ارزیابی مداوم آن به عنوان یک نهاد واسطه محلی و قابل تسری به سایر کلان‌شهرهای ایران است؛ بنابراین این پژوهش، توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و

مدیران شهری در کشورهای میانی و کلان‌شهرهای ایران (از جمله قلمرو پژوهش) را به تقویت مستمر و حمایت مؤثر این گونه نهادهای واسط جلب می‌کند؛

۶. کشفیات عینی و مصاحبه‌های حضوری در قلمرو پژوهش بیانگر آن است که ظرفیت‌های موجود ناشی از تنوع مذهب و قومیت در محله مدنظر مشابه با ظرفیت‌های بازآفرینی در بافت‌های نسبتاً همسان در شهرها و کلان‌شهرهای استان‌های مرزی و برخی از کلان‌شهرهای میانی ایران، درخور توجه است؛ بنابراین برای شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های موجود در این‌گونه بافت‌ها در راستای برنامه‌ریزی مشارکتی و تحقق اهداف بازآفرینی، بهره‌گیری از هسته‌های مشارکت مردمی و فرهیختگان و پیشرانان توسعه محله با محوریت دفاتر تسهیلگری (که خود نمونه‌ای از مشارکت محله‌محوری است)، ضروری و مسلم است؛

۷. با توجه به پیشینه تحقیق، به‌ویژه درباره بافت‌های ناکارآمد شهری در شهرهای ایران، به‌منظور استفاده مطلوب از ظرفیت بازآفرینی در بافت‌های یادشده با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی، موارد زیر به برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای و محلی توصیه می‌شود:

الف. باور و اعتقاد اساسی‌تر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مدیریت شهری برای تقویت زیرساخت‌های محله و فعال‌سازی زمینه‌های توسعه اقتصادی محله در بافت‌های یادشده؛

ب. بهره‌گیری مطلوب‌تر از ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان این‌گونه محله‌ها از طریق تقویت مؤلفه‌های اجتماعی (همبستگی اجتماعی، همگرایی، ارتقای حس مشارکت‌پذیری ساکنان در بازآفرینی محله)؛

ج. ایجاد و تقویت نهادهای واسطه محله‌ها متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف کشور (مانند دفاتر تسهیلگری، شورای تخصصی محله و...) به‌عنوان الگویی تجربه‌شده در جهت تسریع فرایندهای بازآفرینی بر مبنای مدیریت محله‌محوری در بافت‌های ناکارآمد شهری ایران. این امر برای تحقق

اهداف پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی و مدیریت و برنامه‌ریزی محله‌محوری مدنظر قرار گیرد.

کتابنامه

۱. ابراهیم‌زاده آسمین، ح.، اشتری مهرجردی، ا.، و حاجی زاده، ف. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری؛ مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۳۲)، ۹۷-۱۳۷.
۲. احمدی، ح. (۱۳۷۷). عوامل ظهور گسترش ایده مشارکت در برنامه‌ریزی و شهرسازی. فصلنامه پژوهش (پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی)، (۲)، ۱-۲۵.
۳. ارجمندنیا، ا. (۱۳۸۰). سازمان‌های غیر دولتی راهبرد مشارکت سازمان یافته. مدیریت شهری، ۲(۵)، ۳۳-۲۸.
۴. ارزمانی، م.، وطن‌پرست، م.، و معتمدی، م. (۱۳۹۸). راهکارهای مشارکتی در تدوین شاخص‌های بازآفرینی شهر بجنورد با رویکرد توسعه پایدار. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۸(۱۶)، ۳۷-۲۰.
۵. امینی، م.، صارمی، ح.، و قالیباف، م. ب. (۱۳۹۷). بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران بر اساس شاخص‌های کالبدی بازآفرینی پایدار شهری. پژوهشنامه نظم و امنیت اجتماعی، ۱۱(۴)، ۹۵-۱۲۴.
۶. اوکلی، پ.، و دیوید م. (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی (م. محمودنژاد، مترجم). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
۷. ایزدی، پ.، قاسمی، ف.، و سالاری، م. (۱۳۹۰). بازآفرینی پایدار راهی به سوی توسعه پایدار محلات فرسوده و مسئله‌دار شهری. کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان، اصفهان.
۸. آقامیری، ح. س. (۱۴۰۰). جایگاه مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهرداری تهران). دوفصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۳(۴)، ۱۴۲-۱۵۵.
۹. بحرینی، س. ح.، ایزدی، م. س.، و مفیدی، م. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). فصلنامه مطالعات شهری، ۳(۹)، ۳۰-۱۷.

۱۰. بهنه، م.، کلانتری خلیل‌آباد، ح.، و رضایی، م. (۱۳۹۳). منظر پردازی بافت‌های تاریخی با عناصر مبلمان شهری (مطالعه موردی: محله سیروس تهران). *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران*.
۱۱. پوراحمد، ا.، کشاورز، م.، علی‌اکبری، ا.، و هادوی، ف. (۱۳۹۶). بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۰ شهر تهران). *فصلنامه آمایش محیط*، ۱۰ (۳۷)، ۱۶۷-۱۹۴.
۱۲. تالشی، م.، و عفتی، م. (۱۳۹۸). *برنامه‌ریزی مشارکتی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۳. تقوایی، م.، و طاهری، ا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری (مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر اصفهان). *مطالعات مدیریت شهری*، ۱۲ (۴۱)، ۱۷-۲۷.
۱۴. حبیبی، س. م.، و سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، (۲۴)، ۱۵-۲۴.
۱۵. رحمن زاده، م. (۱۳۹۵). *نقش بازآفرینی کالبدی فضاهای عمومی بافت فرسوده شهری بر ارتقاء تعاملات اجتماعی* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته معماری)، دانشگاه حکیم سبزواری، ایران.
۱۶. رسول نازی، س.، نقیبی، ف.، و خسرونی، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش ظرفیت‌های مردمی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده ارومیه). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۴ (۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
۱۷. رفیعیان، م.، و احمدزاده نانوا، ح. (۱۳۹۱). سنجش ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی در سیاست‌های مداخله در محلات ناکارآمد شهری. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۶)، ۴۰۷-۴۲۹.
۱۸. روستایی، م.، پوراحمد، ا.، مرصوعی، ن.، و علی‌اکبری، ا. (۱۳۹۹). الگوی کاربری ترکیبی در بافت‌های فرسوده ناکارآمد منطقه ۱۸ شهر تهران و نقش آن در بازآفرینی پایدار محله‌ای. *جغرافیا و پایداري محیط*، (۳۷)، ۳۹-۵۲.
۱۹. روشن‌علی، ف.، و عندلیب، ع. (۱۳۹۷). مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد شهری مهم‌ترین مرحله مشارکت دهی ساکنان در موفقیت برنامه‌های نوسازی (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران). *مدیریت شهری*، ۵۲، ۹۳-۱۰۸.
۲۰. زالی، ن.، دارابی، ح.، و میرزایی، ع. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده محله پیرسرای کلان‌شهر رشت با رویکرد مشارکت مردمی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۴ (۱۲)، ۷۹-۹۴.

۲۱. ساسانی، م.، ساسانی، ز.، و ذبیحی، ح. (۱۳۹۹). تحلیل کیفیت زندگی در فضاهای بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: محله سید ذوالفقار شهر شیراز). فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا، ۱۰ (۳)، ۸۲۱-۸۳۲.
۲۲. شفاهی، س. (۱۳۸۵). راهنمایی شناسایی و مداخله در بافت فرسوده شهری (مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران). تهران: ایده پردازان فن هنر.
۲۳. شفیع‌نسب، س. ا.، و گلابی، ف. (۱۳۸۶). بافت فرسوده و سیاست‌های بهبود کیفیت مسکن. نشریه آبادی، (۵۵)، ۱-۲۰.
۲۴. طوسی، م. ع. (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت (چاپ اول). تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۵. علمی، م. (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت شهروندان تبریز در روند توسعه پایدار شهر. فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳ (۳)، ۶۸-۸۶.
۲۶. علوی‌تبار، ع. (۱۳۸۲). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (جلد اول). تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۷. عنادلیب، ع.، بیات، ا.، و رسولی، ل. (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول (بریتانیا). نشریه آمایش محیط، ۶ (۲۳)، ۷۹-۱۰۴.
۲۸. فنی، ز.، و صادقی، ی. (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران). نشریه آمایش محیط، ۲ (۷)، ۵۷-۷۳.
۲۹. قاسمی سیانی، م.، قاسمی، ا.، و حیدری، ح. (۱۳۹۹). تدوین چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌محور در شهرهای ایرانی (مطالعه موردی: محله‌های سیروس، جوادیه و هفت‌چنار شهر تهران). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، ۱۱ (۴۱)، ۴۱-۵۳.
۳۰. قاسمی، ح.، میری، غ.، و حافظ رضازاده، م. (۱۴۰۰). واسنجی تأثیر حکمروایی خوب شهری بر بازآفرینی بافت فرسوده در مناطق شهری؛ مطالعه موردی: شهر رضا. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲ (۱)، ۶۳۹-۶۵۲.
۳۱. کمال‌خواه، ع.، و نوروزی، س. (۱۳۸۷). بررسی نقش مشارکت شهروندان در روند اجرای طرح‌های شهری بافت تاریخی. اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد.

۳۲. لطیفی، غ.، و مروتی، ن. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی (مطالعه موردی: محله امام زاده عبدالله تهران). *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۴(۱۰)، ۱۸۷-۲۲۶.
۳۳. ماجدی، ح. (۱۳۸۹). توسعه‌های شهری امروز، بافت‌های فرسوده آینده. *نشریه هویت شهر*، ۴(۶)، ۸۷-۹۴.
۳۴. مهندسین مشاور شاران. (۱۳۸۴). *راهنمای شناسایی و مدل‌خلاق در بافت‌های فرسوده*، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۳۵. میرزایی ارجنکی، ف.، و شبانی شهرضا، ا. ح. (۱۳۹۹). ارزیابی طرح بازآفرینی بافت فرسوده شهری با رویکرد مشارکت مردمی در محله همت آباد اصفهان. *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۹(۳۴)، ۱۱۹-۱۳۴.
۳۶. وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹۴). *مجموعه قوانین و مقررات بازآفرینی شهری پایدار*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری.
۳۷. هادیان، ا.، و دانشپور، ع. (۱۳۸۷). نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان. *اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری*، مشهد.
۳۸. هویی‌زن، ا. (۱۳۷۷). مشارکت شهروندان در طرح ریزی و توسعه نواحی شهری (ن. برک‌پور، مترجم). *نشریه معماری و شهرسازی*، (۴۸-۴۹)، ۱-۲۰.

39. Ahokpe, K. W., & Serdaroğlu, N. (2021). Urban regeneration in cultural quarters: Example of porto-novo (BENIN). *EKSEN Dokuz Eylül Üniversitesi Mimarlık Fakültesi Dergisi*, 2(1), 11-33.
40. Amiri, Kh, Masoud, M., Moradi Chadegani, D., Sadeghy, N., & Safi-Esfahani, F. (2022). Introducing “the use case diagram “of community empowerment process in cybernetic space in order to improve the public participation in urban regeneration of areas suffering from decline in Isfahan. *Motaleate Shahri*, 11(42), 61-74.
41. Blagojevic, M., & Peric, A. (2021). The diffusion of participatory planning ideas and practices: The case of socialist Yugoslavia, 1961-1982. *Journal of Urban History*, <https://doi.org/10.1177/00961442211044501>
42. Ciesiółka, P., & Burov, A. (2021). Paths of the urban regeneration process in Central and Eastern Europe after EU enlargement-Poland and Bulgaria as comparative case studies. *Spatium*, (46), 1-10.

43. Creighton, J. (2005). *The public participation handbook: Making better decisions through citizen involvement*. San Francisco: John Wiley & Sone.
44. Erik, E., Amira, F., & Josefina, S. (2021). Opening the black box of participatory planning: A study of how planners handle citizens' input. *European Planning Studies*, 30, 994-1012.
45. Galdini, R. (2005). Urban regeneration process- The case of Genoa, an example of integrated urban development approach. *ERSA Conference Papers Ersa 05p426*, European Regional Science Association.
46. Huifeng, L., & Martin, D. J. (2017). Citizen participation in China's eco-city development. Will 'new-type urbanization' generate a breakthrough in realizing it? *Journal of Cleaner Production*, 162, 1085-1094.
47. Luke, B. (2018). A critique of the application of neighborhood sustainability assessment tools in urban regeneration. *Sustainability*, 10(4), 1005.
48. Marrison, N., & Xian, S. (2016). High mountains and faraway emperor: Overcoming barriers to citizen participation in Chinas urban planning practices. *Habitat International*, 57, 205-221.
49. Priscoli, J. D. (2003). *Participation consensus building and conflict management training*. Paris: UNESCO.
50. Sally, M., Naglis, M., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study, Technological and economic development of economy. *Baltic Journal on Sustainability*, 15(1), 49-59.
51. Szetey, K. (2021). Participatory planning for local sustainability guided by the sustainable development goals. *Ecology and Society*, 26(3), 16.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2023.76229.1140>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

نقش توسعه گردشگری در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستای زیارت، شهرستان گرگان)^۱

فهیمة رضایی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران)

rfahime41@gmail.com

علیرضا خواجه شاهکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران، نویسنده مسئول)

shahkoochi@gu.ac.ir

بهمن صحنه (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران)

b.sahneh@gu.ac.ir

صص ۲۵۶ - ۲۲۷

چکیده

گردشگری در نواحی روستایی می‌تواند نقشی تأثیرگذار در همه ابعاد روستاها ایفا کند که شامل ایجاد اشتغال و درآمد برای روستاییان، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصاد روستایی، کمک به فراهم شدن خدمات زیربنایی و تغییرات کالبدی-فضایی در روستاها می‌شود. یکی از اثرات گردشگری در روستاها، تحولات کالبدی است. هدف این پژوهش، بررسی نقش گردشگری بر تحولات کالبدی روستای مورد مطالعه بود. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی بود. سرپرست‌های خانوار ساکن در روستای زیارت جامعه آماری تحقیق را تشکیل دادند و ۲۵۳ سرپرست خانوار ساکن روستای زیارت به عنوان حجم نمونه با فرمول کوکران تعیین شدند. از سه شاخص ساخت‌وساز، تغییر کاربری اراضی و رضایتمندی کالبدی در قالب طیف لیکرت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش توسعه گردشگری بر دگردیسی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستای زیارت، شهرستان گرگان)» است.

جمع‌آوری شده با نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد. نتایج نشان داد، تغییرات کالبدی صورت گرفته ناشی از توسعه گردشگری در روستای مورد مطالعه باعث افزایش بی‌رویه ساخت و ساز خانه‌های دوم و ویلا، گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری، تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی، افزایش قیمت زمین و تخریب زمین‌های کشاورزی به‌طور گسترده شده است. همچنین بی‌توجهی به بافت روستا و فضاهای مورد نیاز یک خانواده روستایی شامل فضایی برای نگهداری دام و انبار محصولات کشاورزی و گرایش به چند طبقه‌سازی در ساخت و سازهای جدید نارضایتی ساکنان روستایی را به همراه داشته است. آزمون‌ها در سطح ۹۹ درصد معنادار بود. به‌منظور کاهش پیامدهای منفی توسعه گردشگری، توجه بیش از پیش مدیران و دستگاه‌های نظارتی و برنامه‌ریزی در حوزه گردشگری لازم و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، گردشگری روستایی، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان گرگان.

۱. مقدمه

در نیم‌قرن اخیر، گردشگری یکی از کارآمدترین مؤلفه‌ها برای بازسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی و قلمروها غیرشهری در نظر گرفته شده است؛ به‌طوری‌که در سراسر اروپا برای رفع چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی و روستاهایی که با کاهش فعالیت کشاورزی سنتی روبه‌رو شده‌اند، گردشگری درکانون توجه قرار گرفته است (نظریان، زال‌نژاد و میرزائزاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۸). توسعه گردشگری در مناطق روستایی می‌تواند تأثیرات متفاوت و متعددی بر بخش‌های مختلف روستا داشته باشد. بخش مهمی از تأثیرات توسعه گردشگری در یک منطقه، بر ویژگی‌های کالبدی-فیزیکی روستاست. برنامه‌ریزی کالبدی به‌منظور شناسایی عوامل و شاخص‌های کالبدی روستا و تأثیرات پدیده‌های مختلف بر این بخش ارائه می‌شود. در ارتباط با توسعه روستاها با نگرشی عمقی باید به این موضوع توجه شود که در رویکرد توسعه پایدار برنامه‌ریزی نیازمند ارائه تصویری چندبعدی از فضای مورد مطالعه است. پیوند ابعاد پایداری، به‌ویژه پایداری اجتماعی، نهادی، اقتصادی و محیطی مسئله‌ای بسیار مهم در برنامه‌ریزی توسعه پایدار مناطق روستایی است و

اصولاً کالبد سکونتگاه‌های روستایی بستری برای عملکرد اقتصادی و اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود؛ بنابراین ساماندهی کالبدی، نخستین گام به‌منظور ارتقای عملکرد سکونتگاه‌هاست (بدری، اکبریان رونیزی و قصابی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۶).

روستاهای گردشگری پذیر مقاصدی هستند که ویژگی‌های متمایزی را به نمایش می‌گذارند. بی‌شک، گردشگری و توسعه آن موجب بروز اثرات کالبدی خواهد شد که این اثرات همیشه منفی نیست. توسعه زیرساخت‌های گردشگری، تسهیلات و جاذبه‌ها، محیط طبیعی را دستخوش تغییر می‌کند که حضور گردشگران و فعالیت‌های آن‌ها در مقصد، اثرات مثبت و مستمری هم در محیط طبیعی و هم در محیط انسان ساخت دارد (تفلر و شارپلی^۱، ۱۳۹۱، ص. ۳۰۴). گردشگری روستایی از جنبه کالبدی معمولاً پیامدهای متفاوت دارد که نتایج مثبت شامل بهبود و توسعه زیرساخت‌ها، مقاوم‌سازی مسکن، حفظ بافت و الگوی اولیه روستا، استفاده از مواد و مصالح موجود در روستا برای ساخت‌وساز، حفظ الگوی معماری بومی - سنتی و تولید محصولات کشاورزی برای عرضه به گردشگران دارد؛ همچنین نتایج منفی شامل فرسودگی راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی به‌دلیل تردد زیاد، تخریب آثار و بناهای تاریخی، تغییر و جابه‌جایی بافت سکونتگاه‌ها، استفاده نشدن از مواد و مصالح بومی، تغییر در شیوه ساخت‌وساز، تغییر کاربری زمین و رشد و ازدحام جمعیت دارد. بدیهی است، میزان بهره‌مندی از نتایج مثبت گردشگری روستایی به مدیریت اعمال‌شده و رفتار مردم بومی و گردشگران بستگی دارد؛ به همین دلیل نیز پیامد گردشگری در یک پدیده خاص مثل اماکن باستانی و تاریخی ممکن است متفاوت باشد و ضمن اینکه می‌تواند به احیا و حفاظت آن‌ها کمک کند، می‌تواند عاملی برای تخریب آن‌ها نیز باشد (جعفری، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۴).

روستای زیارت از توابع شهرستان گرگان، یکی از شناخته‌شده‌ترین تفرجگاه‌های روستایی در استان گلستان به شمار می‌رود. روستای زیارت به‌علت هوای نسبتاً خشک و خنک بازدیدکنندگان بسیار زیادی دارد و در سال‌های اخیر به‌سرعت رو به گسترش بوده است. ورود گردشگران از شهر به روستا، با ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای متفاوت از جامعه محلی می‌تواند موجب ایجاد تغییراتی در سارخترهای جامعه روستایی شود. با توجه به حضور

1. Telfer & Sharply

گردشگران و نقش گردشگری در روستای مورد مطالعه، سکونتگاه‌های روستایی واقع در محور مذکور دستخوش تحولاتی از جمله ساخت و ساز ویلا، تغییر کاربری اراضی و افزایش قیمت زمین، افزایش تعداد طبقات و توجه نکردن به فضاهای مورد نیاز خانوار روستایی در ساختمان‌ها شده‌اند؛ در صورتی که گردشگری در روستاهایی باعث موفقیت و پیشرفت می‌شود که جامعه میزبان فرهنگ، هویت و سنت‌های خویش را حفظ کند و کاربری اراضی کشاورزی به لحاظ کمیت و کیفیت باقی بماند؛ بنابراین در مطالعه حاضر سعی بر آن است نقشی بررسی شود که گردشگری در کالبدی سکونتگاه‌های روستایی واقع در روستای زیارت داشته است.

۲. پیشینه تحقیق

واژه «گردشگری» نخستین بار در سال ۱۸۱۱ در مجله‌ای به نام «اسپورتینگ» به کار رفت. در آن زمان، این واژه به معنای «مسافرت» به منظور تماشای آثار تاریخی و بازدید از مناظر طبیعی برای کسب لذت به کار رفت (محلای، ۱۳۸۰). گردشگری، فعالیتی اجتماعی شامل رفتار انسانی، استفاده از منابع، تعامل با دیگران، اقتصاد و محیط است (هولدن^۱، ۲۰۱۶). توجه به موضوع گردشگری روستایی، از دهه ۱۹۵۰ به بعد گسترش یافت و در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بیشتر در زمینه اقتصاد گردشگری روستایی مدنظر کشاورزان قرار گرفت (قادری، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۶). گردشگری روستایی یکی از انواع گردشگری است که با بسیاری از الگوهای دیگر گردشگری پیوند دارد، ولی وجه مشخصه آن، استقرار در نواحی روستایی است. نمونه‌های زیادی از انجام فعالیت‌های گردشگری در نواحی روستایی وجود دارد؛ از جمله فعالیت‌های مبتنی بر طبیعت، جشنواره‌ها، وقایع میراث، جاذبه‌های مبتنی بر جامعه بومی، گردشگری کشاورزی، نمایشگاه‌های هنری و صنایع دستی (رضوانی، ۱۳۸۷، صص. ۲۵-۲۶). هدف گردشگری روستایی را می‌توان در دو بعد مدنظر قرار داد که هدف نهایی هر دو نوع نگرش، حل معضلات و مشکلات سکونتگاه‌های روستایی است: الف. پاسخگویی به تقاضای روزافزون جمعیت شهری برای گذران اوقات فراغت و تفریح در سکونتگاه‌های روستایی و ب. توسعه خود در سکونتگاه‌های روستایی. در دیدگاهی دیگر به گردشگری

1. Holden

روستایی، این نوع گردشگری دو هدف را دنبال می‌کند (خاتون‌آبادی و راست‌قلم، ۱۳۹۰، ص. ۷): ۱. گردشگری روستایی به‌عنوان مکمل فعالیت‌های روستایی و ۲. متحول‌سازی نواحی روستایی کمتر توسعه‌یافته (حاجی‌نژاد، پایدار، باقری و عبدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۵). گردشگری روستایی به‌عنوان فلسفه‌ای برای توسعه روستایی مطرح شده است که این جنبه دارای سه دیدگاه مهم است: یک نگرش گردشگری به‌عنوان راهبردی برای توسعه روستایی است که انعکاس‌دهنده ویژگی محیط روستایی است؛ نگرش دیگر گردشگری را به‌عنوان ابزار و سیاستی برای بازساخت اقتصاد روستایی می‌شناسد؛ برخی نیز گردشگری را سیاست و ابزاری برای توسعه روستایی پایدار قلمداد کرده‌اند (لنیا، ۱۹۹۴).

در زمینه گردشگری روستایی و نقش آن در کالبد روستاها تحقیقات متعددی در داخل و خارج انجام شده است که در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات بررسی می‌شود؛ حاتمی خانقاهی، وزیری و تقی‌زاده هیر (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آثار کالبدی شکل‌گیری خانه‌های دوم بر منطقه گردشگری سرعین از دیدگاه ذی‌نفعان» به این نتیجه دست یافتند که هر سه گروه ذی‌نفعان (گردشگران، جامعه محلی و متصدیان گردشگری) با بهبود شرایط کالبدی به‌طورکلی موافق هستند. در بررسی ریزفاکتورهای ارائه‌شده، عواملی چون افزایش امکانات و خدمات، بهبود امکانات اداری، ایجاد ساختمان‌هایی با مصالح جدید، بهبود راه‌های ارتباطی، توجه بیشتر مدیران به توسعه و عمران، تسریع در پروژه‌های عمرانی به‌واسطه کمک مالی گردشگران، فراهم کردن زمینه‌های توسعه در منطقه در درازمدت و... ازجمله اثرات مثبت کالبدی حاصل از حضور خانه‌های دوم هستند. از طرفی اثرات منفی همچون افزایش هزینه‌های ساخت، ایجاد سبک معماری متفاوت با سبک معماری منطقه نیز از منظر ذی‌نفعان مطرح شده است. رحمانی فضلی، سجادی و صدیقی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش گردشگری خانه‌های دوم در تشدید فرایند کالایی شدن فضا (مطالعه موردی: عرصه‌های روستایی شهرستان محمودآباد» به این نتیجه رسیدند که در بعد اقتصادی، افزایش قیمت زمین و مسکن، افزایش قیمت اجاره‌خانه‌ها و کاهش قدرت خرید جوانان، در بعد اجتماعی-فرهنگی، احساس خصوصی شدن روستاها، گسترش کالاهای لوکس و فرهنگ مصرف‌گرایی

در روستاها و بهبود و افزایش رضایت از زیرساخت‌ها و امکانات، در بعد محیطی، تخریب اراضی جنگلی، تشدید تغییر کاربری ارضی زراعی به مسکونی، کاهش تعداد قطعات زمین‌های کشاورزی و نوسازی خانه‌های روستایی از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در مجموع در تشدید فرایند کالایی شدن فضای روستایی شهرستان محمودآباد نقش مهمی را ایفا کنند. قدیری معصوم، لنگرودی و مهم‌پویا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین اثرات کالبدی گردشگری بر نواحی روستایی (موردپژوهش: دهستان بیرون‌بشم بخش کلاردشت)» به این نتیجه رسیدند که بین توسعه گردشگری و تغییر در بعد کالبدی دهستان کلاردشت شرقی رابطه بسیار معنادار، مستقیم و مثبتی وجود دارد و همچنین توسعه گردشگری موجب تغییرات مثبت و منفی متفاوتی در بعد کالبدی روستاهای مورد مطالعه شده است. در شناسایی اثرپذیرترین شاخص‌ها از توسعه گردشگری مشخص شد، از نظر گروه مردم محلی، شاخص سبک معماری و از نظر گروه متخصصان، شاخص تغییرات محیطی بیشترین مقدار تبیین را انجام می‌دهند. گئو و سان^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت گردشگری در روستا باستانی دنگجیان در چین» گزارش کردند که گردشگری در روستاهای چین سبب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم محلی شده، ولی در مقابل مشکلات زیست‌محیطی را افزایش داده است. ایونلا، کانستنتین و دوگرا^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «مزایا و محدودیت‌های حمایت از فعالیت‌های گردشگری در مناطق روستایی» به این نتیجه رسیدند که گردشگری به‌تنهایی استراتژی مناسبی برای توسعه مناطق روستایی رومانی است. رویکرد مذکور حمایت محدود از مناطق روستایی را به‌منظور تشویق فعالیت‌های فرهنگی، بازسازی معماری، ارزش‌گذاری چشم‌انداز طبیعی و گردشگری روستایی پیشنهاد می‌کند. آن‌ها اشاره کردند، گردشگری با داشتن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، تبادلات مهم خارجی سرمایه‌گذاری را جذب کرده و اقتصاد محلی را تحریک می‌کند. درعین حال، باید به اثرات فعالیت‌های گردشگران بر جوامع روستایی، بسیار توجه شود. همچنین توسعه گردشگری باید به‌طور استراتژیک برنامه‌ریزی شود و اثرات منفی آن بر طبیعت و محیط اجتماعی-فرهنگی مناطق

1. Guo & Sun

2. Ionela, Constantin & Dogaru

گردشگری محدود شود. اکچ، هاگری و جورج (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «گردشگری روستایی جایگزینی برای توسعه پایدار لوآندا، کنیا» به این نتیجه رسیدند که گردشگری به توسعه کشاورزی و تجارت در توسعه روستایی منجر شده و مکملی برای فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و کاهش مهاجرت در منطقه مورد مطالعه شده است. دانگ، یو و لیو (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثر توسعه گردشگری بر تغییر پوشش اراضی در نواحی لاگای کشور چین» توسعه گردشگری را باعث تغییر کاربری اراضی این منطقه دانسته‌اند که در نتیجه آن، مساحت اراضی زراعی و باغی به‌طور سالانه کاهش داشته و مساحت اراضی مسکونی و جنگلی افزایش داشته است.

مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه گردشگری نشان می‌دهد، حضور گردشگران در روستا از یک طرف باعث آثار مثبت و فرصت‌های جدید شده و از طرف دیگر آثاری منفی بر سکونتگاه‌های روستایی داشته است. تحقیق حاضر با نگاهی به تحقیقات پیشین سعی دارد، نقش گردشگری در کالبد سکونتگاه‌های روستایی را بررسی کند و علاوه بر موارد گفته‌شده، رضایتمندی ساکنان روستا از تحولات کالبدی صورت گرفته از گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی از جمله توجه به فضاهای مورد نیاز خانوارهای روستایی در ساخت‌وسازها، گرایش به چندطبقه‌سازی و مبللمان روستایی را مطالعه کند و رضایت روستاییان را از تحولاتی بررسی کند که در کالبد روستا روی داده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه محقق‌ساخته) بود. جامعه آماری پژوهش سرپرست‌های خانوار روستای زیارت شهرستان گرگان به تعداد ۷۳۴ بودند که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و ۲۵۳ پرسشنامه در قالب طیف لیکرت تکمیل شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها براساس تأیید متخصصان و اساتید تعیین و پایایی با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۸۹ بود. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از آزمون‌های فریدمن، کای اسکوئر، ویلکاکسون، فای کرامر و مک‌نمار در محیط نرم افزاری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای

تهیه نقشه از نرم افزار ArcGIS بهره گرفته شد. در سال‌های اخیر، توسعه امکانات خدماتی و رفاهی در روستای زیارت باعث افزایش تعداد گردشگران و همچنین موجب توسعه و گسترش گردشگری روستای زیارت شده است. قبل از توسعه امکانات و خدمات در این روستا، گردشگری زیاد بود اما اکنون با وجود خدمات رفاهی و دسترسی مناسب، تعداد گردشگران چندین برابر شده است.

جدول ۱. شاخص و متغیرهای تحقیق

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

شاخص	متغیرها
ساخت و ساز	افزایش ساخت و ساز خانه‌های دوم گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری توسعه امکانات درمانی روستا افزایش مشاغل خدماتی فروشگاه مصالح ساختمانی افزایش بنگاه
تغییر کاربری اراضی	تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی تغییر کاربری مسکونی به تجاری تخریب جنگل‌ها تخریب پوشش گیاهی و جانوری فرسایش خاک افزایش قیمت زمین
رضایتمندی کالبدی	رضایتمندی از افزایش طبقات رضایتمندی بیمه مسکن رضایت از تغییر کالبد طبیعی روستا به مدرن سازی بهداشت و پاکیزگی روستا نور و روشنایی ایمنی ساختمان‌ها
	فضایی برای نگهداری دام توجه به حریم معابر زیباسازی معابر مبلمان روستایی رضایتمندی از شبکه دفع فاضلاب و آب‌های سطحی کیفیت ساختمان

شاخص	متغیرها
	نوع مصالح فضاهای مورد نیاز افراد خانواده فرم و غالب مسکن با فعالیت روستاییان مترآژ و زیربنا موقعیت قرارگیری ساختمان‌ها
	نوسازی مسکن -امنیت و آرامش در فضای مسکونی منظر روستا نوع معماری

جدول ۲. تعداد خانوار و روستای مورد مطالعه

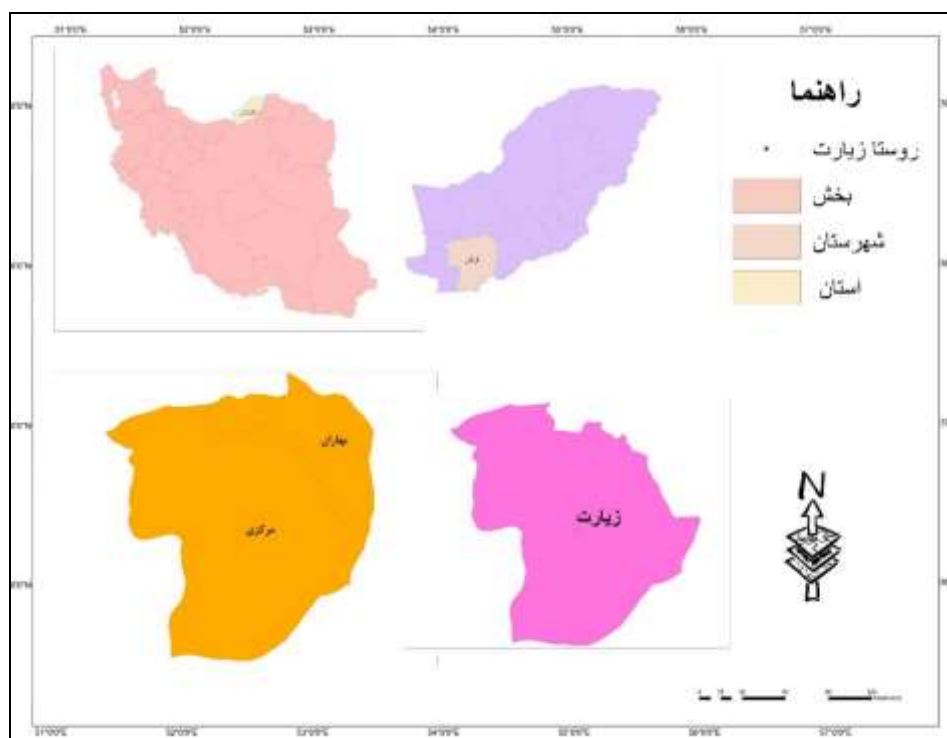
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

شهرستان	روستا	خانوار	پرستنامه
گرگان	زیارت	۷۳۴	۲۵۳

۳.۱. محدوده مورد مطالعه

روستای زیارت یکی از روستاهای بخش مرکزی شهرستان گرگان است. این روستا در دهستان استرآباد جنوبی قرار دارد که در جنوب شهرگرگان و در فاصله ۷ کیلومتری جنوب نهارخوران واقع شده است. روستای زیارت در قسمت انتهایی ادامه جاده گرگان-نهارخوران و در بن بست ارتباطی قرار دارد. به لحاظ موقعیت مطلق جغرافیایی، این روستا در محدوده‌ای با مختصات بین ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه و ۳۸ ثانیه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۳۸ ثانیه طول شرقی قرار گرفته است. ارتفاع متوسط روستا از سطح دریا از ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ متر متغیر است. براساس تقسیمات اداری و کشوری، این شهرستان از دو بخش (مرکزی و بهاران) و پنج دهستان تشکیل شده است. تعداد گردشگران در سال‌های اخیر ۵۰۰۰۰ نفر گزارش شده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). آب و هوای روستای زیارت، معتدل و مرطوب است و این امر مهم‌ترین عامل رشد و توسعه گردشگری در این روستاست که گردشگری را در این منطقه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اصلی توسعه اقتصادی مطرح کرده است. هر سال تعداد زیادی گردشگر به‌دلیل وجود اقلیم و جاذبه‌های فرهنگی (صنایع دستی،

آداب و رسوم، انواع غذاها و... و جاذبه‌های طبیعی (آبشار و چشمه آبگرم و...) وارد روستای زیارت می‌شوند.



شکل ۱. موقعیت محدوده روستای مورد مطالعه

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

۴. مبانی نظری تحقیق

توسعه گردشگری روستایی به عنوان بخشی ارزشمند و رشدیابنده در زمینه رهیافت اقتصادی مطرح است و در زمینه سرمایه‌گذاری با توجه به دسترس بودن منابع و کم بودن قیمت‌ها و کوچک بودن طرح‌ها در مقایسه با دیگر طرح‌های گردشگری خطرهای و هزینه‌های کمتری دارد (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۹۲). گردشگری روستایی که رشد سریع تقاضا برای آن از سال ۱۹۴۵ آغاز شد، شکلی از فعالیت اقتصادی گردشگری است که پیرامون شهرها و نقاط دارای شکل و بافت روستایی انجام می‌گیرد (شهابیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۰). گردشگری روستایی

به همه فعالیت‌ها و خدماتی گفته می‌شود که کشاورزان و مردم و دولت‌ها برای تفریح و استراحت گردشگران و همچنین جذب آن‌ها در نواحی روستایی ارائه می‌کنند (رضوانی، ۱۳۸۷). برخی نیز گردشگری روستایی را نوعی فعالیت در مناطق تفریحی-تجاری در روستا می‌دانند که خدماتی را برای گردشگران عرضه می‌کند (کامپبل^۱، ۱۹۹۹، ص. ۱۲۰). توسعه گردشگری به زیرساخت‌های مناسب از جمله توسعه شبکه‌های ارتباطی، آب، برق و... نیاز دارد؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای گردشگری موجب رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و منتفع شدن روستاییان از این زیرساخت می‌شود و علاوه بر اینکه زمینه‌های اشتغال پاره‌وقت و فصلی را فراهم می‌کند، می‌تواند موجب رونق تولید و فعالیت‌های اقتصادی در روستا و در نهایت، توسعه روستا نیز شود؛ به عبارت دیگر، با برنامه‌ریزی مناسب و منطبق با شرایط می‌توان از این راهبرد برای ثبات اقتصادی و جمعیتی روستاها استفاده کرد (کوساک^۲، ۱۹۹۸). بدون شک عوامل متعددی در توسعه گردشگری نقش دارند که ارتباط و تعامل بین آن‌ها سبب توسعه گردشگری می‌شود، ولی سه عامل اصلی در توسعه گردشگری عبارت‌اند از: گردشگران، مردم منطقه و ویژگی‌های منطقه (الوانی و پیروزیخت، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۸). مروری بر ادبیات برنامه‌ریزی گردشگری نشان می‌دهد، تاکنون چهار رویکرد عمده به برنامه‌ریزی بخش گردشگری وجود داشته است: نخست، دیدگاه رشدگرا که گردشگری را ابزاری برای بهبود شاخص‌های اقتصادی می‌داند؛ دوم، رویکرد فیزیکی-فضایی که گردشگری را پدیده‌ای فضایی و منبع مورد استفاده در ساماندهی فضاها می‌داند و مطالعه می‌کند؛ سوم، دیدگاه اجتماعی که گردشگری را برای شکوفایی بهبود شرایط زیستی جوامع مفید می‌داند؛ چهارم، رویکرد توسعه پایدار که گردشگری را به مثابه ابزاری توانمند در راستای اجرای سیاست‌های توسعه پایدار بررسی و تحلیل می‌کند و رویکرد جدیدی به شمار می‌رود (تولایی، ریاحی، افراخته و شهبانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۵).

گردشگری روستایی را می‌توان گونه‌های مختلف گردشگری همراه با انواع فعالیت‌ها در عرصه‌های روستایی دانست که با توجه به نوع مدیریت و فعالیت پیامدهای مثبت و منفی را

1. Campbell

2. Kossack

در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی در نواحی روستایی بر جای گذارد. امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییرات الگوی مسکن، توسعه فعالیت‌های گردشگری در عرصه‌های روستایی است که با ورود شهرنشینان به روستاها و ورود الگوهای شهری در روستا از جمله ساخت خانه‌های مدرن، دگرگونی خانه‌های روستایی را که در راستای نیازهای متفاوت روستاییان ساخته می‌شد، در پی داشته است؛ به طوری که امروزه بیشتر خانه‌های روستایی علاوه بر توسعه ساخت و ساز غیرمتعارف با جامعه روستایی و هزینه گزاف، فقط جنبه استراحتگاهی پیدا کرده‌اند و این شیوه ساخت و ساز نه تنها با میزان درآمد بیشتر روستاییان همخوانی ندارد، بلکه از نظر کارکردهای اقتصادی نیز با فعالیت‌های آنان همخوانی ندارد. تحول پیوسته مسکن روستایی همچون هر پدیده دیگر روندی اجتناب‌ناپذیر دارد، اما در سال‌های اخیر این تحولات متناسب با ساختار فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی جوامع نبوده و اغلب متأثر از عوامل بیرونی بوده است؛ در نتیجه سکونتگاه‌های روستایی که مجموعه‌ای همگن و متشکل از هویت کالبدی خاص هر روستا بوده‌اند، متحول شده‌اند که این امر نیز دگرگونی در شیوه زیست و نظام تولیدی را به همراه داشته است (یعقوبی، قرشی میناآباد و مولایی هشتجین، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۰). شاخص‌هایی را که می‌توانند با مسکن روستایی در ارزیابی تغییرات کالبدی نقش داشته باشند، می‌توان مواردی چون الگوی ساخت و سازها، الگوی مسکن، میزان بهسازی و مقاوم‌سازی مساکن، تراکم خانوارها و... ذکر کرد. شبکه معابر بخشی از بافت و کالبد روستاها به شمار می‌رود. واحدهای همسایگی، معابر و بافت فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی، سیمای بومی خانه‌های روستایی و... بخشی از ویژگی‌های کالبدی روستاها در این بخش است. سهولت رفت و آمد و کیفیت معابر، نحوه دسترسی به معابر، تغییرات سلسله‌مراتب معابر و... در ارزیابی کالبدی معابر مؤثر است. همچنین در حوزه تغییرات کاربری اراضی، نحوه توزیع خدمات، شناخت بافت‌های تاریخی و فرهنگی، انتخاب مناسب برای توسعه روستاها، کیفیت دسترسی به خدمات و مکان‌یابی مناسب خدمات از شاخص‌های مهم برای ارزیابی هستند (عنابستانی و اکبری، ۱۳۹۱، ص. ۹۷). از دیگر اثرات کالبدی، اثر بر بخش کشاورزی است. هرمانس در مطالعاتش بر روستایی در کمربلیس اسپانیا به این نتیجه رسید که بیشتر اراضی مدنظر بخش گردشگری نزدیک دریا و به لحاظ کشاورزی

فاقد ارزش بودند. درواقع، این فرصت کشاورزان را قادر کرد تا از درآمد یا عواید فروش زمین کم ارزش برای خرید زمین با کیفیت بالاتر و همچنین برای سرمایه‌گذاری در آبیاری و نهاده‌های اضافی کارآمد به‌منظور افزایش تولیدات کل کشاورزی استفاده کنند (هرمانس^۱، ۱۹۸۱، ص. ۸).

۴. ۱. دیدگاه‌ها و نظریه‌های گردشگری

به‌طور کلی گردشگری در قالب نظریه‌های متفاوتی تبیین‌شدنی است.

۴. ۱. ۱. دیدگاه موافقان

این دیدگاه حمایتی به توسعه هرچه‌بیشتر تأسیسات و امکانات، جلب جهانگرد و گردشگر اهمیت می‌دهد و می‌کوشد مشکلات اقتصادی جامعه را کاهش دهد. در این دیدگاه، دولت نباید در امور اجرایی توسعه جهانگردی دخالت کند؛ بلکه نقش تصویب و اتخاذ سیاست و قوانین است که از توسعه گردشگری حمایت می‌کند. این دیدگاه در دهه ۶۰ میلادی در غرب طرفداران بسیاری داشت (موسوی، ویسیان، حمیدی و اکبری، ۱۳۹۴، ص. ۲۲).

۴. ۱. ۲. دیدگاه مخالفان

در مقابل نظریه‌های موافقان که توسعه گردشگری را امری مثبت می‌دانند، عده‌ای به آثار منفی گردشگری عقیده دارند. در این دیدگاه، گردشگری به فرهنگ‌زدایی و کالایی شدن فرهنگ، افزایش میزان جرایم و ناهنجاری‌ها و تنزل ارزش‌ها می‌انجامد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که طرح‌ها و برنامه‌های گردشگری همه داشته‌های جامعه را در خدمت پول و درآمد ارزی قرار می‌دهد و این درآمد به بهای گزاف به دست می‌آید (امان‌پور، محمدی و ناصر، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۷).

۴. ۱. ۳. دیدگاه توسعه تطبیقی گردشگری

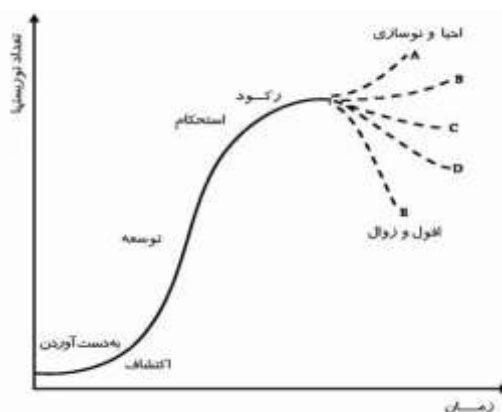
ایده این گروه، نتیجه مناظرات دو گروه مذکور است که با تلفیق بیانیه‌های موافق و مخالف نوعی توسعه گردشگری بر مبنای پاسخ‌گویی به ارزش‌های اقتصادی مردم، منابع مصنوعی و

1. Hermans

طبیعی آن‌ها پیشنهاد کردند. گردشگری شهری و روستایی، همساز و کنترل‌پذیر، زیست‌محیطی، فرهنگی و... گزینه‌های پیشنهادی آن‌هاست و بر استفاده منابع محلی، سهولت مدیریت، تعامل مهمان و میزبان و در نظر گرفتن منافع هر دو گروه تأکید دارند. این دیدگاه در دهه ۸۰ میلادی مطرح شد و دولت‌ها کوشیدند با اتخاذ سیاست‌های مناسب گردشگری برای کشور خود نوعی سازگاری میان مصالح جمعی و توسعه گردشگری به کار برند و به‌جای محدود کردن، توسعه را با منافع ملی هماهنگ کنند (موسوی، ویسیان، حمیدی و اکبری، ۱۳۹۴، ص. ۲۲).

۲.۴. روند توسعه گردشگری (نظریه چرخه عمر باتلر)

چرخه عمر باتلر شامل هفت مرحله اکتشاف، مشارکت، توسعه، تثبیت، رکود، نزول و احیا است. براساس این نظریه، هر نقطه گردشگری ابتدا با تعداد کم گردشگر و نبود زیرساخت‌های مناسب مواجه است. سپس هم‌زمان با توسعه زیرساخت‌ها و افزایش گردشگر مواجه می‌شود، تا جایی که به علت اشباع، به مرحله رکود و نزول می‌رسد. سپس با اجرایی و عملیاتی کردن برنامه‌های جدید و جایگزینی جاذبه‌های جدید، احیا می‌شود (واندانا، جرج و دونالد^۱، ۲۰۰۹، ص. ۶۵).



شکل ۲. نمودار نظریه چرخه عمر باتلر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

1. Wanda, George & Donald

همچنین براساس روند توسعه گردشگری، داکسی^۱ شاخص رنجشی را تعریف کرده است که عبارت است از:

- خشنودی: حضور دیدارکنندگان مطلوب است و برنامه‌ریزی کمی وجود دارد؛
- بی تفاوتی: به دیدارکنندگان کم توجهی می‌شود و روابط، بیشتر حالت رسمی پیدا می‌کند؛
- رنجش: گردشگری به اشباع نزدیک می‌شود و مردم محلی درباره آن دچار تردید و بدگمانی شده‌اند؛
- خصومت: اصطلاح آزدگی و رنجش در اینجا کامل می‌شود و برنامه‌ریزی جنبه درمانی پیدا می‌کند، اما ترفیعات به منظور جبران شهرت رو به افول تفریحگاه، افزایش می‌یابد (میسون، ۱۳۸۷، ص. ۳۹).

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. مشخصات فردی پاسخگویان

در این تحقیق، ۲۵۳ از سرپرست خانوار روستایی ساکن در روستای زیارت پرسشگری شد که طبق نتایج، ۲۴۵ نفر از پاسخگویان مرد و ۸ نفر زن بودند. براساس وضعیت تأهل، ۲۴۳ نفر متأهل و ۱۰ نفر مجرد بودند. براساس سطح تحصیلات، ۱۵ نفر بی‌سواد، ۳۲ نفر ابتدایی، ۶۲ نفر دیپلم، ۱۲۴ نفر لیسانس، ۱۲ نفر فوق لیسانس و ۸ نفر فوق لیسانس و بالاتر بودند. طبق وضعیت سنی، در گروه‌های سنی ۳۰-۳۹ سال ۲۷ نفر، ۴۰-۴۹ سال ۷۵ نفر، ۵۰-۵۹ سال ۸۲ نفر، ۶۰-۶۹ سال ۶۹ نفر بودند. براساس وضعیت شغلی، ۱۴ نفر بیکار، ۷۱ نفر کارمند، ۳۸ نفر کشاورزی و دامداری و ۱۱۱ نفر خدماتی بودند و ۱۹ نفر سایر مشاغل را داشتند. درآمد ۲ نفر کمتر از یک میلیون تومان، ۱۰۲ نفر ۱ تا ۳ میلیون، ۱۱۰ نفر ۳ تا ۶ میلیون، ۳۹ نفر بیشتر از ۶ میلیون تومان بود.

1. Doxey

۲.۵. یافته‌های تحلیلی

۲.۵.۱. بررسی مقایسه میانگین بین توسعه گردشگری و افزایش ساخت و ساز با آزمون فریدمن

از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد که این آزمون نشان داد، توزیع داده‌ها نرمال بود. نتایج آزمون فریدمن (جدول ۳) درباره بررسی ارتباط معنادار بین توسعه گردشگری و شاخص افزایش ساخت و ساز حاکی از آن است که گردشگری باعث گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری و افزایش ساخت و سازهای خانه دوم در روستا به طور گسترده شده است که بیشترین میانگین رتبه‌ای به گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری (۶/۱۰) و ساخت و ساز خانه‌های دوم در روستای زیارت (۶/۰۶) اختصاص یافته است و کمترین میانگین رتبه‌ای برای متغیرهای بهبود معابر داخلی روستا (۲/۲۸)، گسترش امکانات و خدمات آموزشی روستا (۲/۳۲) و توسعه امکانات درمانی روستا (۲/۴۶) است که نشان می‌دهد، گردشگری بر توسعه مدارس و امکانات آموزشی در روستا تأثیر نداشته و همچنین اوضاع خدمات پزشکی و درمانی و معابر روستا با توسعه گردشگران تغییر نکرده است.

جدول ۳. مقایسه میانگین شاخص ساخت و ساز با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	میانگین رتبه‌ای	درجه آزادی	کای اسکوئر	مقدار معناداری
افزایش ساخت و ساز خانه‌های دوم در روستا	۶/۰۶	۷	۱۱۱۹٫۸۷۶	۰/۰۰۰
گسترش زیرساخت اساسی روستا (جاده، امکانات ارتباطی)	۵/۶۱			
گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری (هتل، رستوران و...)	۶/۱۰			
گسترش امکانات و خدمات آموزشی روستا	۲/۳۲			
توسعه امکانات درمانی روستا	۲/۴۶			
بهبود معابر داخلی روستا	۲/۲۸			
بهبود شبکه حمل و نقل	۵/۲۶			
افزایش مراکز مشاغل خدماتی	۵/۹۱			

جدول ۴. تحلیل همبستگی در شاخص ساخت‌وساز با استفاده از آزمون کای اسکوئر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

مقدار معناداری	درجه آزادی	ضریب کای اسکوئر	متغیر
۰/۰۰۰	۲	۷۵/۷۵۵	افزایش ساخت‌وساز خانه‌های دوم
	۳	۲۲۶/۰۶۷	گسترش زیرساخت اساسی روستا
	۲	۲۰۷/۶۱۳	گسترش تسهیلات و خدمات گردشگری (هتل، رستوران و...)
	۳	۱۱۴/۰۶۷	گسترش امکانات و خدمات آموزشی روستا
	۳	۱۳۵/۹۱۷	توسعه امکانات درمانی روستا
	۳	۱۱۳/۶۸۸	بهبود معابر داخلی روستا
	۴	۲۸۹/۱۹۴	بهبود شبکه حمل و نقل
	۲	۱۲۴/۴۱۹	افزایش مراکز مشاغل خدماتی

طبق نتایج جدول ۴، برای تحلیل همبستگی بین گردشگری و افزایش ساخت‌وساز از آزمون کای اسکوئر شده است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر گردشگری تا سطح ۹۹ درصد بر افزایش ساخت‌وسازها در روستا مورد مطالعه است. با حضور گردشگران در منطقه، شاهد افزایش ساخت‌وسازها و در نتیجه افزایش تعداد بنگاه‌های معاملات ملکی و مغازه‌های فروش مصالح ساختمانی بودیم. از طرفی با افزایش گردشگران در روستا اقامتگاه‌ها، رستوران، مغازه‌های خواروبارفروشی، نانوايي و در مجموع مراکز خدماتی زیاد شده است که باعث اشتغال‌زایی در سطح روستا شده و نوع اشتغال در سطح روستا از کشاورزی و دامداری به سمت مشاغل خدماتی سوق پیدا کرده است. همچنین به دلیل ساخت‌وسازها، تعداد کارگران ساختمانی در سطح روستا زیاد شده است. در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، بین گردشگری و شاخص ساخت‌وساز در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار وجود دارد. گردشگری در منطقه مورد مطالعه باعث اشتغال شده است، اما نباید با کارکرد و کاربری‌های روستایی ناهماهنگ باشد و لازم است گردشگری فعالیتی مکمل در کنار کشاورزی باشد که این امر نیازمند برنامه‌ریزی و مشارکت روستاییان است.

جدول ۵. مقایسه نقش گردشگری بر شاخص ساخت‌وساز

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	ساخت‌وساز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ای
سیستم ارتباطی و مخابراتی	قبل از توسعه گردشگری	۱۷۱	۴۷	۳۵	-	-	۱/۴۶
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	۱۷	۱۲۶	۱۱۰	۴/۳۶
فروشگاه‌های مصالح ساختمانی	قبل از توسعه گردشگری	۱۶۶	۶۸	۱۹	-	-	۱/۴۱
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	۱	۱۱۰	۱۴۲	۴/۵۵
افزایش تعداد بنگاه‌ها	قبل از توسعه گردشگری	۷۸	۱۳۲	۴۳	-	-	۱/۸۶
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	-	۵۶	۱۹۷	۴/۷۷
افزایش بازار محلی	قبل از توسعه گردشگری	۷۶	۵۲	۱۲۵	-	-	۲/۱۹
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	۱۸	۲۳۳	۲	۳/۹۳
فروشگاه اغذیه	قبل از توسعه گردشگری	۱۲۶	۹۴	۳۳	-	-	۱/۶۳
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	۱۵	-	۲۳۸	۴/۸۸
افزایش امکانات اقامتی و خانه دوم	قبل از توسعه گردشگری	۱۰۰	۱۱۹	۳۴	-	-	۱/۷۳
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	-	-	۲۵۳	۵/۰۰
توسعه امکانات آموزشی (مدرسه، کتابخانه و...)	قبل از توسعه گردشگری	۱۷۰	۸۳	-	-	-	۱/۳۲
	بعد از توسعه گردشگری	۱۵۱	۱۰۲	-	-	-	۱/۴۰
توسعه امکانات بهداشتی و درمانی	قبل از توسعه گردشگری	۱۷۰	۸۳	-	-	-	۱/۳۲
	بعد از توسعه گردشگری	۱۴۹	۱۰۴	-	-	-	۱/۴۱
مراکز خدماتی و تفریحی	قبل از توسعه گردشگری	۱۰۷	۱۲۷	۱۹	-	-	۱/۶۵
	بعد از توسعه گردشگری	-	-	۱۵	۵۵	۱۸۳	۴/۶۶

جدول ۶. بررسی مقایسه میانگین شاخص ساخت‌وساز با استفاده از آزمون ویلکاکسون

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	آماره ویلکاکسون	مقدار معناداری	تأیید	رد
سیستم ارتباطی و مخابراتی	-۱۴/۱۹۴	۰/۰۰۰	*	-
فروشگاه‌های مصالح ساختمانی	-۱۴/۴۴۸	۰/۰۰۰	*	-
افزایش تعداد بنگاه‌ها	-۱۴/۰۲۲	۰/۰۰۰	*	-
افزایش بازار محلی	-۱۳/۵۱۹	۰/۰۰۰	*	-
فروشگاه اغذیه	-۱۴/۰۵۲	۰/۰۰۰	*	-
افزایش امکانات اقامتی و خانه دوم	-۱۴/۰۸۶	۰/۰۰۰	*	-
توسعه امکانات بهداشتی و درمانی	-۴/۵۸۳	۰/۰۰۰	*	-

متغیر	آماره ویلکاکسون	مقدار معناداری	تأیید	رد
مراکز خدماتی و تفریحی	-۱۳/۳۵۷	۰/۰۰۰	*	-
توسعه امکانات آموزشی (مدرسه، کتابخانه و...)	-۴/۳۵۹	۰/۰۰۰	*	-

با توجه به میانگین رتبه‌ای میزان تأثیرگذاری نقش گردشگری بر شاخص ساخت و ساز قبل و بعد از گسترش ساخت‌وساز (جدول ۵)، بیشترین تأثیرگذاری متعلق به متغیرهای افزایش امکانات اقامتی و خانه دوم (۵/۰۰)، فروشگاه اغذیه (۴/۸۸)، افزایش تعداد بنگاه‌ها (۴/۷۷)، فروشگاه‌های مصالح ساختمانی (۴/۵۵) و سیستم ارتباطی و مخابراتی (۴/۳۶) بعد از گسترش گردشگری و کمترین تأثیرگذاری متعلق به متغیرهای توسعه امکانات آموزشی (۱/۳۲) و توسعه امکانات بهداشتی و درمانی (۱/۳۲) قبل از گسترش گردشگری است. در روستای مورد مطالعه، بعد از ورود گردشگران ساخت خانه‌های دوم و ویلا افزایش پیدا کرد که باعث افزایش تعداد بنگاه‌های ملکی شده است؛ البته افزایش ساخت‌وسازها باعث مشاهده افزایش تعداد فروشگاه‌های مصالح ساختمانی در منطقه مورد مطالعه شده است. تفاوت چندانی در توسعه امکانات آموزشی و بهداشتی قبل و بعد از گسترش ساخت‌وساز در روستای زیارت مشاهده نمی‌شود. برای مقایسه تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بین توسعه گردشگری و افزایش ساخت‌وسازها قبل و بعد از توسعه گردشگری، از آزمون ویلکاکسون استفاده شده است (جدول ۶). آماره ویلکاکسون و سطح معناداری بسیار قوی نشان می‌دهد، در متغیرهای سیستم ارتباطی و مخابراتی (۱۴/۱۹۴-)، فروشگاه‌های مصالح ساختمانی (۱۴/۴۴۸)، افزایش تعداد بنگاه‌ها (۱۴/۰۲۲-)، افزایش امکانات اقامتی و خانه دوم (۱۴/۰۸۶-)، فروشگاه اغذیه (۱۴/۰۵۲-)، مراکز خدماتی و تفریحی (۱۳/۳۵۷-)، افزایش بازار محلی (۱۳/۵۱۹-)، توسعه امکانات آموزشی (۴/۳۵۹-) و توسعه امکانات بهداشتی و درمانی (۴/۵۸۳-) بعد از گسترش ساخت‌وسازها در روستای زیارت در سطح اطمینان ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. نتایج بیانگر آن است که گردشگری باعث افزایش امکانات اقامتی و خانه دوم و افزایش تعداد بنگاه‌ها، فروشگاه‌های مصالح ساختمانی، سیستم ارتباطی و مخابراتی و مراکز خدماتی و تفریحی شده است و از آنجاکه نبود نظارت و کنترل مسئولان و دستگاه‌های متولی بر خرید و فروش املاک

و مستغلات می‌تواند باعث تخریب و نابودی روستا شود، توجه بیش از پیش مدیران و دستگاه‌های نظارتی ضروری است.

۵.۲.۲. بررسی مقایسه میانگین بین توسعه گردشگری و تغییر کاربری اراضی

در این قسمت از تحقیق، نتایج آزمون فریدمن به منظور وجود ارتباط معنادار بین توسعه گردشگری و شاخص تغییر کاربری اراضی ارائه می‌شود. براساس نتایج آزمون، متغیرهای تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی (۹/۹۴)، تخریب زمین‌های کشاورزی (۹/۵۸) و افزایش قیمت زمین (۹/۳۴) بیشترین میانگین رتبه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. در روستا با توسعه گردشگری شاهد افزایش قیمت زمین هستیم که این امر باعث تغییر کاربری اراضی و تخریب زمین‌های کشاورزی شده است؛ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، بین شاخص‌های بررسی شده تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. علت آن را در نبود نظارت کافی و نداشتن برنامه برای ساخت‌وسازها باید جست‌وجو کرد.

جدول ۷. بررسی مقایسه میانگین شاخص تغییرات کاربری اراضی با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	میانگین رتبه‌ای	درجه آزادی	کای اسکوئر	مقدار معناداری
تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی	۹/۹۴	۱۲	۹۹۵/۰۷۰	۰/۰۰۰**
تغییر کاربری اراضی زراعی به تجاری	۴/۲۷			
تغییر کاربری مسکونی به تجاری	۳/۴۸			
تخریب زمین‌های کشاورزی	۹/۵۸			
تخریب جنگل‌ها	۶/۳۳			
تخریب پوشش گیاهی و جانوری	۵/۰۴			
تخریب رودخانه	۵/۹۸			
کاهش محصولات کشاورزی	۸/۸۱			
کاهش محصولات باغی	۵/۵۳			
آلودگی‌های زیست‌محیطی (زباله)	۷/۲۱			
فرسایش خاک	۷/۷۲			
افزایش قیمت زمین	۹/۳۴			
افزایش قیمت مسکن	۷/۶۷			

برای بررسی ارتباط بین نقش توسعه گردشگری و شاخص تغییر کاربری اراضی، از ضریب همبستگی فای کرامر استفاده شده است (جدول ۸). نتایج نشان داد، گردشگری با متغیرهای شاخص تغییرات کاربری اراضی ارتباط معناداری در سطح ۹۹ درصد دارد. با ورود گردشگران به روستا که به دلایلی از جمله تفریح، دور شدن از دغدغه‌های شهری و عده‌ای هم بعد از بازنشستگی به این منطقه آمده‌اند و با توجه به فضاهای بکر و موجود در روستا، زمینه را برای تغییر کاربری اراضی و ساخت‌وساز ویلا فراهم می‌کنند. گردشگری در روستا باعث شده است مقدار درختان توجیهی از اراضی اطراف روستا که قابلیت کشاورزی داشته، تغییر کاربری یافته و به واحد مسکونی تبدیل شده است. افزایش قیمت زمین این روند را سرعت بخشیده است؛ به‌طوری‌که روستاییان زمین‌های خود را فروخته‌اند و این امر باعث کاهش اراضی زیرکشت محصولات کشاورزی و از بین رفتن بخش کشاورزی شده است. همچنین رشد سکونتگاه‌ها در روستای زیارت، اراضی جنگلی و کشاورزی را به سمت شهری شدن سوق داده است و نزدیک بودن به شهر گرگان از دیگر عوامل مؤثر بر توسعه ویلاسازی در روستاست. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای تغییر کاربری اراضی رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد نشان می‌دهد که بهبود این متغیرها باعث افزایش پایداری محیط می‌شود و با بهبود دادن می‌توان نتایج بسیار رضایت بخش در میزان پایداری محیط کسب کرد.

جدول ۸. آزمون تحلیل همبستگی بین گردشگری و تغییرات کاربری اراضی با استفاده از آزمون فای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر وابسته	متغیر مستقل	فای (کرامر)	مقدار معناداری	تأیید	رد
تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی	گردشگری	۰/۲۲۰	۰/۰۰۰	*	-
تغییر کاربری اراضی زراعی به تجاری		۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	*	-
تغییر کاربری مسکونی به تجاری		۰/۳۶۴	۰/۰۰۰	*	-
تخریب زمین‌های کشاورزی		۰/۳۹۵	۰/۰۰۰	*	-
تخریب جنگل‌ها		۰/۸۶۵	۰/۰۰۰	*	-
تخریب پوشش گیاهی و جانوری		۰/۴۴۰	۰/۰۰۰	*	-
تخریب رودخانه		۰/۲۹۳	۰/۰۰۰	*	-
کاهش محصولات کشاورزی		۰/۲۴۷	۰/۰۰۱	*	-

متغیر وابسته	متغیر مستقل	فای (کرامر)	مقدار معناداری	تأیید	رد
کاهش محصولات باغی		۰/۲۱۳	۰/۰۰۹	*	-
آلودگی‌های زیست‌محیطی (زباله)		۰/۲۴۵	۰/۰۰۴	*	-
فرسایش خاک		۰/۲۲۷	۰/۰۰۷	*	-
افزایش قیمت زمین		۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	*	-
افزایش قیمت مسکن		۰/۲۱۷	۰/۰۰۸	*	-

۵. ۲. ۳. بررسی ارتباط بین توسعه گردشگری و رضایتمندی کالبدی با آزمون کای اسکوتر

در این قسمت برای بررسی رابطه بین گردشگری و متغیرهای رضایتمندی کالبدی از آزمون کای اسکوتر استفاده شده است (جدول ۹). نتایج نشان‌دهنده ارتباط بین متغیرها در سطح ۹۹ درصد اطمینان است. ورود گردشگران به روستا زمینه‌ساز تغییرات در کالبد روستا شده است. در این تغییرات به داشتن مکانی برای نگهداری از دام روستاییان توجه نشده است که این امر باعث محدود شدن دام در روستا می‌شود. در ساختمان‌های جدید از مصالح نو و محکم استفاده شده است که از نظر کیفیت در برابر رطوبت و بارندگی مقاوم هستند، ولی با بافت روستا مغایرت دارد که همین موضوع باعث نارضایتی ساکنان روستا شده است. در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، توسعه گردشگری با شاخص رضایتمندی کالبدی مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار دارد.

جدول ۹. تحلیل همبستگی بین گردشگری و رضایتمندی کالبدی با استفاده از آزمون کای اسکوتر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	کای اسکوتر	درجه آزادی	مقدار معناداری
رضایتمندی از افزایش طبقات	۳	۲۱۰/۶۳۶	۰/۰۰۰**
رضایتمندی از شبکه دفع فاضلاب و آب سطحی	۳	۴۸/۸۶۶	
رضایتمندی بیمه مساکن	۳	۵۲/۸۸۱	
رضایت از تغییر کالبد طبیعی به مدرن‌سازی	۲	۳۴/۰۶۳	
فضایی برای نگهداری دام	۲	۸۴/۰۵۵	
توجه به حریم معابر	۲	۱۶/۹۸۸	
زیباسازی معابر	۳	۲۹/۸۹۳	

متغیر	کای اسکوتر	درجه آزادی	مقدار معناداری
مبلمان روستایی	۳	۳۱۷/۰۰۸	
کیفیت ساختمان‌ها	۲	۲۳۸/۰۱۶	
نوسازی مساکن	۲	۸۸/۰۴۰	

جدول ۱۰. مقایسه میانگین توسعه گردشگری و رضایتمندی کالبدی با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

متغیر	میانگین رتبه‌ای	درجه آزادی	کای اسکوتر	مقدار معناداری
رضایتمندی از افزایش طبقات	۳/۵۳	۹	۷۸۱/۵۸۸	۰/۰۰۰**
رضایتمندی از شبکه دفع فاضلاب و آب‌های سطحی	۶/۸۶			
رضایتمندی بیمه مساکن	۵/۴۵			
رضایت از تغییر کالبد طبیعی به مدرن‌سازی	۳/۹۰			
فضایی برای نگهداری دام	۳/۳۱			
توجه به حریم معابر	۵/۱۶			
زیباسازی معابر	۶/۰۴			
مبلمان روستایی	۷/۱۰			
کیفیت ساختمان‌ها	۷/۷۲			
نوسازی مساکن	۵/۹۳			

نتایج آزمون فریدمن (جدول ۱۰) برای بررسی شاخص رضایتمندی کالبدی در روستای زیارت، حاکی از آن است که با ورود گردشگران و گسترش گردشگری، متغیر کیفیت ساختمان‌ها (۷/۷۲) و مبلمان روستایی (۷/۱۰) دارای بیشترین میانگین رتبه‌ای هستند و از طرف دیگر، فضا برای نگهداری دام (۳/۳۱) و رضایتمندی از افزایش طبقات (۳/۵۳) کمترین میانگین رتبه‌ای را دارند که در ساخت‌وساز به آن‌ها بی‌توجهی شده است؛ بر این اساس می‌توان گفت، بین شاخص‌های بررسی شده تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد؛ از این رو می‌توان اذعان داشت که برای توسعه مطلوب گردشگری در کالبد روستا، برنامه‌ریزی برای روستا ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

جدول ۱۱. مقایسه تأثیرگذاری توسعه گردشگری و رضایتمندی کالبدی با استفاده از آزمون مک‌نمار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

مقدار معناداری	آماره	فراوانی				متغیر
		توسعه	بعد از گردشگری	توسعه	قبل از گردشگری	
		مخالقم	موافقم	مخالقم	موافقم	
۰/۰۰۰	۲۲۱/۰۰۴	۲۲۳	۳۰	–	۲۵۳	امنیت و آرامش در فضای مسکونی
۰/۰۰۰	۶/۸۷۰	۲۰۲	۵۱	۱۰	۲۴۳	بهداشت و پاکیزگی روستا
۰/۰۰۰	۱۶۵/۴۴۳	۱۹۱	۶۲	۱۶	۲۳۷	نور و روشنایی
۰/۰۰۰	۲۱۹/۰۰۵	۲۴۰	۱۳	۱۹	۲۳۴	ایمنی ساختمان‌ها
۰/۰۰۰	۲۶/۰۳۶	۲۲۵	۲۸	–	۲۵۳	نوع مصالح
۰/۰۰۰	۲۳۰/۰۰۴	۲۴۵	۸	۱۳	۲۴۰	فضاهای مورد نیاز افراد خانواده
۰/۰۰۰	۲۲۰/۰۰۵	۲۲۲	۳۱	۸	۲۴۵	فرم و غالب مسکن با فعالیت روستاییان
۰/۰۰۰	۲۰۲/۰۰۰	۲۲۱	۳۲	۱۷	۲۳۶	متراژ و زیربنا
۰/۰۰۰	۲۲۳/۰۰۰	۲۲۵	۲۸	–	۲۵۳	موقعیت قرارگیری ساختمان‌ها
۰/۰۰۰	۲۴۲/۰۰۴	۲۴۴	۹	–	۲۵۳	نوع معماری
۰/۰۰۰	۱۸۹/۸۷۵	۲۳۳	۲۰	۱۵	۲۳۸	منظر روستا

همان‌طور که نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد، برای مقایسه و تأثیر متغیرهای رضایتمندی در دو بازه زمانی قبل و بعد از توسعه گردشگری در روستای زیارت، از آزمون مک‌نمار استفاده شده است. براساس نتایج این آزمون، بین متغیرهای رضایتمندی در دو بازه زمانی قبل و بعد از توسعه گردشگری تفاوت معنادار تا سطح ۹۹ درصد وجود دارد. توسعه گردشگری در روستا شلوغی و تردد افراد غیربومی و آلودگی‌های زیست‌محیطی را به دنبال داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت، توسعه گردشگری باعث ایجاد ساختمان‌های جدید با مصالح محکم می‌شود، اما با مصالح بومی روستا ناهماهنگ است و در صورت وقوع مخاطرات طبیعی مانند زلزله و سیل خسارات بسیاری به روستا وارد می‌کند. معماری بومی دارای ساختار سبک و منطبق بر شرایط محیطی و ضد زلزله است، اما در ساخت‌وسازهای جدید به این موارد توجه نشده و علاوه بر این، چهره متفاوتی به روستا داده است. فرم و معماری ساختمان‌های جدید

به گونه‌ای طراحی شده که به فضاهایی توجه نشده است که یک خانواده روستایی به آن نیاز دارد و با فعالیت‌های روستاییان سازگار باشد؛ مانند فضایی برای نگهداری دام، انبار محصولات کشاورزی. نوع مصالح و معماری به کاررفته با بافت روستا ناهماهنگ است؛ از این رو اهتمام همه مدیران محلی و مشارکت روستاییان در راستای ساماندهی مطلوب کالبد روستا به منظور ایجاد محیط زیست سالم روستایی، ضروری است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قرارگیری روستای زیارت در منطقه‌ای خوش آب و هوا باعث شده است تا گردشگری در این منطقه گسترش یابد. موقعیت منطقه توجه بیش از پیش مسئولان و برنامه‌ریزان را طلب می‌کند. نقش گردشگری در تحولات کالبدی روستای مورد مطالعه باعث افزایش بی‌رویه خانه‌های دوم و ویلا و تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی، افزایش قیمت زمین، کاهش محصولات کشاورزی و گرایش به چند طبقه‌سازی شده است که خانقاهی و همکاران (۱۳۹۹) و رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۹۸) و قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقات خود نیز به این نتیجه رسیده‌اند. گردشگری نقش زیادی در بورس‌بازی زمین و افزایش قیمت مسکن، کاهش محصولات کشاورزی و تغییر کاربری اراضی و از طرفی ایجاد مشاغل جدید و خدماتی در روستا دارد. گئو و سان (۲۰۱۶) در تحقیقی درباره برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت گردشگری در روستا باستانی دنگجیان در چین گزارش کردند، گردشگری در روستاهای چین سبب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم محلی شده، ولی در مقابل، مشکلات زیست‌محیطی را افزایش داده است. همچنین دانگ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر توسعه گردشگری بر تغییر پوشش اراضی در نواحی لاگا از کشور چین» توسعه گردشگری را باعث تغییر کاربری اراضی این منطقه دانسته‌اند که در نتیجه آن، مساحت اراضی زراعی و باغی به طور سالانه کاهش یافته و مساحت اراضی مسکونی افزایش داشته است، اما با نتایج تحقیق اکچ و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر اینکه گردشگری به توسعه کشاورزی و تجارات در توسعه روستایی منجر شده و مکملی برای فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و

کاهش مهاجرت در منطقه مورد مطالعه شده است، منطبق نیست؛ زیرا پژوهش نشان داد، توسعه گردشگری باعث توسعه کشاورزی نشده، بلکه آن را تضعیف کرده است.

نتایج آزمون‌های کای اسکوتر، فریدمن و ویل کاکسون نشان داد، بین توسعه گردشگری و افزایش ساخت‌وسازها ارتباط وجود دارد. با ورود شهرنشینان به روستا، تقاضا برای مسکن افزایش می‌یابد و به تبع آن، قیمت زمین رشد پیدا می‌کند؛ در نتیجه تمایل روستاییان به فروش زمین‌های کشاورزی زیاد می‌شود، تبدیل زمین‌های کشاورزی به خانه‌های دوم باعث تغییر چهره روستا و آسیب‌های محیطی می‌شود، تراکم و فشار جمعیت و ساخت‌وساز غیراصولی و بدون توجه به توان و ظرفیت‌های محیطی زمینه‌ای برای آسیب رساندن به روستا فراهم می‌کند و سبب بورس‌بازی زمین و زمین‌خواری می‌شود. اگرچه افزایش مشاغل خدماتی در سطح روستا اشتغال‌زایی می‌کند، نتیجه‌اش نابودی نظام تولیدی می‌شود که لازمه این امر مدیریت و برنامه‌ریزی گردشگری در نواحی روستایی است.

برای بررسی رابطه بین توسعه گردشگری و تغییر کاربری اراضی از آزمون‌های فریدمن و فای کرامر استفاده شد که براساس نتایج، ارتباط معنادار تا سطح ۹۹ درصد تأیید شد. با توسعه گردشگری در روستای مورد مطالعه، ناهماهنگی در یکپارچگی جنگل و زمین‌های کشاورزی به واسطه ایجاد ویلاها، راه‌ها و تأسیسات زیربنایی اعم از مسکونی و گردشگری و همین‌طور تخریب پوشش گیاهی و جانوری و تخریب رودخانه‌ها، افزایش قیمت زمین و تغییر کاربری اراضی ایجاد می‌شود؛ در نتیجه محصولات کشاورزی و باغی کاهش می‌یابد و الگوی شهری بر روستا حاکم می‌شود. تخریب چشم‌اندازهای روستا و تغییر کاربری اراضی کشاورزی از پیامدهای منفی توسعه گردشگری به شمار می‌رود.

نتایج آزمون‌های فریدمن، کای اسکوتر و مک‌نمار نشان داد، بین توسعه گردشگری و رضایتمندی رابطه وجود دارد. ساخت‌وسازهایی که بعد از توسعه گردشگری در روستا رواج پیدا کرده است، به دلیل الگوبرداری از فرهنگ غیربومی و توجه نکردن به بافت و معماری روستا الگوی مسکن را تغییر داده و آشفتگی بصری ایجاد کرده است. این روند بدون برنامه‌ریزی به شرایط و توان محیطی روستا و فضاهایی که مورد نیاز فعالیت و زیست روستاییان باشد، توجهی نداشته و سبب نارضایتی ساکنان روستاییان است.

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- حمایت کامل دولت از بخش کشاورزی، به‌طوری‌که انجام فعالیت در این بخش باعث توجیه اقتصادی مناسب برای کشاورزان شود تا با وجود مشکلات متعدد مالی در خانواده و وجود متقاضیان خرید زمین به قیمت زیاد، به فروش اراضی کشاورزی خود مجبور نشوند؛ این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است؛
- نظارت دقیق بر فعالیت‌های بنگاه مشاوران املاک که حلقه اصلی ارتباط فروشندگان و خریداران اراضی کشاورزی و عاملان اصلی تفکیک اراضی کشاورزی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز از سوی سازمان صنعت، معدن و تجارت است؛
- برنامه مناسب در راستای سامان‌دهی خانه‌های دوم با رعایت توان نواحی روستایی و همچنین حفظ کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی تدوین شود؛
- مقررات خاص برای مکان‌یابی خدمات گردشگری و راهنمایی برای طرح‌های روستایی تدوین شود؛
- بین روستاییان در زمینه نگهداشت و حفظ اراضی کشاورزی و باغی فرهنگ‌سازی شود.

کتابنامه

۱. امان‌پور، س.، محمدی، ا.، و ناصر، م. (۱۳۹۲). پهنه‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان از لحاظ شاخص گردشگری با مدل تاپسیس. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵(۲)، ۲۲۱-۲۰۱.
۲. بدری، ع.، اکبریان رونیزی، س.، و قصابی، م. (۱۳۹۲). نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان آران و بیدگل). *پژوهش‌های روستایی*، ۴(۲)، ۲۷۶-۲۴۹.
۳. پاپلی یزدی، م.، و سقایی، م. (۱۳۹۲). *گردشگری (ماهیت و مفاهیم)* (چاپ هشتم). تهران: سمت.
۴. تفلر، د. ج.، و شارپلی، ر. (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه* (ح. ضرغام، ز. نکویی، ن. عباسپور، و م. شجاعی، مترجمان). تهران: مهکامه.

۵. تولایی، س.، ریاحی، و.، افراخته، ح.، و شعبانی، ا. (۱۳۹۲). بررسی توانمندی‌ها و راهکارهای توسعه گردشگری روستایی در بخش کهک استان قم. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵(۴)، ۱۰۳-۱۱۸.
۶. جعفری، ح.، و حاتمی شاه خالی، م. (۱۳۹۵). نقش گردشگری در تحولات کالبدی کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان لاهیجان). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶(۲۳)، ۱۹۱-۲۰۰.
۷. حاتمی خانقاهی، ت.، وزیر، و.، تقی‌زاده هیر، م. (۱۳۹۹). بررسی آثار کالبدی شکل‌گیری خانه‌های دوم بر منطقه گردشگری سرعین از دیدگاه ذی‌نفعان. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۳۱(۳۰)، ۴۲-۴۳.
۸. حاجی نژاد، ع.، پایدار، ا.، باقری، ف.، و عبدی، ن. (۱۳۹۴). تدوین برنامه راهبردی توسعه گردشگری روستایی در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبرد و کلان، ۲(۸)، ۱۱۱-۱۳۵.
۹. خاتون‌آبادی، ا.، و راست‌قلم، م. (۱۳۹۰). سنجش ارکان چهارگانه گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک SOWT (مطالعه موردی: روستاهای هدف گردشگری استان چهارمحال و بختیاری). نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۵، ۳۳۰-۳۳۸.
۱۰. رحمانی فضلی، ع.، سجادی، ژ.، و صدیقی، ص. (۱۳۹۸). نقش گردشگری خانه‌های دوم در تشدید فرایند کالایی‌شدن فضا (مطالعه موردی: عرصه‌های روستایی شهرستان محمودآباد). مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۷(۲۷)، ۵۶-۸۲.
۱۱. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۷). توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. شهابیان، پ. (۱۳۸۳). گردشگری روستایی. فصلنامه ساخت شهر، ۱(۱)، ۲۸-۳۳.
۱۳. عنابستانی، ع.، و اکبری، ح. (۱۳۹۱). ارزیابی طرح‌های هادی و نقش آن در توسعه کالبدی روستا از دیدگاه روستائیان (مطالعه موردی شهرستان جهرم). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۴)، ۹۳-۱۱۰.
۱۴. قادری، ا. (۱۳۸۲). نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی پایدار (مطالعه موردی: دهستان رودبار قصران شمیرانات) (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۱۵. قدیری معصوم، م.، مطیعی لنگرودی، س. ح.، و مهرپویا، ح. (۱۳۹۲). تبیین اثرات کالبدی گردشگری بر نواحی روستایی مورد پژوهش: دهستان بیرون بشم -بخش کلاردشت. برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۲(۵)، ۳۳-۴۹.

۱۶. محلاتی، ص. (۱۳۸۰). درآمدی بر جهانگردی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۷. موسوی، م.، ویسیان، م.، محمدی حمیدی، س.، و اکبری، م. (۱۳۹۴). پژوهشی در بررسی و الویت‌بندی توان‌ها و زیرساخت‌های توسعه گردشگری با روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان کردستان). فصلنامه گردشگری شهری، ۲(۱)، ۱۷-۳۱.

۱۸. میسون، پ. (۱۳۸۷). گردشگری اثرات و برنامه‌ریزی و مدیریت (ر. میرزایی، و پ. مرادیان، مترجمان). تهران: انتشارات ترمه.

۱۹. نظریان، ا.، زال‌نژاد، ک.، و میرزانژاد، ر. (۱۳۹۴). تحلیل اثرات گردشگری بر روند توسعه روستا شهرها (مطالعه موردی: سرعین). فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۳)، ۱۳۷-۱۵۲.

۲۰. الوانی، م.، و پیروزبخت، م. (۱۳۸۵). فرایند مدیریت جهانگردی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۱. یعقوبی، م.، قرشی میناآباد، م.، و مولایی هاشجین، ن. (۱۳۹۵). بررسی نقش گردشگری بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رضوانشهر). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶(۲۴)، ۱۷۹-۱۸۸.

22. Campbell, L. M. (1999). *Ecotourism in rural developing communities*. Canada: University of Western Ontario.
23. Dong, R., Yu, L., & Liu, G. (2008). Impact of tourism development on land-cover change in a matriarchal community in the Lugu Lake area. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 15, 28-35.
24. George, W., Mair, H., & Reid, D. G. (2009). *Rural tourism development: Localism and cultural change*. Bristol, UK: Channel View Publications.
25. Guo, Z., & Sun, L. (2016). The planning development and management of tourism: The case of Dangjian ancient village in China. *Tourism Management*, 56, 52-62.
26. Hermans, D. (1981). The encountering of agriculture and tourism: A Catalan case. *Annals of Tourism Research*, 8(1), 462-479.
27. Holden, A., (2016). *Environment and tourism*. London: Routledge.
28. Ionela, G. P., Constantin, B. M. & Dogaru, L. D. (2015). Advantages and limits for tourism development in rural area (Case study Ampoi and Mureş valleys). *Procedia Economics and Finance*, 32, 1050-1059.

29. Kossack, M. (1998). Case study: Integral development of rural areas, tourism and village renovation, Trebnje, Slovenia. *Tourism Management*, 19(1), 81-86.
30. Lanea, B. (1994). What is rural tourism? In B. Bramwell., & B. Lane (Eds.), *Rural tourism and sustainable rural development*. Clevedon: Channel view publication.
31. Okech, R., Haghiri, M., & George, B. (2012). Rural tourism as a sustainable development alternative: An analysis with special reference to Luanda, Kenya. *Special Issue: Sustainability, Tourism & Environment in the Shift of a Millennium: A Peripheral View*, 6(3), 36-54.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.79401.1207>

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت و بازاریابی سبز در جهت توسعه صنعت گردشگری (مورد مطالعه: استان اردبیل)

مسلم سلیمان پور (استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

m.soleymanpor@pnu.ac.ir

رضا نوروزی اجیرلو (استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

rezanorouzi20@pnu.ac.ir

صص ۲۷۹ - ۲۵۷

چکیده

بررسی نظری و پیشینه مطالعات قبلی نشان می‌دهد، شکاف پژوهشی همبستگی بین عوامل مسئولیت اجتماعی، استراتژی بازاریابی سبز، شهرت شرکت و عملکرد تجاری وجود دارد. زمینه عملی صنعت خدمات گردشگری است که روز به روز به اهمیت گردشگری و توسعه آن افزوده می‌شود. گردشگری صنعتی خدماتی است که به ارائه مطلوب خدمات به گردشگران وابسته است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران و کارشناسان و کسب و کارهای خدماتی وابسته به گردشگری استان اردبیل بودند. با توجه به وجود ۳۱۵ هتل، مهمان‌پذیر، هتل آپارتمان و بومگردی، نمونه‌ای به تعداد ۱۷۳ مورد و ۳۴۶ پرسشنامه با استفاده از فرمول کوکران و به صورت هدفمند و نظری انتخاب شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم‌افزار PLS) انجام شد. نتایج حاکی از تأیید فرضیات تحقیق به جز تأثیر استراتژی بازاریابی سبز بر نتایج کسب و کار بود. شایسته است، مدیران مجموعه گردشگری مسئولیت اجتماعی را اصل اخلاقی در نظر بگیرند و با به کارگیری استراتژی بازاریابی سبز موجب رفع

نگرانی گردشگران حامی محیط‌زیست شوند و با ایجاد شهرت قوی عملکرد تجاری خود را بهبود دهند.

کلیدواژه‌ها: استراتژی بازاریابی سبز، شهرت شرکت، مسئولیت اجتماعی شرکت، نتایج کسب و کار

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر حفاظت از محیط‌زیست اصطلاحی است که در بسیاری از زمینه‌ها چه در تئوری و چه در عمل به آن اشاره شده است (هافمن^۱، ۲۰۰۱، ۱۳۴). این امر فشار زیادی را برای کسب‌وکارها ایجاد کرده است تا روش‌های عملیاتی خود را تغییر دهند و اطمینان حاصل کنند که به ارزش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی دست می‌یابند و همچنان نتایج کسب‌وکار را افزایش می‌دهند. با توجه به دیدگاه مبتنی بر منابع طبیعی، وان‌گیبلر^۲ (۲۰۱۳، ص ۳۹) استدلال کرد، زمانی که فشار محیطی فزاینده کسب‌وکارها را به اجرای استراتژی‌های جدید مجبور می‌کند، می‌تواند مزیت رقابتی کسب‌وکار باشد از آن زمان به بعد، استراتژی بازاریابی سبز، استراتژی مفید تلقی می‌شود و به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا اهداف عملیاتی خود را تنظیم کنند و به سمت محیط حرکت کنند تا انتظارات مشتری را تضمین کنند (نگوین و بوی^۳، ۲۰۲۱، ص. ۱۱۷).

در طول بیست و پنج سال گذشته، بازاریابی سبز به عنوان رشدی در آگاهی و اقدام برای کسب‌وکارها برای بهبود شهرت و عملکرد خود ظاهر شده است. بسیاری از محققان در زمینه بازاریابی سبز در موضوعات مختلف تحقیق کرده‌اند. تحقیقات ارزشمند کومار^۴ (۲۰۱۶، ص. ۱۳۷) که ۱۶۱ مقاله تحقیقاتی مرتبط را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ گردآوری کرد، پیشرفت تحقیقات مفصلی را در چهار زمینه بازاریابی سبز از جمله استراتژی بازاریابی سبز، عملکرد بازاریابی سبز، نتایج بازاریابی سبز و جهت‌گیری محیط‌زیست نشان داد.

1. Hoffman

2. Von Geibler

3. Nguyen & Bui

4. Kumar

می‌توان مسئولیت اجتماعی شرکتی را برقراری رابطه بین فعالیت‌های سازمان و اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه‌ای دانست که سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کنند (اسکات^۱، ۲۰۰۷، ص. ۳۱). در مسئولیت اجتماعی سازمان اشاره می‌شود که سازمان باید یک شهروند مشارکت‌جوی خوب باشد.

بازاریابی محیطی یا استراتژی بازاریابی سبز می‌تواند بر دستیابی به اهداف گردشگری سبز تأثیر مثبت داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، در بنگلادش بسیاری از آژانس‌های گردشگری و هتل‌ها، از ابزارهای بازاریابی سبز برای جذب مسافران خارجی و داخلی استفاده می‌کنند (نک محمود و فرکاس^۲، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۰). دولت بنگلادش همچنین بر سرمایه‌گذاری سبز در صنعت گردشگری و ایجاد صنعت گردشگری پایدار برای جذب گردشگران خارجی و داخلی متمرکز است. گردشگری ممکن است عامل اصلی کشورهای درحال توسعه برای کاهش فقر باشد. گردشگری ممکن است مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی درخور توجهی را به‌خصوص در کشورهای روستایی و درحال توسعه ایجاد کند.

بازاریابی سبز و مصرف‌گرایی سبز با یکدیگر تأثیر و تعامل دارند (گرونینگ و همکاران^۳، ۲۰۱۸، ص. ۳). از یک سو، سازمان‌ها استراتژی‌های بازاریابی سبز را برای مصرف‌کنندگان انتخاب و معرفی می‌کنند که مصرف‌کنندگان در رفتارهای خرید خود به استراتژی‌های بازاریابی سبز پاسخ دهند. از طرف دیگر، مصرف‌کنندگان تقاضای بازار محصولات سبز را تعیین می‌کنند؛ بر این اساس، استراتژی‌های سازمانی بازاریابی سبز به دنبال پر کردن شکاف در بازار هستند (گرونینگ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۲۹).

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات و پژوهش‌ها حاکی از آن است که مسائل محیطی و حفظ محیط‌زیست یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که گردشگران هنگام انتخاب مجموعه گردشگری آن را مدنظر قرار می‌دهند؛ در نتیجه این مسائل باعث شده است که مسائل محیطی وارد مفاهیم بازاریابی شده و

1. Scott

2. Nekomahmud & Fekete-Farkas

3. Groening

رویکردی به نام بازاریابی سبز پدیدار شود؛ از این رو شناسایی ضروریات و عوامل اجرای فرآیند آگاهی از بازاریابی سبز به منظور ارتقای شهرت شرکت در راستای القای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در جهت افزایش عملکرد مجموعه‌های گردشگری آن، از مهم‌ترین مواردی است که به عنوان هدف این پژوهش مطالعه شده است.

ویداستوتی و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «اعتماد مشتری از طریق تصویر سبز شرکت، استراتژی بازاریابی سبز و مسئولیت اجتماعی» دریافتند، مصرف‌کنندگان و جوامع بیشتری باید به مراقبت از محیط‌زیست دعوت شوند. آن‌ها همچنین باید توانایی اثبات و تعهد به جامعه را در اجرای برنامه مسئولیت اجتماعی شرکتی خود داشته باشند تا اثرات زیست‌محیطی نه تنها تصویر شرکتی شرکت، بلکه فرایندهای عملیاتی خود را نیز کاهش دهد. هوانگ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تصمیم‌گیری مشترک بازاریابی سبز و زنجیره تأمین سبز با در نظر گرفتن ساختار قدرت و مسئولیت اجتماعی شرکت» دریافتند، اول اینکه تفاوت در درجه مسئولیت اجتماعی شرکت انجام‌شده توسط تولیدکنندگان و خرده‌فروشان منجر به تفاوت در رتبه‌بندی استراتژی‌های بهینه هر دو طرف می‌شود. دوم اینکه صرف نظر از ساختار قدرت، تولیدکنندگان و خرده‌فروشان متعهد به مسئولیت اجتماعی شرکت هستند که به بهبود سطح سبز بودن محصول، افزایش تبلیغات سبز، کاهش قیمت خرده‌فروشی، افزایش تمایل مصرف‌کنندگان به خرید محصولات سبز و در نهایت کمک به افزایش سود تولیدکنندگان و خرده‌فروشان منجر می‌شود. تقیان^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «رویکرد ذی‌نفعان به مسئولیت اجتماعی شرکت، شهرت و عملکرد تجاری» به دو پیامد عملی و اجتماعی پی بردند: ۱. پیامدهای عملی: مدیران می‌توانند استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت تحت تأثیر ذی‌نفعان را برای ایجاد شهرت قوی شرکت به منظور بهبود عملکرد تجاری اتخاذ کنند. مهم است، اطمینان حاصل شود که منافع کارکنان و سهام‌داران عمومی در استراتژی سازمانی مدنظر قرار می‌گیرد؛ ۲. پیامدهای اجتماعی: نگرانی اصلی، فقدان درک سهام‌داران در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. کنترل‌های

1. Widyastuti

2. Taghian

نظارتی پیام‌های CSR می‌تواند اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده برای عموم را کاهش داده یا حذف کند. ژو و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت، شهرت شرکت و عملکرد شرکت: نقش رهبری اخلاقی» پی بردند، زمانی که رهبری اخلاقی قوی باشد، رهبری اخلاقی اثر غیرمستقیم خود را بر شهرت شرکت از طریق CSR تعدیل می‌کند، اما زمانی که ضعیف باشد، تأثیر غیرمستقیم و مثبت بر شهرت شرکت از طریق CSR دارد و همچنین رهبری اخلاقی اثر غیرمستقیم CSR بر عملکرد شرکت را از طریق شهرت شرکت تعدیل می‌کند. نقش رهبری اخلاقی در پیوند دادن سوابق و نتایج CSR برجسته است و از دیدگاه ذی‌نفعان پشتیبانی می‌شود.

پونیتا و راسدی^۱ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت: پذیرش بازاریابی سبز توسط صنعت هتلداری» دریافتند، هتلداران باید از استراتژی‌هایی مانند شست‌وشوی سبز اجتناب کنند تا اعتماد مصرف‌کنندگان سبز به ادعای سبز بودن جلب شود. همچنین بازاریابی سبز به عنوان ابزاری توسط هتل‌ها برای اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت استفاده می‌شود؛ درحالی‌که بازاریابی سبز مزیت رقابتی را برای هتل‌ها در تعادل بین توسعه و پایداری محیطی فراهم می‌کند و قابلیت اطمینان یک محصول سازگار با محیط‌زیست با آشنایی با برند محصول، رعایت ایمنی و محیط‌زیست مرتبط است. ایمنی یک محصول سازگار با محیط‌زیست و توصیه‌های دهان به دهان مثبت، به‌ویژه برای قابلیت اطمینان بسیار مهم است. با جمع‌بندی اولویت‌های کاربرد ابزارهای ترویجی، مشخص شد که روابط عمومی باید به عنوان مؤثرترین ابزار ارتقا مدنظر قرار گیرد. کارنا^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی در برنامه‌ریزی بازاریابی محیطی» دریافتند، ارزش‌های سبز، استراتژی‌های بازاریابی محیطی، ساختارها و عملکردها به‌طور منطقی با یکدیگر مرتبط هستند. هرمنز^۳ و همکاران (۱۹۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی شهرت مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد اقتصادی» دریافتند، شرکت‌های تولیدی بزرگ با شهرت بهتر برای مسئولیت‌های اجتماعی از شرکت‌هایی با شهرت ضعیف‌تر عملکرد بهتری داشتند و سرمایه‌گذاران بازده بازار

1. Punitha & Rasdi

2. Kärnä

3. Herremans

سهام بهتر و ریسک کمتری را تجربه کردند. تحقیقات زیادی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد را بررسی کرده‌اند، اما تاکنون در حوزه گردشگری در این زمینه تحقیقات زیادی انجام نشده‌اند. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی و استراتژی بازاریابی در حوزه زیست‌محیطی، متضمن جذب گردشگران در بخش هتل‌ها و بومگردی است؛ چراکه یکی از معیارهای انتخاب مجموعه گردشگری توسط گردشگران، حفظ محیط‌زیست است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی با استراتژی بازاریابی سبز و شهرت با عملکرد در مجموعه‌های گردشگری انجام شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش مبتنی بر شیوه کمی و پارادایم روش‌شناسی حاکم اثبات‌گرایی است. دسترسی به داده‌های موردنیاز (ثانویه و اولیه) از طریق روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی محقق شده است. پژوهش از نظر زمانی، مقطعی و ابزار اصلی گردآوری داده‌های اولیه، پرسشنامه تنظیمی حاوی ۴۱ سؤال پنج‌گزینه‌ای بود که با توجه به فرضیه‌های تحقیق و مدل مفهومی ارائه‌شده تدوین شد. با توجه به اینکه چارچوب کلی سؤالات پرسشنامه براساس مدل (نگویان و بوی، ۲۰۲۱) طراحی شده است، تا حد زیادی از روایی لازم برخوردار است. همچنین برای اطمینان کامل درمورد روایی پرسشنامه، از نظرات استادان صاحب‌نظر در این زمینه استفاده شد و اصلاحات لازم لحاظ شد. در این تحقیق برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بنابراین می‌توان گفت سؤالات پرسشنامه تحقیق از پایایی مناسب و مطلوبی برخوردار است. در این بخش با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۷ است، پرسشنامه از پایایی کافی برخوردار است. روایی صوری پرسشنامه علاوه بر همسویی با ادبیات در دسترس، با مشورت برخی از نخبگان فراهم شد. جامعه آماری این تحقیق مدیران و کارشناسان کسب‌وکارهای خدماتی وابسته به گردشگری استان اردبیل بودند که برحسب گزارش‌های کسب‌شده از میراث فرهنگی و گردشگری استان، تعداد هتل‌ها ۱۴۴، هتل آپارتمان‌ها ۸۵، مهمان‌پذیرها ۶۶ و بومگردی‌ها ۲۰ مورد بودند. برحسب جدول حجم نمونه مورگان، ۳۴۶ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند. روش نمونه‌گیری در

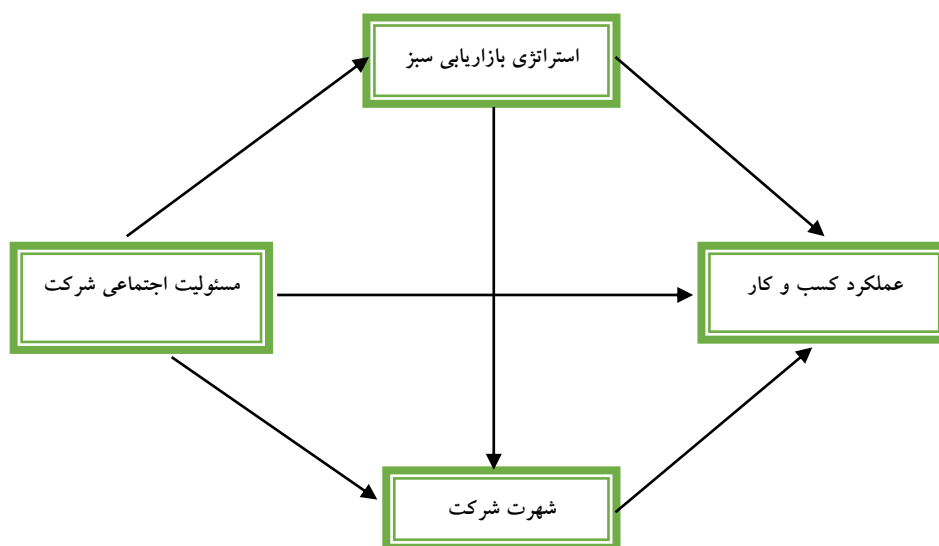
تحقیق حاضر طبقه‌ای است؛ بدین صورت از بخش‌های مختلف کسب‌وکارهای خدماتی حوزه گردشگری برحسب تعداد نمونه، نمونه‌گیری انجام شد. تحلیل داده‌های کمی در این مطالعه، با استفاده از شیوه‌ای از مدلیابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS انجام شده است.

فرضیه‌های بررسی‌شده در این مطالعه عبارت‌اند از:

- مسئولیت اجتماعی شرکت بر شهرت شرکت تأثیر مثبت دارد.
- استراتژی بازاریابی سبز بر شهرت شرکت تأثیر مثبت دارد.
- استراتژی بازاریابی سبز بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.
- مسئولیت اجتماعی شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.
- شهرت شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.
- مسئولیت اجتماعی شرکت بر استراتژی‌های بازاریابی سبز تأثیر مثبت دارد.

در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات پژوهشگر، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱

است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: نگویان و بوی، ۲۰۲۱

۴. مبانی نظری تحقیق

اتمن^۱ (۲۰۱۷) بازاریابی سبز^۲ را یکی از استراتژی‌هایی می‌داند که می‌تواند به بازاریابان در فروش کالاها و خدمات خود کمک کند تا به اهداف اصلی خود در تجارت دست یابند. این نوع استراتژی بر ایجاد مزایای زیست‌محیطی قابل تشخیص تمرکز دارد. بازاریابی سبز، فرایندی است که طی آن افراد و گروه‌ها خواسته‌های خود را از طریق رویکردی اصولی برآورده می‌کنند که اثرات منفی زیست‌محیطی را کاهش می‌دهد. افزایش فعالیت‌های بازاریابی سبز می‌تواند در نتیجه فشارهای داخلی یا خارجی روی دهد (فیردیانش^۳ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۵۰۹۲). در بین نیروهای خارجی مانند پاسخ به تقاضای مصرف‌کننده و افزایش آلودگی محیطی، بزرگ‌ترین چالش برای شرکت‌ها این است که چگونه یک پلتفرم آمیخته ارتباط بازاریابی سازگار با محیط‌زیست ایجاد کند که برای گفت‌وگوی مستقیم و ایجاد اعتماد در مصرف‌کننده الزامی باشد؛ به خصوص زمانی که صحبت از فعالیت‌های بازاریابی سبز می‌شود. مصرف‌کنندگان با ارزیابی پیشنهادها مبتنی بر عناصر بازاریابی سبز مانند ویژگی‌های محصول، کیفیت، منشأ، طعم، قیمت، بسته‌بندی، برچسب‌گذاری، عملکرد، دوام، خدمات یا هر ویژگی زیست‌محیطی که ممکن است آن‌ها را راضی کند، پیشنهادها را بازار باارزش زیست‌محیطی جدید را ارزیابی می‌کنند (گانیمت و فوتوس^۴، ۲۰۱۹، ص. ۲۳). آگاهی روزافزون مردم از وضعیت محیط‌زیست در سرتاسر جهان از نیاز به محصولات یا خدمات سازگار با محیط‌زیست بسیار سودمند است و بر رفتار دوستداران محیط‌زیست شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد (گانیمت و فوتوس، ۲۰۱۹، ص. ۲۳).

در عمل، استراتژی بازاریابی سبز با هدف آموزش به مصرف‌کنندگان در مورد آگاهی از شرایط محیطی براساس محصول یا خدمات مصرف‌شده است؛ بنابراین مصرف‌کنندگان باید آگاهی زیست‌محیطی خود را افزایش دهند. به عقیده عده^۵ (۲۰۲۰)، مصرف‌کنندگان نیز با

1. Ottman

2. green marketing

3. Firdiansyah

4. Ganimete Podvorica & Fatos Ukaj

5. Edeh

تغییر عادات خرید خود نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست دارند. از این میان، استراتژی‌های بازاریابی باید به روش‌های نوآورانه جدید برای اعمال بازاریابی سبز توسعه داده شوند. ارائه تصاویر خوب توسط شرکت‌ها می‌تواند عادات مصرف‌کنندگانی را که به تغییر به سیستم‌های بازاریابی سبز در فرایند خرید مایل هستند، تغییر دهد. سانکر و جانانی^۱ (۲۰۲۰) برانگیختن مشتریان به سمت بازاریابی سبز را با برنامه‌های آگاهی‌دهنده متفاوتی مانند برجسب‌گذاری سازگار با محیط‌زیست و بسته‌بندی‌ها بر اساس ویژگی‌های دوستداران محیط‌زیست باشد، مطالعه کردند. آن‌ها دریافتند که جذابیت محصول، ژئوفرننگ و عملکرد بازاریابی همگی ارتباطی نزدیک با شیوه‌های بازاریابی سبز دارند.

به عقیده نک محمود و فرکاس^۲ (۲۰۲۱)، بازاریابی سبز سازگار با محیط‌زیست برای برآوردن نیازها، خواسته‌ها و نیازهای مصرف‌کنندگان و درعین حال حفاظت از محیط‌زیست و جامعه استفاده می‌شود. امروزه هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی در حال حمایت از صنعت گردشگری سبز برای توسعه پایدار هستند؛ باین حال، گرم شدن کره زمین، تغییرات آب و هوایی، انتشار گازهای گلخانه‌ای، آلودگی، کاهش منابع طبیعی، تخریب مواد غذایی، فرسایش و سایر تهدیدها، چالش‌های کلیدی جوامع کنونی هستند (گروسک^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱). طبق نظر باگیو و همکاران^۴ (۲۰۱۰)، گردشگری در طول هفتاد سال گذشته به دلیل پیشرفت‌های فناورانه در سفر و حمل‌ونقل، توسعه اقتصادی و افزایش درآمد تصرف‌شدنی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

بازاریابی سبز مشتمل بر عملکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های بازاریابی است که به‌طور مشخص به نگرانی‌ها درباره محیط‌زیست طبیعی و ارضای اهداف فردی و سازمانی درباره یک محصول، یا خط تولید می‌پردازد (لئونیدو^۵ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۸). به عقیده کیم و چوئی^۵ (۲۰۰۵)، مصرف‌کنندگانی که نگرانی بیشتری درباره محیط‌زیست دارند، با احتمال بیشتری محصولاتی را می‌خرند که ادعای سازگاری با محیط‌زیست دارند.

1. Sanker & Janani

2. Grosseck

3. Baggio

4. Leonidou

5. Kim & Choi

با وجود بحث بر سر مفهوم مسئولیت پذیری اجتماعی سازمانها، می‌توان اذعان داشت که مسئولیت اجتماعی سازمانها دلالت بر اتخاذ تصمیمات سازمانی مبتنی بر ارزشهای اجتماعی، اصول اخلاقی و الزامات قانونی در ضمن توجه داشتن به منافع بلندمدت افراد، جوامع و محیطزیست دارد (کارنا و همکاران، ۲۰۰۳ ص ۸۷۱). مسئولیت اجتماعی شرکت به‌طور گسترده توسط محققان بحث شده و با عملکرد شرکت مرتبط شده است. مسئولیت اجتماعی شرکت^۱ به‌عنوان پاسخ سازمانی قانع‌کننده‌ای در دنیای نئولیبرال حمایت شده است (هاروی^۲، ۲۰۰۵). دراصل، مسئولیت اجتماعی شرکت رویکردی به مدیریت کسب‌وکار است که در آن، علاوه بر مسائل سنتی تر سودآوری و سایر نگرانی‌های سهام‌داران، توجه داوطلبانه‌تری به مسائل اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی و همچنین ذی‌نفعان متنوع سازمان در عملیات و ایجاد ارزش در نظر گرفته می‌شود (کولک و پینکس^۳، ۲۰۱۰، ص. ۲۴)؛ به این ترتیب، مسئولیت اجتماعی از طریق عامل انسانی باید نیاز به مداخله دولت در بازارها و مقررات رسمی بیشتر را کاهش دهد (کولز و همکاران^۴، ۲۰۱۳، ص. ۱۲۲).

به عقیده مروت و همکاران (۱۳۹۷)، گردشگری خدمتی است که باید آن را در مقصد مصرف کرد و میزان تقاضا و مصرف آن تابع ویژگی‌های آن خدمت است. به‌منظور مطالعه عوامل مؤثر بر جذب گردشگران خارجی باید از نظریه مصرف‌کننده و برآورد تابع تقاضای خدمت گردشگری استفاده کرد. صنعت گردشگری آمیزه‌ای از فعالیت‌های مختلف است که به‌صورت زنجیره‌ای در جهت خدمت‌رسانی به گردشگران انجام می‌گیرد؛ بنابراین گردشگری شامل تمامی پدیده‌ها و روابط حاصل از تعامل گردشگران، عرضه‌کنندگان و فروشندگان محصولات جهانگردی، دولت‌ها و جوامع میزبان در فرایند جذب و پذیرایی از گردشگران است (آقارکاکلی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۸).

1 corporate social responsibility

2. Harvey

3. Kolk & Pinkse

4. Coles

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. ارزیابی الگوی ارائه‌شده

در این مرحله با هدف ارزیابی الگوی حاصل از مدل مفهومی تحقیق شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شده است. روش استفاده‌شده در این بخش مبتنی بر شیوه کمی و پارادایم روش‌شناسی حاکم اثبات‌گرایی است. برای جمع‌آوری داده‌های کمی از پرسشنامه با سؤالات بسته با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. شایان ذکر است، به‌منظور تعیین روایی همگرا و واگرایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و در راستای سنجش پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. تحلیل داده‌های کمی در این مطالعه، با استفاده از شیوه‌ای از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS انجام شده است.

۵.۲. یافته‌های توصیفی

برای توصیف جامعه مورد مطالعه با توجه به متغیرهای مدنظر و توصیف از وضع موجود، از آمار توصیفی (شامل جداول توزیع فراوانی و نمودارهای مختلف برای بررسی داده‌های جمع‌آوری‌شده) استفاده شده است. توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌رود. با توجه به نتایج بخش اول پرسشنامه (ویژگی‌های جمعیت شناختی)، اطلاعات زیر به‌طور خلاصه درمورد مشخصات نمونه آماری مدنظر ارائه می‌شود.

جدول ۱. سیمای جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیرها	شاخص‌ها	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی مطلق (تعداد)
جنسیت	زن	۴۸/۸۴	۱۶۹
	مرد	۵۱/۱۶	۱۷۷
سن	کمتر از ۲۵	۱۱/۸۵	۴۱
	بین ۲۶ تا ۳۵	۳۱/۷۹	۱۱۰
	بین ۳۶ تا ۴۵	۲۶/۳۰	۹۱
	بین ۴۶ تا ۵۵	۱۹/۹۴	۶۹

متغیرها	شاخص‌ها	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی مطلق (تعداد)
	بیشتر از ۵۵	۱۰/۱۲	۳۵
سابقه فعالیت	کمتر از ۵ سال	۴۹/۷۱	۱۷۲
	۱۰-۵	۲۳/۴۱	۸۱
	۲۰-۱۰	۱۷/۰۵	۵۹
	۳۰-۲۰	۰۹/۸۳	۳۴

در این بخش، نخست به بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف پرداخته شده و سپس برای پاسخگویی به فرضیه‌های تحقیق از تحلیل معادلات ساختاری به روش PLS استفاده شده است.

۳.۵. بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از پیش‌فرض‌های اصلی موردنیاز برای استفاده از آزمون‌های پارامتری، فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای بررسی شده است؛ ازاین‌رو قبل از انجام آزمون‌های مدنظر و بررسی فرضیه‌های تحقیق، باید نرمال بودن توزیع متغیرها آزمون شود. در صورتی که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال پیروی نکنند، لازم است از آزمون‌های ناپارامتری برای بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده شود. در این تحقیق، برای بررسی نرمال بودن متغیرهای از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای تحقیق در سطح خطای ۵ درصد معنادار هستند؛ به عبارت دیگر، هیچ‌کدام از متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند؛ زیرا دارای مقدار معناداری کوچکتر از ۵ درصد هستند.

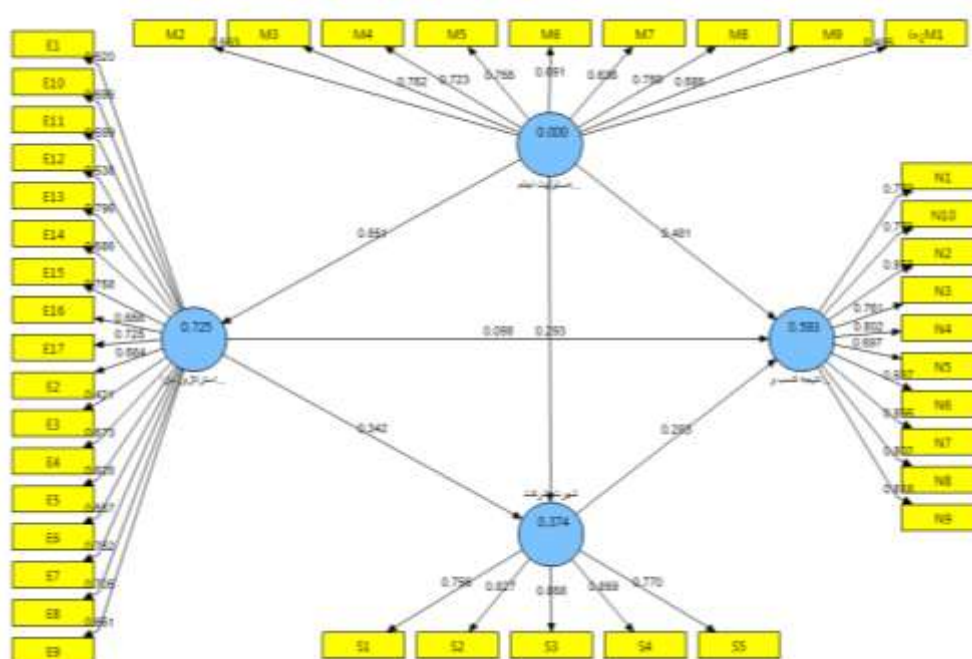
جدول ۲. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیرهای تحقیق	مقدار آماره	مقدار معناداری (sig.)
مسئولیت اجتماعی شرکت	۰/۱۵۶	۰/۰۰۱
استراتژی بازاریابی سبز	۰/۰۹۲	۰/۰۰۱
شهرت شرکت	۰/۱۰۴	۰/۰۰۱
نتیجه کسب‌وکار شرکت	۰/۱۱۰	۰/۰۰۱

۵. ۴. نتایج ارزیابی مدل تحقیق

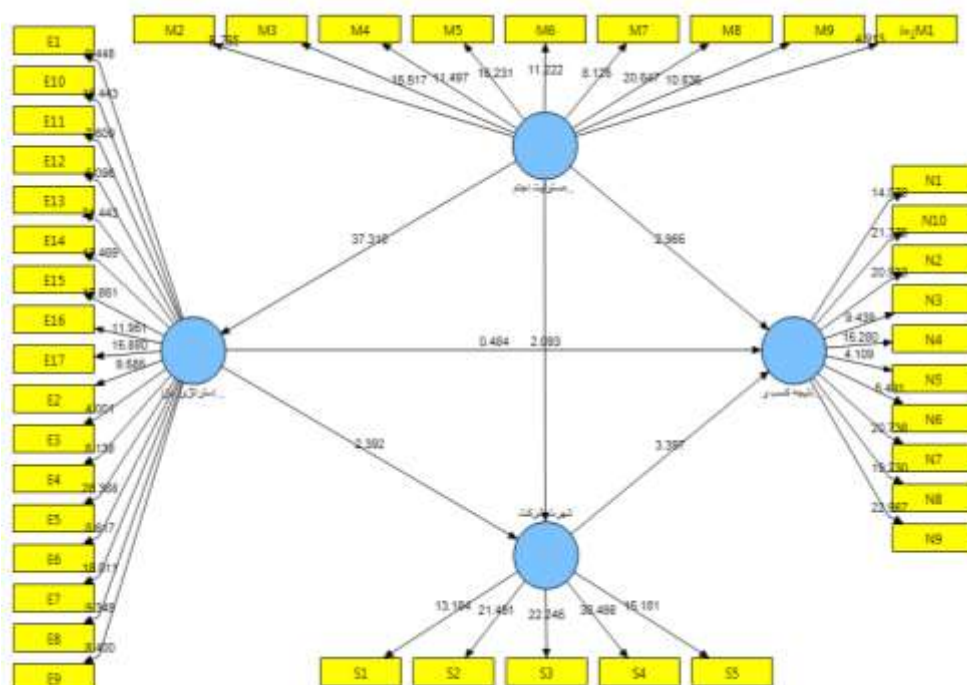
به منظور سنجش مدل و آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع تمام متغیرها، از روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. ضرایب مسیر، واریانس تبیین شده متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و بارعاملی متغیرهای مشاهده شده در شکل ۲ مشخص شده‌اند.



شکل ۲. ضرایب مسیر و بارعاملی متغیرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

معناداری ضرایب مسیر و بارهای عاملی مربوط به هرکدام از متغیرهای پنهان با استفاده از روش خودگردان بررسی شده و در شکل ۳ ارائه شده است. در این شکل اعداد روی مسیر و نیز خطوط مربوط به بارهای عاملی مقادیر آماره t هستند و همانند آزمون t تفسیر می‌شوند؛ یعنی برای تعداد نمونه‌های زیاد، مقادیر بیشتر از $\pm 1/96$ در سطح ۵ درصد معنادارند.



شکل ۳. مقدار آماره χ^2 برای بررسی معناداری ضرایب مسیر و بارهای عاملی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵.۵. پایایی (همسانی درونی) گویه‌ها

برای بررسی پایایی هرکدام از گویه‌ها، بار عاملی هریک از متغیرهای مشاهده‌شده روی متغیرهای مکنون در جدول ۳ گزارش شده است. معمولاً بارهای عاملی بیشتر از ۰/۴ قابل قبول و در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بار عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از میزان مطلوب است.

جدول ۳. بار عاملی گویه‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

نتیجه کسب و کار شرکت	شهرت شرکت	استراتژی بازاریابی سبز	مسئولیت اجتماعی شرکت	
			۰/۴۸۴	M1
			۰/۶۶۳	M2
			۰/۷۶۲	M3

نتیجه کسب و کار شرکت	شهرت شرکت	استراتژی بازاریابی سبز	مسئولیت اجتماعی شرکت	
			۰/۷۲۲	M4
			۰/۷۵۵	M5
			۰/۶۹۰	M6
			۰/۶۳۵	M7
			۰/۷۶۰	M8
			۰/۶۸۵	M9
		۰/۶۲۰		E1
		۰/۶۸۳		E2
		۰/۴۲۰		E3
		۰/۵۷۳		E4
		۰/۸۲۶		E5
		۰/۵۵۷		E6
		۰/۷۵۲		E7
		۰/۷۰۵		E8
		۰/۶۶۱		E9
		۰/۶۹۵		E10
		۰/۵۹۹		E11
		۰/۵۳۹		E12
		۰/۷۹۶		E13
		۰/۶۸۵		E14
		۰/۷۵۸		E15
		۰/۶۵۵		E16
		۰/۷۲۵		E17
	۰/۷۵۵			S1
	۰/۸۲۷			S2
	۰/۸۶۷			S3
	۰/۸۵۹			S4
	۰/۷۷۰			S5
۰/۷۷۲				N1
۰/۸۵۶				N2
۰/۷۶۱				N3

نتیجه کسب‌وکار شرکت	شهرت شرکت	استراتژی بازاریابی سبز	مسئولیت اجتماعی شرکت	
۰/۸۰۲				N4
۰/۵۹۲				N5
۰/۶۳۷				N6
۰/۸۵۵				N7
۰/۸۰۲				N8
۰/۸۱۷				N9
۰/۷۷۶				N10

نتایج معناداری ضرایب مسیر نیز در جدول ۴ آورده شده است. در این جدول، مقدار ضریب مسیر، انحراف استاندارد، مقدار آماره t و سطح معناداری مربوط به هر کدام از مسیرها ذکر شده است.

جدول ۴. مقدار ضرایب مسیر و آماره t

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

مسیر	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	مقدار معناداری
از مسئولیت اجتماعی شرکت به استراتژی بازاریابی سبز	۰/۸۵۱	۰/۰۲۳	۳۷/۳۲	۰/۰۰۱
از مسئولیت اجتماعی شرکت به شهرت شرکت	۰/۲۹۳	۰/۱۴۰	۲/۰۹	۰/۰۳۶
از مسئولیت اجتماعی شرکت به نتیجه کسب‌وکار شرکت	۰/۴۸۱	۰/۱۶۲	۲/۹۷	۰/۰۰۳
از استراتژی بازاریابی سبز به نتیجه کسب‌وکار شرکت	۰/۰۹۸	۰/۲۰۲	۰/۴۸	۰/۶۱۵
از استراتژی بازاریابی سبز به شهرت شرکت	۰/۳۴۲	۰/۱۴۳	۲/۳۹	۰/۰۱۶
از شهرت شرکت به نتیجه کسب‌وکار شرکت	۰/۲۸۳	۰/۰۸۳	۳/۴۰	۰/۰۰۱

۶.۵. پایایی ترکیبی

نتایج بررسی پایایی ترکیبی^۱ هریک از سازه‌ها در جدول ۵ گزارش شده است. درمورد این شاخص مقادیر بیشتر از ۰/۷ برای پایایی ترکیبی قابل قبول هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمامی اعداد بیشتر از ۰/۷ است؛ بنابراین پایایی ترکیبی سازه‌ها پذیرفته می‌شود.

۷.۵. واریانس استخراج شده

مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مربوط به سازه‌ها در جدول ۵ گزارش شده است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) این شاخص را پیشنهاد کردند. مقدار قابل قبول برای این معیار که بیانگر اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است، ۰/۵ است؛ یعنی متغیر پنهان مدنظر حداقل ۵۰ درصد از واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقادیر واریانس استخراج شده برای تمام متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۵ است که اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری را تأیید می‌کند.

جدول ۵. پایایی ترکیبی و واریانس استخراج شده متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیرهای تحقیق	پایایی ترکیبی	واریانس استخراج شده
مسئولیت اجتماعی شرکت	۰/۸۸۹	۰/۵۷۵
استراتژی بازاریابی سبز	۰/۹۳۱	۰/۵۴۸
شهرت شرکت	۰/۹۰۹	۰/۶۶۸
نتیجه کسب‌وکار شرکت	۰/۹۳۶	۰/۵۹۶

۸.۵. بررسی و آزمون مدل ساختاری

براساس نتایج، مقدار ضرایب تعیین چندگانه برای مدل تحقیق برابر با ۰/۷۲۵، ۰/۳۷۴ و ۰/۵۹۳ به دست آمده است؛ یعنی متغیر مسئولیت اجتماعی شرکت در مجموع توانسته است ۷۲ درصد از تغییرات متغیر استراتژی بازاریابی سبز را تبیین کند. متغیرهای مسئولیت اجتماعی

1. Composite reliability

شرکت و استراتژی بازاریابی سبز، در مجموع توانسته‌اند ۳۷ درصد از تغییرات متغیر شهرت شرکت را تبیین کنند و متغیرهای مسئولیت اجتماعی شرکت، استراتژی بازاریابی سبز و شهرت شرکت، در مجموع توانسته‌اند ۵۹ درصد از تغییرات متغیر نتیجه کسب‌وکار شرکت را تبیین کنند که درصد زیادی هستند. برای بررسی برازش کلی مدل می‌توان از شاخص نیکویی برازش (GOF) به صورت زیر استفاده کرد:

$$GOF = \sqrt{(Communality) * (R^2)}$$

که برابر با مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تعیین است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص لحاظ می‌شود. برای مدل تحقیق حاضر مقدار این شاخص برابر است با:

$$GOF = \sqrt{0/547 \times 0/563} = 0/555$$

به این ترتیب با توجه به نتایج پایایی ترکیبی، واریانس استخراج‌شده، ضریب تعیین مدل و شاخص نیکویی برازش می‌توان نتیجه گرفت، مدل ترسیم‌شده در حیطه تحلیل مسیر از فرضیه‌های تجربی-نظری مناسبی برخوردار است و برازش بسیار مناسب دارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فرضیه اول: مسئولیت اجتماعی شرکت بر شهرت شرکت تأثیر مثبت دارد.

مسئولیت اجتماعی شرکت بر شهرت شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. نتایج این مطالعه با یافته‌های تقیان و همکاران (۲۰۱۵) و ژو^۱ و همکاران (۲۰۱۴) هم‌راستاست. مدیران هتل‌ها و بوم‌گردی‌ها باید بر حفاظت از سلامت و محیط امن برای گردشگران در سایت توریستی تمرکز کنند. همچنین با علم به اینکه مشتریان می‌دانند که

1. Zhu

چه شرکتی مسئولیت اجتماعی دارد، مدیران مجموعه‌های گردشگری باید محصولات و خدمات سازگار با محیط‌زیست ارائه دهند. درواقع می‌توان گفت، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی مجموعه‌های گردشگری زمینه ایجاد شهرت را به دنبال دارد.

فرضیه دوم: استراتژی بازاریابی سبز بر شهرت شرکت تأثیر مثبت دارد.

براساس نتایج، ضریب مسیر از استراتژی بازاریابی سبز به شهرت شرکت برابر با $0/342$ به دست آمده است و در سطح خطای $0/05$ معنادار است؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که استراتژی بازاریابی سبز بر شهرت شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هوانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد. به دلیل نقش مؤثر بازاریابی سبز در شکل دهی نگرش‌های مشتریان و تأثیر آن‌ها بر حوزه‌های تصمیم‌گیری مجموعه‌های گردشگری، پیشنهاد می‌شود که مجموعه‌های گردشگری سعی کنند تا با به کارگیری استراتژی بازاریابی سبز، آن دسته از مشتریانی را که درباره محیط‌زیست نگران هستند، تحت تأثیر قرار دهند؛ به طوری که برند آن‌ها تصویری از نگرانی شرکت درباره محیط‌زیست را در ذهن گردشگران ایجاد کند.

فرضیه سوم: استراتژی بازاریابی سبز بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.

براساس نتایج، ضریب مسیر از استراتژی بازاریابی سبز به نتایج کسب‌وکار برابر با $0/098$ به دست آمده است، ولی در سطح خطای $0/05$ معنادار نیست؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که استراتژی بازاریابی سبز بر نتایج کسب‌وکار تأثیر معنادار ندارد و فرضیه سوم تحقیق تأیید نمی‌شود. نتایج این بخش از تحقیق با یافته‌های تحقیق کارنا و همکاران (۲۰۰۳) همسو نیست. با توجه به تأییدنشدن ارتباط بازاریابی سبز با عملکرد مجموعه‌های گردشگری، پیشنهاد می‌شود گردشگری استان اردبیل با ایجاد واحد بازاریابی سبز با طراحی ساختار جدید و بسیج منابع و امکانات مناسب برای آن، روش‌های مناسبی را اتخاذ کند و همچنین کارکنان را تشویق کند تا فعالانه در برنامه‌های افزایش آگاهی محیطی که برای جامعه سازماندهی شده است،

شرکت کنند. همچنین مجموعه‌های گردشگری با گردشگران رابطه خوبی ایجاد کنند؛ به‌طوری که گردشگران از تور شرکت راضی باشند.

فرضیه چهارم: مسئولیت اجتماعی شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.

مسئولیت اجتماعی شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود. نتایج مطالعه تقیان و همکاران (۲۰۱۵)، ژو و همکاران (۲۰۱۴) و هرمنز و همکاران (۱۹۹۳) با یافته‌های این بخش از تحقیق مطابقت دارد. مسئولیت اجتماعی به‌عنوان اساس اصول اخلاقی، تلاشی داوطلبانه توصیف می‌شود؛ زیرا یک سازمان باید به‌منظور بقای خود و منفعت‌رسانی به جامعه، بهره‌وری داشته باشد. درواقع، از طریق ارائه خدمات با کیفیت خوب و رضایت ارباب‌رجوع می‌توان عملکرد بالا و بهره‌وری داشت. وظیفه مدیران مجموعه‌های گردشگری به پیشینه‌سازی سود و بازده اقتصادی محدود نیست، بلکه شامل تمام جنبه‌های محیطی و خدمات اجتماعی نیز می‌شود.

فرضیه پنجم: شهرت شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت دارد.

براساس نتایج، ضریب مسیر از شهرت شرکت تأثیر به نتایج کسب و کار برابر $0/283$ به دست آمده است و در سطح خطای $0/05$ معنادار است؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که شهرت شرکت بر نتایج کسب‌وکار تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه پنجم تحقیق تأیید می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات تقیان و همکاران (۲۰۱۵)، ژو و همکاران (۲۰۱۴) و هرمنز و همکاران (۱۹۹۳) هم‌راستاست. توسعه صنعت گردشگری سبب شده است تا به آن، فراتر از یک صنعت، به‌منزله پدیده پویای اجتماعی که بر همه جنبه‌های زندگی جامعه تأثیر می‌گذارد، نگریسته شود. افزایش روزافزون تعداد گردشگران، صنعت گردشگری را به شکل نیاز در جامعه درآورده است. شهرت قوی مجموعه گردشگری در گرو استقبال جامعه میزبان و مهمان‌نوازی آن‌هاست. ناخوشنودی حتی تعداد اندکی از عناصر جامعه میزبان ممکن است تعارض و در نتیجه کاهش جذابیت مقصد ایجاد کند. بدون شک، آثار اقتصادی یکی از مهم‌ترین منافع گردشگری در مقصد است. مهم‌ترین

متغیرهایی که تحت تأثیر آثار اقتصادی گردشگری قرار دارند، رشد اقتصادی و اشتغال است.

فرضیه ششم: مسئولیت اجتماعی شرکت بر استراتژی‌های بازاریابی سبز تأثیر مثبت دارد.

ضریب مسیر از مسئولیت اجتماعی شرکت به استراتژی‌های بازاریابی سبز برابر با ۰/۸۵۱ به دست آمده است و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که مسئولیت اجتماعی شرکت بر استراتژی‌های بازاریابی سبز تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه ششم تحقیق تأیید می‌شود. مطابقت این بخش از یافته‌های تحقیق با نتایج مطالعات ویداستوتی و همکاران (۲۰۱۹)، پونتیتا و راسدی (۲۰۱۳) و کارنا و همکاران (۲۰۰۳) تأیید شد. مدیران مجموعه گردشگری باید بازاریابی محیطی را به عنوان فعالیت‌هایی مدنظر داشته باشند که قصد دارند احتیاجات و خواسته‌های مشتریان را با کمترین زیان در محیط تأمین کنند. تعهد و مسئولیت اجتماعی باید نتیجه به‌کارگیری بازاریابی سبز باشد. درواقع شاید بتوان گفت، مطرح‌شدن این مسئولیت، پاسخ به نیازها و چالش‌های محیطی است.

از آنجاکه در اولویت قرار دادن مسائل زیست‌محیطی از ارزش زیاد برخوردار است، به مدیران مجموعه گردشگری پیشنهاد می‌شود که همواره مسائل زیست‌محیطی را مهم تلقی کنند و آن را در قالب بیانیه‌های روشن و صریح در سراسر شرکت انتشار دهند تا حفظ محیط‌زیست به صورت فرهنگ سازمانی قوی موجب تشویق کارکنان شود. مدیران هتل‌ها و بوم‌گردی‌ها باید فعالیت‌های داوطلبانه‌ای مثل مدیریت ضایعات و صرفه‌جویی در انرژی را مدنظر قرار دهند. همچنین مدیران هتل‌ها و بوم‌گردی‌ها سعی کنند تا استراتژی‌های متنوع‌تری در تبلیغات آگاهی‌دهنده تلویزیونی و ترفیع خدمات سبز اتخاذ کنند. مسئولیت اجتماعی روشی است که مجموعه‌های گردشگری در برابر خواسته‌های مشتریان، خدمات مناسب عرضه کرده و حتی قیمت‌ها را طوری تعیین کنند که از نظر مشتریان ارزشمند باشد. می‌توان مسئولیت اجتماعی مجموعه‌های گردشگری را برقراری رابطه بین فعالیت‌های مجموعه و اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه‌ای دانست که مجموعه‌های گردشگری در آن فعالیت می‌کنند.

کتابنامه

۱. آق ارکاکلی، آ.، یحیی زاده‌فر، م.، گندم فشان، د.، و اسمعیلی خان به‌بین، ن. (۱۳۹۸). مطالعه عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری داخلی در استان گلستان. برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۸(۳۰)، ۱۷۷-۱۹۶.
۲. مروت، ح.، سالم، ع.، و خادم نعمت‌اللهی، م. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری خارجی. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۸(۶۹)، ۳۰۶-۲۷۵.
3. Agharkakli, A., Yahyazadefar, M., Gandomfeshan, D., & Esmaeili Khanbebeyn, N. (2019). Study of factors affecting demand for domestic tourism in Golestan province. *Journal of Tourism Planning and Development*, 8(30), 177-196.
4. Coles, T., Fenclova, E., & Dinan, C. (2013). Tourism and corporate social responsibility: A critical review and research agenda. *Tourism Management Perspectives*, 6, 122-141.
5. Edeh, M. B. (2020). Green marketing as a marketing tool and consumer purchase behavior. *Journal of Global Social Sciences*, 1(3), 37-54.
6. Firdiansyah, R., Mohamed, M., Yusoff Yusliza, M., Saputra, J., & Muhammad, Z. (2021). A Review of green marketing strategy literature: Mini review approach. In *Proceedings of the 11th Annual International Conference on Industrial Engineering and Operations Management Singapore: IEOM Society International* (Vol. 21030). 5092-5108
7. Groening, C., Sarkis, J., & Zhu, Q. (2018). Green marketing consumer-level theory review: A compendium of applied theories and further research directions. *Journal of Cleaner Production*, 172, 1-56.
8. Grosseck, G., Țîru, L. G., & Bran, R. A. (2019). Education for sustainable development: Evolution and perspectives: A bibliometric review of research, 1992–2018. *Sustainability*, 11(21), -35.
9. Harvey, D. (2005). *Spaces of neoliberalization: Towards a theory of uneven geographical development* (Vol. 8). Franz Steiner Verlag.
10. Herremans, I. M., Akathaporn, P., & McInnes, M. (1993). An investigation of corporate social responsibility reputation and economic performance. *Accounting, Organizations and Society*, 18(7-8), 587-604
11. Hoffman, A. J. (2001). Linking organizational and field-level analyses: The diffusion of corporate environmental practice. *Organization & Environment*, 14(2), 133-156.
12. Kärnä, J., Hansen, E., & Juslin, H. (2003). Social responsibility in environmental marketing planning. *European Journal of Marketing*, 37(5/6), 848-871.
13. Kim, Y., & Choi, S. M. (2005). Antecedents of green purchase behavior: An

- examination of collectivism, environmental concern, and PCE. *ACR North American Advances*.
14. Kolk, A., & Pinkse, J. (2010). The integration of corporate governance in corporate social responsibility disclosures. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 17(1), 15-26.
 15. Kumar, P. (2016). State of green marketing research over 25 years (1990-2014): Literature survey and classification. *Marketing Intelligence & Planning*, 34(1), 137-158.
 16. Leonidou, C. N., Katsikeas, C. S., & Morgan, N. A. (2013). "Greening" the marketing mix: Do firms do it and does it pay off? *Journal of the Academy of Marketing Science*, 41(2), 1-51.
 17. Morowat, H., Salem, A., & Khadem Nematollahi, M. (2018). Identifying factors affecting foreign tourism demand. *Economic Research Journal*, 18(69), 306-275.
 18. Nekmahmud, M., & Fekete-Farkas, M. (2021). Green marketing, investment and sustainable development for green tourism. *Tourism in Bangladesh: Investment and Development Perspectives*, 339-361.
 19. Nguyen, H. P., & Bui, V. D. (2021). Green Marketing strategy as a sustainable solution to tourism development in Vietnam. *Management*, 116-132
 20. Ottman, J. A. (2017). *The new rules of green marketing: Strategies, tools, and inspiration for sustainable branding*. London: Routledge.
 21. Podvorica, G., & Ukaj, F. (2019). The role of consumers' behaviour in applying green marketing: An economic analysis of the non-alcoholic beverages industry in kosova. *Wroclaw Review of Law, Administration & Economics*, 9(1), 1-25.
 22. Punitha, S., & Rasdi, R. M. (2013). Corporate social responsibility: Adoption of green marketing by hotel industry. *Asian Social Science*, 9(17), 79.
 23. Sanker, C., & Janani, G. (2020). Significances and challenges of green marketing. *International Journal of Engineering Research & Technology (IJERT)*, 8, 1-3.
 24. Scott, S. (2007). Corporate social responsibility and the fetter of profitability. *Social Responsibility Journal*, 3(4), 31-39.
 25. Taghian, M., D'Souza, C., & Polonsky, M. (2015). A stakeholder approach to corporate social responsibility, reputation and business performance. *Social Responsibility Journal*, 11(2), 340-363.
 26. Von Geibler, J. (2013). Market-based governance for sustainability in value chains: conditions for successful standard setting in the palm oil sector. *Journal of Cleaner Production*, 56, 39-53.
 27. Widyastuti, S., Said, M., Siswono, S., & Firmansyah, D. A. (2019). Customer trust through green corporate image, green marketing strategy, and social responsibility: A case study. *European Research Studies*, 22(2), 83-99.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2023.80433.1230>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مدل‌سازی آماری رابطه بین شیب قرار رسوبات و شیب دامنه نیکاه‌ها (مطالعه موردی: نیکاه‌های کویر ابراهیم‌آباد سیرجان)

صادق کریمی (دانشیار آب و هواشناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

karimi.s.climatologist@uk.ac.ir

محسن پورخسروانی (دانشیار ژئومورفولوژی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، نویسنده مسئول)

pourkhosravani@uk.ac.ir

صص ۲۹۹ - ۲۸۱

چکیده

تنوع پوشش گیاهی و هم‌زیستی آن با فرایندهای ژئومورفولوژیک تأثیر مهمی بر تعادل مناظر طبیعی دارد؛ بر همین اساس، این پژوهش سعی دارد اختلاف موجود بین شیب تعادلی نیکاه‌های مختلف و شیب قرار رسوبات در منطقه مطالعاتی را به‌صورت کمی اندازه‌گیری و مقایسه کند؛ بدین‌منظور ابتدا شیب قرار رسوبات در منطقه تعیین شد. سپس نیکاه‌های نمونه در امتداد ۱۰ ترانسکت که کل منطقه را پوشش می‌داد، انتخاب شد و شیب دامنه نیکا توسط شیب‌سنج در جهات چهارگانه شمال، جنوب، شرق و غرب به درصد اندازه‌گیری شد. پس از آن، متوسط شیب دامنه نیکا محاسبه شد. درنهایت، ارتباط بین شیب دامنه نیکاه‌ها و شیب قرار رسوبات با استفاده از مدل‌های آماری ارزیابی و تحلیل شد. بررسی نیکاه‌های منطقه مورد مطالعه مبین وجود چهار نوع نیکا براساس نوع گونه گیاهی است. نتایج آزمون تجزیه واریانس، اختلاف معناداری بین شیب تعادلی نیکاه‌های گونه‌های مختلف نشان می‌دهد. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها براساس فاکتورهای شیب تعادلی نیکاه‌ها و شیب حد رسوبات منطقه دو گروه متمایز را نشان می‌دهد؛ به این صورت که در

سطح احتمال خطای یک درصد ($\alpha < 0.01$) گروه اول شامل نبکاهای گونه‌های درختچه گز، گل گزی و اشنان و گروه دوم شامل نبکاهای گونه خار شتر و شیب حد رسوبات منطقه مطالعاتی است. نتایج گروه‌بندی براساس شیب تعادلی نبکا بیانگر عملکرد متفاوت گونه خار شتر در مقایسه با سایر گونه‌هاست که علت این اختلاف در مکانیسم تطابقی این گونه در مواجهه با تنش فرایند بادرفتی است. نتایج آنالیز واریانس میانگین شیب جهات مختلف دامنه نبکاهای گونه‌های گیاهی مختلف نشان می‌دهد، متوسط شیب جهات مختلف دامنه نبکا در گونه خار شتر در سطح یک درصد ($\alpha < 0.01$) معنادار شده است. به‌طور کلی، میانگین شیب هریک از جهات چهارگانه در نبکاهای گونه خار شتر یکسان نیست؛ یعنی نبکاهای گونه خار شتر در مقایسه با نبکاهای گونه‌های دیگر نامتقارن‌تر هستند؛ بنابراین شکل رویشی گیاهان نقش مهمی در ایجاد مورفولوژی چشم‌انداز ناهمواری نبکاها ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شکل رویشی، شیب تعادلی، شیب قرار، نبکا، کویر ابراهیم‌آباد، سیرجان.

۱. مقدمه

سیستم‌های اکوزئومورفیک از جمله سیستم‌های باز هستند. انتقال ماده و انرژی داده‌های این نوع از سیستم‌هاست که می‌تواند عامل فعالیت سیستم قلمداد شوند. سیستم حاکم بر چشم‌انداز نبکا حکایت از انباشت تصادفی ماده و انرژی در یک نقطه زمانی-فضایی دارد که به‌صورت اجزاء یا خرده‌سیستم‌های به‌هم‌مرتبطی سازمان یافته‌اند که دارای کنش و واکنش‌اند و جهت حرکت ابعاد فضایی دامنه گسترش یا پراکنش نبکاها را رقم می‌زند. انباشت نقطه‌ای مواد از قانون عمل و عکس‌العمل یا کنش و واکنش تبعیت می‌کند که عملگر سیستم فرایند بادرفتی و عکس‌العمل سیستم نیروی پوشش گیاهی است که مهارکننده نیروی عمل یا کنش سیستم است. پوشش گیاهی فرایندی است که در مقابل فرایند بادرفتی مقاومت می‌کند و هرچه انرژی آن افزایش یابد، انباشت مواد و تشکیل ژئوفرم نبکا بهتر و سریع‌تر صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه پیچیدگی و تنوع از خصوصیات اصلی سیستم‌های باز و سیستم‌های اکوزئومورفیک است (پورخسروانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۰)، مدل‌سازی به‌عنوان ابزاری

برای درک ارتباطات اکوژئومورفولوژیک پیچیده است که در سیر تکامل ناهمواری و پوشش گیاهی حاکم می‌تواند در مدیریت تغییرات محیطی یا انسانی در سیستم‌های مناطق خشک و نیمه‌خشک مؤثر واقع شود (پورخسروانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۸)؛ بر همین اساس، اکوژئومورفولوژی مناطق بیابانی نمونه‌ای بارز از سیستم‌های پیچیده است که درک آن‌ها به وسیله دو فرایند اکولوژی و ژئومورفولوژی و پس‌خوراند بین آن‌ها بهتر صورت می‌گیرد (استالینز^۱، ۲۰۰۶، ص. ۴). باید توجه داشت که پدیده‌شناسی این سیستم‌ها شامل بررسی رفتار فوق‌العاده و ساختارهای پراکنده در فرم نمونه‌های فضایی و موقتی مورد بحث آن‌هاست (آندریاس^۲، ۲۰۰۷، ص. ۱۱). چشم‌اندازهای نبکایی عموماً در سطوح همواری تشکیل می‌شوند که یک رژیم باد قوی وجود داشته باشد، رسوب مورد نیاز در دسترس باشد، سطح آب زیر زمین بالا باشد و رطوبت موجود برای حیات پوشش گیاهی کافی باشد (هسپ و اسمیت^۳، ۲۰۱۷، ص. ۱۳). شکل نبکا تابعی از اندازه، تراکم و به‌خصوص نحوه رشد گیاه میزبان است (لی لی^۴ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۳۴۵). گیاهان با کاهش سرعت باد و تجمع رسوبات اطراف خود باعث ایجاد چشم‌انداز نبکا می‌شوند (مایو^۵ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۳۷۹). به‌طور کلی، عوامل مختلفی نظیر بردباری اکولوژیک گونه‌های گیاهی در توسعه چشم‌انداز نبکا نقش بسزایی دارد و قابلیت ایجاد نبکا در گونه‌های مختلف متفاوت است (لانگفورد^۶، ۲۰۰۳، ص. ۸). از آنجا که عوامل متعددی در شکل‌شناسی و پایداری نبکا دخیل‌اند، این تحقیق سعی دارد با ثابت نگه داشتن برخی از این عوامل مانند عوامل اقلیمی (رطوبت، دما، باد و...)، عوامل ترسیمی (اندازه، دانه‌بندی و...) و عامل زمان به بررسی رابطه بین مقدار شیب حد رسوبات و شیب دامنه نبکاهای مختلف و تأثیر آن بر میزان پایداری نبکاها در کویر ابراهیم‌آباد سیرجان بپردازد.

1. Stallins
2. Andreas
3. Hesp & Smyth
4. Lili
5. Mayaud
6. Langford

۲. پیشینه تحقیق

اهمیت کاربردی مطالعات اکوژئومورفولوژیک در چشم‌اندازهای بیابانی بیشتر به ارتباط طبیعی بین عوامل این سیستم‌های سازمند مربوط است؛ به همین دلیل، کشف روابط بین پارامترهای این سیستم پیچیده اهمیت بسیاری در ثبات، پایداری و مدیریت محیط خواهد داشت؛ از این رو، محققان پژوهش‌های متفاوتی را در این راستا انجام داده‌اند؛ از جمله هسپ^۱ (۱۹۸۱) بیان می‌کند که ارتفاع تپه‌های ماسه‌ای به قطر تپه و زاویه قرار رسوبات بستگی دارد؛ در حالی که طول تپه‌ها به قطر تپه ماسه‌ای و سرعت باد بستگی دارد. همچنین هسپ و مک لچلان^۲ (۱۹۹۲) ضمن بررسی تأثیر فرم رویشی گونه‌های گیاهی بر توسعه، دینامیک و مورفولوژی تپه‌های نمکایی گزارش دادند که فرم رویشی گونه گیاهی تا حد زیادی منعکس‌کننده مورفولوژی، شیب تعادلی و پایداری تپه‌های نمکایی است. نگهبان و همکاران (۱۳۹۲) ضمن ارزیابی چشم‌اندازهای نمکایی در حاشیه بیابان لوت بیان کردند، نمک‌ها تابعی از رژیم باد در منطقه، مقدار بار رسوب در دسترس، رویشگاه گونه گیاهی و نوع پوشش گیاهی هستند. جیان‌هویی^۳ و همکاران (۲۰۱۰) ضمن بررسی توزیع فضایی نمک‌ها در مناطق خشک شمال چین بیان کردند، برای حفظ و ترمیم محیط زیست در مناطق خشک و نیمه‌خشک، توسعه نمک‌ها و تنوع پوشش گیاهی نقش اساسی دارد. در پژوهشی دیگر، یانگ ژنگ^۴ و همکاران (۲۰۱۲) ضمن مطالعه رابطه بین ارتفاع و طول نمک‌های گونه *Nitraria sphaerocarpa* در بیابان گبی بیان کردند، بیشتر آن‌ها در مرحله رشد قرار دارند. جمز و الاوادی^۵ (۲۰۱۳) ضمن مطالعه ارتباط بین سرعت باد، پوشش گیاهی و تپه‌های نمکایی نتیجه گرفتند، مورفولوژی نمک‌ها به وسیله الگوی رشد گونه گیاهی کنترل می‌شود؛ به طوری که ارتفاع نمک‌ها به مقدار زیادی به ارتفاع تاج پوشش گیاه بستگی دارد، اما طول نمک‌ها به ارتفاع گیاه، عرض گیاه و سرعت باد وابسته است. همچنین ژانگ^۶ و همکاران (۲۰۲۲) ضمن مطالعه

1. Hesp

2. Hesp & Mclachlan

3. Jianhuei

4. Yong Zhong

5. Jasem & Al-Awadhi

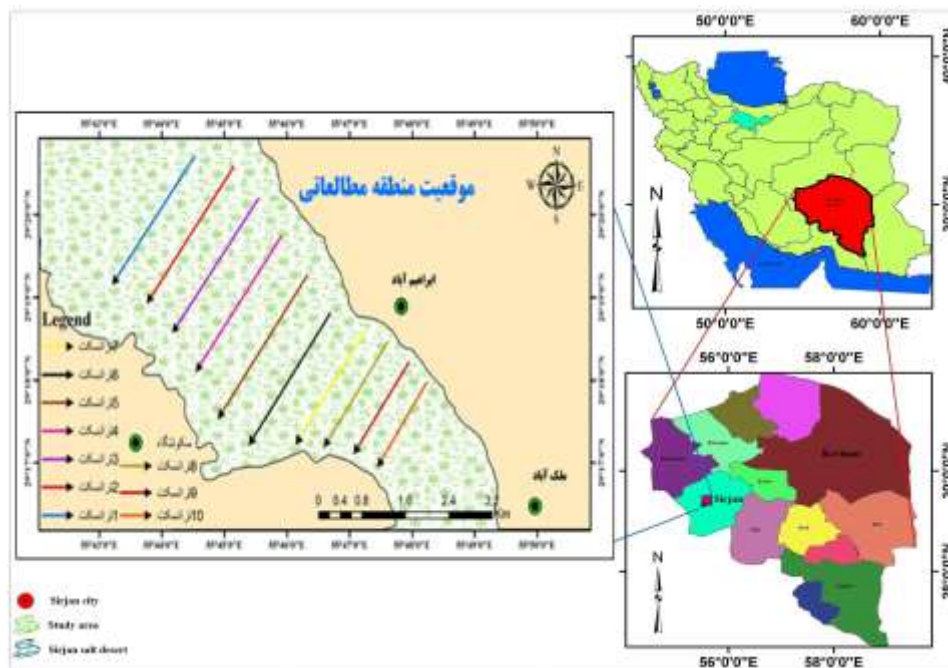
6. Zhang

مورفولوژی نبکاهای بیابان گبی در شمال چین بیان کردند، ارتفاع، طول و عرض تپه‌های نبکایی با ارتفاع، طول و عرض پوشش گیاهی ارتباط دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه موسوم به کویر ابراهیم‌آباد سیرجان با مساحتی در حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع از محدوده حوضه آبریز کویر سیرجان است که در فرورفتگی کوچکی واقع در انتهای جنوبی آبخیز اصفهان قرار گرفته است (کلینسلی، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۲). حوضه آبریز کویر سیرجان در محدوده طول‌های $57^{\circ} 54'$ و $27^{\circ} 56'$ شرقی قرار دارد که کویر ابراهیم‌آباد در محدوده $44' 55''$ تا $58' 55''$ طول شرقی و $53' 28''$ تا $05' 29''$ عرض شمالی در جنوب شرق آبریز کویر سیرجان واقع شده است. ۱، موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. کویر ابراهیم‌آباد سیرجان با ارتفاع متوسط ۱۷۰۰ متر از سطح تراز دریا و متوسط بارندگی ۱۰۰ میلی‌متر و میانگین دمای سالانه ۱۷/۱ درجه سانتی‌گراد در جنوب شرق شهرستان سیرجان قرار دارد. جهت باد غالب در این کفه 135° جنوب شرقی است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

۳. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است که با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. ابتدا با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، محدوده کویر ابراهیم‌آباد سیرجان مشخص شد و سپس ضمن بازدید صحرایی از منطقه قلمرو توسعه نبکاها تعیین شد. سپس زاویه شیب قرار رسوبات منطقه مطالعاتی اندازه‌گیری شد. به‌طور کلی، اگر رسوبات در شرایط عادی از نظر رطوبت و ساختمان آزادانه تجمع حاصل کنند، شیب دامنه توده یا تپه تشکیل شده به سمت یک حد میل می‌کند که از این مرحله به بعد با افزایش ارتفاع شیب دامنه توده تغییر نمی‌کند. به این زاویه، «زاویه شیب حد» یا «شیب قرار رسوبات» می‌گویند (لانگ‌فورد^۲، ۲۰۰۳، ص. ۷). برای اندازه‌گیری زاویه شیب حد رسوبات در منطقه مورد مطالعه با استفاده از صفحه مدرج

1. Angle of Repose

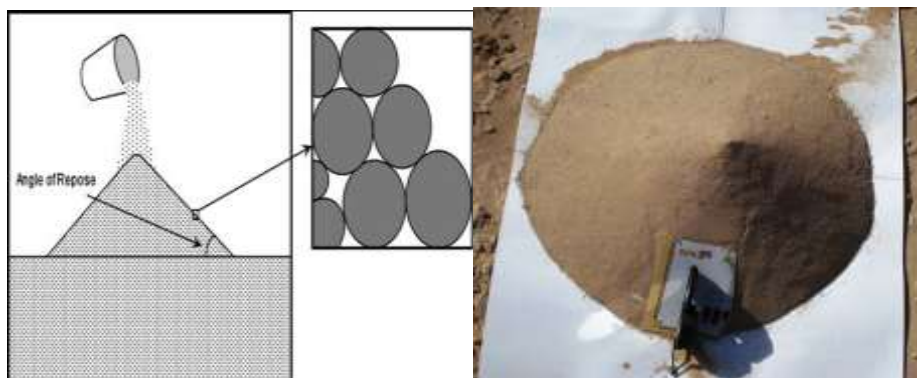
2. Langford

طراحی شده (شکل ۵)، زوایای قرارگیری رسوبات در جهات مختلف اندازه گیری شد؛ به این صورت که طبق جدول ۲، رسوبات موجود در منطقه مورد مطالعه به مرکز صفحه مدرج طراحی شده ریخته شد و در هر مرحله، ارتفاع و شیب قرار رسوبات در جهات چهارگانه در جهات چهارگانه اندازه گیری شد تا اینکه در مرحله ای از آزمایش شیب رسوبات ثابت شد. از آن مرحله به بعد، هر قدر ارتفاع رسوبات افزایش یابد، زاویه شیب رسوبات ثابت باقی می ماند که این زاویه بیانگر زاویه شیب حد رسوبات منطقه مورد مطالعه است که برابر با ۵۵ درصد است. برای اطمینان از درستی عدد به دست آمده، این زاویه در قسمت های مختلف منطقه مورد مطالعه اندازه گیری شد. در مرحله بعد، نمونه برداری در امتداد ۱۰ ترانسکت ۱۰۰۰ متری که کل کویر را پوشش می داد، صورت گرفت. تنها نبکاهایی که با ترانسکت های مزبور برخورد کردند، مطالعه و اندازه گیری میدانی شده اند. حجم نمونه برای نبکاهای مختلف متفاوت بوده و به موقعیت نبکاها و محل ترانسکت ها بستگی داشته است که در مجموع، ۳۹۲ نبکا از گونه های مختلف اندازه گیری و ارزیابی شد. از این تعداد، ۱۴۳ نبکا به گونه *Tamarix* ۱۵۷، *Reaumeria turcestanica* ۶۱، *Alhagi* ۳۱، *manifera* و *Seidlitzia florida* نبکا به گونه مربوط است. سپس در امتداد هر ترانسکت شیب دامنه نبکا توسط شیب سنج در جهات چهارگانه شمال، جنوب، شرق و غرب به درصد اندازه گیری شد و متوسط شیب دامنه نبکا محاسبه شد. پس از اندازه گیری شیب حد رسوبات و شیب دامنه نبکاها، برای تفکیک نبکاهای گونه های مختلف گیاهی با استفاده از آزمون آنالیز واریانس، اختلافات بین میانگین صفت شیب نبکاهای مختلف و شیب حد رسوبات آزمون شد. سپس با استفاده از آزمون های مقایسه میانگین ها، گروه های مختلف نبکاها براساس شیب دامنه نبکا و شیب حد رسوبات پهنه مطالعاتی تفکیک شد. برای این امر از آزمون مقایسه میانگین S.N.K در سطح احتمال خطای یک درصد ($\alpha=0/01$) استفاده شد.

جدول ۱. محاسبه زاویه شیب قرار رسوبات در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ارتفاع رسوبات cm	جهت شیب								حجم رسوبات
	غرب		شرق		جنوب		شمال		
	درصد	درجه	درصد	درجه	درصد	درجه	درصد	درجه	
۷	۴۵	۲۰	۴۶	۲۱	۴۸	۲۲	۴۶	۲۱	مرحله اول
۹	۴۸	۲۳	۴۷	۲۳	۵۰	۲۳	۴۹	۲۴	مرحله دوم
۱۰	۵۱	۲۶	۵۱	۲۶	۵۲	۲۶	۵۳	۲۷	مرحله سوم
۱۳/۵	۵۳	۲۸	۵۵	۲۹	۵۴	۲۸	۵۵	۲۹	مرحله چهارم
۱۵	۵۵	۲۹	۵۵	۲۸	۵۵	۲۹	۵۵	۲۹	مرحله پنجم
۱۶/۵	۵۵	۲۹	۵۵	۲۹	۵۶	۳۰	۵۵	۲۹	مرحله ششم
۱۹	۵۵	۲۹	۵۵	۲۹	۵۵	۲۹	۵۵	۲۹	مرحله هفتم



شکل ۲. اندازه‌گیری شیب قرار رسوبات در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

جدول ۲. مشخصات گونه‌های گیاهی تشکیل‌دهنده نیکا در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

اسم علمی	اسم فارسی	خانواده	فرم حیاتی	فرم رویشی
<i>Tamarix macatensis</i>	گز	Tamaricaceae	درختچه‌ای	فانروفیت
<i>Seidlitzia florida</i>	اشنان	Tamaricaceae	بوته‌ای	فانروفیت
<i>Reaumuria Turcestanica</i>	گل‌گری	Tamaricaceae	بوته‌ای	کاموفیت

اسم علمی	اسم فارسی	خانواده	فرم حیاتی	فرم رویشی
Alhagi mannifera	خارشتر	Fabaceae	فورب چند ساله	همی کریپتوفیت

گونه‌های گیاهی تشکیل دهنده نبکاهای منطقه با مراجعه به فلور ایران مورد شناسایی واقع شده که در مجموع مشخصات گونه‌های مزبور در جدول ۱ درج شده است (مظفریان، ۱۳۸۲، ص. ۳۴۵).



Reaumuria Turcestanica



Tamarix mascatensis



Alhagi mannifera



Seidlitzia florida

شکل ۳. تصویر نبکاهای گونه‌های مختلف گیاهی در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

۴. مبانی نظری تحقیق

پدیده فرسایش بادی بیشتر در اقالیم خشک و نیمه‌خشک عمل می‌کند و با توجه به اینکه بیش از دو سوم ایران در این اقالیم قرار گرفته است، فرسایش بادی به‌عنوان عاملی مؤثر در تخریب و ایجاد خسارت در این مناطق است. به‌طور کلی، خاک‌های مناطق خشک در مقابل عوامل فرساینده به‌دلیل کمبود مواد آلی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. با افزایش میزان خاک در طی زمان، میزان فرسایش در مکان نیز افزایش می‌یابد. بررسی پویایی و تغییرپذیری عوارض ژئومورفولوژیکی زمین، به‌ویژه در مناطق خشک و بیابانی که به‌طور عمده از عوارض ماسه‌ای پوشیده شده است، به‌دلیل تأثیر منفی ماسه‌های متحرک در زندگی مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. فضای وسیع دشت‌ها، فقر یا نبود پوشش گیاهی، فراوانی ذرات ریزدانه، سست و منفصل بودن دانه‌ها، ازجمله عواملی هستند که شرایط را برای شکل‌زایی باد در دشت‌های داخلی فراهم کرده‌اند (علائی طالقانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۹۵). در همین راستا، ژئومورفولوژی بادی زمینه‌ای غنی و گسترده برای بررسی فرایندها و لندفرم‌های بادی در سطح زمین فراهم می‌کند. حمل ماسه توسط فرایند بادی تحت‌تأثیر روابط پیچیده غیرخطی قرار می‌گیرد و توسعه و تکامل ناهمواری‌های ماسه‌ای متأثر از پدیده خودتنظیمی حاکم بر سیستم چشم‌انداز است. از آنجاکه گیاهان در برابر رطوبت پایاترند، نقش مؤثرتری در تنظیم حرکت مواد به‌وسیله باد ایفا می‌کنند. مهم‌ترین نقش پوشش گیاهی در کاهش فرسایش بادی ایجاد ناهمواری است که به این وسیله سرعت باد را در نزدیکی سطح خاک کاهش می‌دهد (رفاهی، ۱۳۸۸، ص. ۳۰). نوع و تراکم پوشش گیاهی منجر به دینامیک رسوبات در سیستم می‌شود؛ به‌طوری‌که پوشش گیاهی انتقال رسوب را کاهش می‌دهد و منبع رسوب را محدود می‌کند (لان کاستر و بآس^۱، ۱۹۹۸، ص. ۱۵). بین سیستم‌های بادی که از لحاظ مقدار بار رسوب فقیر و غنی هستند، تشکیلات متفاوتی از تپه‌های ماسه‌ای می‌توان مشاهده کرد (هرسن^۲، ۲۰۰۴، ص. ۱۳) که عوارض نبکایی یکی از آنهاست. درواقع، نبکا عکس‌العمل طبیعی سیستم در مقابل تنش فرسایش بادی است و سیستم با ایجاد این عارضه در تعدیل چشم‌انداز بادی سعی کرده است؛

1. Lancaster & Baas

2. Hersen

به عبارت دیگر، سیستم با اتخاذ راهکارهای پسخوراند منفی در خنثی کردن تنش فرسایش بادی سعی داشته است که نتیجه آن ایجاد چشم انداز نبکاست (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۳). این چشم اندازها که عمدتاً در منطق حمل یا ترانسفر رسوبات متحرک ایجاد می شوند، نقش مهمی در کنترل و کاهش اثرات ناشی از عملکرد فرایند بادرفتی در مناطق مستعد خواهند داشت.

۵. یافته های تحقیق

اطلاعات آمار توصیفی شیب دامنه نبکاهای مختلف در منطقه مورد مطالعه در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. اطلاعات آماری شیب نبکاهای مختلف در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

گونه	پارامتر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
Tamarix mascatensis	شیب شمالی	۱۴۳	۳۶/۲۳۰۸	۱۴/۵۱۴۰۵
	شیب جنوبی	۱۴۳	۳۵/۹۵۸۰	۱۴/۷۴۷۵۶
	شیب شرقی	۱۴۳	۳۸/۵۲۴۵	۱۳/۰۸۹۰۱
	شیب غربی	۱۴۳	۳۵/۰۰۷۰	۱۳/۸۷۱۳۹
Reaumaria turcestanica	شیب شمالی	۱۷۵	۳۶/۷۳۲۵	۱۴/۲۷۴۹۵
	شیب جنوبی	۱۷۵	۴۰/۹۶۸۲	۱۷/۸۰۲۴۸
	شیب شرقی	۱۷۵	۳۵/۳۷۵۸	۱۶/۵۷۱۶۸
	شیب غربی	۱۷۵	۳۹/۱۲۷۴	۱۸/۹۶۵۴۶
Alhagi manifera	شیب شمالی	۶۱	۴۷/۲۴۵۹	۲۱/۷۰۹۰۱۸
	شیب جنوبی	۶۱	۴۸/۰۱۶۴	۱۵/۳۶۱۷۴
	شیب شرقی	۶۱	۴۸/۷۷۰۵	۱۳/۲۱۱۶۰
	شیب غربی	۶۱	۴۳/۰۶۵۶	۱۴/۶۰۵۷۹
Seidlitzia florida	شیب شمالی	۳۱	۳۵/۸۰۶۵	۱۷/۷۶۲۱۷
	شیب غربی	۳۱	۳۲/۰۷۴۱۹	۱۵/۵۴۹۸۵
	شیب جنوبی	۳۱	۳۵/۱۹۳۵	۱۲/۴۲۱۵۴
	شیب غربی	۳۱	۳۶/۸۰۶۵	۱۴/۰۹۸۲۷

خلاصه اطلاعات آماری شیب دامنه نبکاهای گونه‌های مختلف در جدول ۳ ارائه شده است. این اطلاعات شامل میانگین، انحراف معیار و تعداد نمونه‌هاست.

جدول ۴. نتایج آنالیز واریانس میانگین شیب نبکاهای مختلف و شیب حد رسوبات در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

پارامتر (صفت)	عوامل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	مقدار معناداری
متوسط شیب	بین گروه‌ها	۶۰۲۱/۸۷۰	۴	۱۵۰۵/۴۶۷	۱۱/۰۲۲	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۵۳۵۴۱/۱۴۶	۳۹۲	۱۳۶/۵۸۵		
	مجموع	۵۹۵۶۳/۰۱۶	۳۹۶			

جدول ۴ نتایج آنالیز واریانس میانگین شیب دامنه نبکاهای گونه‌های گیاهی مختلف و شیب حد رسوبات را در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد. براساس این جدول، متوسط شیب برای نبکاهای گونه‌های گیاهی مختلف و همچنین شیب حد رسوبات منطقه مورد مطالعه با استفاده از آنالیز واریانس تحلیل شده است؛ به‌طوری‌که میانگین شیب برای نبکاهای مختلف و شیب حد رسوبات در سطح احتمال خطای کمتر از یک درصد ($\alpha = 0/01$) معنادار شده است؛ یعنی به‌طور کلی میانگین هریک از صفات در نبکاهای مختلف یکسان نیست و شیب دامنه نبکاها همواره کوچکتر از شیب حد است.

جدول ۵. نتایج مقایسه میانگین فاکتور شیب، نبکاهای مختلف و شیب حد رسوبات با استفاده از آزمون

S.N.K

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

گروه‌ها با میزان خطای ($\alpha = 0/01$)		تعداد	فاکتور
۲	۱		
.....	۳۶/۱۳۷۱	۳۱	متوسط شیب نبکا اشنان
.....	۳۶/۴۳۰۱	۱۴۳	متوسط شیب نبکا در ختجه گز
.....	۳۸/۲۰۰۶	۱۵۷	متوسط شیب نبکا گل گزی
۴۶/۵۸۶۱		۶۱	متوسط شیب نبکا خارشتر
۵۴/۶۰۰۰		۱	متوسط شیب حد

نتایج جدول ۵ نشان می دهد، براساس میانگین شیب مخروط نبکاهای گونه های مختلف گیاهی و میانگین شیب حد رسوبات، دو گروه مخروط تفکیک شدنی است. در سطح احتمال خطای یک درصد، گروه اول شامل نبکاهای گونه اشنان، درختچه گز و گل گزی است و گروه دوم شامل نبکای گونه خارشتر و شیب حد رسوبات منطقه مورد مطالعه است. نتایج این جدول نشان می دهد، گونه های گیاهی مختلف نبکاهایی با شیب دامنه مختلف به وجود می آورند. نتایج نشان می دهد، گونه خارشتر، نبکاهای با شیب تندتری در مقایسه با بقیه گونه های گیاهی به وجود آورده است که مؤید ناپایداری نسبی بیشتری در مقایسه با سایر گونه هاست.

جدول ۶. نتایج آنالیز واریانس میانگین شیب جهات مختلف نبکاهای مختلف در محدوده مورد مطالعه

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

نوع نبکا	پارامتر (صفت)	عوامل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	مقدار معناداری
درختچه گز	متوسط شیب	بین گروه ها	۹۵۴/۴۱۳	۳	۳۱۸/۱۳۸	۱/۶۰۷	۰/۱۸۷
		داخل گروه ها	۱۱۲۴۴۷/۷۹۰	۵۶۸	۱۹۷/۹۷۱		
		مجموع	۱۱۳۴۰۲/۲۰۳	۵۷۱			
گل گزی	متوسط شیب	بین گروه ها	۲۹۱۴/۴۸۴	۳	۹۷۱/۴۹۵	۳/۳۶۴	۰/۰۱۸
		داخل گروه ها	۱۸۰۱۸۱/۸۵۵	۶۲۴	۲۸۸/۷۵۳		
		مجموع	۱۸۳۰۹۶/۳۶۹	۶۲۷			
اشنان	متوسط شیب	بین گروه ها	۸۱۶/۲۱۸	۳	۲۷۲/۰۷۳	۱/۱۹۵	۰/۳۱۵
		داخل گروه ها	۲۷۳۱۰/۴۵۲	۱۲۰	۲۲۷/۵۸۷		
		مجموع	۲۸۱۲۶/۶۶۹	۱۲۳			
خار شت	متوسط شیب	بین گروه ها	۵۱۶۸/۲۴۲	۳	۱۷۲۲/۷۴۷	۶/۹۲۸	۰/۰۰۰
		داخل گروه ها	۵۹۶۷۵/۵۷۴	۲۴۰	۲۴۸/۶۴۸		
		مجموع	۶۴۸۴۳/۸۱۶	۲۴۳			

جدول ۶ نتایج آنالیز واریانس میانگین شیب جهات مختلف دامنه نبکاهای گونه های گیاهی مختلف را در منطقه مورد مطالعه نشان می دهد. براساس این جدول، متوسط شیب جهات

مختلف دامنه نبکا برای نبکاهای گونه گیاهی خارشتر در سطح احتمال خطای کمتر از یک درصد ($\alpha = 0/01$) معنادار شده است؛ یعنی به‌طور کلی میانگین شیب هریک از جهات چهارگانه در نبکاهای گونه خارشتر یکسان نیست، اما طبق نتایج جدول آنالیز واریانس، میانگین شیب جهات مختلف دامنه نبکاهای گونه‌های درختچه گز، گل گزی و اشنان در سطح احتمال خطای کمتر از یک درصد ($\alpha = 0/01$) معنادار نشده است؛ یعنی میانگین شیب هر یک از جهات چهارگانه در نبکاهای این گونه‌های گیاهی یکسان است.

جدول ۷. نتایج مقایسه میانگین‌های فاکتور شیب جهت مختلف دامنه نبکاهای مختلف در منطقه مورد مطالعه

با استفاده از آزمون S.N.K

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

نوع نبکا	فاکتور	تعداد	گروه‌ها با میزان خطای ($\alpha = 0/01$)	
			۱	۲
درختچه گز	شیب غربی	۱۴۳	۳۵/۰۰۷۰	
	شیب جنوبی	۱۴۳	۳۵/۹۵۸۰	
	شیب شمالی	۱۴۳	۳۶/۲۳۰۸	
	شیب شرقی	۱۴۳	۳۸/۵۲۴۵	
گل گزی	شیب شرقی	۱۵۷	۳۵/۳۷۵۸	
	شیب شمالی	۱۵۷	۳۶/۷۳۲۵	
	شیب غربی	۱۵۷	۳۹/۱۲۷۴	
	شیب جنوبی	۱۵۷	۴۰/۹۶۸۲	
اشنان	شیب جنوبی	۳۱	۳۲/۷۴۱۹	
	شیب شرقی	۳۱	۳۵/۱۹۳۵	
	شیب غربی	۳۱	۳۶/۸۰۶۵	
	شیب شمالی	۳۱	۳۹/۸۰۶۵	
خارشتر	شیب غربی	۶۱	۴۳/۱۶۳۹	
	شیب جنوبی	۶۱	۴۶/۵۴۱۰	
	شیب شمالی	۶۱	۴۸/۲۷۸۷	
	شیب شرقی	۶۱	۵۵/۷۳۷۷	

نتایج جدول ۷ نشان می دهد، براساس میانگین شیب جهات مختلف دامنه نبکاهای گونه-های مختلف گیاهی، تنها نبکاهای گونه خارشتر در دو گروه قرار می گیرند. در سطح احتمال خطای کمتر از یک درصد، گروه اول شامل شیب های شمال، جنوب و غرب و گروه دوم شامل شیب های شرقی هستند، اما در نبکاهای گونه های درختچه گز، گل گزی و اشنان شیب جهات مختلف دامنه نبکا در یک گروه قرار می گیرند. این نتایج حاکی از آن است که به طور کلی مخروط نبکاهای گونه های درختچه گز، گل گزی و اشنان در مقایسه با مخروط نبکاهای گونه خارشتر متقارن تر هستند و می دانیم که در شکل شناسی، طبق اصل تقارن هرچه شکلی متقارن تر باشد، میزان پایداری آن بیشتر است؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، مخروط نبکاهای گونه خارشتر که تقارن کمتری دارند، پایداری کمتری دارند.

۶. نتیجه گیری

نکته درخور توجه در فرایند ایجاد و توسعه نبکا، وضعیت پوشش گیاهی است. عوامل مختلفی نظیر بردباری اکولوژیک گونه های گیاهی در توسعه چشم انداز نبکا نقش بسزایی دارد و قابلیت ایجاد نبکا در گونه های مختلف متفاوت است؛ به طوری که مورفولوژی نبکا تا حد زیادی به وسیله الگوهای رویشی گونه های گیاهی تشکیل دهنده آن کنترل می شود. در این چشم انداز شرایط رویشی گونه های گیاهی نقش مهمی در میزان پایداری و تعادل رسوبات ترسیمی دارد؛ به طوری که نوع گونه گیاهی تشکیل دهنده نبکا تعیین کننده میزان پایداری و تعادل آن است. همچنین فرم حیاتی گونه های مختلف گیاهی تأثیر بسزایی بر شیب تعادلی رسوبات ترسیب شده توسط آن گونه گیاهی دارد؛ بدین ترتیب که گیاهان درختی و درختچه-ای و همچنین گیاهان بوته ای که اندام های پایا دارند، نبکاهای پایدارتری در مقایسه با گیاهان یک ساله یا گیاهانی ایجاد می کنند که در پایان دوره رویشی و فصل مساعد اندام های هوایی خود را از دست می دهند. در گیاهان دارای اندام های هوایی پایا، شیب دامنه نبکا ملایم تر است؛ به همین دلیل، پایداری تپه های نبکایی بیشتر می شود.

همان گونه که نتایج تحقیق نشان می دهد، نبکاهای گونه خارشتر که دارای فرم حیاتی فورب چندساله هستند و اندام های هوایی آن در پایان فصل مساعد رشد از بین می رود، دارای

شیب بیشتری در مقایسه با نبکاهای سایر گونه‌های گیاهی موجود در منطقه‌اند و از نظر شیب با شیب حد رسوبات منطقه در یک گروه حد می‌گیرند، اما نبکاهای گونه‌های گیاهی درختچه گز، گل گزی و اشنان که دارای فرم حیاتی درختچه‌ای و بوته‌ای و دارای اندام‌های هوایی پایا هستند، دارای متوسط شیب کمتری هستند و از نظر شیب در یک گروه حد می‌گیرند که این خود نشان از اهمیت زیاد اندام‌های هوایی گونه‌های گیاهی تشکیل‌دهنده نبکا در میزان شیب نبکا و به تبع آن، میزان پایداری تپه‌های نبکایی دارد. با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت، دامنه بردباری عوامل زنده تعیین‌کننده نوع چشم‌اندازهای اکوتومرفولوژیک حاکم در یک ناحیه است. حال اگر شرایط محیطی باعث اختلال در دوره زندگی یا میزان رشد عامل بیولوژیک شود، نوع لندفرم‌های شکل گرفته در منطقه‌ای خاص دچار تغییر اساسی خواهد شد؛ پس دامنه بردباری عنصر بیولوژیک میزان تعادل در چشم‌انداز اکوتومرفیک را مشخص می‌کند. به‌طور کلی، لندفرمی که دارای تعادل ژئومرفولوژیک ضعیف باشد، تنها می‌تواند تغییرات بسیار محدودی را در فرایندهای شکل‌زا تحمل کند و برعکس، لندفرم‌های دیگری که قادر باشند در شرایط متفاوت یا بسیار متغیر خود را تثبیت کنند، می‌توانند دوام بیشتری داشته باشند. تعادل ژئومرفولوژیک در یک لندفرم مشخص بر حسب اینکه لندفرم مدنظر در چه مرحله‌ای از رشد باشد، متفاوت خواهد بود (باقریه نجار، ۱۳۷۷، ص. ۲۳۵). به‌طور کلی، تغییرات در محیط با اثرگذاری بر روابط تعادلی سبب بروز تغییر در فرم و ایجاد معادلات جدیدی در فضا می‌شود و بر شرایط تعادل تأثیر می‌گذارد. با توجه به اهمیت حصول این شرایط در ژئومورفولوژی، دستیابی به روابطی از فرم که بیان‌کننده حالت‌های گوناگون چشم‌اندازها باشد، بسیار ضروری است و این کار نیازمند شاخص‌های رقومی است. مدل-سازی مفهومی است که چنین ضرورتی را برای ما تدارک می‌بیند؛ به همین علت، فرم حیاتی گونه‌های گیاهی نقش بسزایی در پایداری تپه‌های نبکایی و تثبیت آن‌ها دارد. محمودی (۱۳۸۲، ص. ۲۵۹) بیان کرده است، تا زمانی که گیاه امکان حیات داشته باشد، نبکا به حیات خود ادامه می‌دهد، اما به محض خشک شدن بوته، تخریب نبکا آغاز می‌شود و از بین می‌رود. ازجمله پارامترهای اساسی دیگر در میزان پایداری اشکال میزان تقارن شکل مربوطه است. همان‌گونه که می‌دانیم، در مباحث شکل‌شناسی هرچه شکلی متقارن‌تر باشد، میزان پایداری آن بیشتر

خواهد بود. همان گونه که نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد، مخروط نبکاهای گونه خارشتر دارای تقارن کمتری در مقایسه با مخروط نبکاهای گونه های درختچه گز، گل گزی و اشنان است که این موضوع حاکی از کم بودن میزان پایداری مخروط نبکاهای گونه خارشتر در مقایسه با نبکاهای گونه های دیگر است.

به طور کلی، عملکرد سیستم های مختلف منوط به روابط بین اجزای سیستم، سیستم های مجاور آن و فعالیت هایی است که در آن سیستم صورت می گیرد. در همین رابطه، سیستم چشم انداز طبیعی که سیستمی باز قلمداد می شود، روابط بین کارکردها یا فرایندهای تحمیلی بر آن سیستم بر چهره آن مؤثر است. در همین راستا باید توجه داشت که شکل زایی در مناطق مختلف به خصوص در مناطق خشک حاصل فعالیت مستمر فرایند باد است و شکل تکامل یافته شکلی است که در اثر پاسخ گویی مستمر به این فرایند حاصل می شود؛ به عبارت دیگر، هر شکل بیشترین ارتباط را با فرایندی دارد که بیشتر بر آن تأثیر می گذارد؛ پس هرچه این ارتباط قوی تر باشد، ظرفیت بافری سیستم بیشتر خواهد بود. چشم انداز نکا حاصل فرایند بادرفتی و عملکرد پوشش گیاهی است؛ بنابراین روابط بین عوامل بیولوژیک و عوامل شکل شناسی نکا حاکی از هماهنگی میان کارکرد این دو عامل است. اگرچه این روابط شدت های ثابت ندارند، شدت این ارتباطات دارای دامنه معینی است. از طرف دیگر، اگر بین فرایندهای شکل ساز و فرم های نکا رابطه ای برقرار نباشد، میزان مبادله ماده و انرژی با سیستم های مجاور بیشتر می شود و تعادل سیستم های مجاور بیشتر دچار تغییر می شود؛ پس هرچه ارتباط بین فرم و فرایند در سیستم چشم انداز نکا قوی تر باشد، بیانگر تثبیت ماده و انرژی بیشتری داخل سیستم است و کارایی سیستم افزایش می یابد؛ بنابراین ایجاد چشم انداز نکا بیانگر تثبیت حجم هنگفتی از ماده و انرژی در سیستم بادرفتی است؛ از این رو می توان نتیجه گرفت، در مدیریت محیط حفظ هماهنگی بین نیروهای عمل کننده و سیمای چشم انداز بسیار مهم است که رسیدن به این هدف تنها با شناخت نوع و میزان روابط بین اجزای سیستم حاصل می شود.

کتابنامه

۱. باقریه نجار، م. ب. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر بوم‌شناسی*. گرگان: انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
۲. پورخسروانی، م.، ولی، ع.، و محمودی محمدآبادی، ط. (۱۳۹۴). تحلیل مقایسه‌ای مدل‌های آماری و شبکه عصبی مصنوعی جهت برآورد حجم رسوبات نیکاه (مطالعه موردی: نیکاهای درختچه گز در کویر ابراهیم‌آباد سیرجان). *فصلنامه پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی*، ۴(۱)، ۱۷-۲۹.
۳. پورخسروانی، م.، ولی، ع.، و موحدی، س. (۱۳۸۹). گروه‌بندی مقایسه‌ای نیکاهای، سیدلیت‌زیا فلوریدا، روماریاتورکستانیکا و الحاجی مانیرا بر اساس عملکرد فرم‌های رویشی گیاهان در منطقه خیر آباد سیرجان. *فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی*، ۳۱(۱)، ۱۵۸-۱۳۷.
۴. رفاهی، ح. (۱۳۸۸). *فرسایش بادی و کنترل آن* (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. علایی طالقانی، م. (۱۳۸۴). *ژئومورفولوژی ایران*. تهران: نشر قومس.
۶. کلینسلی، د. (۱۳۸۱). *کویرهای ایران* (ع. عباس پاشایی، مترجم). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۷. محمودی، ف. (۱۳۸۲). *ژئومورفولوژی دینامیک*. تهران: انتشارات پیام نور.
۸. مظفریان، و. (۱۳۸۲). *فرهنگ نام‌های گیاهان ایران*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۹. موسوی، س. ح.، معیری، م.، و ولی، ع. (۱۳۹۱). انتخاب مناسب‌ترین نوع گونه گیاهی نیکا برای تثبیت ماسه‌های روان با استفاده از مدل AHP (مطالعه موردی: ریگ نجارآباد، شمال شرق طرود). *مجله محیط شناسی*، ۳۱(۱)، ۱۱۶-۱۰۵.
۱۰. نگهبان، س.، یمانی، م.، مقصودی، م.، و عزیزی، ق. (۱۳۹۲). بررسی تراکم، ژئومورفولوژی و پهنه-بندی ارتفاعی نیکاهای حاشیه غربی دشت لوت و تأثیرات پوشش گیاهی بر مورفولوژی آنها. *پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی*، ۴(۱)، ۴۲-۱۷.
11. Andreas, C., & Baas, W. (2007). Complex systems in Aeolian geomorphology. *Geomorphology*, 91(13), 311-33.
12. Hersen, P. (2004). On the crescentic shape of barchan dunes. *The European Physical Journal*, 37(3), 507-514.
13. Hesp, P. A. (1981). The formation of shadow dunes. *Sediment. Petrol*, 51(6), 101-112.

14. Hesp, P., & McLachlan, A. (1999). Morphology, dynamics, ecology and fauna of *Arctotheca populifolia* and *Gazania rigens* nebkha dunes. *Journal of arid Environments*, 44(3), 155-17.
15. Hesp, P.A., & Smyth, T.A.G. (2017). Nebkha flow dynamics and shadow dune formation. *Geomorphology*, 282(21), 27–38.
16. Jasem, M., & Al-Awadhi, A. (2014). The effect of a single shrub on wind speed and nabkhas dune development: A case study in Kuwait. *International Journal of Geosciences*, 5(2), 20-26.
17. Jianhui, D., Ping, Y., & Yuxiang, D. (2010). The progress and prospects of nebkhas in arid areas. *Journal of Geography Science*, 20(5), 712-728.
18. Lancaster, N., & Baas A.C.W. (1998). Influence of vegetation cover on sand transport by wind: field studies at Owens Lake, California. *Earth Surface Processes and Landforms*, 23(7), 69–82.
19. Langford, R. P. (2003). Nabkha (coppice dune) fields of south-central New Mexico. *Journal of Arid Environments*, 46(9), 25-41.
20. Lili, L., Xunming, W., Eerdun, H., & Ting, H. (2013). Nebkha (coppice dune) formation and significance to environmental change reconstructions in arid and semiarid areas. *Journal of Geographical Sciences*, 23(2), 344-358.
21. Mayaud, J. R., Wiggs, G. F. S., & Bailey, R. M. (2017). A field-based parameterization of wind flow recovery in the lee of dryland plants. *Earth Surface Processes and Landforms*, 42(11), 378–386.
22. Stallins, J.A. (2006). Geomorphology and ecology: Unifying themes for complex systems in biogeomorphology. *Geomorphology*, 77(23), 207–216.
23. Yong Zhong, Su., Rong, Y., ZhiHui, Zh., & Ming, W. D. (2012). Distribution and characteristics of *Nitraria sphaerocarpa* nebkhas in a Gobi habitat outside an oasis in Hexi Corridor region, China. *Sciences in Cold and Arid Regions*, 4(4), 288–295.
24. Zhang, Z. C., Han, L. Y., Pan, K. P., Dong, Z. B., Liang, A., Nan, L., Li, X. C., .., & Li, C. (2022). Dune morphology in the Gobi deserts of northern China and potential implications for dust emission. *Sedimentology*, 67(2), 1-29.

Statistical Modeling of the Relationship between the Angle of Repose and Slope of Nebkha Dune in Ebrahimabad Desert of Sirjan

Sadegh Karimi

*Associate Professor in Climatology, Department of Geography and Urban Planning,
Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran*

Mohsen Poorkhosravani ¹

*Associate Professor in Geomorphology, Department of Geography and Urban Planning,
Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran*

Received: 6 December 2022

Accepted: 27 January 2023

Abstract

Diversity of vegetation and its coexistence with geomorphologic processes have an important impact on the balance of natural landscapes. This research tried to quantitatively measure and compare the differences between the slope of nebkas and the angle of repose in the Ebrahimabad desert of Sirjan. For this purpose, first, the angle of repose in the area was determined. Then, sample nebkas were selected along 10 transects that covered the entire region and the slope of nebka was measured by inclinometer in the four directions of north, south, east and west. Then the average slope of the nebka domain was calculated. Finally, the relationship between the angle of repose and slope of nebka dune was evaluated and analyzed using statistical models. The variance analysis results showed significant differences between the equilibrium slope factors of various nebkas. Test results of the test of comparison averages based on the equilibrium slope factor of nebka and repose slope of sediment separated the region into two distinct groups. In the probability level error of less than one percent ($\alpha < 0.01$), the first group includes nebkas, *Tamarix Mascatensis*, *Reaumaria Turcestanica* and *Seidlitzia Florida*, and the second group includes *Alhagi Manifera* species and repose slope of sediment. The grouping results according to equilibrium slope indicate different function of *Alhagi Manifera* species than other species. The results showed that the vegetative form of plant plays an important role in creating relief landscape of nebka.

Keywords: Vegetative Form, Slope Equilibrium, Angle of Repose, Nebkha, Ebrahim Abad Desert, Sirjan

1. Corresponding author. Email: pourkhosravani@uk.ac.ir

Investigating the Impact of Corporate Social Responsibility and Green Marketing on the Development of the Tourism Industry (Case Study: Ardabil Province)

Moslem Soleymanpor ¹

Assistant Professor, Department of Business Management, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran

Reza Norouzi Ajirloo

Assistant Professor, Department of Business Management, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran

Received: 4 October 2022

Accepted: 3 December 2022

Abstract

The theoretical review and background of previous studies show that there is a research gap of correlation between social responsibility factors, green marketing strategy, company reputation, and business performance. The practical field is the tourism service industry, which is increasing the importance of tourism and its development day-to-day. This research was conducted to examine the impact of corporate social responsibility and green marketing on the direction of the development of the tourism industry. The statistical population of this descriptive-survey research is managers and experts and service businesses related to tourism in Ardabil province. Due to the existence of 315 hotels and guesthouses a sample of 173 items and 346 questionnaires were selected using Cochran's formula in a purposeful and theoretical manner. Data collection was done using a researcher-made questionnaire and data analysis was done using structural equation modeling method (PLS software). It can be seen that the social responsibility variable plays an important role in explaining 72% of the changes in the green marketing strategy, the corporate social responsibility, and green marketing strategy variables together explain 37% of the changes in the company's reputation variable. Corporate social responsibility, green marketing strategy, and company reputation are able to explain 59% of the changes in the company's business result variables. The results confirm the research hypotheses, including the impact of green marketing strategy on business results. It is appropriate that the managers of the tourism industry consider social responsibility a moral principle and by applying the green marketing strategy, they can solve the concerns of tourists who support the environment and improve their business performance by creating a strong reputation.

Keywords: Green Marketing Strategy, Corporate Reputation, Corporate Social Responsibility, Business Results

1. Corresponding author. Email: m.soleymanpor@pnu.ac.ir

The Role of Tourism Development in the Physical Changes of Rural Settlements (Case Study: Ziarat Village, Gorgan City) ¹

Fahime Rezaei

MA Student in Geography and Rural Planning, Golestan University, Gorgan, Iran

Alireza Khajeh Shahkoobi ²

Associate Professor in Geography and Rural Planning, Golestan University, Gorgan, Iran

Bahman Sahne

Assistant Professor in Geography and Rural Planning, Golestan University, Gorgan, Iran

Received: 13 September 2022

Accepted: 27 January 2023

Abstract

Tourism in rural areas can play an effective role in all aspects of the villages, including creating employment and income for the villagers, diversifying the activities of the rural economy, helping to provide infrastructure services, and physical-spatial changes in the villages. One of the effects of tourism in villages is physical changes. The research aimed to investigate the role of tourism on the physical changes of the studied village. The statistical population of the descriptive-analytical research consists of heads of households living in Ziarat village. 253 heads of households living in Ziarat village were determined as participants using Cochran's formula. Three indicators "construction", "land use change" and "physical satisfaction" were used in the form of a Likert scale. The data were analyzed using SPSS. The results showed that the physical changes that have taken place due to the development of tourism in the studied village have caused an excessive increase in the construction of second houses and villas, the expansion of tourism facilities and services, the change of agricultural land use to residential land, the increase in land prices, and the destruction of agricultural land on a large scale. Moreover, neglecting the village texture and the spaces needed by a rural family, including a space for keeping livestock and storing agricultural products, and the tendency to create multiple floors in new constructions have caused dissatisfaction among rural residents. Moreover, to reduce the negative consequences of tourism development, it will be necessary to pay more attention to managers and planning agencies in the field of tourism.

Keywords: Tourism, Rural Tourism, Rural Settlements, Gorgan City

1. The paper is extracted from the master's thesis, titled the role of tourism development in the physical transformation of rural settlements; case study: Ziarat village, Gorgan city.

2. Corresponding author. Email:Shahkoobi@gu.ac.ir

Exploring the Regeneration Capacities of Dysfunctional Urban Tissues using Collaborative Planning Approach (Case Study: Shahid Bahonar Town of Mashhad Metropolis)

Esmail Aliakbari ¹

Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran

Seyed Mehdi Mousa Kazemi Mohammadi

Associate Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran

Mostafa Taleshi

Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran

Mohamad Mehdi Moravej Al-Sharieh

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 20 August 2022

Accepted: 12 November 2022

Abstract

Worn-out and inefficient urban tissues are among the complicated challenges of urban development instability. It is vital to recreate these tissues to improve the quality of life. Urban regeneration tries to make sustainable urban communities. Using the factor analysis technique, this study tried to identify the capacities of citizen participation for the participatory planning of Shahid Bahonar town, which is located in the 6th district of Mashhad. The statistical population of this descriptive-analytical study were 33,937 citizens living in Shahid Bahonar town, among of whom 379 participants were randomly selected using Cochran's formula and simple random sampling. The results showed that the capacities of citizen participation for the worn-out parts of Shahid Bahonar have institutional, physical, socio-cultural, economic and environmental aspects, which is a significant relationship between them. Moreover, the relationship is stronger among economic and socio-cultural aspects. Using the single-sample t-test, the capacity of citizen participation in recreating the dysfunctional parts of Shahid Bahonar regarding the institutional, physical, socio-cultural and economic aspects is in an appropriate condition. Since the environmental average is lower than the average number (this is, 3) the capacities of citizens' participation in recreating the dysfunctional fabric of Shahid Bahonar regarding the environmental issues are not good. The results showed that the implementation method of participatory planning for achieving the optimal regeneration of worn-out parts should be done by facilitation offices' coherent planned activities.

Keywords: Participatory Planning, Regeneration, Dysfunctional Tissues, Mashhad Metropolis, Shahid Bahonar Town

1. Corresponding author. Email: aliakbariesmail@yahoo.com

The Relationship between Place Attachment and Participatory Behaviors of Rural Residents (Case Study: Rural District of Mashayekh, Mamasani County)

Raana Shaykh-Baygloo¹

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Department of Geography,
Shiraz University, Shiraz, Iran*

Ebrahim Rastegar

*Assistant Professor in Geography and Rural Planning, Department of Geography, Shiraz
University, Shiraz, Iran*

Arezoo Sepehr Rowshan

*MA Student in Geography and Rural Planning, Department of Geography, Shiraz
University, Shiraz, Iran*

Received: 9 July 2022

Accepted: 21 November 2022

Abstract

Many rural settlements of Iran are facing many problems including low level of employment and income, adverse effects of climate change, and inappropriate access to facilities and services. In this situation, villagers' participatory behaviors in various affairs of the local community can play a positive important role in improving the quality of life and improving the local environment. Considering the importance of the matter, this research investigated the relationship between place attachment and rural residents' participatory behaviors in Mashaikh village rural district. The statistical population of this study is the villages with a population of at least 100 people of Mashayekh rural district, Mamasani County. The analysis unit is all people aged 18 and over. The sampling was done using the classified probabilistic method, and the questionnaire was filled by 380 people. Data were analyzed using some statistical tests by applying SPSS software. Based on the results of One-sample T-test, at 95% confidence level, the average values of participatory behaviors and place attachment are significantly above average. There is a significant positive relationship between villagers' place attachment and their participatory behaviors ($r=0.424$; $p\text{-value}<0.001$). A significant positive relationship was also observed between place attachment and each of the five dimensions of participatory behaviors. The result of one-way analysis of variance showed that there is a significant difference between the studied villages in terms of participatory behaviors. Similar results were obtained for place attachment. Place attachment and participatory behaviors, as two powerful factors, can play an important role in rural development, and the positive relationship between them shows that the two factors can have a desirable and valuable synergy to benefit the rural settlements.

Keywords: Place Attachment, Rural Development, Participatory Behaviors, Local Community

1. Corresponding author. Email: r_shaykh@shirazu.ac.ir

The Application of Somatosensory Temperature based on Golden Ratio Theory in Evaluating the Human Comfort Conditions of Iranian Metropolis

Mohammad Baaghideh ¹

Associate Professor, Department of Climatology and Geomorphology, Faculty of Geography and Environmental Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Fatemeh Mayvaneh

Postdoc Researcher, Department of Climatology and Geomorphology, Faculty of Geography and Environmental Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 28 June 2022

Accepted: 8 January 2023

Abstract

Human comfort is significantly affected by climatic parameters and geographical features. There are few studies that have focused on the role of these two factors together in human comfort. Considering this, this research tried to evaluate different levels of human comfort using the Somatosensory Temperature (ST) index based on the golden ratio theory in 13 Iranian metropolitan cities. The parameters of minimum and maximum temperature, minimum and maximum humidity, precipitation and average wind speed were obtained from the Iran Meteorological Organization for (1991-2020) period. The ST index was designed based on the Golden Ratio theory and the Actual Optimum Comfort Temperature (AOCT) and its important features are significant flexibility to changes in latitude, altitude, and season. The results showed that there is a significant ($\alpha < 0.01$) inverse correlation (-0.867) between latitude and optimal comfort temperature, and this relationship for the height parameter is also with the correlation (-0.607) was significant at the 0.05 level. Bandar Abbas and Ahvaz had the highest frequency of hot thermal sensation and Tabriz had the highest frequency of very cold days. The highest monthly distribution of thermal comfort conditions is estimated for Rasht. For the summer, Tabriz with a total of 21% comfortable conditions has the best situation among other cities, while Ahvaz, Bandar Abbas, Kerman and Yazd have not experienced any of the comfort levels in this season. The highest percentage of the frequency of complete comfort conditions belongs to the autumn, so that in this season, complete comfort prevailed in 9 cities. The use of all the main climate parameters and the possibility of applying various corrections have provided the ST index with the ability to be used in a significant range of latitudes and regions with different altitudes.

Keywords: Human Comfort, Golden Ratio Theory, Somatosensory Temperature, Iranian Metropolis

1. Corresponding author. Email: m.baaghideh@hsu.ac.ir

A Comparative Study of Income Generation of Medicinal Plants and Other Agricultural Products in Villages of Kalat City

Mansoureh Alipour Khesht

PhD Candidate in Geography and Rural Planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Hamid Jafari ¹

Associate Professor, Department of Geography, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Katayoun Alizadeh

Associate Professor, Department of Geography, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 19 April 2022

Accepted: 21 June 2022

Abstract

All over the history cultivating medicinal plants has had a high status in Iran's traditional system of agriculture. It plays a significant role in diversifying the economic sources of villagers. Agricultural activities have increased income, reduced unemployment, and reduced the poverty of the villagers as a result. Planning on planting medicinal plants helps the prosperity and sustainable development. It also helps to improve the economic development, meet the needs of domestic industries, and have significant foreign exchange earnings. This study aimed to compare the income made by producing medicinal plants compared to other crops in the villages of Kalat. This applied research used a descriptive-analytical method. Collecting the required data was done through documentary and field methods. A survey method was used in the case study that is related to the cultivation of medicinal plants in the region. The sample community of the research was the villages where medicinal plants are produced. The results showed that producing medicinal plants constitutes 50.1% of the total income in agricultural sector of the study area. Moreover, planting medicinal plants per hectare creates an average of 523.6% more income than other crops. The results showed as well that the making income per hectare in producing medicinal plants is more than 5 times that of other crops. If villagers pay attention to the issue, it will improve the income and welfare level of villagers and will reduce their immigration.

Keywords: Rural Economy, Income Generation, Medicinal Plants, Kalat City, Khorasan Razavi Province

1. Corresponding author. Email: jafari1421@mshdiau.ac.ir

Measuring Infill Development Capacities in Sabzevar City

Saeed Hossein Abadi ¹

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Bozorgmehr University of
Qaenat, Qaen, Iran*

Ebrahim Akbari

*MSc in Remote Sensing and Geographic Information System, University of Tabriz,
Tabriz, Iran*

Received: 9 March 2022

Accepted: 18 June 2022

Abstract

Urban infill development that emphasizes on utilizing the capacity of vacant and unused land within the built-up areas, dilapidated and brownfield areas is a strategy for controlling urban sprawl and its associated effects. Therefore, this study aimed to measure the capacities of infill development in Sabzevar city that is facing challenge of urban sprawl. The required data of the descriptive-analytical study were collected using library and documentary methods. Thirteen criteria were considered to measure the infill development capacities. Then, using the opinion of experts in Analytical Hierarchy Process (AHP), the weight and priority of each criterion was determined. Moreover, the Fuzzy model was used to standardize, fuzzificate and integrate of layers in GIS software. The results indicated that in Sabzevar city, the central zones have more potential in terms of infill development compared to the skurt zones. Although the central zones have less vacant lands, the placement of these lands within existing neighborhoods and their less distance from built-up lands, as well as other factors such as the existence of dilapidated, old and low-quality buildings, worn-out textures, better access to urban services and facilities, have made central zones of the city have more potential for infill development. About 20.29% of the area of Sabzevar city is quite suitable for infill development, 13.15% is suitable, 41.33% is average, 16.98% is unsuitable, and 8.25% is quite unsuitable. Therefore, there is a significant capacity for infill development in Sabzevar city which, if used, can reduce its sprawl.

Keywords: Physical Development, Infill Development, Fuzzy Logic, AHP, Sabzevar City

1. Corresponding author. Email: hosseinabadi@buqaen.ac.ir

Analysis of the Barriers of Rural Women's Tendency to Participate In the Executive Management of Villages (Case Study: Villages of Zanjan County)

Hamdollah Sojasi Qiedari ¹

Associate Professor in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Ahmad Roumiani

PhD in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Nasrin Jafari

PhD in Geography and Rural Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran

Received: 10 March 2021

Accepted: 12 July 2021

Abstract

In recent years, attention has been paid to the participation of rural women in rural management. However, the entry of women into the field of rural management faces a significant delay. Therefore, the purpose of this research was to analyze the barriers of rural women's tendency to participate in rural executive management in the villages of Zanjan County. Documentary and field methods were used for the descriptive and analytical study to collect data. The statistical population of this research were two levels of local people (319 sample people) and local managers (26 people). The results of Friedman's test showed that from local people's perspective, institutional and organizational barriers with an average rank of 3.32 and economic and financial barriers with an average rating of 2.72 were the highest and lowest causes. On the other hand, analyzing the local managers' ideas showed that institutional and organizational barriers with an average rating of 3.47 and informational and communication barriers with 2.57 are the most and least causes of women's non-participation in village management. The results of the factor analysis test showed that, from local people's point of view, there are individual and personality factors, social and cultural environment, institutional, organizational, informational, communicational and economic factors and from the point of view of local managers, there are social and cultural environment factors, individual and personality, institutional and organizational factors. Informational and communicational and financial factors were the most important barriers. The results showed that there were many barriers in the tendency of rural women to participate in the executive management of villages.

Keywords: Rural Development, Rural Management, Women's Participation, Zanjan County

1. Corresponding author. Email: ssojasi@um.ac.ir

The Analysis of the Impacts of Megamalls on the Sustainability of Local Communities (Case Study: Towns of Abbasabad County)

Farzaneh Sasanpour¹

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Ali Movahed

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Mohamad Soleimani Mehranjani

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Zahra Delfan Azari

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 6 March 2021

Accepted: 12 September 2021

Abstract

Today, an important aspect of developed cities is the construction of large-scale commercial centers such as Megamalls. Abbasabad County is one of the coastal provinces in the north of Iran, which due to the tourism boom in recent years, approximately 18 small and large commercial centers have been built there that seems to have various impacts on economic, physical, social and ecological dimensions of its local communities. In this regard, the main purpose of this essay was to investigate the impacts of Megamalls on these towns. The required data of the applied and descriptive-analytical research were collected through library studies and field studies. The statistical population is the towns of province, which has been estimated to be 386 people selected as sample by using the Cochran formula. Moreover, the final weight of the criteria was determined by nine experts using paired comparison method. Applying the Fuzzy VIKOR model, cities were evaluated and ranked. The result of the research related to the importance of the 78 research criteria showed that the criteria of income, land and housing prices, rent and prices of goods and services are the most important criteria for measuring the sustainability of local communities. In addition, Abbasabad, Salman Shahr and Kelar Abad were ranked first to third in terms of the sustainability of communities with VIKOR with 0.444, 0.450 and 0.533 values, respectively. The average of the sustainability of the whole province with VIKOR at 0.475 shows that the Megamalls have influenced the stability of Abbasabad County and has reduced its stability compared to the time before the construction of the Megamalls.

Keywords: Sustainability, Megamall, Abbas Abad Province, Fuzzy VIKOR Model

1. Corresponding author. Email: sasanpour@khu.ac.ir

Contents	Page
▪ The Analysis of the Impacts of Megamalls on the Sustainability of Local Communities (Case Study: Towns of Abbasabad County).....	1
Farzaneh Sasanpour, Ali Movahed, Mohamad Soleimani Mehranjani, Zahra Delfan Azari	
▪ Analysis of the Barriers of Rural Women's Tendency to Participate In the Executive Management of Villages (Case Study: Villages of Zanjan County).....	2
Hamdollah Sojasi Qiedari, Ahmad Roumiani, Nasrin Jafari	
▪ Measuring Infill Development Capacities in Sabzevar City	3
Saeed Hossein Abadi, Ebrahim Akbari	
▪ A Comparative Study of Income Generation of Medicinal Plants and Other Agricultural Products in Villages of Kalat City	4
Mansoureh Alipour Khesht, Hamid Jafari, Katayoun Alizadeh	
▪ The Application of Somatosensory Temperature based on Golden Ratio Theory in Evaluating the Human Comfort Conditions of Iranian Metropolis.....	5
Mohammad Baaghideh, Fatemeh Mayvaneh	
▪ The Relationship between Place Attachment and Participatory Behaviors of Rural Residents (Case Study: Rural District of Mashayekh, Mamasani County).....	6
Raana Shaykh-Baygloo, Ebrahim Rastegar, Arezoo Sepehr Rowshan	
▪ Exploring the Regeneration Capacities of Dysfunctional Urban Tissues using Collaborative Planning Approach (Case Study: Shahid Bahonar Town of Mashhad Metropolis).....	7
Esmail Aliakbari, Seyed Mehdi Mousa Kazemi Mohammadi, Mostafa Taleshi, Mohamad Mehdi Moravej Al-Sharieh	
▪ The Role of Tourism Development in the Physical Changes of Rural Settlements (Case Study: Ziarat Village, Gorgan City)	8
Fahime Rezaei, Alireza Khajeh Shahkoochi, Bahman Sahne	
▪ Investigating the Impact of Corporate Social Responsibility and Green Marketing on the Development of the Tourism Industry (Case Study: Ardabil Province)	9
Moslem Soleymanpor, Reza Norouzi Ajirloo	
▪ Statistical Modeling of the Relationship between the Angle of Repose and Slope of Nebkha Dune in Ebrahimabad Desert of Sirjan.....	10
Sadegh Karimi, Mohsen Poorkhosravani	

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional
Development

Vol 20, No. 3, Fall 2022, Serial Number 40

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University, Tehran

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad
Branch

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. J. Zomorodiyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran, Tehran

Dr. S. H. Motiee Langroodi
University of Tehran, Tehran

Dr. E. Mafi

Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. S. Velayati

Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Internal Editor:

Dr. R. Doostan

Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

English Language Editor:

A. Nowruzy

Persian Editing of Articles:

Dr. S. M. Fazaeli

Excutive Manager:

Z. Baniasad

Typesetting:

E. Tajvidy

Publisher:

Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30

Price: 20000 Rials

Subscription:

25 US\$ (USA)

20 \$ (other)

Address:

Faculty of Letters & Humanities

Ferdowsi University Campus

Azadi Sq. Mashhad-Iran

Postal Code:

9177948883

Tel: (+98 513) 8806724

Fax: (+98 513) 8807060

E-mail:

jrd@ferdowsi.um.ac.ir

Website:

<http://jgrd.um.ac.ir/>



FERDOWSI UNIVERSITY OF MASHHAD

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 20, No. 3, Fall 2022, Serial Number 40

- The Analysis of the Impacts of Megamalls on the Sustainability of Local Communities (Case Study: Towns of Abbasabad County)..... 1
Farzaneh Sasanpour, Ali Movahed, Mohamad Soleimani Mehranjani, Zahra Delfan Azari
- Analysis of the Barriers of Rural Women's Tendency to Participate In the Executive Management of Villages (Case Study: Villages of Zanjan County)..... 2
Hamdollah Sojasi Qiedari, Ahmad Roumiani, Nasrin Jafari
- Measuring Infill Development Capacities in Sahzevar City 3
Saeed Hossein Abadi, Ebrahim Akbari
- A Comparative Study of Income Generation of Medicinal Plants and Other Agricultural Products in Villages of Kalat City..... 4
Mansourch Alipour Khesht, Hamid Jafari, Katayoun Alizadeh
- The Application of Somatosensory Temperature based on Golden Ratio Theory in Evaluating the Human Comfort Conditions of Iranian Metropolis 5
Mohammad Baaghdeh, Fatemeh Mayvaneh
- The Relationship between Place Attachment and Participatory Behaviors of Rural Residents (Case Study: Rural District of Mashayekh, Mamasani County)..... 6
Raana Shaykh-Baygloo, Ebrahim Rastegar, Arezoo Sepehr Rowshan
- Exploring the Regeneration Capacities of Dysfunctional Urban Tissues using Collaborative Planning Approach (Case Study: Shahid Bahonar Town of Mashhad Metropolis)..... 7
Esmaeil Aliakbari, Seyed Mehdi Mousa Kazemi Mohammadi, Mostafa Taleshi, Mohamad Mehdi Moravej Al-Sharieh
- The Role of Tourism Development in the Physical Changes of Rural Settlements (Case Study: Ziarat Village, Gorgan City) 8
Fahime Rezaei, Alireza Khajeh Shahkoobi, Bahman Sahne
- Investigating the Impact of Corporate Social Responsibility and Green Marketing on the Development of the Tourism Industry (Case Study: Ardabil Province)..... 9
Moslem Soleymanpor, Reza Norouzi Ajirloo
- Statistical Modeling of the Relationship between the Angle of Repose and Slope of Nebkha Dune in Ebrahimabad Desert of Sirjan..... 10
Sadeqh Karimi, Mohsen Poorkhosravi

ISSN: 2008-1391